

## بخش چهارم: حج و اقتصاد کلان



## بررسی تأثیر سفر حج بر اقتصاد عربستان سعودی

منصور زراءنژاد<sup>۱</sup>

امین نوری کوچی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه در بسیاری از کشورها، صنعت گردشگری از مهم‌ترین منابع درآمدی به شمار می‌رود. صنعت گردشگری در برخی از کشورها به علت وجود اماکن مقدس، رونق ویژه‌ای به خود گرفته است. بر این اساس، کشور عربستان با توجه به وجود کعبه و اماکن مذهبی و تاریخی، شرایط منحصر به فردی دارد؛ تا جایی که این کشور را به مکانی بی‌همتا برای همه مسلمانان جهان تبدیل کرده است.

مطالعات گوناگونی در زمینه حج صورت گرفته، اما با این وجود، در همه تحقیقات به بعد اقتصادی حج کمتر توجه کرده‌اند. نوشتار حاضر، به بررسی تأثیر حج بر اقتصاد عربستان سعودی می‌پردازد. متغیرهای تحقیق عبارتند از: تولید ناخالص داخلی غیر نفتی عربستان سعودی، تعداد حجاج و میزان سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در بخش حج.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها روش هم‌جمعی، خود توضیح برداری با وقفه‌های توزیع شده (ARDL)، تصحیح خطای برداری (VECM) و علیت گرنجری است. تمامی داده‌ها برای دوره زمانی (۲۰۰۷ - ۱۹۷۰) از گزارش‌های سالیانه اداره مرکزی ارقام و اطلاعات وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان استخراج شده است. نتایج به دست آمده، حاکی از وجود ارتباط علی یک طرفه‌ای از توسعه حج به رشد اقتصادی است.

واژه‌های کلیدی: حج، رشد اقتصادی، تصحیح خطای برداری، علیت گرنجری

۱. استاد گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.

## مقدمه

حج و مراسم عبادی آن، نه تنها زندگی فردی و عبادی حجاج را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تأثیر شگرفی بر جنبه اجتماعی زندگی امت اسلامی دارد. سیل عظیم جمعیت مشتاق و هم‌دل در هنگام حج، بیش از پیش حس هم‌بستگی و برادری را در میان حجاج زنده می‌کند.

بی‌شک، مراسم حج نمایش بی‌بدیل هم‌بستگی مسلمانان کشورهای سراسر دنیاست؛ مراسمی که بدون توجه به فرقه و کیش، همه هم‌دل در راه رضای خدا و به قصد اطاعت و بندگی او این تکلیف الهی را ادا می‌کنند. فریضه حج، علاوه بر بعد عبادی دارای جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گوناگون بالقوه و بالفعل است. در بعد عبادی، تهذیب اخلاق و تقویت پایه‌های تقوا و خلوص، از برکت‌های حج مقبول است. تعبیر آمرزیده شدن تمامی گناهان در صورت انجام حج مقبول (طوسی، ۱۳۸۵) و تأکید آیه‌ها<sup>۲</sup> (آل عمران: ۹۷) در این زمینه، حاکی از تأثیر بالای حج بر پاکی دل و صفای روح و زدودن آثار گناه است.

از بعد سیاسی و اجتماعی، حج سبب عزت مسلمانان و تحکیم پایه‌های دین و وحدت کلمه و مایه قدرت و شکوه مسلمانان است. حج در بعد اقتصادی نیز می‌تواند بر رفتار اقتصادی حجاج و اقتصاد کشورهای مسلمان<sup>۱</sup> از جمله کشور عربستان سعودی تأثیر بسزایی داشته باشد. این نوشتار، تأثیر حج بر تولید ناخالص غیرنفتی کشور عربستان سعودی را (در قالب تابعی که تأثیر تعداد حجاج کشورهای گوناگون و بودجه اختصاص یافته به بخش حج و زیارت عربستان سعودی بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی این کشور را تبیین کند)، بررسی می‌کند.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. گردشگری و رشد اقتصادی

مبانی نظری فریضه حج از جنبه عبادی، باید در ادبیات مربوط بدان بررسی شود. ولی جنبه اقتصادی حج از نظر مبانی تنوریک را می‌توان به ادبیات گردشگری نزدیک دانست. امروزه صنعت گردشگری جزء بزرگ‌ترین و پردرآمدترین بخش‌های اقتصاد جهانی است. در طول چندین دهه گذشته این صنعت به صورت محسوس رشد داشته و به بخش مهمی از صنایع کشورها تبدیل شده است. طبق

۱. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کسی که به کعبه به عنوان بیت‌الله و قبله عبادت بنگرد و حق امامت و حرمت ما را بشناسد، مانند کسی که آگاه به حق و حرمت کعبه است، خداوند همه گناهانش را می‌آمرزد و هم و غم دنیا و آخرت او را برطرف می‌سازد».

۲. «وَبَلَّغْ عَلَيَّ النَّاسِ حَجَّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».

گزارش «سازمان توریسم جهانی»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱م، تعداد کل گردشگران جهان در سال ۲۰۱۰م بالغ بر ۹۴۰ میلیون نفر بوده که درآمدی بالغ بر ۹۱۹ میلیارد دلار ایجاد کرده است. صنعت گردشگری به دلیل فراهم آوردن منابع اولیه برای ایجاد درآمد، اشتغال، رشد بخش خصوصی و ایجاد زیرساخت‌های توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (جی،<sup>۲</sup> ۱۹۹۹) بنابراین، توسعه گردشگری نه تنها سبب رشد و پویایی صنایع گوناگون می‌شود، بلکه رشد اقتصادی در سراسر اقتصاد را تسهیل می‌بخشد. (لی و چانگ،<sup>۳</sup> ۲۰۰۸) از این رو، بسیاری از کشورها به بهبود رشد اقتصادی از کانال توسعه صنعت گردشگری را به‌عنوان یک استراتژی به کار بردند. در همین راستا و همزمان با اهمیت یافتن صنعت گردشگری در اقتصاد کشورها، مطالعات متعددی نیز در این زمینه صورت گرفته است.

در مورد ارتباط بین توسعه گردشگری و رشد اقتصادی، سه فرضیه وجود دارد که عبارت‌اند از: رشد اقتصادی توریسم محور؛ رشد توریسم در اثر رشد اقتصادی و ارتباط دوسویه بین این دو. (اوه،<sup>۴</sup> ۲۰۰۵) در فرضیه رشد اقتصادی توریسم محور که در مطالعات تجربی نظیر: «بالگوئر» و «جوردا»<sup>۵</sup> (۲۰۰۲)، «دریساکیس»<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، «دوبری»<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) و «اوه» (۲۰۰۵) تأیید شده، رشد صنعت گردشگری، علت رشد اقتصادی به شمار می‌رود. در این راستا، رشد گردشگری به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم، سبب رشد اقتصادی می‌شود. رشد گردشگری به صورت مستقیم، بخشی از صنعت خدمات کشور محسوب می‌شود و از این رو درآمد حاصل از آن بخشی از تولید ناخالص داخلی آن کشور محسوب و سبب رشد اقتصادی می‌شود. در رشد گردشگری به صورت غیر مستقیم، توسعه گردشگری از طریق اثر پویایی که در کل اقتصاد به شکل اثرات سرریز و دیگر آثار خارجی دارد، سبب رشد اقتصادی می‌شود (ماروین،<sup>۸</sup> ۱۹۹۲). در این حالت، گردشگری به علت تعامل بسیاری که با دیگر فعالیت‌های اقتصادی دارد، چنانچه رونق پیدا کند، سایر فعالیت‌های اقتصادی که به آن کالا یا خدمت ارائه و یا محصول آن را مصرف می‌کنند، همراه با آن به حرکت درخواهند آمد. به عبارت دیگر، گردشگری به این شکل، به‌عنوان موتور

۱. World Tourism Organization.

۲. Gee.

۳. Lee & Chang.

۴. Oh.

۵. Balaguer & Jorda.

۶. Dritsakis.

۷. Durbarry.

۸. Marin.



برای رشد اقتصادی عمل می‌کند که سایر فعالیت‌ها را نیز به دنبال خود به تحرک وا می‌دارد. از سوی دیگر، برخی همچون «کالدران» و «ویلسون»<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، «لانزا» و دیگران<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) و «ناریان»<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، رشد اقتصادی را به این علت که شرایط را برای توسعه تسهیلات و زیربنای گردشگری مانند: توسعه حمل و نقل و راه‌ها، توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه اماکن اقامتی، توسعه بهداشت عمومی و همچنین توسعه تسهیلات تفریحی فراهم می‌آورد، سبب توسعه گردشگری می‌دانند.

در فرضیه تأثیر متقابل رشد اقتصادی و توسعه گردشگری که در مطالعات تجربی «کیم» و دیگران<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) و «شان» و «ویلسون»<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) مورد تأیید قرار گرفته، پیش‌بینی می‌شود که رونق در هریک از دو بخش، سبب توسعه و پیشرفت در بخش دیگر شود.

#### ۱ - ۲. مطالعات انجام گرفته در زمینه حج

حج و تاثیرهای گوناگون آن بر زندگی بشر، همواره از موضوع‌های مورد علاقه محققان در علوم گوناگون بوده است که از آن جمله می‌توان به «دلاینی»<sup>۶</sup> (۱۹۹۰)، «یونگ»<sup>۷</sup> (۱۹۹۳)، «مورفی»<sup>۸</sup> (۱۹۹۴)، «دونان»<sup>۹</sup> (۱۹۹۵)، «اوبرین»<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۹)، «کریمر» و دیگران<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸) و... اشاره کرد. اما با مروری گذرا به مطالعاتی که در این زمینه انجام شده، در می‌یابیم که به بعد اقتصادی حج بسیار کم توجه کرده‌اند؛ هرچند که لزوم توجه به این بعد به روشنی احساس می‌شود.

در ادامه به اختصار به بیان بررسی‌هایی که در زمینه اقتصادی حج انجام شده می‌پردازیم. «ترنر»<sup>۱۲</sup> (۱۹۷۳) به بررسی تأثیر حج بر رشد اقتصادی عربستان پرداخته است. او با اشاره به طبیعت

۱. Kulendran & Wilson.

۲. Lanza. And Temple & Urga.

۳. Narayan.

۴. Kim. And Chen & Jang.

۵. Shan & Wilson.

۶. Delaney.

۷. Young.

۸. Murphy.

۹. Donnan.

۱۰. O'Brien.

۱۱. Kremer. And Khwaja & Clingingsmith.

۱۲. Turner.

واجب حج و سختی‌هایی که زائران در این سفر متحمل می‌شوند، حج را با سفر توریستی کاملاً متمایز دانسته و می‌گوید مشکل است که بگوییم زائران مانند گردشگران به دنبال لذت بردن هستند یا حتی انتظار لذت بردن را دارند.

در این نوشتار، تنها تعداد زائران حج غیر واجب در نظر گرفته شده و نقش حج در رشد اقتصادی عربستان مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب نتایج تحقیق نشان داد که حج سبب رونق اقتصاد عربستان شده است.

«کوهن»<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) در مطالعه خود، حج را علاوه بر انجام مناسک واجب، به‌عنوان شکلی از گردشگری در نظر گرفته و به بررسی نقش حج بر رشد اقتصادی کشور عربستان پرداخته است. این مطالعه براساس مطالعه «رابینسون»<sup>۲</sup> (۱۹۷۲) است که در آن گردشگران در کشورهایمانند: «هند» و «آسیای جنوبی» منابع درآمدی برای رشد این کشورها بوده‌اند. کوهن نیز همچون «نونز»<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) مکه را به‌عنوان مقصد گردشگری بی‌همتایی در طول عصرهای گوناگون معرفی کرده است. از دید کوهن حج همانند سفری توریستی است که در آن زائران همانند گردشگران، سفری ارادی و موقتی انجام می‌دهند و هدف‌شان کسب مطلوبیت است. نتایج این تحقیق نشان داد که حج مانند توریسم، سبب تسهیل فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.

«سردار»<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) در مطالعه خود با عنوان «ابعاد روحانی و جسمانی حج» اظهار می‌دارد که تجربه غیرمادی و روحانی سفر حج، عاملی برای کم‌رنگ شدن سختی مناسک حج است. او لذت واقعی این سفر را، حضور در فضای معنوی و آرامش بخش اماکن مقدس می‌داند. در واقع از نظر سردار، هدف گردشگران و حاجیان از سفر، کسب مطلوبیت است. اما لذت سفر حج از نوع غیرمادی و معنوی است. دسته دیگری از مطالعات انجام شده به بررسی تأثیر حج بر اقتصاد فردی اختصاص دارد. این دسته از مطالعات، سه رویکرد گوناگون دارند. دو رویکرد آن مبتنی بر دیدگاه‌های کاملاً جدی و افراطی در مورد بعد فردی اقتصادی حج است. اما رویکرد سوم در واقع، رویکرد ترکیبی و تعدیل شده است. رویکرد اول، شامل مطالعاتی همچون: «سوئیفت»<sup>۵</sup> (۱۹۶۴)، «گوسلینگ»<sup>۶</sup> (۱۹۶۰)، «نش»<sup>۷</sup> (۱۹۷۸)،

۱. Cohen.

۲. Robinson.

۳. Nunez.

۴. Sardar.

۵. Swift.

۶. Gosling.

۷. Nash.



«برکس»<sup>۱</sup> (۱۹۷۷)، «لانگ»<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) و «اسماعیل»<sup>۳</sup> (۱۹۷۹) است. براساس این رویکرد، بیشتر حجاج افرادی فقیر و ساکن مناطق روستایی هستند که بدون توجه به شرط استطاعت، برای پرداخت مخارج حج مجبوراند تا بخش بیشتری از درآمد خود را پس‌انداز و یا هزینه این سفر را با قرض‌های سنگین پرداخت کنند.

برخلاف این رویکرد، رویکرد دوم وجود دارد که شامل مطالعاتی مانند: «لکارد»<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) و «بیلرچی آر»<sup>۵</sup> (۱۹۸۰) است. طبق این رویکرد بیشتر حجاج، از قشر ثروتمند جامعه هستند که برای تأمین هزینه حج مشکلی ندارند و به عبارت دیگر، پرداخت هزینه این سفر، تأثیر چندانی بر زندگی فردی این اشخاص ندارد. در رویکرد سوم، محققانی همچون: «گرابون»<sup>۶</sup> (۱۹۷۷) و «اوان هاد»<sup>۷</sup> (۱۹۷۹) بر این باوراند که حجاج از هر دو قشر فقیر و غنی جامعه هستند. اما با وجود این، هیچ نسبت آماری برای این ترکیب ارائه نشده است. این دیدگاه با توجه به نزدیکی آن به واقعیت، کمتر مورد نقد قرار گرفته است.

در زمینه تأثیر حج بر اقتصاد کشورهای مبدأ نیز بررسی‌هایی صورت گرفته؛ از جمله: «خدیو»<sup>۸</sup> (۱۹۸۲) به بررسی بعد اقتصادی حج بر زندگی کشاورزان کشور «مالزی» پرداخته است. براساس این مطالعه، بسیاری از حجاج مالزی کشاورز هستند. بررسی سیر تاریخی سفر حج در کشور مالزی، نشان داد که هزینه‌های سفر حج با توجه به شرایط تورمی و تغییر وسایل حمل و نقل از کشتی به هواپیما، سبب افزایش میزان سرمایه خارج شده از بخش کشاورزی مالزی شده و این عامل به نوبه خود، تأثیر منفی بر بخش کشاورزی این کشور داشته است. اما این فرضیه که سفر حج سبب فقر کشاورزان شده باشد، تأیید نشده است.

«تانگبان»<sup>۹</sup> نیز (۱۹۹۱) در پژوهشی، به بررسی تأثیر حج بر اقتصاد «نیجریه» پرداخته و ابعاد اقتصادی گوناگون مثبت و منفی حج بر اقتصاد نیجریه را بررسی کرده است. براین اساس،

۱. Birks.

۲. Long.

۳. Ismail.

۴. Lockard.

۵. Bailey Jr.

۶. Grabum.

۷. Awang Had.

۸. Kadir.

۹. Tangban.



وجه پرداختی به دولت عربستان سعودی برای صدور ویزا، کمک هزینه سفر اهدایی به زائران و بودجه سالیانه پرداختی به هیئت حج به عنوان تأثیر اقتصادی منفی حج بر اقتصاد نیجریه تلقی شده است. اما از سویی حج آثار مثبتی بر اقتصاد نیجریه داشته است؛ زیرا حج به عنوان یک محرک، سبب تسهیل فعالیت‌های اقتصادی معینی در مدت مشخصی از سال می‌شود؛ و بخش‌های حمل و نقل زمینی و دریایی، صنایع غذایی، صنایع نساجی و صنایع داروسازی نیجریه در زمان حج رونق می‌گیرند. اما براساس یافته‌های این تحقیق، تأثیرهای منفی حج بیشتر از تأثیرهای مثبت آن بر اقتصاد نیجریه است.

## ۲. روش تحقیق

در این پژوهش، برای بررسی رابطه بلندمدت (هم‌جمعی)<sup>۱</sup> تأثیر حج بر اقتصاد عربستان سعودی، از روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده<sup>۲</sup> و برای بررسی رابطه علی بین متغیرها از آزمون علیت گرنجر<sup>۳</sup> استفاده می‌شود.

### ۲ - ۱. روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده

زمانی که متغیرها غیر ایستا باشند، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی<sup>۴</sup>، نتایج گمراه کننده‌ای در پی خواهد داشت و آماره‌های  $F$  و  $t$  از اعتبار لازم برخوردار نخواهند بود؛ مگر اینکه ترکیب خطی متغیرهای ایستا، روند مشترک ایستایی را ایجاد کند که به آن هم‌جمعی می‌گویند. یکی از این روش‌هایی که بیشتر منجر به هم‌جمعی می‌شود، روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده است که در حالتی که متغیرها جمعی از مرتبه یک و صفراند نیز کاربرد دارد.

«پسران و شین»<sup>۵</sup> (۱۹۹۵) ثابت کرده‌اند که اگر بردار هم‌جمعی از به کارگیری روش حداقل مربعات بر یک رابطه خود برگشت با وقفه‌های توزیعی مناسب به دست آید، علاوه بر اینکه برآوردگر حداقل مربعات، توزیع نرمال دارد، در نمونه‌های کوچک نیز از اربب کمتر و کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی با  $p$  وقفه برای متغیر وابسته  $(y)$  و  $q_i$  وقفه برای متغیر مستقل نام  $(X_{it})$ ، به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

۱. Cointegrated.

۲. ARDL.

۳. Granger causality.

۴. Ordinary Least Square (OLS).

۵. Pesaran and shin.



$$\phi(L, p)y_t = \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i)X_{it} + \delta W_t + u_t \quad (1)$$

$$\phi(L, p) = 1 - \phi_1 L - \phi_2 L^2 - \dots - \phi_p L^p \quad (2)$$

$$\beta_i(L, q_i) = 1 - \beta_{i1} - \beta_{i2} L^2 - \dots - \beta_{iq_i} L^{q_i} \quad (3)$$

$X_{it}$  = بردار متغیرهای توضیحی به کار گرفته شده در مدل؛

$y_t$  = متغیر وابسته در مدل؛

$q_1, \dots, q_i$  = تعداد وقفه‌های بهینه مربوط به هر یک از متغیرهای توضیحی؛

$p$  = تعداد وقفه بهینه مربوط به متغیر وابسته؛

$W$  = برداری از متغیرهای قطعی (غیر تصادفی)، مانند: عرض از مبدأ، متغیر روند، متغیرهای مجازی

و متغیرهای برون زا با وقفه‌های ثابت.

برای تعیین وقفه بهینه برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، ابتدا باید رابطه بالا را به روش حداقل مربعات معمولی برای کلیه ترکیبات ممکن مقادیر  $m, p = 1, \dots, m$  و  $q_i = 1, \dots, m$  و به عبارتی به تعداد  $(m+1)^{k+1}$  بار برآورد کرد و سپس از میان  $(m+1)^{k+1}$  رگرسیون برآورد شده، یکی از آنها را با توجه به یکی از چهار ضابطه آکائیک<sup>۱</sup>، شوارز-بیزین<sup>۲</sup>، حنان - کوئین<sup>۳</sup> یا  $R^2$  تعدیل شده انتخاب کرد. در مرحله سوم، ضرایب مربوط به الگوی بلندمدت و انحراف معیار مجانبی مربوط به ضرایب بلندمدت براساس الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی محاسبه می‌شوند. (پسران و پسران،<sup>۴</sup> ۱۹۹۷)

پسران و شین، در مورد تصحیح وقفه‌های الگو، به کارگیری معیار اطلاعاتی شوارتز بیزین (SBC) را پیشنهاد می‌کنند؛ زیرا این ضابطه در تعداد وقفه‌های بهینه صرفه‌جویی می‌کند.

## ۲-۲. آزمون علیت گرنجری

گرنجر<sup>۵</sup> (۱۹۶۹)، این واقعیت که «آینده نمی‌تواند علت گذشته باشد» را به کار برد، و علیت را به این صورت تعریف کرد که اگر مقادیر جاری  $Y_t$  را بتوان با استفاده از مقادیر گذشته  $X_t$ ، با دقت

۱. Akaike.

۲. Schwarz-Bayesian.

۳. Hannan-Quinn.

۴. Pesaran and Pesaran.

۵. Granger.

بیشتری نسبت به حالتی که از مقادیر گذشته  $X_t$  استفاده نمی‌شود، پیش‌بینی کرد، در این صورت  $X_t$ ، علت گرنجری  $Y_t$  است. در آزمون علیت گرنجری، برای آزمون این فرضیه که  $X_t$  علت گرنجری  $Y_t$  نیست، یک مدل (VAR) به شکل زیر تشکیل داده می‌شود:

$$Y_t = \sum_{i=1}^k \alpha_i Y_{t-i} + \sum_{i=1}^k \beta_i X_{t-i} + u_t \quad (4)$$

اگر برای  $K=1, 2, \dots, K$  ضرایب  $\beta_i$ ها برابر با صفر باشند،  $X_t$  علیت گرنجری  $Y_t$  نیست. در این آزمون، طول وقفه  $K$ ، تا حدودی انتخابی است. جیونیک<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، معتقد است که اعتبار آزمون به رتبه مدل (VAR) و ایستایی متغیرها بستگی دارد. اگر متغیرها ناپایا باشند، اعتبار این آزمون کاهش می‌یابد. از نظر گرنجر (۱۹۸۶)، این آزمون زمانی معتبر است که متغیرها هم‌جمع نباشند. بنابراین، در ابتدا باید پایایی و ناپایایی متغیرها و سپس، رابطه هم‌جمعی بین آنها را بررسی کرد. اگر متغیرها پایا از درجه یک، ولی غیر هم‌جمع باشند، می‌توان یک مدل (VAR) روی تفاضل اول متغیرها تشکیل داده، سپس آزمون را انجام داد.

### ۳. بررسی نتایج تجربی تحقیق

#### ۳-۱. معرفی مدل

در این پژوهش، برای بررسی تأثیر حج بر اقتصاد (تولید ناخالص داخلی) عربستان از تعداد حجج کشورهای گوناگون و سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در بخش حج به صورت مدل زیر استفاده می‌شود:

$$LGDP = F(LN, LI) \quad (5)$$

که در آن (LGDP) نشانگر تولید ناخالص داخلی، (LN) لگاریتم تعداد حجج وارد شده به عربستان و (LI) لگاریتم سرمایه‌گذاری در بخش حج است.

با توجه به اینکه اقتصاد کشور عربستان سعودی کاملاً تحت تأثیر درآمدهای نفتی این کشور قرار دارد، به منظور بررسی تأثیر بخش حج در اقتصاد این کشور، (GDP) این کشور به صورت غیر نفتی و حقیقی و به قیمت ثابت سال (۱۹۹۹) در نظر گرفته شده است. در این بررسی، بودجه اختصاص یافته به وزارت حج این کشور به عنوان متغیر جایگزین برای سرمایه‌گذاری در بخش حج در نظر گرفته شده و با استفاده از شاخص قیمت کالاها و خدمات دولتی به قیمت ثابت (۱۹۹۹)، به صورت حقیقی درآمده است. تمامی داده‌ها، مربوط به دوره زمانی (۱۹۷۰ - ۲۰۰۷) است که از گزارش‌های سالانه اداره مرکزی ارقام و اطلاعات وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان سعودی استخراج شده است.

۱. Geweke.



### ۲.۳ بررسی پایایی متغیرها

به کارگیری روش‌های سنتی در اقتصاد سنجی، مبتنی بر فرض پایایی متغیرهاست. اما بررسی‌های انجام شده در این زمینه، نشان‌دهنده این مطلب است که بیشتر سری‌های زمانی کلان اقتصادی غیرساکن هستند. بنابراین، براساس نظریه هم‌جمعی، لازم است تا نسبت به پایایی متغیرهای مورد مطالعه اطمینان حاصل شود. از این رو، در این پژوهش از آزمون ریشه واحد دیکی - فولر<sup>۱</sup> (ADF) تعمیم یافته استفاده شده است.

آزمون (ADF) بر روی متغیرهای مدل برای سال‌های (۱۹۷۰-۲۰۰۷) انجام و نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق

نتیجه	سطح معناداری	مقدار بحرانی مکینون	آماره آزمون	تعداد وقفه	روند	عرض از مبدا	متغیر
پایا	۵ درصد	۳/۵۴	۵/۶۸	۳	دارد	دارد	LGD P
ناپایا	۵ درصد	۳/۵۴	۲/۹۶	۳	دارد	دارد	LN
پایا	۵ درصد	۲/۹۵	۷/۵۷	۲	ندارد	دارد	DLN
ناپایا	۵ درصد	۳/۵۴	۲/۴۶	۳	دارد	دارد	LI
پایا	۵ درصد	۲/۹۵	۵/۶۲	۲	ندارد	دارد	DLI

مأخذ: یافته‌های پژوهش

توضیح: نماد D پیش از نام هر متغیر نشان‌دهنده تفاضل مرتبه اول آن متغیر است. براساس آزمون‌های انجام شده، در متغیرهای مورد نظر تنها (LGDP) پایا از درجه صفر یعنی  $I(0)$  و بقیه پایا از درجه یک یعنی  $I(1)$  هستند.

### ۳-۳. آزمون هم‌جمعی به روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده

در قسمت قبل نشان داده شد که متغیرهای سرمایه‌گذاری در بخش حج و تعداد حجاج در سطح اطمینان ۹۵ درصد مانا از درجه یک و متغیر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی، مانا از درجه صفر است. بنابراین، چون همه متغیرها  $I(1)$  نیستند، برای برآورد رابطه پویا، بلند مدت و تصحیح خطا از روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده استفاده می‌شود. برای بررسی هم‌جمعی (رابطه بلند مدت)

۱. Dickey-Fuller.

میان متغیرها، می‌توان از روش آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیث<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، مبتنی بر رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیر مقید (UECM)، شامل رابطه پویا و رابطه تعادلی بلند مدت استفاده کرد.

شکل تصحیح خطای غیر مقید متغیرها به صورت زیر است:

$$\Delta \text{LogGDP}_t = \alpha_0 + \sum_{k=1}^{nl} \alpha_{1k} \Delta \text{LogGDP}_{t-k} + \sum_{k=1}^{nl} \alpha_{2k} \Delta \text{LogI}_{t-k} + \sum_{k=1}^{nl} \alpha_{3k} \Delta \text{LogN}_{t-k} + \beta_0 \text{LogGDP}_{t-1} + \beta_1 \text{LogI}_{t-1} + \beta_2 \text{LogN}_{t-1} \quad (6)$$

که در آن  $\Delta$  عملگر تفاضل است.

بر اساس معیار شوارز-بیزین و آکائیک، طول وقفه بهینه به استناد جدول زیر یک است.

جدول ۲: تعیین تعداد وقفه بهینه در الگوی مربوط به مدل

وقفه	معیار آکائیک	معیار بیزین - شوارز
۰	-۱۱۵۵/۱	-۱۱۵۷/۴
۱	-۱۰۵۲/۱	-۱۰۶۱/۲
۲	-۱۰۵۴/۵	-۱۰۷۰/۵
۳	-۱۰۵۸/۶	-۱۰۸۱/۵
۴	-۱۰۵۷/۰	-۱۰۸۶/۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به طول وقفه بهینه، مدل (۶) با استفاده از نرم افزار (MICROFIT) و به روش (OLS) تخمین زده می‌شود.

پس از برآورد رگرسیون بالا، جهت حصول اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، قید زیر اعمال می‌شود:

$$\beta_0 = \beta_1 = \beta_2 = 0$$

آماره آزمون F به دست آمده در این مورد، ۵/۲۲ است. پس از محاسبه مقدار آماره آزمون، می‌بایست آن را با مقادیر بحرانی ارائه شده به وسیله پسران شین و اسمیث (۲۰۰۱)، مقایسه کرد. مقادیر بحرانی متناظر با دو متغیر توضیحی و عرض از مبدأ در سطح ۹۵ درصد ۴/۸۵ است. مقایسه مقدار آماره آزمون با مقادیر بحرانی ارائه شده مبین تأیید فرضیه وجود رابطه بلندمدت (هم‌جمعی) بین متغیرهای

۱. Pesaran, M. H., Shin, Y. and Smith.

مورد بررسی در سطح قابل قبولی است.

پس از آزمون هم‌جمعی و اطمینان از وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای مورد بررسی، به منظور تخمین رابطه بلندمدت سطح توسعه اقتصادی و پویایی کوتاه مدت تعدیل‌های رویکرد مدل‌سازی (ARDL) پسران و شین (۱۹۹۹) و مدل تصحیح خطای غیر مقید (UECM) به کار می‌رود. در مدل تصحیح خطای غیر مقید، ضرایب بلند مدت از طریق تقسیم ضرایب متغیرهای توضیحی وقفه سطح اول متغیرها بر ضریب وقفه سطح اول متغیر وابسته (در معادله ۶) با (یک علامت منفی) به دست می‌آیند.

نتایج تخمین به صورت زیر است:

جدول ۳: نتایج ضرایب بلندمدت

متغیر	ضریب	آماره $t$	نتیجه
LN	۱/۰۱	۱/۸۸	معنادار
LI	۰/۰۳۸	۱/۹۳	معنادار

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق ضرایب بلند مدت مدل تصحیح خطای غیر مقید تمامی متغیرها بلندمدت از لحاظ آماری و اقتصادی معنا دارند. در این مرحله، پس از اطمینان از وجود رابطه بلند مدت، مدل پویای (ARDL) را با وقفه‌هایی که به وسیله شوارز - بیزین از طریق سیستم تعیین می‌شود، تخمین می‌زنند. این معیار، به متغیر تولید ناخالص داخلی و تعداد حجاج، یک وقفه می‌دهد و برای سایر متغیرها هیچ وقفه‌ای را در نظر نمی‌گیرد. با مشخص شدن متغیرهای الگو، نتیجه برآورد مدل به صورت  $(ARDL(1, 0, 1))$  است.

$$LGDP_t = -1/6 + 0/77 LGDP_{t-1} + 0/12LI_t + 0/07LN_t + 0/23LN_{t-1}$$

$$t: (2/27)(33/50)(-2/97) (1/43) (4/27)$$

$$Prob: (0/03)(0/000)(0/006) (0/16) (0/000)$$

(۷)

$$R^2 = 0/99 F = 128/6 DW = 1/11$$

با توجه به آزمون خود همبستگی سریالی (LM)، مدل دارای همبستگی سریالی نیست؛ زیرا آماره  $F$  آزمون  $0/76(0/38)$  است و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود مشکل خود همبستگی رد نمی‌شود. مدل از نظر نرمال بودن نیز مشکلی ندارد و آماره  $(BJ)$  آزمون نرمالیتی برابر با  $0/23(0/71)$  است و فرضیه صفر مبنی بر توزیع نرمال جملات پسماند پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون (RESET) رمزی نشان می‌دهد که فرم تابع مشکل تصریح ندارد و آماره  $F$  آزمون برابر  $0/27(0/60)$  است و فرضیه

صفر، مبنی بر شکل تبعی صحیح رد نمی‌شود. همچنین، مدل فاقد واریانس ناهمسانی است؛ زیرا مطابق با آزمون (ARCH)، آماره  $F$  آزمون برابر با  $(0/19)$   $1/74$  است و فرضیه صفر، مبنی بر واریانس ناهمسانی رد نمی‌شود.

اکنون با توجه به نتایج معادله (۴) عدم همجمعی بین متغیرهای الگو را بررسی می‌کنیم. بدین ترتیب، کمیت مورد نظر برای انجام این آزمون به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \alpha_{i-1} \cdot 0.71 - 1}{\sum_{i=1}^p s \alpha_i \cdot 0.25} = -11/4$$

با توجه به کمیت بحرانی مربوط در سطح اطمینان ۹۹ درصد  $3/92$  - است، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرهای الگو رد می‌شود. بنابراین، وجود یک رابطه تعادلی بلند مدت بین متغیرهای الگوی فوق تأیید می‌شود. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، می‌توان روابط بلندمدت را تفسیر کرد. نتایج حاصل از رابطه بلند مدت مربوط به مدل (ARDL) با وقفه‌هایی که به وسیله شوارز-بیزین از طریق سیستم تعیین می‌شود، به صورت زیر است.

$$LGDP = -0.7/4 + 0.05 LI + 1/4 LN \quad (8)$$

$$\text{Prob: } (0/00)(0/02)(0/002)$$

همان‌گونه که در رابطه بلندمدت (۸) مشاهده می‌شود، ضرایب، تفاوت چندانی با ضرایب بلندمدت مدل تصحیح خطای غیر مقید (UECM) در جدول (۳) ندارند و تمامی ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند.

### ۳-۴. بررسی رابطه علی بین متغیرها

برای بررسی رابطه علی بین متغیرها، از مدل (VECM) معرفی شده به وسیله انگل و گرنجر (۱۹۸۷) به صورت زیر استفاده می‌شود. در این الگو (ECT)، باقی مانده‌های رابطه هم‌جمعی به دست آمده در مرحله پیشین است که با یک وقفه به عنوان تصحیح خطا در مدل (VECM) استفاده شده است.

$$\Delta LN_t = \mu_1 + \sum_{i=1}^{p-1} \gamma_{1p} \Delta LN_{t-p} + \sum_{i=1}^{p-1} \delta_{1p} \Delta LGDP_{t-p} + \sum_{i=1}^{p-1} \beta_{1p} \Delta LI_{t-p} + \alpha_1 ECT_{t-1} + \varepsilon_{1t} \quad (9)$$

$$\Delta LGDP_t = \mu_2 + \sum_{i=1}^{p-1} \delta_{2p} \Delta LGDP_{t-p} + \sum_{i=1}^{p-1} \gamma_{2p} \Delta LN_{t-p} + \sum_{i=1}^{p-1} \beta_{2p} \Delta LI_{t-p} + \alpha_2 ECT_{t-1} + \varepsilon_{2t} \quad (10)$$

$$\Delta LI_t = \mu_3 + \sum_{i=1}^{p-1} \beta_{3p} \Delta LI_{t-p} + \sum_{i=1}^{p-1} \delta_{3p} \Delta LGDP_{t-p} + \sum_{i=1}^{p-1} \gamma_{3p} \Delta LN_{t-p} + \alpha_3 ECT_{t-1} + \varepsilon_{3t} \quad (11)$$

در این روابط، ضرایب (ECT) و به عبارتی  $\alpha_i$ ها، نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت رابطه تعادلی



بلندمدت هستند. پسماندهای معادله‌ها و یعنی  $E_{1t}$ ،  $E_{2t}$  و  $E_{3t}$  ممکن است با یکدیگر هم‌بستگی داشته باشند، اما همگی نوفه سفید هستند. طبق نخستین معادله بالا، ضرایب  $\gamma_{1p}$ ،  $\delta_{1p}$  و  $\beta_{1p}$  تأثیر رشد تولید ناخالص داخلی، رشد تعداد حجاج و رشد سرمایه‌گذاری در دوره  $t$  بر تولید ناخالص داخلی دوره جاری را نشان می‌دهند.

علیت کوتاه‌مدت، تحت فرضیه صفر که در آن تمام ضرایب وقفه‌ها صفر هستند، بررسی می‌شود. برای نمونه، چنانچه فرضیه صفر  $\delta_{11} = \delta_{12} = \delta_{13} = 0$  رد نشود، تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی علیت گرنجری رشد حجاج کشورهای گوناگون نیست. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۴ و ۵ آورده شده است.

جدول ۴: نتایج بررسی علیت گرنجری LN و LGDP

نتیجه آزمون	احتمال	آماره F	فرضیه صفر
فرضیه صفر رد می‌شود.	۰/۰۰	۳۱/۰۴	رشد تعداد حجاج، علت تولید ناخالص داخلی نیست.
فرضیه صفر رد نمی‌شود.	۰/۶۲	۰/۲۳	تولید ناخالص داخلی، علت رشد تعداد حجاج نیست.

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۵: نتایج بررسی علیت گرنجری LN و LI

نتیجه آزمون	احتمال	آماره F	فرضیه صفر
فرضیه صفر رد نمی‌شود.	۰/۴۵	۰/۵۶	رشد تعداد حجاج، علت سرمایه‌گذاری در بخش حج نیست.
فرضیه صفر رد نمی‌شود.	۰/۸۸	۰/۰۲	سرمایه‌گذاری در بخش حج علت رشد تعداد حجاج نیست.

مأخذ: نتایج تحقیق

در بررسی علیت بلندمدت بین متغیرهای معادله‌های ارائه شده، تأیید فرضیه صفر بودن ضریب ECM نشان‌دهنده عدم وجود علیت بلندمدت بین متغیرهای مدل است. جدول (۶) نتایج این آزمون را ارائه می‌دهد.

جدول ۶: نتایج بررسی علیت بلندمدت بین متغیرها

نتیجه آزمون	احتمال	آماره F	فرضیه صفر
فرضیه صفر رد می‌شود.	۰/۰۰	۱۱/۰۶	رشد تعداد حجاج، علت بلند مدت تولید ناخالص داخلی نیست.
فرضیه صفر رد نمی‌شود.	۰/۸۲	۰/۰۴	تولید ناخالص داخلی، علت بلندمدت رشد تعداد حجاج نیست.

مأخذ: نتایج تحقیق



نتایج جدول (۴)، نشان‌دهنده وجود علیت کوتاه مدت از سوی رشد تعداد حجاج به سمت تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی و عدم وجود علیت گرنجری از سوی تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی به سمت رشد تعداد حجاج است. به‌طور مشابه جدول (۵) نیز عدم وجود علیت گرنجری از سرمایه‌گذاری در بخش حج عربستان به سمت رشد تعداد حجاج و برعکس را نشان می‌دهد. جدول (۶)، نشان‌دهنده این واقعیت است که در بلندمدت، تنها رشد تعداد حجاج عامل رونق اقتصاد کشور عربستان سعودی شده و تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی، تاثیری بر رشد تعداد حجاج نداشته است.

#### ۴. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

تحقیق و بررسی‌های گوناگون در مورد حج، همگی نشان از اهمیت بالای حج در ابعاد گوناگون سیاسی و فرهنگی دارد. در همین راستا، مطالعاتی که بعد اقتصادی حج را بررسی کرده‌اند، تا اندازه‌ای ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی حج را نشان داده‌اند. تأثیر حج بر اقتصاد داخلی کشورها و از جمله کشور عربستان از موضوع‌های مهم در این زمینه است. استفاده از این ظرفیت‌های بالقوه، سبب پیشرفت کشورهای اسلامی خواهد بود. ابعاد اقتصاد حج از نظر تئوریک، می‌تواند با ادبیات گردشگری قابل توجه باشد. امروزه، گردشگری از منابع مهم درآمدی در بسیاری از کشورهاست. صنعت گردشگری در ده‌های اخیر، بیش از پیش مورد توجه کشورهای گوناگون قرار گرفته است؛ تاجایی که تبلیغات گسترده‌ای برای نشان دادن هر چه بیشتر جذابیت جاذبه‌های گوناگون دنیا صورت می‌گیرد. در این میان، کشور عربستان با توجه به وجود کعبه شریفه و دیگر اماکن مقدس مذهبی، بی‌نیاز از این گونه تبلیغات است.

بدین ترتیب، نتایج این تحقیق نشان داد که آثار و برکت‌های حج، تأثیرهای اقتصادی مثبتی بر کشور عربستان سعودی داشته و دارد. با افزایش یک درصد در تعداد حجاج، تولید ناخالص داخلی غیر نفتی به اندازه ۱/۴ درصد افزایش می‌یابد. وجود علیت کوتاه‌مدت و بلندمدت از تعداد حجاج به سمت رشد اقتصادی عربستان، تأییدکننده این ادعاست. بنابراین، کشور عربستان باید با فراهم آوردن شرایط ممکن در جهت افزایش تعداد حجاج، از این فرصت برای افزایش رشد اقتصادی خویش استفاده کند.

#### ◀ منابع

۱. طوسی، محمد بن حسن و خراسان، سید حسن، الکتب الاربعه: الفروع من الکافی، ۱۳۸۵.
۱. Awang, S. (۱۹۷۹). "Modern Concept of Hajj Management: The Experience of Malaysia". In Hajj Studies «London: Hajj Research Centre « Vol. ۱, ed. Zaki Badawi, pp. ۷۳ - ۸۳.

۲. Balaguer ،J. & Cantavella - Jorda ،M. (۲۰۰۲). "Tourism as a Long - run Economic Growth Factor: The Spanish case". Applied Economics ،۳۴ ، ۸۷۷ - ۸۸۴.
۳. Bailey ،L. Conner ،Jr. (۱۹۸۰). "Social and Economic Organisation in Rural Malay Society". Ph.D. Thesis ،Cornell University ،University Microfilms Int.
۴. Birks ،J. S. (۱۹۷۷). "Overland Pilgrimage from West Africa to Mecca: Anachronism or Fashion?". Geography. ۶۲ ۲۱۵ - ۱۷.
۵. Cheng ،B.S. and Lai ،T.W. (۱۹۹۷). "An Investigation of Co - integration and Causality between Energy Consumption and economic Activity in Taiwan". energy Economics ،Vol. ۱۹ ،pp. ۴۳۵ - ۴۴۴.
۶. Cohen ،Erik. (۱۹۷۹). "A Phenomenology of Tourist Experiences". Sociology ۱۳ ،۱۷۹ - ۲۰۱.
۷. Delaney ،C. (۱۹۹۰). "The Hajj: Sacred and Secular". American Ethnologist ،Vol. ۱۷ ،No. ۳ ،pp. ۵۱۳ - ۵۳۰.
۸. Donnan ،H. (۱۹۹۵). "Pilgrimage and Islam in Rural Pakistan: The Influence of the Hajj". Etnofoor ،Jaarg. ۸ ،Nr. ۱ ،DE BETOVERDE WERELD (۱۹۹۵) ،pp. ۶۳ - ۸۲.
۹. Dritsakis ،N. (۲۰۰۴). "Tourism as a long - run economic growth factor: an empirical investigation for Greece using a causality analysis". Tourism Economics ،۱۰ ،۳۰۵ - ۳۱۶.
۱۰. Durbarry ،R. (۲۰۰۴). "Tourism and economic growth: the case of Mauritius". Tourism Economics ،۱۰ ،۳۸۹ - ۴۰۱.
۱۱. Engle ،R. E. & Granger ،C. W. J. (۱۹۸۷). "Cointegration and Error - correction: Representation ،Estimation ،and Testing". Econometrica ، ۵۵ ،۲۵۱ - ۲۷۶.
۱۲. Gee ،C. Y. (۱۹۹۹). "International tourism: a global perspective". Madrid ،Spain: World Tourism Organization.
۱۳. Geweke ،J. (۱۹۸۴). "Inference and Causality in Economic Time series Models" ،Handbook of econometrics ،Vol. ۲ ،Amsterdam ،North Holland.
۱۴. Gosling ،L. A. Peter. (۱۹۶۰). "Moslem Law ،Custom and Usage as Reflected in the Agricultural Economy of Malaya". Annals ،Association of American Geographers ۵۰ ،۳۲۲.
۱۵. Graburn ،Nelson H. H. (۱۹۷۷). "Tourism: The Sacred Journey". In Hosts and Guests: The Anthropology of Tourism ،Philadelphia:



- University of Philadelphia Press (ed. V. Smith (pp. ١٧ - ٣١).
١٦. Granger (C. W. J.(١٩٦٩). "Investigating casual relations by econometric models and cross - spectral methods" (Econometric (Vol.٣٧ (pp. ٤٢٤ - ٤٣٨.
١٧. Granger (C. W. J.(١٩٨٦). "Development in study of Cointegrated Economic Variables" (Oxford Bulletin of Economics and Statistics (Vol.٤٨ (pp ٢١٣ - ٢٢٨.
١٨. Ismail (Ahmad Ali. (١٩٧٩). "Hajj Movements from the Islamic Countries" (in Arabic). Paper presented at the First Islamic Geographical Conference (Imam Muhammad bin Saud Islamic University (Riyadh (January.
١٩. Kadir (A. (١٩٨٢). "Economic Implications of Moslem Pilgrimage from Malaysia". Contemporary Southeast Asia (Vol. ٤ (No. ١ (June ١٩٨٢) (pp. ٥٨ - ٧٥.
٢٠. Kim (H. J. (Chen (M. H. (& Jang (S. C. (٢٠٠٦). "Tourism expansion and economic development: the case of Taiwan". Tourism Management (٢٧(٥) (٩٢٥ - ٩٣٣.
٢١. Kremer (M & Khwaja (A & Clingingsmith (D.(٢٠٠٨). "Estimating the Impact of the Hajj: Religion and Tolerance in Islam's Global Gathering". The Quarterly Journal of Economics (Vol. ١٢٤ (No. ٣ (pp. ١١٣٣ - ١١٧٠.
٢٢. Kulendran (N. (& Wilson (K. (٢٠٠٠). "Is there a relationship between international trade and international arrivals"? Applied Economics (٣٢(٨) (١٠٠١ - ١٠٠٩.
٢٣. Lanza (A. (Temple (P. (& Urga (G. (٢٠٠٣). "The implications of tourism specification in the long - run: a econometric analysis for ١٢ OECD economies". Tourism Management (٢٤ (٣١٥ - ٣٢١).
٢٤. Lee (C. - C. (& Chang (C. - P. (٢٠٠٨). "Tourism Development and Economic growth: a Closer Look at Panels". Tourism Management (٢٩(١) (١٨٠ - ١٩٢.
٢٥. Lockard (Craig A. (١٩٧٧). "Malay Social Structure in a Sarawak Town During the Late Nineteenth Century". In Sarawak Research and Theory (Studies in Third World Societies (ed. Mario D. Zamora. Williamsburg (Virginia: Department of Anthropology (College of Williams and Mary.
٢٦. Long (David Edwin. (١٩٧٩). "The Hajj Today: A Survey of the



- Contemporary Makkah Pilgrimage". Albany: State University of New York Press.
۲۷. Marin D. (۱۹۹۲). "Is the export - led hypothesis valid for industrialized countries"? *Review of Economics and Statistics* ، ۷۴ ، ۶۷۸ - ۶۸۸.
۲۸. Murphy M. (۱۹۹۴). "Class ، Community ، and Costume in an Andalusian Pilgrimage". *Anthropological Quarterly* ، Vol. ۶۷ ، No. ۲ ، Symbols of Contention: Part ۱ ، pp. ۴۹ - ۶۱.
۲۹. Narayan P. K. (۲۰۰۴). "Economic impact of tourism on Fiji's economy: empirical evidence from the computable general equilibrium model". *Tourism Economics* ، ۱۰ ، ۴۱۹ - ۴۳۳.
۳۰. Nash N. (۱۹۷۸). "Pilgrims Progress ، Asian Style". Cover Story ، *Far Eastern Economic Review* ، pp. ۳۲ - ۳۶.
۳۱. Nunez T. (۱۹۷۷). "Touristic Studies in Anthropological Perspectives". In *Hosts and Guests: The Anthropology of Tourism* ، ed. V. Smith. Philadelphia: University of Philadelphia Press.
۳۲. O'Brien S. (۱۹۹۹). "Pilgrimage ، Power ، and Identity: The Role of the Hajj in the Lives of Nigerian Hausa Bori Adepts". *Africa Today* ، Vol. ۴۶ ، No. ۳/۴ ، *Islam in Africa* ، pp. ۱۱ - ۴۰.
۳۳. Oh C. - O. (۲۰۰۵). "The contribution of tourism development to economic growth in the Korean economy". *Tourism Management* ، ۲۶ ، ۳۹ - ۴۴.
۳۴. Pesaran H and B. Pesaran (۱۹۹۷) ، "Working with Microfit ۴.۰: Interactive Econometric Analysis" (DOS and Windows versions) ، Oxford University Press ، pp. ۵۱۱. ISBN ۰۱۹ ۲۶۸ ۵۳۰ ۹ (DOS) ، ۰۱۹ ۲۶۸ ۵۳۱ ۷ (Windows).
۳۵. Pesaran, H.M. & Shin, Y. (۱۹۹۵). "Long - Run Structural Modelling," *Cambridge Working Papers in Economics* ۹۴۱۹ ، Faculty of Economics ، University of Cambridge.
۳۶. Pesaran M. H. ، Shin Y. and Smith. R. J. (۲۰۰۱). *Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships*. *Journal of Applied Econometrics* (special issue) in honour of J D sargan on the theme ، *Studies in Empirical Macroeconometrics* ، (eds) D.F. Hendry and M.H pesaran ، Vol. ۱۶. PP. ۲۸۹ - ۳۲۶.
۳۷. Robinson G. W. S. (۱۹۷۲). "The Recreation Geography of South



- Asia". Geographical Review ٦٢ ،No. ٤.
٣٨. Sardar ،Z. (١٩٧٩)."The Spiritual and Physical Dimensions of the Hajj: A Systems Overview". In Hajj Studies ،Vol. ١ ،ed. Zaki Badawi ،London: Hajj Research Centre ،pp. ٢٧ - ٣٧.
٣٩. Shan ،J. ،& Wilson ،K. (٢٠٠١). "Causality between trade and tourism: empirical evidence from China". Applied Economics Letters ،٨ ،٢٧٩ - ٢٨٣.
٤٠. Swift ،M. G.( ١٩٦٤) "Capital ،Saving and Credit in a Malay Peasant Economy". In Capital ،Savings and Credit in Peasant Societies ،ed. Firth ،Raymond and B. S. Yamey. Chicago: Aldine Publishing Company.
٤١. Tangban ،E.(١٩٩١). "The Hajj and the Nigerian Economy ١٩٦٠ - ١٩٨١". Journal of Religion in Africa ،Vol. ٢١ ،Fasc. ٣ (Aug. ،١٩٩١) ،pp. ٢٤١ - ٢٥٥.
٤٢. Turner ،V. (١٩٧٣). "The Centre Out There: The Pilgrim's Goal". History of Religions ١٢ ،No. ٣.
٤٣. World Tourism Organization. (٢٠١١). Tourism highlights. Available from (٢٠١١ ed.)..http://www.world - tourism.org/market - research. Accessed ٣٠.١٠.١١.
٤٤. Young ،W. (١٩٩٣). "The Kaba ،Gender ،and the Rites of Pilgrimage". International Journal of Middle East Studies ،Vol. ٢٥ ،No. ٢ ،pp. ٢٨٥ - ٣٠٠.



## پتانسیل و ظرفیت حج و توزیع درآمد در کشورهای منتخب اسلامی

دکتر ابوالفضل شاه آبادی<sup>۱</sup>

سارا ساری گل<sup>۲</sup>

### چکیده

نابرابری درآمد<sup>۳</sup> از جمله پدیده‌هایی است که به لحاظ کارکرد و پیامدهای مؤثرش بر ساختار جامعه، می‌تواند پایداری نظام اجتماعی – اقتصادی را به خطر اندازد. از این رو باید این پدیده را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی، و ریشه‌های پدید آمدن آن را جست‌وجو کرد. به همین منظور و برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای منتخب اسلامی و بهبود توزیع درآمد، مقاله حاضر، نقش حج را بر بهبود توزیع درآمد در کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۹م ارزیابی کرده است. در واقع، انجام دادن مناسک حج، فرصتی استثنایی برای جهان اسلام است تا با حضور اجتماعی و سیاسی خویش کنار فعالیت‌های معنوی و فرهنگی، تأثیرات شگرفی را در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی پدید آورد. نتایج مطالعه از یک‌سو بیانگر متناسب نبودن تعاملات اقتصادی کشورهای اسلامی منتخب، با پتانسیل بالقوه آنان و توزیع نابرابر درآمد است. از سوی دیگر، حج فرصت اقتصادی مناسبی برای کشورهای غیر اسلامی به‌ویژه چین و ژاپن شده است. و حال آنکه دولتمردان کشورهای اسلامی می‌توانند با شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف کشورهای جهان اسلام، و همچنین برنامه‌ریزی مشترک، از فرصت استثنایی حج برای افزایش تعاملات اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاران مسلمان، افزایش اشتغال و سرمایه‌گذاری،

۱. عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا.

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا.

۳. Income Inequality.



افزایش قدرت چانه‌زنی کشورهای اسلامی در صحنه بین‌الملل استفاده کنند و با بهره‌گیری مطلوب از پتانسیل موجود از یک‌سو، و ایجاد پتانسیل‌های جدید در کشورهای اسلامی از سوی دیگر، قدرت رقابت‌پذیری<sup>۱</sup> و توزیع مناسب‌تر درآمد را در کشورهای اسلامی بهبود بخشند و با برپایی بازار بین‌المللی اسلامی بالاترین استفاده را از ظرفیت‌های موجود ببرند. **واژگان کلیدی:** حج، توزیع درآمد، تعاملات اقتصادی، رقابت‌پذیری، کشورهای منتخب اسلامی

#### مقدمه

در دهه‌های اخیر نابرابری درآمد بین اغنیا و فقرا، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در حال افزایش است؛ زیرا اقتصاددانان توسعه در ابتدا تنها به دنبال افزایش رشد اقتصادی بودند. اما تجربه اخیر این کشورها نشان می‌دهد، برخلاف نرخ بالای رشد اقتصادی، آنها در ریشه‌کن کردن فقر یا حتی کاهش نابرابری درآمد موفقیتی کسب نکرده‌اند. حتی با اینکه بانک جهانی، دهه ۱۹۸۰ را «دهه فراموش کردن فقرا» نامید، کشورها نتوانسته‌اند به موفقیت چندانی در کاهش نابرابری درآمد دست یابند. این درحالی است که وضعیت توزیع درآمد در هر جامعه‌ای، افزون بر جنبه‌های اقتصادی، در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز درخور اهمیت است و هر رویکرد اقتصادی به توزیع درآمد، ناگزیر پیامدهای سیاسی و اجتماعی نیز خواهد داشت.

از این رو امروزه توزیع درآمد چه در سطح جهانی، چه در مقیاس بین کشورها و چه در سطح بین منطقه‌ای مورد توجه ویژه‌ای قرار دارد. این موضوع در سال‌های اخیر جایگاهی ویژه در بحث‌های توسعه اقتصادی به خود اختصاص داده است. به همین علت، اهمیت ایجاد توزیع درآمد متعادل یکی از هدف‌های مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی است. (حسینی و نجفی، ۱۳۸۸) اما بنابه گفته «تودارو» (۱۳۷۸، ص ۱۶۳)، «متأسفانه در حال حاضر اقتصاددانان هیچ‌گونه درک روشنی از عوامل مشخص که در تغییرات توزیع درآمد کشورها در طول زمان اثر می‌گذارند، ندارند و لذا بیشتر تحلیل‌های اقتصادی به نحو عجیبی در خصوص توزیع درآمدها ساکت است». بنابراین بررسی عوامل تعیین‌کننده توزیع متعادل درآمد ضروری به نظر می‌رسد. از سویی، اندیشمندان زیادی طی سالیان متمادی برای شناخت اسرار حج و فلسفه احکام و عبادات تلاش کرده‌اند و از این رهگذر تألیفات ارزشمندی پدید آمده است. اما در این مطالعه قصد داریم از جنبه‌های دیگر به مسئله حج و توزیع درآمد و عوامل تأثیرگذار بر آنها بپردازیم.

۱. Competitiveness.



شایان ذکر است، کنگره عظیم حج، آثار و برکات فراوانی دارد؛ همچنان که قرآن کریم در آیاتی مانند ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...﴾ (حج: ۲۷ و ۲۸) به منافع و فواید موجود در حج تصریح می‌کند. اصولاً کنگره جهانی حج، بهترین موقعیت را برای کشورهای اسلامی برای تبادل نظر و تصمیم‌گیری مناسب در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... فراهم می‌کند. البته باید بیان داشت، کشورهای اسلامی در زمان‌هایی غیر از موسم حج نیز می‌توانند به هدف مذکور برسند. اما کنگره جهانی حج، فرصت بی‌بدیلی برای آغاز و گسترش همکاری میان کشورهای اسلامی است.

از آنجا که کشورهای اسلامی جزو کشورهای در حال توسعه‌اند و بیشتر آنها هم‌اکنون با معضلات فراوانی همچون فقدان تعاملات اقتصادی و وابستگی به صادرات تک‌محصولی، ناکارایی در تولید، سطح پایین درآمد سرانه و رشد اقتصادی بی‌ثبات، فقر و توزیع ناعادلانه درآمد، فقدان برخورداری بالا از تحولات فناوری و تخصص‌های مورد نیاز برای تولید و صدور کالاهای رقابت‌پذیر در سطح بین‌الملل، نرخ بالای بیکاری و تورم و... دست به گریبان‌اند. این در حالی است که نقشه جغرافیای اقتصادی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد، جهان اسلام از منابع و پتانسیل‌های قدرتمندی همچون ذخایر عظیم انرژی، تنوع امکانات، قلمرو جغرافیایی وسیع و جمعیتی بالا، دسترسی و سیطره بر تنگه‌ها و آبراه‌های راهبردی جهان، بازار مصرف گسترده و پرجاذبه و... برخوردار است. با این حال بیشتر کشورهای اسلامی، جزو ممالک در حال توسعه محسوب می‌شوند و فقر و توزیع نامتعادل درآمد یکی از شاخصه‌های اصلی این کشورهاست.

از این رو حل مشکلات مذکور، در گرو همکاری‌های خلاقانه است و فضای توحیدی و الهی حج می‌تواند به منظور برداشتن قدم‌های ابتدایی برای تحقق اهداف مذکور، این فرصت را در اختیار کشورهای اسلامی قرار دهد تا با ایجاد زمینه‌های تفاهم و همکاری بیشتر بین خود، به واسطه استفاده مطلوب از پتانسیل‌ها و امکانات موجود و ایجاد پتانسیل‌های جدید، بر مشکلات و معضلات جوامع خود فایز آیند و مقابل بیگانگان در تمامی زمینه‌ها به خود کفایی و استقلال دست یابند.

بنابراین مطالعه حاضر به منظور ارائه نکات سیاستی مناسب برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشورهای اسلامی، به بررسی و تجزیه و تحلیل پتانسیل حج بر توزیع درآمد کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹م می‌پردازد. این مقاله ضمن بررسی پیشینه پژوهش، عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد و راه‌های بهبود آن ارائه می‌شود. همچنین وضعیت توزیع درآمد در کشورهای اسلامی، و پتانسیل حج و نقش آن در بهبود توزیع درآمد بررسی، و در نهایت، نتیجه بحث و پیشنهادها ارائه می‌شود.

## پیشینه پژوهش

توزیع درآمد در طول تاریخ با مفاهیم متفاوت، و در زمینه‌های گوناگونی بررسی شده است. اقتصاددانان کلاسیک معتقد بودند از شروط لازم در تسریع فرآیند رشد اقتصادی، توزیع نابرابر درآمد هاست؛ زیرا تقریباً تمام درآمد گروه‌های کم درآمد صرف هزینه‌های مصرفی می‌شود. از این رو رشد اقتصادی، وابسته به پس‌انداز گروه‌های پردرآمد جامعه است که اساس سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند. در این زمینه نظرات متعددی بیان شده است که مهم‌ترین آنها، نظریه «کوزنتس»<sup>۱</sup> (۱۹۵۵) است. اما برخلاف رشد اقتصادی، که تاریخ شاهد آن بوده است، وضعیت مردم فقیر به سبب افزایش نابرابری چندان بهبود نیافته است؛ زیرا بیشتر فواید رشد اقتصادی برای ثروتمندان است. اما تودارو (۱۳۷۸، ص ۱۳۸) می‌گوید: «در جهان امروز ریشه‌کن کردن فقر و نابرابری، مرکز ثقل مسائل قرار گرفته، و هدف اصلی سیاست توسعه برای بسیاری از کشورهاست». زیرا اقتصاددانان اکنون، نابرابری درآمد را مانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی مستمر و با ثبات می‌دانند. به همین علت همواره سعی شده است تا عواملی را که بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد، شناسایی شود. می‌توان تجارت و استفاده از مزیت‌های نسبی در سرمایه، نیروی کار و کالا و گردشگری و... را از عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد برشمرد.

نتایج مطالعه «کوک» و «یوچیدا»<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) بیانگر آن است که تحول تجارت در صنایع با فناوری پایین و فناوری متوسط (متوسط رو به بالا یا رو به پایین)، اثر منفی بر توزیع درآمد تمامی کشورها دارد و تحول تجارت در صنایع با فناوری بالا، به افزایش نابرابری درآمد منجر می‌شود. همچنین توزیع درآمد و تحول فنی یافته‌ها نشان می‌دهد، تحول فنی در صنایع با فناوری پایین و فناوری بالا، بر نابرابری درآمد تمامی کشورها اثر منفی دارد. اما تحول فنی در صنایع با فناوری متوسط (متوسط رو به بالا یا رو به پایین) اثر مثبتی بر کاهش نابرابری درآمد دارد. «وو» و «وی»<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند، شهرهایی که درجه باز بودن بیشتری را در تجارت تجربه کرده است با کاهش بیشتری در نابرابری درآمد شهری - روستایی مواجه بوده است. بدین ترتیب جهانی شدن به کاهش نابرابری‌های شهری - روستایی کشور چین کمک کرده است. اما مطالعات اپستین، هاولت و اسچولز<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) و مسچی و ویاوریلی<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) نشان می‌دهد در بلندمدت برقراری روابط تجاری به نفع اقتصاد ثروتمند و به ضرر

۱. Kuznets.

۲. Cook & Uchida.

۳. Wei & Wu.

۴. Epstein & Howlett & Schulze.

۵. Meschi & Vivarelli.

اقتصاد فقیر است. همچنین نتایج آزمون «توان»<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) مؤید آنست که آزادسازی تجاری بر رفاه ملی، تأثیر منفی می‌گذارد. براساس مطالعه «والپرت»<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) شرکت‌ها باید نوآوری را یک عنصر طبیعی تجارت بدانند. براساس نظر «ماینت»<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) کشورهای توسعه یافته با برخورداری از فناوری‌های پیشرفته، که مرتب هم در تکمیل آن می‌کوشند، بازده بیشتری در تولید دارند که به‌طور طبیعی موجب افزایش تجارت بین‌الملل است.

«توربک» و «نیسانک» (۲۰۰۶)، مسیرهای گوناگون و ساز و کارهای مؤثر جهانی شدن بر فقرا را بررسی می‌کنند. نتایج مطالعه بیانگر آن است که آزادسازی تجاری یا مالی، جریان کالا و سرمایه را افزایش می‌دهد و منجر به رشد اقتصادی می‌شود. البته سیاست‌های آزادسازی ممکن است فقر را کاهش دهد، اما اثر نهایی آن مبتنی بر این است که رشد چگونه نابرابری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «والاک» (۲۰۰۲) نیز در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین جهانی شدن، رشد و کاهش فقر پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد، جهانی شدن رو به رشد، فقر را کاهش می‌دهد. همچنین «میاگیوا» و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه علی بین سیاست‌های تجاری و انگیزه نگاه‌ها برای نوآوری می‌پردازند. بدین منظور در این مطالعه، محققان جهانی را در نظر می‌گیرند که مشکل از دو کشور است که نگاه‌های سراسر کشورها ناهمگون هستند. نتایج مطالعه متفاوت بودن منافع حاصل از آزادسازی و حفاظت از تجارت بین نگاه‌ها را نشان می‌دهد و همچنین می‌رساند که واکنش متفاوت نگاه‌ها به سیاست‌های یک‌جانبه و دوجانبه تجاری، بر کارایی نگاه‌ها در نوآوری بستگی دارد. افزون بر این، براساس نتایج مطالعه حمایت‌های تجاری بر بهره‌وری نگاه‌های داخلی بسیار کارآمد صدمه می‌زند درحالی که بهره‌وری نگاه‌های داخلی با کارآمدی کمتر را افزایش می‌دهد. شایان ذکر است منظور از کارایی بالا و پایین نگاه‌ها به لحاظ میزان هزینه‌ای است که نگاه‌ها برای نوآوری انجام می‌دهند. همچنین طبق نظر «آریتی»<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) ممکن است تجارت برای یک کشور در حال توسعه، باعث افزایش سطح مهارت‌ها، از طریق ورود یا اتخاذ فناوری تولید برتر و ابداعات شود. «واکزیارگ»<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) نیز بیان می‌دارد باز بودن تجارت به دلیل انباشت سریع سرمایه‌فیزیکی، انتقال فناوری و بهبود سیاست‌های اقتصاد کلان تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی، دارد. نتایج مطالعه «نیر» و

۱. Toan.

۲. Wolpert.

۳. Myint.

۴. Miyagiwa & etal.

۵. Aryeetey.

۶. Wacziarg.



«کوپوسامی»<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نشان می‌دهد، کشورهای دارای جهش قورباغه‌ای، در نوآوری، رقابت‌پذیری، انباشت ثروت و اقتصاد اطلاعات رهبرند. گفتنی است منظور از جهش قورباغه‌ای یک جهش درخور توجه به واسطه یک محرک یا شوک ناگهانی است. در اینجا تغییرات و تحولات ناشی از پیشرفت‌های مبتنی بر نوآوری و فناوری، محرک یا شوک برای یک کشور تلقی شده است. گفتنی است، مطالعات گسترده‌ای نیز درباره توزیع درآمد و عوامل مؤثر بر آن در اقتصاد ایران صورت گرفته است که در اینجا به پاره‌ای از مطالعات انجام شده اشاره می‌شود:

مطالعه «ابونوری» و «خوشکار» (۱۳۸۶) نشان می‌دهد در کشور ایران نمی‌توان فرضیه کوزنتس را پذیرفت. در واقع، نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص استانی، تورم و هزینه‌های دولتی بر نابرابری، اثر افزایشی داشته است. نتایج تحقیق «زیبایی» (۱۳۸۴) نشان می‌دهد افزایش بهره‌وری نیروی کار و اصلاح نرخ واقعی ارز در کشور ایران، در بلندمدت باعث بهبود توزیع درآمد و رفاه اجتماعی می‌شود. اما تورم و بیکاری به صورت یک نوع مالیات نزولی عمل می‌کند و منجر به بدتر شدن توزیع درآمد و رفاه اجتماعی می‌شود. «مهرگان» و «احمدی» (۱۳۸۴) نیز در مطالعه‌ای بیان می‌کنند، در کشور ایران ضریب جینی نسبت به درجه آزادی اقتصادی، مالیات بر مشاغل و ثروت به GDP، نرخ ارزش حقیقی، با یک وقفه، مخارج اجتماعی دولت به GDP، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی عکس-العمل منفی، و نسبت به نرخ بیکاری عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. همچنین براساس نتایج بعد از تعدیل اقتصادی، ضریب جینی از طریق به کار بردن سیاست‌هایی که موجب تغییر در متغیرهای مدل، به استثنای نرخ بیکاری، می‌شود، بهبود می‌یابد. به عبارت دیگر اجرای سیاست‌های تعدیل، زمینه بهبود ساختار توزیع درآمد را فراهم می‌کند.

### عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد و راه‌های بهبود آن

از یک سو، در جوامع امروز توزیع نابرابر درآمد از پدیده‌های زیانبار شناخته می‌شود و تمامی جوامع، مبارزه با فقر و کاهش نابرابری درآمد را در رأس همه اهداف عمده استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی خود قرار داده‌اند. از دیگر سو باید دانست کنگره جهانی حج، تنها به بعد عبادی - معنوی محدود نمی‌شود و بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون کنگره عظیم حج به نگرشی همه جانبه و عمیق نیازمند است. در این مطالعه تنها سعی بر آن است که به بعد اقتصادی حج توجه شود؛ زیرا حج از منظر اقتصادی، منافع بسیاری را برای کشورهای اسلامی به ارمغان می‌آورد. افزایش قدرت اقتصادی کشورهای اسلامی در سطح بین‌المللی، ضمن آنکه می‌تواند آنان را مقتدر سازد و از وابستگی به

۱. Nair & Kuppussamy.

کشورهای غیراسلامی در همه زمینه‌ها برهاند، به بهبود توزیع درآمد کشورهای اسلامی نیز کمک شایانی می‌کند. از این رو در این بخش از مطالعه با استفاده از آمار و اطلاعات موجود در برخی پایگاه‌های اطلاعاتی، مانند بانک جهانی، درصددیم نقش فضای معنوی حج و پتانسیل موجود در آن بر بهبود توزیع درآمد کشورهای منتخب اسلامی<sup>۱</sup> را طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹م در شرایط رقابتی جهان امروز ترسیم کنیم. به همین منظور، عواملی همچون تجارت خارجی و وضعیت گردشگری را عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد کشورهای منتخب اسلامی دانسته‌ایم؛ زیرا فضای معنوی حج می‌تواند بر عوامل مذکور، و در نهایت توزیع درآمد اثرگذار باشد. گفتنی است در تجزیه و تحلیل آماری شاخص‌ها، سعی شده است از جدیدترین داده‌های آماری موجود استفاده شود.

#### ۱. تجارت خارجی

افزایش روابط تجاری مابین کشورهای اسلامی در سطح بین‌المللی برای تأمین نیازهای یک‌دیگر، براساس استفاده مطلوب از ظرفیت‌ها، ایجاد ظرفیت‌های جدید برای حذف سلطه کشورهای غیر اسلامی و ایجاد رشد و شکوفایی مستمر و با ثبات کشورهای اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. جدول (۱) میزان صادرات و واردات هر یک از کشورهای منتخب اسلامی و همچنین درجه وابستگی و درجه باز بودن هر یک از کشورهای مذکور را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، صادرات کشور مالزی، موفق‌ترین کشور بین کشورهای مورد مطالعه از منظر تجارت بین‌الملل، در سال ۱۹۹۵، ۷۳۸۸۶ میلیون دلار بوده است که توانسته است صادرات کالاها و خدمات خود را در سال ۲۰۰۹ به ۱۳۷۱۳۰ میلیون دلار برساند. کشور ترکمنستان نیز در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹م با صادراتی معادل ۲۳۸۱ و ۹۱۷۲ میلیون دلار، کمترین میزان صادرات را بین کشورهای منتخب اسلامی داشته است. همچنین میزان صادرات کشور ایران در سال ۱۹۹۵، ۲۰۵۵۵ میلیون دلار بوده که رتبه ششم را بین کشورهای منتخب اسلامی به خود اختصاص داده است. مطابق آمارهای موجود در جدول (۱)، کشورهای مالزی و آذربایجان در سال ۲۰۰۹ با وارداتی معادل ۱۲۸۶۰۲ و ۸۸۸۵ میلیون دلار، از بیشترین و کمترین واردات کالاها و خدمات در بین کشورهای منتخب اسلامی برخوردار است. میزان واردات کشور ایران نیز در سال ۱۹۹۵ معادل ۱۵۷۰۳ میلیون دلار بوده، که رتبه ششم را بین کشورهای مورد مطالعه احراز کرده است. یکی دیگر از شاخص‌ها، شاخص درجه وابستگی اقتصادی است. در سال ۲۰۰۹ بین ۱۷ کشور منتخب

۱. شایان ذکر است در مطالعه حاضر، به دلیل فقدان یا منسجم نبودن داده‌های آماری بیشتر کشورهای اسلامی، از کشورهای منتخب اسلامی استفاده شده است. از این رو جامعه آماری مورد مطالعه، کشورهای آذربایجان، اردن، ازبکستان، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، بحرین، ترکمنستان، ترکیه، تونس، سوریه، عربستان، عمان، قزاقستان، قطر، کویت، لبنان، مالزی، مراکش و مصر است.



اسلامی، کشور مالزی با شاخص ۷۴.۸ بیشترین وابستگی، و کشور اندونزی نیز با ۲۱.۳ کمترین درجه وابستگی را داشته است. شاخص وابستگی اقتصادی کشور ایران نیز در سال ۱۹۹۵، ۱۳.۱ بوده، که در این سال بین کشورهای مورد مطالعه کمترین درجه وابستگی را داشته است. شاخص دیگری که کاربردهای فراوانی به لحاظ اقتصادی دارد، شاخص درجه بازبودن اقتصاد است. براساس جدول (۱)، کشور مالزی بین کشورهای منتخب اسلامی موفق تر عمل کرده است؛ به طوری که نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی این کشور در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ به ترتیب ۱۹۲ و ۱۷۱ درصد بوده، که براساس این شاخص بین کشورهای منتخب اسلامی دارای رتبه اول است. پس از آن نیز کشورهای ترکمنستان و اردن قرار دارد. درحالی که درجه باز بودن کشور اندونزی در سال ۲۰۰۹ برابر ۴۵ درصد بوده، و رتبه آخر را بین چهارده کشور منتخب اسلامی به خود اختصاص داده است. همچنین درجه باز بودن کشور ایران در سال ۱۹۹۵، ۳۴ درصد بوده، که رتبه آخر را در این سال به خود اختصاص داده است.

جدول (۱): میزان صادرات و واردات کالا و خدمات، درجه وابستگی اقتصادی و درجه باز بودن

اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹

کشور	صادرات کالا و خدمات بر حسب میلیون دلار		واردات کالا و خدمات بر حسب میلیون دلار		درجه وابستگی اقتصادی		درجه باز بودن اقتصاد	
	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵
آذربایجان	۱۴۱۳	۱۱۱۰۱ (۱۱)	۸۸۸۵	۱۱۷۸	۲۴.۷ (۱۵)	۴۱.۵ (۱۱)	۶۹ (۱۲)	۷۷ (۷)
اردن	۳۴۴۲	۵۳۵۳ (۱۳)	۹۰۰۵	۵۱۶۳ (۱۲)	۶۴.۹ (۲)	۷۲.۸ (۳)	۱۲۴ (۵)	۱۰۸ (۳)
ازبکستان	۲۹۹۲	-	-	۳۱۰۸ (۱۵)	۳۶.۴ (۱۰)	۲۸.۰۵ (۱۵)	۵۵ (۱۶)	۷۲ (۹)
امارات	۴۱۵۲۲	۱۵۰۷۹ (۸)	-	۲۹۱۳۲ (۴)	-	۶۳.۰۲ (۶)	۱۳۱ (۴)	-
اندونزی	۶۰۸۱۱	۱۱۰۶۹۵ (۲)	۸۴۱۳۰ (۳)	۵۷۹۴۶ (۲)	۲۷.۶۴ (۱۸)	۲۱.۳ (۱۷)	۵۳ (۱۷)	۴۵ (۱۴)

ایران	۲۰۵۵۵	-	۱۵۷۰۲	-	۱۳.۱ (۲۰)	-	۳۴	-
	(۶)		(۶)				(۲۰)	
بحرین	-	-	-	-	۷۰.۴ (۴)	-	۱۵۲	-
							(۳)	
ترکمنستان	۲۰۸۴	۱۵۹۴۴	۲۰۹۰	۹۱۴۵	۸۴.۲ (۲)	۴۹.۴ (۴)	۱۶۸	۱۳۱
	(۱۵)	(۶)	(۱۶)	(۱۰)			(۲)	(۲)
ترکیه	۳۱۷۸۳	۸۴۹۴۴	۳۴۷۷۵	۹۱۱۱۷	۲۴.۳ (۱۹)	۲۴.۴ (۱۶)	۴۴	۴۷
	(۴)	(۳)	(۳)	(۲)			(۱۹)	(۱۳)
تونس	۶۸۸۶	۱۲۱۷۵	۷۵۱۱	۱۳۷۳۷	۴۸.۸ (۷)	۵۰.۳ (۳)	۹۳ (۷)	۹۷ (۴)
	(۱۱)	(۹)	(۱۰)	(۶)				
سوریه	۴۱۵۱	۱۱۶۸۹	۴۲۱۱	۱۳۰۶۰	۳۷.۹ (۱۲)	۳۷.۹ (۹)	۶۸	۶۷
	(۱۲)	(۱۰)	(۱۴)	(۷)			(۱۳)	(۱۱)
عربستان	-	-	-	-	۲۷.۸ (۱۶)	۴۳.۱ (۶)	۶۵	۹۷ (۴)
							(۱۴)	
عمان	۸۷۹۴	-	۴۷۹۹	-	۳۵.۵ (۱۳)	۴۱.۴ (۷)	۷۹	۹۴ (۵)
	(۸)		(۱۳)				(۱۰)	
قزاقستان	۸۰۰۴ (۹)	۱۵۷۲۵ (۷)	۱۰۳۸۴ (۸)	۱۱۴۴۳ (۹)	۴۳.۵ (۸)	۳۳.۷ (۱۱)	۸۲ (۹)	۷۵ (۸)
قطر	-	-	-	-	۴۳.۳ (۹)	۳۱.۲ (۱۳)	۸۷ (۸)	۷۷ (۷)
کویت	۲۲۲۵۴ (۵)	-	۱۱۲۲۲ (۷)	-	۴۱.۹ (۱۰)	۲۸.۰۲ (۱۴)	۹۴ (۶)	۸۴ (۶)
لبنان	۱۲۵۷	۶۲۰۳	۷۰۱۳	۱۱۷۹۶	۶۳.۳ (۵)	۴۶.۴ (۵)	۷۳	۶۸



(۱۰)	(۱۱)			(۸)	(۱۱)	(۱۲)	(۱۷)	
(۱) ۱۷۱	(۱) ۱۹۲	۷۴.۸ (۱)	(۱) ۹۸.۰۲	۱۲۸۶۰۲ (۱)	۷۶۰۸۳ (۱)	۱۴۷۲۴۶ (۱)	۷۳۸۸۶ (۱)	مالزی
۶۸ (۱۰)	(۱۵) ۶۱	۳۹.۴ (۸)	۳۴.۰۲ (۱۴)	۲۲۵۴۹ (۵)	۹۹۲۹ (۹)	۱۶۴۰۹ (۵)	۷۵۰۸ (۱۰)	مراکش
۵۶ (۱۲)	۵۰ (۱۸)	۳۱.۷ (۱۲)	۲۷.۶۹ (۱۷)	۵۶۸۴۳ (۴)	۲۰۵۲۸ (۵)	۴۹۸۶۱ (۴)	۱۴۷۱۶ (۷)	مصر

مأخذ: [www.wdi.org](http://www.wdi.org) و محاسبات تحقیق

\* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.  
 \*\* شایان ذکر است درجه وابستگی اقتصادی به صورت  $GDP \times 100$  / واردات محاسبه شده است. و میزان صادرات و واردات کالا و خدمات به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار است.  
 باید پذیرفت که سهم تجارت خارجی کشورهای منتخب اسلامی نسبت به سایر کشورهای توسعه یافته پایین است و در این میان، میزان مبادلات درون گروهی کشورهای اسلامی بسیار اندک است؛ حال آنکه تأمین نیازهای متقابل جوامع اسلامی، راهکاری اصولی و منطقی برای کوتاه کردن سلطه بیگانگان است. از این رو جهان اسلام می تواند با شناخت همه جانبه امکانات و پتانسیل های بالقوه اقتصادی خود، تولید کالاها و خدمات با کیفیت بالا و جلب توجه مصرف کنندگان به کالاهای کشورهای اسلامی نیازهای همدیگر را تأمین کند. به عبارتی دیگر، در یک ارتباط و همکاری متقابل تجاری و بازرگانی، مقابل بیگانگان به خود کفایی برسد. زیرا در غیر این صورت، مبادلات تجاری و بازرگانی بیگانگان با کشورهای اسلامی، منجر به این می شود که بیگانگان، کشورهای اسلامی را تحت سیطره خود نگه دارند و از مزیت های اقتصادی قابل توجه آنها بیشترین استفاده را کنند. براساس آمارهای موجود در جدول (۲) که سهم صادرات درون گروهی کشورهای منتخب اسلامی را از کل صادرات هر یک از این کشورها نشان می دهد، کشور لبنان در سال ۲۰۰۹، ۷۵.۹ درصد از کالاها و خدمات خود را به سایر کشورهای اسلامی صادر کرده، که بین کشورهای مورد مطالعه رتبه اول را به دست آورده است. سهم صادرات درون گروهی کشورهای سوریه، اردن و ترکمنستان به ترتیب برابر ۶۹.۶، ۵۶.۰۸ و ۳۶.۷ درصد بوده، که رتبه دوم تا چهارم را بین کشورهای مورد مطالعه کسب کرده اند. درحالی که قطر تنها ۶.۶ درصد از کالاها و خدماتش را به سایر کشورهای اسلامی صادر کرده، که



کمترین سهم صادرات درون گروهی را داشته است. همچنین سهم صادرات درون گروهی کشور ایران در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ به ترتیب ۱۳.۹ و ۱۰.۵ درصد بوده، که رتبه‌اش از دوازدهم در سال ۱۹۹۵ با سه پله سقوط به پانزدهم در سال ۲۰۰۹ رسیده است.

جدول (۲): میزان سهم صادرات درون گروهی کشورهای منتخب اسلامی از کل صادرات هر یک از

کشورها طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹ بر حسب درصد

کشور	۱۹۹۵	متوسط دوره ۱۹۹۵ - ۲۰۰۰	متوسط دوره ۲۰۰۰ - ۲۰۰۵	متوسط دوره ۲۰۰۵ - ۲۰۰۹	۲۰۰۹	رشد دوره مطالعه
آذربایجان	(۳) ۴۱.۹	(۴) ۳۱.۴	(۱۲) ۱۲.۴	(۱۰) ۱۸.۷	(۱۲) ۱۳.۹	(۲۰) - ۶۶.۸
اردن	(۱) ۵۴.۱	(۱) ۵۶.۹	(۲) ۴۸.۰۹	(۳) ۴۸.۴	(۳) ۵۶.۰۸	(۱۴) ۳.۶
ازبکستان	(۶) ۲۱.۸	(۶) ۲۲.۸	(۴) ۲۷.۸	(۴) ۲۹.۷	(۵) ۳۲.۶	(۸) ۴۹.۵
امارات	(۱۳) ۱۳.۰۵	(۱۱) ۱۴.۵	(۸) ۱۸.۶	(۸) ۲۰.۹	(۸) ۲۲.۵	(۴) ۷۲.۴
اندونزی	(۱۸) ۶.۸	(۱۸) ۷.۷	(۱۷) ۹.۲	(۱۶) ۱۰.۵	(۱۸) ۱۰.۰۰	(۹) ۴۷.۰۵
ایران	(۱۲) ۱۳.۹	(۱۲) ۱۱.۷	(۱۶) ۹.۶	(۱۴) ۱۱.۸	(۱۵) ۱۰.۵	(۱۷) - ۲۴.۴
بحرین	(۱۱) ۱۵.۲	(۱۳) ۱۱.۶	(۱۴) ۱۰.۵	(۱۵) ۱۱.۰۸	(۱۶) ۱۰.۳	(۱۸) - ۳۲.۲
ترکمنستان	(۵) ۲۳.۳	(۳) ۳۳.۷	(۵) ۲۲.۴	(۶) ۲۲.۵	(۴) ۳۶.۷	(۷) ۵۷.۵
ترکیه	(۹) ۱۷.۰۷	(۹) ۱۵.۸	(۹) ۱۴.۷	(۷) ۲۱.۳	(۷) ۲۸.۰۴	(۶) ۶۴.۲
تونس	(۱۶) ۱۰.۶	(۱۵) ۹.۷	(۱۳) ۱۰.۸	(۱۲) ۱۳.۲	(۱۱) ۱۵.۵	(۱۰) ۴۶.۲
سوریه	(۴) ۲۹.۲	(۵) ۲۵.۳	(۳) ۳۷.۴۹	(۲) ۶۵.۰۳	(۲) ۶۹.۶	(۲) ۱۳۸.۳
عربستان	(۱۰) ۱۵.۳	(۱۰) ۱۵.۳	(۱۰) ۱۴.۰۸	(۱۱) ۱۴.۸	(۱۰) ۱۵.۹	(۱۳) ۳.۹
عمان	(۸) ۱۷.۵	(۷) ۱۷.۹	(۷) ۱۸.۷	(۹) ۱۹.۱	(۹) ۱۹.۲	(۱۲) ۹.۷
قزاقستان	(۱۷) ۹.۱	(۱۷) ۸.۷	(۱۵) ۱۰.۱	(۱۹) ۸.۰	(۱۹) ۸.۲	(۱۵) - ۹.۸
قطر	(۱۴) ۱۱.۹	(۱۹) ۷.۴	(۱۸) ۷.۵	(۲۰) ۷.۸	(۲۰) ۶.۶	(۱۹) - ۴۴.۵
کویت	(۲۰) ۲.۶	(۱۴) ۱۰.۰۹	(۱۱) ۱۳.۳	(۱۳) ۱۳.۰	(۱۳) ۱۱.۹	(۱) ۳۵۷.۶
لبنان	(۲) ۵۳.۴	(۲) ۵۳.۷	(۱) ۵۸.۴	(۱) ۷۲.۲	(۱) ۷۵.۹	(۱۱) ۴۲.۱



مالزی	۵.۸ (۱۹)	۵.۵ (۲۰)	۶.۳ (۲۰)	۸.۸ (۱۷)	۱۰.۷ (۱۴)	۸۴.۴ (۳)
مراکش	۱۱.۳ (۱۵)	۸.۸ (۱۶)	۶.۸ (۱۹)	۸.۳ (۱۸)	۱۰.۲ (۱۷)	۱۱.۳ - (۱۶)
مصر	۱۷.۸ (۷)	۱۷.۷ (۸)	۱۹.۹ (۶)	۲۶.۰۱ (۵)	۲۹.۸ (۶)	۶۷.۴ (۵)

مأخذ: Sesric Baseind Database و محاسبات تحقیق

\* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

مطابق جدول (۳) میزان سهم واردات درون‌گروهی کشورهای منتخب اسلامی را از کل واردات هر یک از کشورها تصویر می‌کند. کشورهای سوریه و قزاقستان در سال ۲۰۰۹ با وارداتی معادل ۴۴.۷ و ۵.۴ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین کالا و خدمات را از سایر کشورهای اسلامی وارد کرده‌اند. میزان سهم واردات درون‌گروهی کشور ایران نیز در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ معادل ۱۳.۵ و ۲۵.۱ درصد بوده است که این موضوع نشان می‌دهد میزان سهم واردات کشور ایران از سایر کشورهای اسلامی در حال افزایش است. همچنین توجه به این نکته درخور اهمیت است که میزان سهم واردات درون‌گروهی کشور عربستان سعودی از سایر کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۵، ۱۰.۷ درصد بوده، که این میزان در سال ۲۰۰۹ به ۱۲.۸ درصد رسیده است. اما برخلاف بهبود اندک در میزان سهم واردات درون‌گروهی کشور عربستان سعودی رتبه‌اش در شاخص مذکور از شانزدهم در سال ۱۹۹۵ با دو پله سقوط در سال ۲۰۰۹ در مکان هجدهم قرار گرفته است.

جدول (۳): میزان سهم واردات درون‌گروهی کشورهای منتخب اسلامی از کل واردات هریک از کشورها طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹ برحسب درصد

کشور	۱۹۹۵	متوسط دوره ۱۹۹۵ - ۲۰۰۰	متوسط دوره ۲۰۰۰ - ۲۰۰۵	متوسط دوره ۲۰۰۵ - ۲۰۰۹	رشد دوره ۲۰۰۹ مطالعه
آذربایجان	۵۵.۵ (۱)	۳۸.۳ (۲)	۲۷.۵ (۵)	۲۲.۹ (۸)	۵۸.۷ - (۱۷)
اردن	۳۱.۴ (۴)	۲۹.۶ (۵)	۳۲.۸ (۳)	۳۶.۵ (۲)	۱۶.۲ (۱۲)
ازبکستان	۲۱.۰۰ (۷)	۲۰.۰۱ (۶)	۱۷.۸ (۱۱)	۱۳.۰۸ (۱۷)	۳۷.۷ - (۱۹)
امارات	۱۴.۰۹ (۱۰)	۱۴.۶ (۹)	۱۴.۲ (۱۴)	۱۷.۹۰ (۱۰)	۲۷.۰۴ (۷)
اندونزی	۱۱.۵ (۱۴)	۹.۹ (۱۷)	۱۵.۴ (۱۳)	۱۴.۲ (۱۵)	۲۳.۴ (۸)

ایران	۱۳.۵ (۱۲)	۱۱.۹ (۱۳)	۲۰.۴ (۹)	۲۸.۵ (۶)	۲۵.۱ (۶)	۸۵.۹ (۵)
بحرین	۴۹.۱ (۲)	۴۲.۷ (۱)	۳۶.۷ (۲)	۳۵.۹ (۴)	۳۱.۹ (۴)	۳۵.۳ - (۱۶)
ترکمنستان	۲۶.۵ (۵)	۳۰.۱۹ (۴)	۳۱.۷ (۴)	۳۶.۶ (۳)	۳۰.۱ (۵)	۱۳.۵ (۱۳)
ترکیه	۱۲.۹ (۱۳)	۱۱.۲ (۱۵)	۱۱.۹ (۱۷)	۱۳.۱۵ (۱۶)	۱۵.۵ (۱۳)	۲۰.۱ (۹)
تونس	۸.۹ (۱۷)	۹.۰۵ (۱۹)	۱۰.۲ (۱۸)	۱۲.۹ (۱۸)	۱۴.۲ (۱۶)	۵۹.۵ (۶)
سوریه	۱۳.۸ (۱۱)	۱۳.۲ (۱۱)	۲۲.۹ (۶)	۴۵.۶ (۱)	۴۴.۷ (۱)	۲۲۳.۹ (۱)
عربستان	۱۰.۷ (۱۶)	۱۱.۰۷ (۱۶)	۱۲.۱ (۱۶)	۱۳.۱۲ (۱۷)	۱۲.۸ (۱۸)	۱۹.۶ (۱۰)
عمان	۳۳.۸ (۳)	۳۵.۰۳ (۳)	۳۷.۰۵ (۱)	۳۵.۴ (۵)	۳۳.۴ (۳)	۱.۱ - (۱۵)
قزاقستان	۱۹.۱ (۸)	۱۱.۳ (۱۴)	۶.۵ (۱۹)	۵.۸ (۲۰)	۵.۴ (۲۰)	۷۱.۷ - (۲۰)
قطر	۲۱.۴ (۶)	۱۹.۴ (۷)	۲۰.۹ (۷)	۲۰.۱ (۱۰)	۱۶.۰۲ (۱۱)	۲۵.۱ - (۱۸)
کویت	۱۷.۸ (۹)	۱۹.۱ (۸)	۲۰.۵ (۸)	۲۰.۸ (۸)	۲۰.۹ (۹)	۱۷.۴ (۱۱)
لبنان	۱۱.۱ (۱۵)	۱۳.۷ (۱۰)	۱۹.۸ (۱۰)	۲۶.۹ (۷)	۲۴.۷ (۷)	۱۲۲.۵ (۳)
مالزی	۲.۵ (۱۹)	۳.۵ (۲۰)	۶.۰۰ (۲۰)	۸.۴ (۱۹)	۷.۷ (۱۹)	۲۰.۸ (۲)
مراکش	۱۳.۸ (۱۱)	۱۲.۷ (۱۲)	۱۵.۸ (۱۲)	۱۷.۳ (۱۲)	۱۵.۳ (۱۴)	۱۰.۸ (۱۴)
مصر	۸.۴ (۱۸)	۹.۸ (۱۸)	۱۳.۳ (۱۵)	۱۵.۵ (۱۴)	۱۵.۹ (۱۲)	۸۹.۲ (۴)

مأخذ: Sesric Baseind Database و محاسبات تحقیق

\* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

اما آمارهای موجود بیانگر آن است که بازار کشورهای اسلامی، به ویژه بازار حج، در اختیار کشورهای اسلامی حتی عربستان سعودی نیست. البته این واقعیت تلخ در ایام برگزاری مناسک حج ملموس تر است؛ زیرا انبوه جمعیت زائران، بیشتر کالاهایی را برای سوغات خریداری می کنند که واردات از کشورهای غیر اسلامی، به ویژه چین، است و این کالاها با قیمتی بالا و کیفیتی پایین، به دلیل فزونی تقاضا در بازارهای مکه و مدینه، به مسلمانان فروخته می شود. حال آنکه کشورهای اسلامی به واسطه برخورداری از پتانسیل ها و امکانات فراوان، مانند وجود دین مشترک، که خود موجب



اشتراکات فراوان در فرهنگ، اجتماع و الگوهای مصرفی می‌شود، وجود منابع عظیم انرژی و مواد معدنی، نیروی کار فراوان، جمعیتی بالغ بر ۱.۵ میلیارد نفر، قلمرو جغرافیایی وسیع، دسترسی و سیطره بر تنگه‌ها و آبراه‌های راهبردی جهان، وجود سطح زندگی و الگوهای مصرفی نسبتاً مشابه، تنوع امکانات و وجود اقتصادهای مکمل، برای نمونه کشورهای دارای منابع نفتی و سرمایه فیزیکی فراوان و کشورهای دارای سرمایه انسانی فراوان، و... می‌توانند زمینه تشکیل بازار مشترک اسلامی را فراهم کنند که وجود چنین بازاری، زمینه رقابت، توسعه و رشد صنعت، افزایش تجارت، بهبود اشتغال و توزیع متعادل درآمد و رفاه در کشورهای اسلامی را نوید می‌دهد.

به عبارتی دیگر، ایجاد و گسترش روابط اقتصادی، بازرگانی و بین‌المللی کشورهای مسلمان با یکدیگر براساس منافع متقابل، ایجاد و تقویت بازار مشترک مابین کشورهای اسلامی و مبادلات تجاری مبتنی بر مزیت نسبی، فواید بی‌شماری، همچون ایجاد تقاضای مداوم برای کالاهای تولید شده در کشورهای اسلامی، ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری بر روی تولیدات ملی کشورهای اسلامی، افزایش قدرت چانه‌زنی اقتصادی و سیاسی بیشتر در نظام بین‌المللی، بی‌نیازی به واردات و مصرف بی‌رویه کالاها و خدمات کشورهای غیر اسلامی، رونق مشاغل، کاهش فقر و بیکاری و در نهایت بهبود توزیع درآمد و رشد و توسعه اقتصادی مستمر و با ثبات را برای کشورهای اسلامی به ارمغان می‌آورد.

به نظر می‌رسد کشورهای اسلامی می‌توانند برای افزایش مبادلات میان کشورها در قالب اتحادیه‌ها، از ابزارهای اقتصادی همچون تعرفه‌ها به نحو صحیحی استفاده کنند، و از این منظر بر الگوی مصرف و در نهایت جهت‌گیری تجارت خارجی کشورهای اسلامی اثر بگذارند و از طریق همکاری‌هایی بیش از پیش کشورهای اسلامی در نظام بین‌الملل، زمینه‌ساز ظهور پر قدرت و تأثیرگذار کشورهای اسلامی در جامعه بین‌الملل باشند که این امر، هم موجب افزایش قدرت چانه‌زنی کشورهای اسلامی می‌شود و هم راه را برای تشکیل بازار مشترک اسلامی هموار می‌سازد. البته ممکن است تجارت با کشورهای اسلامی و تشکیل بازار مشترک اسلامی در کوتاه مدت به ضرر برخی از کشورهای اسلامی باشد. اما برای موفقیت همگانی نباید تنها به مصالح و منافع خود اندیشید؛ زیرا این طرز تفکر با رویکرد جهان‌شمول اسلام و نگرش برون‌مرزی آن در تعارض است. از این رو باید کشورهای اسلامی مصالح تمامی جوامع اسلامی را مدنظر داشته باشند تا منافع ناشی از آن فراگیر شود و در بلندمدت تمامی کشورهای اسلامی، از همکاری‌ها و تعاملات بیشتر درون‌گروهی در پرتو تشکیل بازار مشترک اسلامی بهره‌مند شوند. البته گفتنی است، گسترش همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای اسلامی فقط به بازار حج خلاصه نمی‌شود. بلکه بازار حج آغازی برای گسترش همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی میان کشورهای اسلامی است. از این رو تشکیل بازار مشترک اسلامی در حج، فرصتی مناسب برای

کشورهای اسلامی است تا در عصری که دشمنان اسلام، با هدف وابستگی مدام کشورها، در صدد به تاراج بردن ارز و ثروت مسلمانانند، آنها نیز برای تحقق هدف عالی اسلام که همانا تشکیل امت واحده اسلامی است و برای جهانی شدن مکتب و آرمان‌های خود با اهداف انسانی و الهی گام بردارند. به یقین دستیابی به استقلال و خودکفایی کشورهای اسلامی مقابل بیگانگان و دشمنان اسلام در تمامی زمینه‌ها، فرآیندی طولانی است که می‌تواند از همکاری‌های ساده و محدود، همانند در اختیار گرفتن بازار حج و در نهایت تشکیل بازار مشترک اسلامی، آغاز شود. البته رسیدن به حد مطلوب در این فرایند، تعامل و همکاری کشورهای اسلامی را می‌طلبد.

اهمیت افزایش تعاملات و همکاری‌ها میان کشورهای اسلامی تا آنجایی است که قرآن کریم برای جلوگیری از حاکمیت کفار بر مسلمانان می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱) گفتنی است کشورهای اسلامی در زمینه برخی همکاری‌های اقتصادی مانند شورای اتحاد اقتصادی اعراب و بازار مشترک عربی، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان همکاری اقتصادی اکو و... به موافقت‌هایی دست یافته است. اما این توافقات تاکنون راه به جایی نبرده، و عملاً سطح تعاملات اقتصادی میان کشورهای اسلامی پایین بوده است. می‌توان از دلایل مهم این امر را نشناختن پتانسیل‌های موجود در تمامی زمینه‌ها و کم‌توجهی به ویژگی‌های کشورهای اسلامی دانست. این ناآگاهی، موجب گسترش بدبینی و بی‌اعتمادی کشورهای اسلامی نسبت به یکدیگر، و در نهایت خودداری آنان از همکاری با یکدیگر شده است. درحالی‌که کشورهای اسلامی می‌توانند با شناخت صحیح از پتانسیل‌ها و امکانات خود، و با برنامه‌ای سنجیده و حساب شده، ضمن استفاده مطلوب از پتانسیل‌های موجود و ایجاد پتانسیل‌های جدید، با یکدیگر همکاری و تعامل داشته باشند.

البته درخور توجه است که تحقق چنین عملی مستلزم اراده و وحدت و همدلی کشورهای اسلامی است. شناخت کشورهای اسلامی از دارایی‌ها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و چالش‌های خود در تمامی زمینه‌ها و در نتیجه افزایش همکاری و ارتباط متقابل مابین کشورهای اسلامی می‌تواند در کنگره عظیم حج تحقق عینی و عملی داشته باشد؛ زیرا حج فرصتی است که مسلمانان می‌توانند فرآورده‌های صنعتی، سنتی و سایر تولیداتشان را در این بازار بین‌المللی در معرض نمایش سایر کشورهای اسلامی و جهانیان قرار دهند و مشوق یکدیگر در تولید و تکاپوی اقتصادی باشند، و با بهره‌گیری از تجارب یکدیگر، بازار کشورهای اسلامی، به‌ویژه بازار حج، را در اختیار بگیرند و کشورهای اسلامی را به رشد و توسعه در تمامی زمینه‌ها رهنمون سازند؛ زیرا اگر بازار حج در اختیار مسلمانان قرار گیرد می‌تواند در آینده به افزایش و گسترش بازار کشورهای اسلامی و رفاه آنان منجر شود.

همچنین گفتنی است، اگر کشورهای اسلامی با همبستگی و اتحاد، بتوانند بازار حج را در اختیار



بگیرند، این بازار می‌تواند مسیرها را برای برپایی بازار مشترک اسلامی هموار کند و از این رو برای اینکه کشورهای اسلامی بتوانند در صحنه بین‌المللی نیز حضور داشته باشند و کالاهای آنها در قیاس با کالاهای کشورهای توسعه‌یافته درخور رقابت باشد، بهره‌وری خود را بهبود می‌بخشند که این امر، افزون بر رقابت بین‌المللی، سبب افزایش رشد اقتصادی و به دنبال آن بهبود توزیع درآمد می‌شود.

اما کشورهای اسلامی از چنین فرصتی غفلت ورزیده، و امروزه بازار مکه و مدینه به نمایشگاه صنعتی و تجاری غرب و شرق تبدیل شده است و محصولات کشورهای اسلامی در آن کمتر به چشم می‌خورد. در حالی که تشکیل بازار مشترک اسلامی بهترین فرصت برای کشورهای اسلامی است تا با ایجاد پیوند و مشارکت اقتصادی، میلیون‌ها مسلمان از آثار کلان اقتصادی حج در مجموعه جامعه اسلامی بهره ببرند و توان اقتصادی مسلمانان، که زیر بنای بسیاری از مسائل دیگر است، بالا رود و در نتیجه فقر و بیکاری کاهش یابد و توزیع درآمد کشورهای اسلامی متعادل شود.

البته در بیان دلیل پایین بودن سهم تجارت خارجی به‌طور عام، و همچنین مبادلات اقتصادی درون-گروهی مابین کشورهای اسلامی و قبضه شدن بازارهای اسلامی توسط کشورهای غیر اسلامی به‌طور خاص، می‌توان پایین بودن قدرت رقابت‌پذیری کالاهای کشورهای اسلامی در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته و کم‌توجهی کشورهای مذکور به مؤلفه‌های دانش، از جمله فعالیت‌های تحقیق و توسعه و نوآوری را از دلایل مهم آن دانست. بنابراین کم‌توجهی به این عوامل باعث شده است هر یک از کشورهای اسلامی، شرکای تجاری خود را کشورهایی قرار دهند که از لحاظ مؤلفه‌های دانش‌محور در جایگاه‌های برتر از اعضای این گروه قرار دارند. امروزه مؤلفه‌های دانش‌محور شرط انکارناپذیر برای باقی ماندن در میدان رقابت‌های اقتصادی، صنعتی، تجاری و... به شمار می‌رود. به عبارتی، مزیت‌های نسبی دیگر در تجارت هیچ‌گاه ثابت و پایدار نیست و کشورهایی که در پی بهره‌جویی از تجارت جهانی‌اند باید همواره به‌دنبال دستیابی به مزیت‌های جدید در رقابت با جهان پیرامون خود باشند. (شاه آبادی و ساری‌گل: ۱۳۹۰) از این رو عدم امکان تولید کالاهای صنعتی با فناوری پیشرفته و کارآمد، عمده‌ترین ضعف بیشتر کشورهای اسلامی است.

در ادامه، این مسئله درخور بررسی است که هرچند جهان اسلام از منابع و ظرفیت‌های قدرتمند اقتصادی بسیاری برخوردار است و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای اسلامی، با توجه به جمعیت ۱/۵ میلیاردی، در قالب اتحادیه منطقه‌ای اسلامی (جغرافیای اقتصادی جهان اسلام) با پشتیبانی عقیدتی و ایمانی مشترک به دین مقدس اسلام نیز می‌تواند کشورهای اسلامی را به سطح توسعه مطلوب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ارتقا دهد، اما چرا همچنان شاخص‌های اقتصادی کشورهای اسلامی همچون سطح تعاملات اقتصادی میان کشورهای اسلامی، توزیع درآمد و... نامطلوب است و

بازارهای اسلامی در اختیار کشورهای غیر اسلامی است و کشورهای اسلامی نمی‌توانند از این فرصت بی‌بفیل استفاده کنند. از این رو در اینجا به بررسی مؤلفه‌های قدرت رقابت‌پذیری و نوآوری کشورهای منتخب اسلامی می‌پردازیم:

#### الف) رقابت‌پذیری

گزارش رقابت‌پذیری جهانی<sup>۱</sup> یک گزارش سالانه است که توسط مجمع جهانی اقتصاد ارائه می‌شود. در گزارش مذکور، کشورها بر اساس «شاخص رقابت‌پذیری جهانی» رتبه‌بندی می‌شوند. این شاخص از شاخص‌های کاملی است که طیف وسیعی از عوامل تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری را در نظر می‌گیرد. بر اساس تعریف مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری شامل مجموعه‌ای از عوامل، سیاست‌ها و نهادهایی است که بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کند. از یک سو، سطح بهره‌وری، رفاه اقتصادی مردم را در کشورها تعیین می‌کند و از سوی دیگر، هر قدر رقابت‌پذیری کشوری در سطح جهان بالاتر باشد، آن کشور از ادغام در اقتصاد جهانی به واسطه دسترسی سهل‌تر به بازارهای خارجی بیشتر بهره‌مند خواهد شد. بر عکس کشوری که از قدرت رقابت‌پذیری پایین‌تری برخوردار باشد، نه تنها از ادغام در اقتصاد جهانی بهره‌مند نمی‌شود، بلکه ممکن است متضرر نیز شود.

جدول (۴): شاخص قدرت رقابت‌پذیری کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱

۲۰۱۱ - ۲۰۱۲

کشور	۲۰۱۱ - ۲۰۱۰			۲۰۱۲ - ۲۰۱۱		
	رتبه در جهان	رتبه در گروه	امتیاز	رتبه در جهان	رتبه در گروه	امتیاز
آذربایجان	۴۰۲۹	۵۷	۱۰	۴۰۲۹	۵۵	۱۰
اردن	۴۰۲۱	۶۵	۱۲	۴۰۲۱	۷۱	۱۳
امارات	۴۰۸۹	۲۵	۳	۴۰۸۹	۲۷	۴
اندونزی	۴۰۴۳	۴۴	۹	۴۰۴۳	۴۶	۹
ایران	۴۰۱۴	۶۹	۱۳	۴۰۱۴	۶۲	۱۲
بحرین	۴۰۵۴	۳۷	۸	۴۰۵۴	۳۷	۷
ترکیه	۴۰۲۵	۶۱	۱۱	۴۰۲۵	۵۹	۱۱
تونس	۴۰۶۵	۳۲	۵	۴۰۶۵	۴۰	۸
سوریه	۳۰۷۹	۹۷	۱۸	۳۰۷۹	۹۸	۱۸
عربستان	۴۰۹۵	۲۱	۲	۴۰۹۵	۱۷	۲
عمان	۴۰۶۱	۳۴	۶	۴۰۶۱	۳۲	۵

۱. Global Competitiveness Report.



۱۴	۷۲	۴.۱۸	۱۴	۷۲	۴.۱۲	قزاقستان
۱	۱۴	۵.۲۴	۱	۱۷	۵.۱۰	قطر
۶	۳۴	۴.۶۲	۷	۳۵	۴.۵۹	کویت
۱۶	۸۹	۳.۹۵	۱۷	۹۲	۳.۸۹	لبنان
۳	۲۱	۵.۰۸	۴	۲۶	۴.۸۸	مالزی
۱۵	۷۳	۴.۱۶	۱۵	۷۵	۴.۰۸	مراکش
۱۷	۹۴	۳.۸۸	۱۶	۸۱	۴.۰۰	مصر

مأخذ: ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ و ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ The Global Competitiveness Report

\* کشورهای ازبکستان و ترکمنستان به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات، از تجزیه و تحلیل حذف شده است.

مطابق جدول (۴) که شاخص قدرت رقابت پذیری کشورهای منتخب اسلامی را نشان می دهد، کشور قطر با کسب رتبه چهارده در رتبه بندی کلی در گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد سال ۲۰۱۱، در جایگاه اول کشورهای مورد مطالعه قرار گرفته است. کشورهای عربستان سعودی و مالزی نیز در گزارش ۲۰۱۱ با امتیازهای ۵.۱۷ و ۵.۰۸ در جایگاه دوم و سوم قرار دارند؛ درحالی که کشور سوریه با امتیاز ۳.۸۵ رده آخر را بین کشورهای منتخب اسلامی به خود اختصاص داده است. کشور ایران نیز در گزارش سال های ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ و ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲، با امتیازهای ۴.۱۴ و ۴.۲۶ توانسته است رتبه خود را در جهان و بین کشورهای منتخب اسلامی بهبود دهد و به ترتیب با ۶ و ۱ پله صعود در جایگاه شصت و دوم و دوازدهم در جهان و در گروه کشورهای منتخب اسلامی قرار بگیرد. گفتنی است، رتبه کشورهای اردن، امارات متحده عربی، اندونزی، تونس، سوریه و مصر در این شاخص در گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ و در قیاس با گزارش ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ در جهان و گروه کشورهای منتخب اسلامی بدتر شده است.

جدول (۵): رتبه کشورهای منتخب اسلامی در شاخص های دوازده گانه رقابت پذیری جهانی بین کشورهای

جهان ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲

کشور	اجزای شاخص های مبتنی بر کارایی						اجزای شاخص های نیازهای اساسی					
	بهره داری و نوآوری	بیشرفت و کسب و کار	اندازه بازار	آمادگی فنی	توسعه بازار مالی	بازدهی بازار کار	بازدهی بازار کالا	آموزش و تحصیلات تکمیلی	بهداشت و آموزش اولیه	ثبات اقتصاد کلان	زیر ساخت ها	نهاده ها
آذربایجان	(۸) ۶۰	(۱۴) ۷۳	۷۵ (۱۶)	(۱۲) ۷۴	(۱۵) ۹۴	(۱۱) ۱۴	(۱۴) ۷۹	(۱۳) ۷۵	۱۰۵ (۱۸)	(۶) ۱۶	(۱۳) ۷۳	۶۸ (۱۱)
اردن	(۱۲) ۷۷	(۱۳) ۶۸	۸۸ (۱۷)	(۹) ۵۹	(۱۱) ۶۵	(۱۲) ۱۰۷	(۱۱) ۵۳	(۸) ۵۹	(۱۱) ۷۳	(۱۶) ۹۷	(۱۰) ۵۹	(۸) ۴۵
امارات	(۴) ۲۸	(۴) ۳۳	(۷) ۴۳	(۱) ۳۰	(۶) ۳۳	(۶) ۲۸	(۳) ۱۰	(۲) ۳۳	(۶) ۴۱	(۴) ۱۱	(۱) ۸	(۵) ۲۲
اندونزی	(۵) ۳۶	(۷) ۴۵	(۱) ۱۵	(۱۵) ۹۳	(۱۲) ۶۹	(۱۰) ۹۴	(۱۲) ۶۷	(۱۱) ۶۹	(۱۰) ۶۴	(۸) ۳۳	(۱۵) ۷۶	۷۱ (۱۳)
ایران	(۱۱) ۷۰	(۱۶) ۹۴	(۳) ۲۱	(۱۷) ۱۰۴	(۱۸) ۱۲۳	(۱۷) ۱۳۹	(۱۷) ۱۰۳	(۱۴) ۸۱	(۷) ۵۰	(۱۰) ۲۷	(۱۱) ۶۷	۷۲



												(۱۲)
بحرین	(۳) ۱۷	(۶) ۳۰	(۱۳) ۴۵	(۲) ۳۱	(۱) ۲۸	(۲) ۶	(۲) ۱۹	(۲) ۱۴	(۳) ۳۹	۱-۲ (۱۸)	(۵) ۳۳	(۹) ۶۱
ترکیه	۸۰ (۱۶)	(۸) ۵۱	(۱۵) ۶۹	(۱۲) ۷۵	(۱۲) ۷۴	(۹) ۴۷	(۱۵) ۱۳۳	(۷) ۵۵	(۷) ۵۵	(۲) ۱۷	(۱۰) ۵۸	(۱۰) ۶۹
تونس	(۷) ۴۱	(۹) ۵۲	(۱۲) ۳۸	(۵) ۳۸	(۵) ۴۴	(۸) ۴۴	(۱۱) ۱۰۶	(۱۳) ۷۶	(۸) ۵۸	۶۳ (۱۲)	(۹) ۵۲	(۶) ۳۷
سودیه	۷۰ (۱۲)	(۱۷) ۹۷	(۱۴) ۶۸	(۹) ۶۲	(۱۷) ۱۰۶	(۱۶) ۱۰۲	(۱۶) ۱۳۴	(۱۶) ۱۱۷	(۱۸) ۱۰۵	۶۶ (۱۳)	(۱۷) ۹۴	(۱۸) ۱۲۵
عربستان	(۱) ۱۲	(۳) ۲۵	(۵) ۱۲	(۸) ۶۱	(۳) ۳۶	(۱) ۴	(۸) ۵۰	(۳) ۱۶	(۳) ۲۳	(۲) ۲۳	(۲) ۱۷	(۳) ۲۶
عمان	(۳) ۱۶	(۵) ۲۸	(۲) ۳	(۱۲) ۸۱	(۹) ۶۳	(۶) ۳۳	(۷) ۴۰	(۵) ۳۰	(۶) ۵۱	۷۳ (۱۵)	(۶) ۴۰	(۷) ۲۷
قزاقستان	۹۴ (۱۷)	(۱۶) ۸۲	(۷) ۱۸	(۱۵) ۸۵	(۱۰) ۶۵	(۱۵) ۸۷	(۳) ۲۱	(۱۷) ۱۲۱	(۱۳) ۸۷	۱۰۹ (۱۸)	(۱۷) ۱۱۶	
قطر	(۳) ۱۴	(۴) ۲۷	(۳) ۵	(۱) ۲۲	(۷) ۵۰	(۵) ۱۷	(۵) ۲۲	(۴) ۱۹	(۲) ۳۳	۵۹ (۱۰)	(۱) ۱۲	(۱) ۱۸
کویت	(۹) ۲۷	(۷) ۵۰	(۱) ۲	(۱۳) ۷۷	(۱۵) ۹۱	(۱۰) ۵۳	(۹) ۶۲	(۹) ۵۹	(۱۰) ۶۵	۶۱ (۱۱)	(۱۱) ۶۲	(۱۴) ۸۳
لبنان	۱۱۵ (۱۸)	(۱۸) ۱۲۱	(۱۷) ۱۲۵	(۴) ۳۵	(۶) ۴۹	(۷) ۳۵	(۱۳) ۱۱۰	(۸) ۵۸	(۱۴) ۸۹	۷۱ (۱۴)	(۸) ۵۱	(۱۶) ۱۱۵
مالزی	(۶) ۳۰	(۳) ۲۶	(۱۱) ۲۹	(۳) ۳۳	(۴) ۳۸	(۴) ۱۵	(۳) ۲۰	(۱) ۳	(۵) ۴۴	(۶) ۲۹	(۳) ۲۰	(۳) ۲۴
مراکش	۵۹ (۱۰)	(۱۲) ۶۹	(۹) ۲۵	(۱۶) ۹۳	(۱۶) ۹۸	(۱۳) ۷۲	(۱۴) ۱۲۲	(۱۰) ۶۲	(۱۱) ۶۶	(۹) ۵۷	(۱۵) ۸۰	(۱۳) ۸۰
مصر	۷۴ (۱۵)	(۱۴) ۷۵	(۱۸) ۱۳۲	(۱۷) ۹۶	(۱۸) ۱۰۷	(۱۸) ۱۱۸	(۱۸) ۱۴۱	(۱۴) ۹۲	(۱۶) ۹۵	(۵) ۲۷	(۱۳) ۷۲	(۱۵) ۱۰۳

مأخذ: ۲۰۱۱ - The Global Competitiveness Report ۲۰۱۲

\* کشورهای ازبکستان و ترکمنستان به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات، از تجزیه و تحلیل حذف شده است.

\*\* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در گروه کشورهای منتخب اسلامی است.

در جدول (۵)، رتبه کشورهای منتخب اسلامی در شاخص‌های دوازده گانه رقابت‌پذیری بین کشورهای جهان تصویر شده است. براساس اطلاعات این جدول، در اجزای شاخص نیازهای اساسی، کشور عربستان سعودی در نهادها، کشور امارات متحده عربی در زیر ساخت‌ها، کشور کویت در ثبات اقتصاد کلان، و کشور قطر در بهداشت و آموزش اولیه توانسته‌اند رتبه برتر را بین کشورهای منتخب اسلامی کسب کنند. همچنین در اجزای شاخص مذکور، کشور ایران رتبه‌های چهارده در مؤلفه نهادها، یازده در زیرساخت‌ها، ده در ثبات اقتصاد کلان و هفت را در بهداشت و آموزش اولیه بین کشورهای منتخب اسلامی کسب کرده است.

بین کشورهای مورد مطالعه، کشورهای بحرین، عربستان سعودی، مالزی، امارات متحده عربی و اندونزی به ترتیب در مؤلفه‌های آموزش و تحصیلات تکمیلی، بازرهی بازار کالا، بازرهی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فنی و اندازه بازار رتبه‌های اول را کسب کرده‌اند. در صورتی که کشور مصر در سه مؤلفه شاخص مبتنی بر کارایی، یعنی آموزش و تحصیلات تکمیلی، بازرهی بازار کالا و بازرهی بازار کار رتبه آخر را بین کشورهای منتخب اسلامی به خود اختصاص داده است. در سه مؤلفه



دیگر شاخص مبتنی بر کارایی، به ترتیب کشورهای ایران، سوریه و بحرین با کسب رتبه هجدهم بدترین عملکرد را داشته‌اند.

گفتنی است وضعیت کشور ایران در اجزای شاخص مبتنی بر کارایی چندان مطلوب نیست؛ به گونه‌ای که در گزارش مذکور کشور ایران در مؤلفه‌های آموزش و تحصیلات تکمیلی رتبه چهاردهم و در بازدهی بازار کالا، بازدهی بازار نیروی کار و آمادگی فنی رتبه هفدهم و در توسعه بازار مالی رتبه هجدهم را بین کشورهای منتخب اسلامی به دست آورده است و تنها بین اجزای شاخص مبتنی بر کارایی، آن هم فقط در اندازه بازار با کسب رتبه سه عملکرد خوبی داشته است. کشور قطر نیز در هر دو مؤلفه پیشرفت کسب و کار و نوآوری از اجزای شاخص مبتنی بر نوآوری موفق‌ترین کشور میان کشورهای مورد مطالعه بوده، و توانسته است رتبه اول را به خود اختصاص دهد. کشورهای قزاقستان و سوریه نیز در اجزای شاخص مبتنی بر نوآوری بدترین عملکرد را داشته‌اند. همچنین کشور ایران رتبه‌های شانزدهم و یازدهم را به ترتیب در شاخص‌های پیشرفت کسب و کار و نوآوری، میان کشورهای منتخب اسلامی احراز کرده است. البته با نگاهی دقیق‌تر به جداول (۴) و (۵) درمی‌یابیم که کشورهای اسلامی در شاخص فوق، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. این امر ناشی از آن است که در کشورهای نفت‌خیز، بخشی از مازاد درآمدهای حاصل از ثروت‌های نفتی صرف اصلاحات برای بهبود رقابت‌پذیری شده است؛ برای نمونه کشورهای قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی در انجام دادن اصلاحات از موفقیت بیشتری برخوردارند. اما وضعیت بیشتر کشورهای منتخب اسلامی در شاخص‌های دوازده‌گانه گزارش رقابت‌پذیری منتشره توسط مجمع جهانی اقتصاد چندان مطلوب و مناسب نیست؛ درحالی که کشورهای سوئیس، سنگاپور، سوئد و فنلاند، رقابت‌پذیرترین اقتصادهای جهان معرفی شده‌اند. از این رو باید اذعان کرد، به منظور افزایش تعاملات اقتصادی مابین کشورهای اسلامی و ارتقای جایگاه آنان در اقتصاد بین‌الملل و با توجه به آنکه در جهان کنونی مزیت‌های نسبی در تجارت هیچ‌گاه ثابت و پایدار نیست، باید کشورهای اسلامی به واسطه توجه به مؤلفه‌های تعیین‌کننده رقابت‌پذیری، اقتصادهای خود را به اقتصادهایی رقابت‌پذیر تبدیل کنند؛ زیرا اقتصادهای رقابت‌پذیر اقتصادهایی هستند که عوامل محرک بهره‌وری آنها به درستی برای افزایش رفاه و کامیابی به کار گرفته شده است و فراهم کردن شرایط اقتصادی حمایت از رقابت‌پذیری می‌تواند به اقتصادهای ملی برای کسب درآمد بالا و ایجاد اطمینان در زمینه اثربخشی مکانیزم‌های فعال بهبوددهنده عملکرد اقتصادی کمک کند. (شاه‌آبادی و صادقی: ۱۳۸۹)

بنابراین موضوع جایگاه نامطلوب بیشتر کشورهای اسلامی در شاخص‌های دوازده‌گانه رقابت‌پذیری می‌تواند در کنگره حج مورد بررسی و گفت‌وگو میان کشورهای اسلامی قرار گیرد؛ زیرا حج

مناسب‌ترین فرصت و موقعیت را برای تبادل نظر و مذاکرات اصولی بین کشورهای اسلامی فراهم می‌سازد تا در پرتو ارتباطات منطقی و اصولی، بتوان از مشکلات و کمبودهای کشورهای اسلامی شناخت لازم را کسب کرد و همچنین با اتفاق نظر، زمینه‌های تفاهم و همکاری میان کشورهای اسلامی برای بهبود شاخص رقابت‌پذیری، و در نهایت بهبود توزیع درآمد هموار شود؛ زیرا اقتصادی که رقابت‌پذیرتر است از سطح بهره‌وری بالاتری برخوردار است؛ بدان معنا که با کسب سطح بیشتری از درآمد، رفاه بیشتری را برای مردم خود فراهم می‌کند. گفتنی است، براساس تجربه‌های کنونی کشورها و تلاش مستمر آنها، به یقین می‌توان گفت در شرایط فعلی، پایانی برای انجام دادن اصلاحات مبتنی بر بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری برای تمامی کشورها وجود ندارد؛ چون هم زمان کشورهای دیگر نیز مشغول اصلاحات‌اند و رتبه خود را ارتقا می‌دهند.

#### ب) نوآوری

از نتایج نوآوری، ارزش‌آفرینی و افزایش کارایی است که رشد تجارت را رقم خواهد زد. به عقیده «باثر»<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) قابلیت‌ابتکار، ابداع و نوآوری، کارایی افراد را افزایش می‌دهد و همین دلیل تجارت است. از این رو توسعه کارآمدی نوآوری در بخش تجارت برای بقای اقتصاد ملی و توازن میان بخش‌های تولید و مصرف امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. افزون بر این، تجارت در جهان کنونی به سمت محصولات با فناوری‌های پیشرفته متمایل شده است. اما کشورهای اسلامی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، در تابع تولید خود، کمتر به مؤلفه‌های دانش‌محور توجه کرده‌اند، و همین امر منجر شده است تا بازار بیشتر کشورهای اسلامی، به‌ویژه بازار حج، در اختیار کشورهای توسعه یافته غیر اسلامی باشد. به تعبیری دیگر، کشورهای اسلامی زمانی می‌توانند از منافع اقتصادی موجود در برپایی بازار مشترک اسلامی به‌ویژه بازار حج بهره‌مند شود که از نظر فعالیت‌های نوآورانه، فناوری‌های نوین، تحقیق و توسعه سطح دانش و تخصص نیروی انسانی، در سطح بالایی قرار داشته باشد. از این رو به منظور تنوع بخشیدن و خلق مزیت‌های جدید در روابط تجاری، تقویت و استمرار تعاملات در روابط اقتصادی، افزایش اشتغال و سرمایه‌گذاری، بهبود قدرت رقابت‌پذیری و توزیع متعادل‌تر درآمد در کشورهای اسلامی، آشنایی و شناسایی برخی شاخص‌های نوآوری ضروری به نظر می‌رسد.

در جدول (۶) شاخص‌های نوآوری کشورهای منتخب اسلامی تصویر شده است. کشور مراکش در سال ۲۰۰۷ بهترین عملکرد را بین کشورهای مورد مطالعه داشته است؛ به‌طوری‌که میزان انباشت مخارج تحقیق و توسعه آن برابر ۱۹۶۲۲۸ میلیون دلار محاسبه شده است و رتبه اول را بین کشورهای

۱. Bauer.

منتخب اسلامی کسب کرده است. انباشت مخارج تحقیق و توسعه کشورهای تونس و قزاقستان در سال ۲۰۰۷ نیز معادل ۱۳۵۱۰۳ و ۱۲۶۸۱۹ میلیون دلار بوده، که به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده است. این شاخص برای کشور مصر برابر ۲۲۴۹ میلیون دلار محاسبه شده، که بین کشورهای اسلامی وضعیت مطلوبی ندارد و رتبه نهم را داراست. شاخص مذکور برای کشور ایران در سال ۲۰۰۷، ۶۰۱۱ میلیون دلار بوده، و رتبه هفتم را به دست آورده است. نکته درخور اهمیت آنکه وضعیت کلی شاخص انباشت مخارج تحقیق و توسعه در کشورهای اسلامی بیانگر افزایش اهمیت R&D است. اما با وجود این، وضعیت فعلی کشورهای اسلامی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، همچون ژاپن و آمریکا، نشانگر ضرورت تلاش جدی در توجه به مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌محور در راستای دستیابی به فناوری‌های پیشرفته و کارآمد و کاهش شکاف فناوری برای کسب مزیت رقابتی در بازارهای جهانی به‌ویژه بازار حج است. همچنین براساس جدول (۶)، که نشانگر شاخص «گینارت - پارک»<sup>۲</sup> برای سنجش شدت حمایت از حقوق مالکیت فکری است<sup>۳</sup>، کشور ترکیه با شاخصی معادل ۴۰۱ در سال ۲۰۰۵ جزء بهترین کشورها به لحاظ حمایت از حقوق مالکیت فکری است. شاخص فوق در سال ۲۰۰۵ برای کشور ایران بدون هیچ‌گونه پیشرفتی از نظر قدرت نظام IPR ۱۰۹۱ بوده، که رتبه دهم را بین کشورهای منتخب اسلامی بدست آورده است. شاخص گینارت - پارک برای بیشتر کشورهای توسعه‌یافته بالاتر از چهار است. از این رو می‌توان بیان داشت وضعیت بیشتر کشورهای اسلامی در شاخص حقوق مالکیت فکری نامطلوب و ضعیف است. در حالی که حمایت از نظام IPR به ایجاد انگیزه برای انجام دادن فعالیت‌های نوآورانه می‌انجامد که این خود می‌تواند عاملی برای حفظ یا افزایش سهم کشورهای مذکور در تجارت خارجی و تعاملات درون‌گروهی و توزیع متعادل‌تر درآمد باشد.

شایان ذکر است، متوسط ناخالص ثبت‌نام در دوران متوسطه، شاخصی است که از آن برای سنجش سرمایه انسانی موجود در کشورهای منتخب اسلامی بهره برده‌ایم. براساس شاخص مذکور، بین کشورهای منتخب اسلامی، شاخص متوسط ناخالص ثبت‌نام در دوران متوسطه در سال ۲۰۰۹ در کشورهای ازبکستان، آذربایجان و عربستان سعودی به ترتیب برابر ۱۰۳۰۵، ۹۹۰۳ و ۹۶۰۸ درصد است که به ترتیب رده‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده است. کشور مصر نیز با ثبت‌نامی معادل ۶۷۰۱ درصد در دوران متوسطه، رتبه آخر را احراز کرده است. همچنین شاخص مذکور در کشور

۱. Research & Development.

۲. Ginart & Park.

۳. Intellectual Property Right (IPR).

ایران ۸۳.۰۷ درصد است که رتبه یازدهم را بین کشورهای مورد مطالعه دارد. با نگاهی روشکافانه تر به جدول (۶) درمی یابیم که بیشتر کشورهای اسلامی از سرمایه انسانی درخور توجهی برخوردارند. اما بیشتر آنها با توجه به داشتن سرمایه انسانی مطلوب، قادر به تولید محصولات صنعتی مطلوب و رقابت پذیر در سطح استاندارد جهانی نیستند. همچنین شاخص دیگر نوآوری دسترسی فناوری اطلاعات و ارتباطات است که برای بررسی این موضوع از تعداد کاربران اینترنت استفاده کرده ایم. تعداد کاربران اینترنت کشور بحرین و امارات در سال ۱۹۹۵ به ترتیب ۰.۳ و ۰.۱ نفر، به ازای هر صد نفر، بوده است؛ در حالی که این میزان در سال ۲۰۰۹ به ۸۲ کاربر افزایش یافته، و رتبه اول را بین کشورهای منتخب اسلامی بدست آورده است. کشورهای مالزی و عمان نیز با ۵۷ و ۴۳ کاربر در سال ۲۰۰۹ در رتبه های دوم و سوم قرار دارند و این در صورتی است که تعداد کاربران اینترنت کشورهای ایران و عربستان در سال ۲۰۰۹، ۳۸ کاربر، به ازای هر صد نفر، بوده است که رتبه ششم را بین کشورهای مورد مطالعه به خود اختصاص داده اند. همچنین کشور ترکمنستان در سال ۲۰۰۹ با یک کاربر، کمترین کاربر اینترنت را بین کشورهای منتخب اسلامی داشته، و رتبه هفدهم را به دست آورده است.

جدول (۶): شاخص های نوآوری کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹

کشور	انباشت مخارج تحقیق و توسعه برحسب میلیون دلار		حمایت از حقوق مالکیت فکری		تعداد درخواست های ثبت اختراعات افراد مقیم کشور		متوسط ناخالص ثبت نام در دوران متوسطه برحسب درصد		تعداد کاربران اینترنت به ازای هر ۱۰۰ نفر	
	۱۹۹۶	۲۰۰۷	۱۹۹۵	۲۰۰۵	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹
آذربایجان	(۶) ۶۲۹۹	(۴) ۱۶۹۵	-	-	(۵) ۲۲۱	-	۸۲.۱	(۲) ۹۹.۳	۰.۰۲	(۴) ۴۲
اردن	-	-	۳.۴۳	(۱۰) ۱.۰۸	-	-	-	-	(۸) ۰.۰۲	(۱۰) ۲۹
ازبکستان	-	-	-	-	۱۰۳۹	(۳) ۲۳۸	۹۲.۴	(۱) ۱۰۳.۵	۰.۰۰۱	(۱۵) ۱۶
امارات	-	-	-	-	-	-	۸۱.۸	(۵) ۹۵.۲	(۴) ۰.۱۰	(۱) ۸۲

			(۶)							
اندونزی	(۶) ۸	(۸) ۰-۰۲	۷۹.۴ (۱۳)	۴۹.۴ (۱۳)	-	(۱۰) ۶۱	۲.۷۷ (۸)	(۹) ۱.۵۶	(۶) ۷۵۹۸	(۵) ۶۴۵۱
ایران	(۶) ۳۸	۰-۰۰۴ (۱۰)	۸۳-۷ (۱۱)	۶۶.۴ (۷)	-	۲۷۸ (۴)	۱.۹۱ (۱۰)	(۳) ۱.۹۱	(۷) ۶۰۱۱	(۸) ۳۵۴۹
بحرین	(۱) ۸۲	(۱) ۰-۰۳	(۴) ۹۶.۴	(۱) ۹۸.۲	-	-	-	-	-	-
ترکمنستان	(۱۷) ۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ترکیه	(۷) ۳۵	(۵) ۰-۰۸	-	۵۷.۲ (۱۱)	(۱) ۳۵۵۵	(۶) ۱۷۰	(۱) ۴۰-۱	(۲) ۲.۶۵	(۵) ۱۴۱۴۸	(۴) ۷۹۲۶
تونس	(۸) ۳۳	(۹) ۰-۰۱	(۸) ۹۰-۲	۵۷-۸ (۱۰)	-	(۱۱) ۳۱	۳.۲۵ (۵)	(۸) ۱.۶۵	(۲) ۱۳۵۱۰۳	(۳) ۲۹۴۷۴
سوریه	(۱۴) ۱۸	(۱۴) ۰	۷۴.۷ (۱۴)	۴۱.۳ (۱۳)	-	(۸) ۱۲۹	۲.۱۹ (۹)	(۴) ۱.۸۷	-	-
عربستان	(۶) ۳۸	(۹) ۰-۰۱	(۳) ۹۶.۸	-	-	(۱۲) ۲۸	۲.۹۸ (۶)	(۵) ۱.۸۳	(۱۰) ۶۹۸	(۱۱) ۱۲۰
عمان	(۳) ۴۳	-	(۷) ۹۱.۳	۶۵.۸ (۸)	-	-	-	-	-	-
قزاقستان	(۸) ۳۳	(۹) ۰-۰۱	(۶) ۹۴.۹	-	-	۱۰۳۱ (۲)	-	-	(۳) ۱۲۶۸۱۹	(۱) ۲۶۸۴۳۲
قطر	(۱۱) ۲۸	(۲) ۰-۱۹	(۱۰) ۸۵.۲	۹۶.۶ (۲)	-	-	-	-	-	-
کویت	(۵) ۳۹	(۲) ۰-۱۹	(۹) ۸۹.۸	۸۵.۹ (۴)	-	-	-	-	(۱۱) ۶۶۴	(۱۰) ۷۵۴

لبنان	-	-	-	-	۶۵.۵ (۹)	-	-	-	-	۱۲) ۲۳	۶) ۰.۰۷	۱۲) ۸۲.۱
مالزی	(۷) ۲۹۳۵	(۸) ۵۳۷۲	(۱) ۲.۷۰	۳.۴۸ (۳)	(۷) ۱۴۱	-	-	-	-	(۳) ۵۷	(۳) ۰.۱۴	-
مراکش	(۲) ۶۰۷۶۹	(۱) ۱۹۶۲۲۸	(۶) ۱.۷۸	۳.۵۲ (۲)	(۹) ۸۹	-	-	-	۳۷.۸ (۱۴)	(۹) ۳۲	۰.۰۳ (۱۱)	-
مصر	(۹) ۱۴۳۳	(۹) ۲۲۴۹	(۷) ۱.۷۳	۲.۷۷ (۷)	۴۰.۸ (۳)	(۲) ۴۹۰	-	-	-	(۱۳) ۲۰	(۷) ۰.۰۳	(۱۵) ۶۷.۱

مأخذ: [www.wdi.org](http://www.wdi.org) و بارک (۲۰۰۸)

\* انباشت مخارج تحقیق و توسعه به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار است.

اطلاعات موجود در جدول فوق نشان می‌دهد کشورهای منتخب اسلامی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته در بهبود شاخص‌های نوآوری موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند؛ در صورتی که توجه بیشتر کشورهای اسلامی به فعالیت‌های نوآورانه افزایش بهره‌وری عوامل تولید، ایجاد تنوع و کیفیت بالاتر در محصولات، و در نهایت افزایش توان رقابتی و قدرت چانه‌زنی در عرصه بین‌المللی و گسترش تعاملات اقتصادی و تجاری را نوید می‌دهد که همین امر به ارزش افزوده و رشد بیشتر تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال و توزیع متعادل درآمد در کشورهای اسلامی می‌انجامد. البته کشورهای اسلامی از پتانسیل‌های بالقوه فراوانی، مانند سرمایه انسانی درخور توجه، وفور منابع طبیعی برای ارتقای ظرفیت علمی و نوآوری در سطح بین‌المللی و... برخوردار است و این عوامل تولید می‌تواند حرکت آنان را از اقتصادی منابع محور و سرمایه محور به سمت اقتصادی دانش محور سرعت بخشد. اما هنوز کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند از پتانسیل‌های موجود به‌طور مطلوب استفاده کنند که این امر موجب کاهش توان قدرت رقابت‌پذیری و در نتیجه هرز رفتن منابع در کشورهای اسلامی از یک سو و پایین آمدن درآمد سرانه و سهم تجارت جهانی حتی مابین کشورهای اسلامی، کاهش نرخ مشارکت افراد و... از سوی دیگر شده است.

از این رو به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهمی که سبب شده است کشورهای اسلامی در بهبود شاخص‌های نوآوری موفقیت زیادی نداشته باشند، ناهماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی - آموزشی و پژوهشی نیست، زیرا در بیشتر کشورهای اسلامی سیاست‌های کلان



اقتصادی، نه تنها همسو با سیاست‌های علمی و پژوهشی نیست، بلکه نتیجه اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی، نامناسب، باعث انحراف قیمت نسبی عوامل به ضرر مؤلفه‌های دانش‌محور می‌شود. بنابراین ممکن نبودن تولید کالاها یا صنعتی با فناوری پیشرفته و کارآمد از ضعف‌های کلی بیشتر کشورهای اسلامی است. در صورتی که در جهان کنونی، اقتصاد تنها بر منابع طبیعی و ذخایر انرژی نمی‌چرخد، بلکه فناوری‌های راهبردی و پول‌ساز در چرخش اقتصادی حرف اول را می‌زند. کشورهایی که در زمینه نوآوری و فناوری پیشرفت‌هایی کرده، و حتی موفق به تولید ثروت از محل نوآوری و فناوری شده‌اند، سالانه درآمدهای هنگفتی را از آن خود می‌کنند و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشند و در نتیجه از رفاه اقتصادی بیشتری برخوردار می‌شوند. اما بیشتر کشورهای اسلامی به واسطه پشتوانه ثروت‌های نفتی و طبیعی به بهبود فعالیت‌های نوآورانه توجه اندکی داشته‌اند؛ حال آنکه کشورهای اسلامی با تغییر سیاست‌گذاری‌های خود از رویکرد اقتصاد منابع‌محور به اقتصاد دانش‌محور به‌وسیله همسوسازی بیشتر سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی - پژوهشی و آموزشی، و هدایت سرمایه‌های دولتی، بانکی و خصوصی به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه به‌وسیله اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی، به‌منظور سودآور کردن فعالیت‌های نوآورانه در مقایسه با سایر فعالیت‌های اقتصادی، اعطای وام با نرخ سود پایین به پروژه‌های نوآورانه کم‌مخاطره و همچنین اعطای بارانه به پروژه‌های نوآورانه پر مخاطره، فرهنگ‌سازی و مطرح کردن لزوم رعایت حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی حقوقی برای انجام‌دادن همکاری‌های مطلوب ملی و بین‌المللی و توسعه نوآوری، تدوین بانک‌های اطلاعاتی کارآمد در خصوص اطلاع‌رسانی اختراعات و دستاوردهای تحقیقاتی شایسته تجاری‌سازی در سطوح ملی و بین‌المللی، می‌توانند فعالیت‌های نوآورانه را به‌منظور افزایش قدرت چانه‌زنی در سطح بین‌المللی و تعاملات اقتصادی مابین کشورهای اسلامی برای برپایی بازار مشترک اسلامی، به‌ویژه در ایام برگزاری مناسک حج، افزایش اشتغال و توزیع درآمد بهبود بخشند. در این صورت است که می‌توان به هدف نهایی حج که تقویت هرچه بیشتر امت واحد اسلامی است، رسید؛ زیرا در صورت بهبود فضای نوآوری و هموار کردن این فضا شاهد تولید کالاها و محصولات با کیفیت در سطح استاندارد جهانی خواهیم بود که در نهایت این موضوع سبب گسترش بازارهای اسلامی در تمامی ابعاد (بازار کالا، بازار سرمایه، بازار نیروی کار و...) می‌شود و به یقین می‌توان گفت گسترش بازارها با جهت‌گیری درست می‌تواند کمک شایانی به گسترش اقتصاد دانش‌محور و توزیع متعادل‌تر درآمد و ثروت، و در نهایت بر پایی عدالت باشد.

گسترش تعاملات در بازارهای مختلف، موجب تقویت شناخت و همکاری مسلمانان، و در نتیجه مقابله با هر نوع تهاجم اقتصادی، نظامی و فرهنگی می‌شود.



توجه به این نکته درخور اهمیت است که با توجه به تمامی مطالب ذکر شده، باید سازمانی در کشورهای اسلامی وجود داشته باشد تا بتواند موضوع برپایی بازار اسلامی بین‌المللی را مدیریت و رهبری کند. به نظر می‌رسد سازمان حج و اوقاف می‌تواند با تشکیلی معاونتی با عنوان گسترش تعاملات اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی این وظیفه را برعهده بگیرد و همچنین می‌تواند از طریق سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه‌ها، خادم‌الحریمین و... این موضوع را به تمامی کشورهای اسلامی و حتی مسلمانان ساکن در کشورهای غیر اسلامی، به منظور شناخت جدی و افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری مابین آنان، تعمیم داد.

## ۲. گردشگری

بی‌تردید در جهان امروز، صنعت گردشگری از صنایع مهم جهان است. سهم این صنعت همواره در توسعه اقتصادی رشد چشمگیری داشته است که ضمن افزایش درآمدهای ارزی برای اقتصادهای ملی، باعث رونق صنایع دیگر همچون هتلداری، رستوران‌داری، حمل و نقل، صنایع و هنرهای دستی و... شده است. از این رو صنعت گردشگری می‌تواند در رونق اشتغال و ایجاد درآمد، به‌ویژه برای اقشار متوسط جامعه، نقش بسزایی داشته باشد. از سویی در اصطلاحات اقتصادی از گردشگری با نام «صادرات نامرئی کالاها و خدمات» یاد می‌کنند.

بنابراین باید صنعت گردشگری برای کشورهایی که صادرات کالا و خدمات زیادی ندارند و برای بسیاری از کشورهای اسلامی که معضلاتی همچون بی‌کاری، فقر و توزیع نابرابر درآمد دارند، درخور اهمیت باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد کشورهای اسلامی به لحاظ موقعیت طبیعی و جغرافیایی، چشم‌اندازهای بکر و زیبایی دارند؛ برای نمونه بسیاری از کشورهای اسلامی، نظیر ایران، لبنان مالزی، اندونزی و بعضی از کشورهای عربی و آفریقایی جاذبه‌های فراوانی در موقعیت آب و هوایی و طبیعی دارند که می‌تواند عامل مهمی در جذب گردشگر باشد. همچنین کشورهای اسلامی در حوزه تاریخ و تمدن کهن قرار دارند؛ به طوری که تقریباً ۷۰ درصد مسائل مربوط به تاریخ و تمدن کره زمین در محدوده کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته است، که همین ویژگی می‌تواند انگیزه مهمی برای سفر گردشگران به شمار آید.

مطابق جدول (۷) که نشان‌دهنده شاخص‌های گردشگری کشورهای منتخب اسلامی است، دریافتی‌های حاصل از گردشگری کشور لبنان در سال ۱۹۹۵، ۹۹.۱ درصد از صادرات بوده، که این میزان در سال ۲۰۰۹ به ۲۲۲.۶ درصد رسیده است و بین کشورهای منتخب اسلامی بهترین شرایط را داشته، و رتبه اول را از آن خود کرده است. این درحالی است که دریافتی‌های حاصل از گردشگری کشور کویت تنها ۱.۲ درصد از صادرات آن را تشکیل می‌دهد و رتبه شانزدهم را بین کشورهای مورد



مطالعه به دست آورده است. گفتنی است کشور ایران نیز در شاخص مذکور در سال ۱۹۹۵ رتبه دوازدهم را کسب کرده است. همچنین همان طور که در جدول (۷) ملاحظه می شود، کشور عربستان سعودی در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷، به ترتیب با ۶۴۶۴ و ۹۸۰۸ هزار گردشگر، بیشترین تعداد گردشگر را از سایر کشورهای اسلامی در خود جای داده است. همچنین کشورهای سوریه و مالزی در سال ۲۰۰۷ در رتبه های دوم و سوم قرار دارند. کشور ترکمنستان با دو هزار گردشگر، رتبه آخر را بین کشورهای مورد مطالعه احراز کرده است.

نکته درخور توجه آنکه تعداد گردشگران کشور ترکیه از سایر کشورهای جهان در سال ۲۰۰۷، ۲۵۵۰۶ هزار گردشگر بوده، که رتبه اول را در جذب گردشگر از سایر کشورهای جهان به خود اختصاص داده است؛ در حالی که تعداد گردشگرانی که از سایر کشورهای اسلامی، در سال مذکور، به این کشور وارد شده اند، تنها ۲۹۱۷ هزار گردشگر بوده است. پس از کشور ترکیه، کشورهای مالزی و مصر در سال ۲۰۰۷ با ۲۳۶۴۶ و ۱۱۹۱۴ هزار گردشگر از سایر کشورهای جهان، در رتبه های بعدی قرار دارند. همچنین تعداد ورود گردشگران از سایر کشورهای جهان به کشور ترکمنستان در سال ۲۰۰۳ تنها، ۸ هزار نفر بوده است که رتبه آخر را این شاخص در بین کشورهای منتخب اسلامی به دست آورده است. تعداد ورود گردشگران از سایر کشورهای جهان به کشور ایران نیز در سال ۲۰۰۳، ۱۵۴۶ هزار گردشگر بوده، که رتبه چهاردهم را بین کشورهای مورد مطالعه به دست آورده است.

در پایان می توان بیان داشت با توجه به آمارهای موجود، کشورهای اسلامی با داشتن جاذبه های فراوان طبیعی، مذهبی، فرهنگی و تاریخی سهم اندکی از تعداد و درآمد گردشگری را به نسبت برخی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به خود اختصاص داده اند. حال آنکه حج بهترین فرصت و برترین زمان برای نمایش عظمت و معرفی جاذبه های گردشگری جهان اسلام به سایر کشورهای اسلامی و جهان است. همچنین می توان با شناسایی موانع و دلایل موفق نبودن جهان اسلام در جذب گردشگر، موانع موجود را برطرف کرد و با سرمایه گذاری بیشتر کشورهای اسلامی در جذب گردشگران درون گروهی مابین کشورهای اسلامی، از مزایای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی آن بهره مند شد.

زیرا افزایش صنعت گردشگری درون گروهی مابین کشورهای اسلامی از یک سو این مزیت را دارد که به واسطه رونق تولید و ایجاد فرصت های جدید شغلی باعث کاهش نابرابری درآمد کشورهای منتخب اسلامی می شود و از سوی دیگر به دلیل داشتن دین واحد و نزدیکی فرهنگ ملی مسلمانان به یکدیگر، تأثیرات منفی ناشی از گردشگری جهانی را به کمترین حد خود می رساند.

جدول (۷): شاخص‌های گردشگری کشورهای منتخب کشورهای اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۰۹ -

۱۹۹۵

کشور	دریافتی‌های حاصل از گردشگری به صورت درصدی از صادرات		تعداد ورودی گردشگران درون گروهی کشورهای اسلامی برحسب هزار نفر		تعداد گردشگران ورودی برحسب هزار نفر	
	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۲۰۰۳	۲۰۰۷	۲۰۰۳	۲۰۰۹
آذربایجان	۱۵.۹ (۸)	۲.۵ (۱۴)	۳۳۳ (۱۴)	۳۲۹ (۱۰)	۱۰۳۸ (۱۶)	۱۸۳۰ (۱۳)
اردن	۶۷.۳ (۳)	۶۸.۹ (۲)	۱۵۷۹ (۸)	۱۸۲۵ (۷)	۲۳۵۳ (۱۳)	۳۷۸۹ (۱۰)
ازبکستان	-	۱.۹ (۱۵)	۲۴ (۱۸)	-	۲۳۱ (۱۹)	۱۲۱۵ (۱۶)
امارات	۲.۶ (۱۴)	-	۲۱۸۲ (۵)	-	۵۸۷۱ (۴)	-
اندونزی	۱۱.۵ (۱۰)	۵.۹ (۱۰)	۴۶۷ (۱۳)	-	۴۴۶۷ (۸)	۶۳۲۴ (۷)
ایران	۴.۲ (۱۲)	-	-	-	۱۵۴۶ (۱۴)	-
بحرین	۱۴.۲ (۹)	۷.۹ (۹)	۳۸۱۰ (۲)	-	۲۹۵۵ (۹)	-
ترکمنستان	-	-	۵ (۱۹)	۲ (۱۲)	۸ (۲۰)	-
ترکیه	۲۲.۹ (۷)	۲۴.۰۲ (۷)	۱۳۲۴ (۱۰)	۲۹۱۷ (۵)	۱۳۳۴۱ (۱)	۲۵۵۰۶ (۱)
تونس	۳۱.۷ (۴)	۲۵.۲ (۶)	۲۲۲۱ (۴)	-	۵۱۱۴ (۶)	۶۹۰۱ (۶)
سوریه	۳۱.۶ (۵)	۴۳.۷ (۵)	۱۷۹۹ (۷)	۴۱۸۳ (۲)	۲۵۹۸ (۱۱)	۶۰۹۲ (۸)
عربستان	-	۳.۸ (۱۲)	۶۴۶۴ (۱)	۹۸۰۸ (۱)	۷۳۳۲ (۳)	۱۰۸۹۷ (۴)



عمان	-	۴.۴ (۱۱)	۲۲۵ (۱۶)	۲۲۴ (۱۱)	۱۰۳۹ (۱۵)	۱۲۷۶ (۱۵)
قزاقستان	۲.۹ (۱۳)	۳.۵ (۱۳)	۲۳۶۰ (۳)	۳۳۸۷ (۴)	۲۴۱۰ (۱۲)	۳۱۱۸ (۱۱)
قطر	-	-	۲۸۲ (۱۵)	۳۶۱ (۹)	۵۵۷ (۱۸)	۱۶۵۹ (۱۴)
کویت	۲.۳ (۱۵)	۱.۲ (۱۶)	۱۸۸۲ (۶)	-	۲۶۰۲ (۱۰)	۵۰۸۸ (۹)
لبنان	۹۹.۱ (۱)	۲۲۲.۶ (۱)	۵۳۴ (۱۲)	۵۰۶ (۸)	۱۰۱۶ (۱۷)	۱۸۴۴ (۱۲)
مالزی	۶.۸ (۱۱)	۱۰.۴ (۸)	۹۶۱ (۱۱)	۳۳۹۵ (۳)	۱۰۵۷۷ (۲)	۲۳۶۴۶ (۲)
مراکش	۲۹.۷ (۶)	۵۹.۷ (۳)	۱۸۹ (۱۷)	-	۴۷۶۱ (۷)	۸۳۴۱ (۵)
مصر	۸۵.۷ (۲)	۴۷.۳ (۴)	۱۴۳۶ (۹)	۲۱۵۴ (۶)	۵۷۴۶ (۵)	۱۱۹۱۴ (۳)

مأخذ: Sesric Baseind Database و محاسبات تحقیق

\* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

### وضعیت توزیع درآمد در کشورهای اسلامی

از شاخص‌های مهم سنجش نابرابری درآمد، ضریب یا شاخص جینی<sup>۱</sup> است که این شاخص توسط «جینی» در سال ۱۹۲۱ ارائه شده است. این ضریب به صورت نسبت بیان می‌شود و ارزشی بین صفر تا یک دارد.<sup>۲</sup> حال هر قدر ضریب به سمت صفر نزدیک‌تر باشد بیانگر توزیع برابر درآمد است، و برعکس هر قدر ضریب جینی به سمت یک نزدیک‌تر باشد، توزیع نابرابر درآمد را نشان می‌دهد. البته شاخص‌های متعددی برای سنجش نابرابری درآمد بین کشورها وجود دارد که ضریب جینی مشهورترین شاخص

۱. Gini coefficient.

۲. این ضریب به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$G = \frac{1}{2n} \sum_{i=1}^n |x_i - x_{i+1}|$$

که در آن G ضریب جینی، n تعداد خانوار،  $x_i$  درآمد (هزینه) خانوار i ام،  $x_{i+1}$  درآمد (هزینه) خانوار i+1 ام و  $\bar{x}$  متوسط درآمد (هزینه) جامعه است. در محاسبات اقتصادی برای استفاده آسان‌تر از این ضریب آن را در عدد ۱۰۰ ضرب می‌کنند و به جای ضریب جینی از شاخص جینی استفاده می‌کنند. این شاخص که بین صفر تا صد است نیز همان کارایی ضریب جینی را دارد.

نابرابری توزیع درآمد و متداول‌ترین آنها از نظر استفاده در بررسی‌های توزیع درآمد است. از همین رو، این شاخص بیشتر از هر شاخص دیگری در معرض پذیرش و رد قرار گرفته، و محتوا و ویژگی‌های مثبت و منفی آن بررسی و مطرح شده است. (چمپرنون<sup>۱</sup>: ۱۹۷۴) همچنین چون آمارهای آن از منابع آماری بانک جهانی قابل دستیابی است، برای بررسی نابرابری درآمد از این شاخص استفاده می‌کنیم. براساس جدول (۸)، شاخص جینی در سال‌های مورد مطالعه برای بیشتر کشورهای منتخب اسلامی بین ۳۵ تا ۴۷ است؛ برای نمونه این شاخص برای کشور ترکیه در سال ۲۰۰۵، معادل ۴۳.۲ و برای کشور مالزی در سال ۲۰۰۹ معادل ۴۶.۲ اعلام شده است. همچنین بانک جهانی، شاخص جینی ایران را در طی سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۵ به ترتیب معادل ۴۳، ۴۴.۸ و ۳۸.۳ اعلام کرده است.

طبق آمارهای موجود باید بیان داشت وضعیت توزیع درآمد بیشتر کشورهای منتخب اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته بسیار نامطلوب می‌باشد، و سیر تحول شاخص جینی در بین کشورهای اسلامی تغییرات چندانی را نشان نمی‌دهد و تجمع درآمدها هنوز در اختیار گروه معدودی از افراد جامعه قرار دارد. این موضوع در حالی است که کشورهای اسلامی بیش از ۷۰ درصد از ذخایر نفتی را در اختیار دارند. اما آنها هنوز نتوانسته‌اند درآمدها را به‌طور متعادل بین جوامع خود توزیع کنند. البته باید اذعان کرد کشورهای ثروتمند اسلامی می‌توانند با اعطای پرداخت‌های انتقالی هدفمند به کشورهای ضعیف اسلامی، به واسطه افزایش قدرت رقابت‌پذیری کشورهای ضعیف در تولید کالاها در مجامع بین‌المللی و در نهایت به علت افزایش سطح تعاملات اقتصادی کشورهای ضعیف، به بهبود توزیع درآمد بین کشورهای کمک کنند. اما باید توجه داشت میزان پرداخت‌های انتقالی کشورهای اسلامی به یکدیگر بسیار ناچیز است. از این‌رو بررسی عوامل تعیین‌کننده توزیع درآمد کشورهای مذکور ضروری به نظر می‌رسد. حال آنکه حج مناسب‌ترین فرصت و موقعیت را برای تبادل نظر و مذاکرات میان ملت‌ها، به‌ویژه کشورهای اسلامی، فراهم می‌سازد تا ملت‌ها بتوانند در پرتو مذاکرات ارتباطات منطقی و مستمر، نقاط قوت و ضعف خود را برای بهبود توزیع درآمد شناسایی کنند و در راه تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف اهتمام ورزند.

جدول (۸): شاخص جینی کشورهای منتخب اسلامی برای سال‌های مختلف

کشور	سال	شاخص جینی	کشور	سال	شاخص جینی
آذربایجان	۱۹۹۵	۳۵	تونس	۱۹۹۵	۴۱.۷
آذربایجان	۲۰۰۱	۳۶.۵	تونس	۲۰۰۰	۴۰.۸
آذربایجان	۲۰۰۵	۱۶.۸	سوریه	۲۰۰۴	۳۵.۸

۱. Champernown.



۳۵.۳	۱۹۹۶	قزاقستان	۳۳.۷	۲۰۰۸	آذربایجان
۳۱.۳	۲۰۰۱	قزاقستان	۳۶.۴	۱۹۹۷	اردن
۳۵	۲۰۰۲	قزاقستان	۳۸.۹	۲۰۰۳	اردن
۳۳.۹	۲۰۰۳	قزاقستان	۳۷.۷	۲۰۰۶	اردن
۳۰.۹	۲۰۰۷	قزاقستان	۴۵.۳	۱۹۹۸	ازبکستان
۴۱.۱	۲۰۰۷	قطر	۳۴.۶	۲۰۰۲	ازبکستان
۴۸.۵	۱۹۹۵	مالزی	۳۹.۴	۲۰۰۵	اندونزی
۴۹.۲	۱۹۹۷	مالزی	۳۷.۶	۲۰۰۷	اندونزی
۳۷.۹	۲۰۰۴	مالزی	۳۶.۸	۲۰۰۹	اندونزی
۴۶.۲	۲۰۰۹	مالزی	۴۳	۱۹۹۴	ایران
۳۹.۵	۱۹۹۹	مراکش	۴۴.۸	۱۹۹۸	ایران
۴۰.۶	۲۰۰۱	مراکش	۳۸.۳	۲۰۰۵	ایران
۴۰.۹	۲۰۰۷	مراکش	۴۰.۸	۱۹۹۸	ترکمنستان
۳۰.۱	۱۹۹۶	مصر	۴۱.۵	۱۹۹۴	ترکیه
۳۲.۸	۲۰۰۰	مصر	۴۲.۷	۲۰۰۲	ترکیه
۳۲.۱	۲۰۰۵	مصر	۴۳.۸	۲۰۰۴	ترکیه
-	-	-	۴۳.۲	۲۰۰۵	ترکیه

مأخذ: [www.wdi.org](http://www.wdi.org)

### ۱. نقاط قوت و ضعف کشورهای اسلامی

منابع انسانی و طبیعی در کشورهای اسلامی بسیار متنوع و غنی است؛ به طوری که حدود ۳۰ درصد منابع طبیعی جهان و ۲۲.۶ درصد جمعیت جهان در اختیار این کشورهاست. همچنین از یک عامل همگرایی بسیار مهم و با ارزش، یعنی اسلام و میراث غنی اسلامی، برخوردار است. مسلم است که یاری گرفتن از باورها و ارزش‌های اسلامی، یکی از عوامل مهم شکل‌گیری وحدت و همگرایی میان کشورهای اسلامی است. در حقیقت با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترک، زمینه بهره‌جویی از ظرفیت‌های موجود جهان اسلام به منظور حفظ و ارتقای منافع مسلمانان، امکان‌پذیر می‌شود. با این همه مزیت، باید گفت کشورهای اسلامی هنوز در طبقه‌بندی کشورهای در حال توسعه قرار دارند. همچنین نیمی از آنها در زمره کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌اند. به نظر می‌رسد دلیل این امر آن است که آنان از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالقوه خود آگاهی ندارند یا از آنها استفاده لازم را نمی‌کنند. اگرچه در سال‌های اخیر جایگاه اقتصاد و تجارت کشورهای اسلامی در جهان رو به ترقی بوده است، اما همچنان سهم این کشورها از کل GDP جهان بالغ بر ۵.۷ درصد و سهم از کل صادرات و واردات جهان به ترتیب تنها ۴.۰۱ و ۴.۸ درصد است. در حالی که بدون شک کشورهای اسلامی این پتانسیل را دارند که

از طریق شناخت صحیح درباره مسائل اقتصادی جهان پیرامون خود و با هدایت درست منابع بتوانند پتانسل‌های فراوان بالقوه خود را بالفعل کنند و در تمامی زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به توسعه دست یابند و مقابل تحریم‌های مختلف بیگانگان ایستادگی کنند. از آنجا که اغلب کشورهای اسلامی، از کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته‌اند و اقتصاد آنها سال‌هاست با رشد پایین شاخص‌هایی همچون سطح پایین درآمد سرانه، نرخ رشد اقتصاد، رکود، تورم و... مواجه است، این کشورها به رشد و جهش اقتصادی سریع و مستمر نیاز دارند. بدیهی است برای نیل به چنین هدفی، وحدت و همکاری متقابل کشورهای اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است. به یقین ایام برگزاری حج فرصت مناسبی را برای ایجاد تفاهم و همکاری بیشتر مسلمانان فراهم می‌سازد. بنابراین در ادامه برای شناخت هرچه بیشتر از واقعیت‌ها و نقاط قوت و ضعف کشورهای اسلامی و ارائه راهکارهای مناسب، به بررسی وضعیت برخی از عوامل اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی می‌پردازیم.

جدول (۹): خلاصه اطلاعات اقتصادی کشورهای اسلامی و جهان در سال ۲۰۰۹

شاخص	جمعیت بر حسب میلیارد نفر	تولید ناخالص داخلی (GDP) بر حسب میلیارد دلار	صادرات کالا و خدمات بر حسب میلیارد دلار	صادرات با فناوری بالاتر بر حسب میلیارد دلار	واردات کالا و خدمات بر حسب میلیارد دلار
جهان	۶.۷۶	۳۹۶۹۲	۱۱۵۵۳	۱۵۷۰	۱۱۲۸۹
کل کشورهای اسلامی	۱.۵۳	۲۳۰۱	۵۸۱	۶۳	۵۴۵
کشورهای منتخب اسلامی	۰.۶۶	۱۷۳۹	۴۸۶	۶۲	۴۶۰
سهم کشورهای اسلامی از جهان به درصد	۲۲.۶	۵.۷	۵.۰۲	۴.۰۱	۴.۸
سهم کشورهای منتخب از کل کشورهای اسلامی	۴۳.۱	۷۵.۲	۸۳.۶	۹۸.۴	۸۴.۴
سهم کشورهای منتخب اسلامی از جهان به درصد	۹.۷	۴.۳	۴.۲	۴.۱	۴.۰۷

مأخذ: [www.wdi.org](http://www.wdi.org) و محاسبات تحقیق

\* میزان صادرات و واردات کالا و خدمات به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار، و صادرات با فناوری بالا به قیمت جاری است.

در واقع، تسریع فرآیند رشد اقتصادی و ایجاد تحولات بنیادی در اقتصاد بیشتر کشورهای اسلامی به



واسطه استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بی‌بدیل در کنگره حج، بی‌شک نیازمند تدوین و تنظیم راهبردهایی مناسب مبتنی بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشورهای اسلامی است. البته این موضوع بیش از هر چیز در گرو آن است که جوامع اسلامی به‌طور کامل موقعیت خود را در دنیای امروز درک کنند و با درک موقعیت خود در اقتصاد جهانی، از نقاط قوت و ضعف خویش در ساختارهای اقتصادی، روابط بازرگانی و بین‌المللی آگاهی یابند و تمام تلاش خود را برای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف و به منظور تحقق این هدف به کار گیرند.

مطابق جدول (۱۰)، مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد مطالعه به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ تقریباً معادل ۱۰۱۰ و ۱۷۳۹ میلیارد دلار بوده، که سهم آن از تولید ناخالص داخلی جهانی تنها ۳.۷ و ۴.۳ درصد است. میان کشورهای منتخب اسلامی، کشور ترکیه در سال ۲۰۰۹ با تولید ناخالص داخلی معادل ۳۵۶.۹ میلیارد دلار، رتبه اول را بین کشورهای منتخب اسلامی کسب کرده است و کشورهای اندونزی و عربستان به ترتیب در رتبه دوم و سوم قرار گرفته‌اند. میزان تولید ناخالص داخلی کشور ایران نیز در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ به ترتیب معادل ۸۳.۰۷ و ۱۵۸.۰۸ میلیارد دلار بوده، که رتبه چهارم را بین کشورهای مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. همچنین تولید ناخالص داخلی کشور ترکمنستان در سال ۲۰۰۹، ۹.۱ میلیارد دلار بوده، که رتبه آخر را بین کشورهای منتخب اسلامی به دست آورده است.

در شاخص تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید، بهترین و ضعیف‌ترین عملکرد در سال ۲۰۰۹ به ترتیب با ۸۷۷.۱ و ۳۰.۲ میلیارد دلار به کشورهای اندونزی و اردن تعلق دارد. میزان تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید کشور ایران در سال ۲۰۰۹، ۷۶۵ میلیارد دلار بوده، که از این منظر رتبه سوم را بین کشورهای منتخب اسلامی کسب کرده است. همچنین براساس جدول (۱۰)، کشورهای آذربایجان و لبنان در سال ۲۰۰۹ با رشدی معادل ۹.۳ و ۴.۳ - درصد، به ترتیب بیشترین و کمترین رشد تولید ناخالص داخلی را داشته‌اند. میزان رشد تولید ناخالص داخلی ایران نیز در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ به ترتیب معادل ۸.۳ و ۴.۵ اعلام شده، که رتبه‌اش در شاخص مذکور از دوم به هشتم تنزل پیدا کرده است.

گفتنی است براساس تقسیم‌بندی درآمدی بانک جهانی، بیشتر کشورهای اسلامی جزو کشورهایی با درآمد سرانه متوسط رو به پایین قرار دارند. بین کشورهای مورد مطالعه، درآمد سرانه کشورهای قطر، امارات متحده عربی و عمان در سال ۲۰۰۹ به ترتیب ۳۳۹۳۱، ۱۶۹۷۰ و ۱۱۱۹۱ دلار بوده است که به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را کسب کرده‌اند. کمترین میزان درآمد سرانه در سال ۲۰۰۹ با ۸۹۲ دلار به کشور ازبکستان تعلق دارد. افزون بر این، درآمد سرانه کشور ایران در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ به



ترتیب ۱۳۹۰ و ۲۱۶۱ دلار بوده، که برخلاف بهبود درآمد سرانه، رتبه کشور ایران از یازدهم به دوازدهم رسیده است. همچنین کشورهای قطر و ازبکستان در سال ۲۰۰۹ در شاخص درآمد سرانه برحسب برابری قدرت خرید به ترتیب با ۷۳۱۹۶ و ۲۶۱۰ دلار بهترین و ضعیف‌ترین عملکرد را بین کشورهای منتخب داشته‌اند. کشور ایران نیز در سال ۲۰۰۹ با درآمد سرانه‌ای، برحسب برابری قدرت خرید، معادل ۱۰۶۶۲ دلار، رتبه هشتم را به دست آورده است.

جدول (۱۰): متغیرهای اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹

کشور	تولید ناخالص داخلی (GDP)		رشد GDP		تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید)		درآمد سرانه	
	برحسب میلیارد دلار				برحسب میلیارد دلار		برحسب برابری قدرت خرید	
	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵	۲۰۰۹	۱۹۹۵
آذربایجان	۳۰۲	۱۴۰۲	۱۱۸-		۷۶۸	۱۴۰۲	۲۲۵۹	۱۸۵۳
	(۱۵)	(۱۷)	(۱۳)	(۱۹)	(۱۳)	(۱۷)	(۱۱)	(۱۸)
اردن	۷۰۲	۱۴۰۸	۳۰۲	۲۰۲	۱۴۰۷	۱۴۰۸	۲۵۱۲	۳۵۰۶
	(۱۶)	(۱۶)	(۱۸)	(۱۲)	(۱۶)	(۱۶)	(۹)	(۱۳)
ازبکستان	۱۱۰۳	۲۴۰۷	۳۳۰۳	۷۲۰۴	۴۰۶	۷۲۰۴	۸۹۲	۱۴۶۱
	(۱۵)	(۱۴)	(۱۴)	(۱۰)	(۱۴)	(۱۴)	(۱۸)	(۱۹)
امارات	۵۴۰۸	۱۱۷۰۷	۱۱۲۰۲	۲۴۱۰۱	۶۰۵-	۲۴۱۰۱	۱۶۹۷۰	۴۷۷۹۹
	(۷)	(۷)	(۷)	(۱۶)	(۱۶)	(۷)	(۲)	(۱)
اندونزی	۱۵۹۰۳	۲۵۸۰۵	۵۴۰۶	۸۷۷۰۱	۰۰۷-	۸۷۷۰۱	۷۹۹	۲۷۱۱
	(۳)	(۲)	(۱)	(۱)	(۱۵)	(۱)	(۱۷)	(۱۵)
ایران	۸۳۰۰۷	۱۵۸۰۰۸	۴۰۲۰۰۸	۷۶۵۰۱	۸۰۳۰۲	۷۶۵۰۱	۱۳۹۰	۶۷۲۸
	(۴)	(۴)	(۳)	(۳)	(۸)	(۳)	(۱۱)	(۹)
بحرین	۶۰۴	-	۱۲۰۲	-	۶۰۶	۱۲۰۲	۱۱۵۴۱	۲۱۹۲۵
	(۱۷)	-	(۱۸)	-	(۱۱)	(۱۸)	(۳)	(۳)

ترکمنستان	٢.٣ (١٩)	٩.١ (١٧)	٨.٥ (١٩)	٣٣.٠١ (١٧)	٩.٨ (١)	- ١.٧ (١٦)	٥٦٨ (١٧)	١٨٤٢ (١٤)	٢٠٤٦ (١٧)	٦٦٢٩ (١٢)
ترکیه	٢١٨.٦ (١)	٣٥٦.٩ (١)	٥١٢.٧ (٢)	٨٣٧.٣ (٢)	٦.٥ (٥)	٩ (٢)	٣٧١٣ (٧)	٤٩٦٨ (٦)	٨٧١١ (٧)	١١٦٥٥ (٧)
تونس	١٤.٧ (١٤)	٢٩.٢ (١٢)	٣٩.٦ (١٢)	٧٨.٣ (١٢)	٤.٨ (٩)	-	١٦٥١ (١٠)	٢٨٠٣ (٨)	٤٤٢٢ (١١)	٧٥٠٦ (١١)
سوریه	١٧.٢ (١٠)	٢٩.٧ (١١)	٥٤.٤ (١١)	٩٣.٩ (١١)	-	٨.٦ (٣)	١٢١٧ (١٣)	١٤٨٥ (١٦)	٣٨٢٢ (١٢)	٤٦٨٧ (١٥)
عربستان	١٦٥.٩ (٢)	٢٥٠.٤ (٣)	٣٥٨.٨ (٤)	٥٣٨.٩ (٤)	- ٨.٢ (١٨)	١.٢ (١٣)	٨٩٧٦ (٤)	٩٣٠٠ (٤)	١٩٤٠.٤ (٤)	٢٠١٠٣ (٤)
عمان	١٦.٨ (١١)	-	٣٦.٤ (١٣)	٦٥.٧ (١٥)	٠.٢ (١٤)	٠.٦ (١٤)	٧٥٣٩ (٥)	١١١٩١ (٣)	١٦٣٢٠ (٥)	٢٤٢٢٦ (٣)
قزاقستان	١٦.١ (١٢)	٣٧.٧ (١٠)	٧١.١ (٨)	١٦٦.٠٥ (٨)	٣.٩ (١١)	-	١٠٢٢ (١٥)	٢٣٧٠ (١٠)	٤٤٩٩ (١٠)	١٠٤٣٧ (٩)
قطر	-	٥٤.٢ (٩)	-	١١٦.٩ (١٠)	٤.٩ (٨)	-	-	٣٣٩٣١ (١)	-	٧٣١٩٦ (١)
کویت	٣٤.٣ (٨)	-	٦٧.٧ (١٠)	-	- ٧.٢ (١٧)	٨ (٥)	٢١٠.٨٥ (٢)	-	٤١٦١٧ (٢)	-
لبنان	١٦.٠٧ (١٣)	٢٦.٦ (١٣)	٣٠.٠٤ (١٥)	٤٩.٨ (١٦)	٧.٨ (٤)	- ٤.٦ (١٧)	٤٦٤٢ (٦)	٦٣٥٠ (٥)	٨٦٧٥ (٨)	١١٨٦٧ (٦)
مالزی	٧٤.٢ (٦)	١٣٧.١ (٦)	١٨٩.١ (٦)	٣٤٩.٤ (٦)	٢.٣ (١٣)	٣.١٣ (١٠)	٣٥٨١ (٨)	٤٩٠.٦ (٧)	٩١٢٩ (٦)	١٢٥٠.٤ (٥)
مراکش	٣٠.٦	٥٧.٨ (٨)	٧٠.٣ (٩)	١٣٢.٦	٥.٧ (٧)	٤.٠٠	١١٢٨	١٨٠٠	٢٥٨٦	٤١٢٦ (١٦)

	(۱۶)	(۱۵)	(۱۴)	(۹)		(۹)		(۹)	
مصر	۳۵۰۴	۱۹۵۷	۱۲۴۸	۸.۱ (۴)	- ۰.۹	۴۳۷.۷	۲۱۷.۴	۱۵۶.۰۱	۷۷.۵
(۱۳) ۵۴۹۱	(۱۴)	(۱۳)	(۱۲)		(۱۵)	(۵)	(۵)	(۵)	(۵)

مأخذ: www.wdi.org و محاسبات تحقیق

\* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.  
 \*\* شایان ذکر است تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار، و درآمد سرانه بر حسب برابری قدرت خرید به قیمت ثابت ۲۰۰۵ دلار است.

### پتانسیل حج و نقش آن در بهبود توزیع درآمد

یکی از زمینه‌های همکاری مشترک و از راه‌های کاهش مشکلات کشورهای اسلامی، آغاز و گسترش همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی میان آنهاست. این همکاری‌ها با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد و هدف مهم آن است که امت یکپارچه اسلامی در سایه تشکیل بازار مشترک اسلامی، به‌ویژه بازار حج، تشکیل شود. همان‌طور که بیان کردیم، در ابتدا بهتر است کشورهای اسلامی از همکاری‌های ساده شروع کنند. از این‌رو در اختیار گرفتن بازار حج گام مناسبی برای گسترش همکاری‌ها در تمام زمینه‌ها، به‌ویژه اقتصادی، است. در خور توجه است همواره تلاش کشورهای اسلامی در دستیابی به جایگاه شایسته در جوامع بین‌الملل با مانع تراشی و تهدید و تحریم بیگانگان همراه بوده است و همین امر به وابستگی شدید کشورهای اسلامی در تمامی زمینه‌ها، به‌ویژه زمینه‌های اقتصادی به کشورهای غیر اسلامی توسعه یافته، منجر شده است. بر مبنای چنین فضایی، جهان اسلام راه چاره‌ای جز گسترش و یکپارچگی فعالیت‌ها در حوزه‌های اقتصادی ندارد تا از این طریق رشد و توسعه پایدار و رفاه امت اسلامی را فراهم آورد.

بنابراین اگر کشورهای اسلامی در یک بلوک اقتصادی متحد شوند و روند تجاری و بازرگانی درون گروهی خود را افزایش دهند، به قطب‌های عظیم اقتصادی تبدیل می‌شوند و قادر خواهند بود در تحولات جهانی بسیار مؤثرتر از گذشته حضور یابند و تحریکات و نوسانات اقتصاد بین‌الملل را بر اساس ارزش‌های مورد قبول خود و به‌منظور اقتدار جهان اسلام تنظیم کنند. در واقع، هر کدام از کشورهای اسلامی به تنهایی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های فراوانی دارند که باید شناخته، و از آنها برای تقویت مناسبات دولت‌های اسلامی استفاده شود. البته باید تمامی تلاش‌ها برای شکل‌گیری بازار مشترک اسلامی دارای جنبه‌های همکاری فکری، معنوی، مطالعاتی و تحقیقاتی، و نیز ایجاد بسترهای لازم اجرایی و پیگیری مصوبات میان آنها باشد. در واقع، پتانسیل حج تنها به وجود بازارش منحصر



نمی‌شود، بلکه شناسایی قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها، تبادل اطلاعات، برقراری نمایشگاه‌های گوناگون از کالاها و صنایع کشورهای اسلامی و... از پتانسیل‌های حج است که در کنگره جهانی حج می‌توان به آنها دست یافت.

بنابراین می‌توان بیان داشت کشورهای اسلامی می‌توانند با گسترش همکاری‌های اقتصادی، توزیع درآمد را در کشورهای خود بهبود بخشند؛ زیرا تشکیل بازار مشترک اسلامی فوایدی را همچون افزایش تولید کالا براساس مزیت نسبی کشورهای اسلامی، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالای کشورها در صحنه نظام بین‌الملل باعث می‌شود؛ زیرا کشورهای اسلامی از یک سو کالاها را براساس مزیت نسبی خود تولید می‌کنند و از سویی دیگر برای اینکه کالاهای آنها با کالاهای کشورهای غیراسلامی توسعه یافته رقابت‌پذیر باشد، بهره‌وری و کیفیت کالاهای خود را افزایش می‌دهند. همچنین با تشکیل بازار مشترک رابطه مبادله کشورهای اسلامی با سایر کشورهای جهان بهبود می‌یابد و موجب افزایش جریان سرمایه‌گذارها و پیشرفت فناوری می‌شود.

در پایان باید گفت که ایجاد چنین بازاری هر چند ممکن است در کوتاه مدت به ضرر برخی از کشورهای اسلامی باشد، اما در بلندمدت موجب رفاه و ثبات اقتصادی، و اختصاص سهم بیشتر از تجارت خارجی به کشورهای مسلمان و همگرایی بیشتر در دیگر زمینه‌ها خواهد شد و تمامی کشورها از این موضوع بهره‌مند می‌شوند و تجارت خارجی بر بازی برد - برد مبتنی خواهد شد و افزایش تعاملات اقتصادی، می‌تواند بسیاری از معضلات اقتصادی همچون توزیع نابرابر درآمد، فقر، بیکاری و... را کاهش دهد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از نشانه‌های مهم رفاه در یک جامعه، تعادل و توازن توزیع درآمد یا ثروت در آن جامعه است. از این‌رو مطالعه حاضر به ارزیابی پتانسیل حج بر بهبود توزیع درآمد مابین کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۵ - ۲۰۰۹ پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد وضعیت بیشتر کشورهای منتخب اسلامی در شاخص‌های توزیع درآمد، تجارت، گردشگری و سایر شاخص‌های مورد مطالعه، مطلوب و مناسب نیست. همچنین با توجه به مجموعه مطالب مذکور، سهم صادرات و واردات کشورهای منتخب اسلامی بین کشورهای اسلامی طی سال‌های اخیر در حال افزایش بوده است. اما با وجود این، سهم آنها در این میان بسیار پایین است. این درحالی است که کشورهای اسلامی می‌توانند از کنگره عظیم حج برای تقویت پایه‌های اقتصادی خویش بهره‌برند؛ زیرا حج فرصت و موقعیت مناسبی را در اختیار کشورهای اسلامی قرار می‌دهد تا با شناخت امکانات و پتانسیل‌های بالقوه اقتصادی

خویش در یک ارتباط و همکاری منطقی تجاری و بازرگانی متقابل، افزون بر تأمین نیازهای جوامع اسلامی و تولید کالا و خدمات با کیفیت بالا و قیمتی مناسب، موجب افزایش قدرت رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی و در نهایت رونق مشاغل و فرصت‌های شغلی، به‌ویژه برای اقشار متوسط جامعه شوند و توزیع درآمد را بهبود بخشند. بنابراین انتظار می‌رود تصمیم‌گیران و سیاستگذاران کشورهای اسلامی به پتانسیل‌های بالقوه موجود در کنگره جهانی حج اهمیت ویژه‌ای بدهند. البته توجه به موارد پیشنهادی زیر، از طریق تشکیل معاونت گسترش تعاملات اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی در سازمان حج کشورهای اسلامی، بی‌تردید تسهیل‌کننده حرکت جوامع اسلامی به سوی پیشرفت و رشد و توسعه اقتصادی مستمر و باثبات است.

- ایجاد و گسترش تعاملات اقتصادی، بازرگانی و بین‌المللی کشورهای اسلامی به منظور تقویت بازار مشترک اسلامی؛

- ایجاد یکپارچگی اقتصادی و منطقه‌ای بین ایران و دیگر کشورهای اسلامی در راستای آزادسازی تجاری، کاهش و در نهایت حذف تعرفه‌های گمرکی مابین کشورهای اسلامی به منظور افزایش صادرات و واردات درون‌گروهی کشورهای اسلامی؛

- تجدید نظر در روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای غیر اسلامی؛

- برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی برای آگاهی و شناخت محصولات و صنایع همدیگر و گسترش امکانات بازاریابی به منظور تأمین نیازهای متقابل جوامع اسلامی که یک راهکار منطقی و اصولی برای قطع سلطه خارجیان است؛

- تشکیل و توسعه اتحادیه‌های منطقه‌ای در کشورهای اسلامی برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، به منظور هماهنگی و همکاری و تبادل نظر کارشناسان اقتصادی و تنظیم و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب در مسائل مهم تجاری و بازرگانی؛

- برگزاری جلسات بحث و مذاکره در ایام حج در میان نخبگان و اندیشمندان کشورهای اسلامی برای شناسایی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های کشورهای اسلامی به منظور رفع مشکلات جهان اسلام و ارائه راهکارهای عملی به آنها؛

- تغییر سیاستگذاری‌ها از رویکرد اقتصاد منابع‌محور به اقتصاد دانش‌محور از طریق همسوسازی بیشتر سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های علمی - پژوهشی و آموزشی به منظور بهبود فعالیت‌های نوآورانه؛

- تنوع‌بخشی به ظرفیت‌های صادراتی کشورها و تولید کالاها و خدمات جدید صادراتی به واسطه ارتقای قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد و توجه بیشتر به مولفه‌های دانش‌محور؛

- توسعه همکاری‌ها در زمینه گردشگری اسلامی با توجه به قابلیت‌های گردشگری گسترده کشورهای اسلامی، که عامل مهمی در تقویت همگرایی و همبستگی کشورهای اسلامی است.

#### ◀ منابع

۱. اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی، ابونوری، ا و خوکار، آ، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۶.
۲. توسعه اقتصادی در جهان سوم، تودارو، م، مترجم غلامعلی فرجادی، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۸.
۳. توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران، حسینی، س. م و نجفی، س. ع، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، ۱۳۸۸.
۴. ارزیابی سهم عوامل تعیین‌کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران، زیبایی، ح، مجله برنامه و بودجه، ۱۳۸۴.
۵. بررسی نقش نوآوری، تحقیقات و سرمایه‌انسانی در توسعه گسترش همکاریهای اقتصادی مابین کشورهای گروه D۸، شاه‌آبادی، ا و ساری‌گل، س، ارائه شده در دومین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان (مجازی)، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۶. چشم انداز رقابت‌پذیری در کشورهای اسلامی با تاکید بر متغیرهای کارایی، شاه‌آبادی، ا و صادقی، ح، همایش منطقه‌ای اقتصاد و مدیریت، ۱۹ اسفندماه، دانشگاه پیام نور مرکز میانه، ۱۳۸۹.
۷. تاثیر سیاستهای تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، مهرگان، ن و احمدی، ع. م، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۴.
۸. بررسی اثرات شوکهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران، نوفرستی، م و محمدی، ف، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، سال ۱۳۸۸.
۹. Income Inequality: Does Inflation Matter، Bulir، A، IMF Staff Papers، Vol. ۸، No. ۱، PP. ۱۳۹ - ۵۹، ۲۰۰۱.
۱۰. A Comparison of Measures of Inequality of Income Distribution، Champemown، D.G.، The Economic Journal، PP. ۷۸۷ - ۸۱۶، ۱۹۷۴.
۱۱. Trade، Convergence، and Globalization: The Dynamics of the International Income distribution، Epstein، P and Howlett، P and Schulze، M.S، Explorations in Economic history، No. ۴۴، PP. ۱۰۰ - ۱۱۳، ۲۰۰۷.
۱۲. Trade and Income Inequality in Developing Countries، Meschi، E and Vivarelli، M، World Development، Vol. ۳۷، No. ۲، PP. ۲۸۷ - ۳۰۲، ۲۰۰۹.
۱۳. Trade Policy and innovation، Miyagiwa، K and H، Song and H، Vandebussche، AvailableAt:



<http://www.indiana.edu/~rccpb/uschinacooperation/papers/P%20Song%20Trade%20Policy.pdf>. ٢٠٠٨.

١٤. Channels and Policy Debate In The Globalization - Inequality - Poverty Nexus 'Nissanke 'M and Thorbecke 'E 'World Development 'Available At: ٢٠٠٦.

١٥. Measuring the Dynamic Gains from Trade 'Wacziarg 'R 'World Bank Economic Review ١٥ ,pp. ٣٩٣ - ٤٢٩ 'Available At: [Http: //wber.oxfordjournals.org/content/15/3/393](http://wber.oxfordjournals.org/content/15/3/393). ٢٠٠١

١٦. Breaking of the Innovation Box 'Walpert 'J.D. Harvard Business Review 'Vol. ٨٥ 'No. ٨ 'PP. ٧٦ - ٨٣. ٢٠٠٢

١٧. International Patent Protection: ١٩٦٠ - ٢٠٠٨ 'Park - Walter 'G. 'Research Policy 'Vol. ٣٧ 'No. ٤ 'PP. ٧٦١ - ٧٦٦. ٢٠٠٨

١٨. The Effect of Trade Liberalization on Income Distribution in Vietnam: Dynamic Computable General Equilibrium Approach 'Toan 'N.M 'Economic Development and Policies Department. Available At: <http://www.apeaweb.org/confer/cruz/papers/thanh-toan.pdf>. ٢٠٠٤

١٩. Globalization and Inequality: Evidence from Intra - China 'Wei 'S. J and Wu 'Y 'Available At: <http://citeseerx.ist.psu.edu/messages/downloadsexceeded.html>. ٢٠٠٢

٢٠. WDI 'Available At: <http://www.Worldbank.org>. ٢٠١١





## تأثیر حج ابراهیمی بر رفتار عاملان اقتصادی برای تأمین توسعه‌ی پایدار

تحلیلی براساس مدل رشد فراگیری با انجام کار با نرخ پس‌انداز درونزا

ناصر الهی

### چکیده

یکی از جنبه‌های مغفول اقتصاد اسلامی، واکاوی و بررسی تأثیر جهان‌بینی، آموزه‌ها و احکام اسلامی بر رفتار اقتصادی عاملان اقتصادی در سطح خرد و تغییر در مسیر رشد، توسعه و صیوروت اقتصادی جامعه در سطح کلان است. حتی در اقتصاد متعارف نیز وقع چندانی به کاوش‌های نظری در زمینه‌ی عقلانیت، هندسه و فرآیند تحوّل آن داده نمی‌شود. این مطالعه بر پایه‌ی نظریه‌ی طیفی‌انگاری خود، مدعی است که عقلانیت اقتصادی دارای سطوح متفاوت است. عقلانیتی که هژمونی سرمایه با آن در تناظر است عقلانیت حسابگرانه است محدودیت‌های ناشی از این عقلانیت، رشد را کم‌رنگ و مسیر توسعه را معارض با رفاه نسل‌های آینده می‌سازد. در حالی که اسلام با مبانی انسان‌شناختی ویژه‌ی خود، ما را به عقلانیتی فراتر و متمایز فرا می‌خواند که آثار آن در همه‌ی عرصه‌های اقتصادی، از جمله رشد و توسعه‌ی پایدار پدیدار می‌گردد. حج به‌عنوان عالی‌ترین جلوه‌ی شکوه تمدن اسلامی و تبلور ناب جهان‌بینی توحیدی، نقش چشمگیری در دگردیسی عقلانیت<sup>۱</sup> و عبور از حد آستانه‌ای<sup>۲</sup> عقلانیت حسابگرانه به عقلانیت ابراری دارد. این مقاله اثبات می‌کند که با شکل‌گیری این تحول شگرف، هم آهنگ رشد سرعت می‌گیرد و هم توسعه با حقوق نسل‌های آینده هم‌نوا می‌شود.

۱. rationality shift.

۲. threshold level.



## مقدمه

اگر عقلانیت اقتصادی را به طور بسیار ساده به صورت بیشینه‌سازی منافع خود<sup>۱</sup> تعریف نمایم آن‌گاه سؤال‌های کلیدی متعددی قابل طرح است که این مقاله با دو سؤال از سؤال‌های این چنینی ارتباط جدی دارد: سؤال اول به گستره‌ی وجودی «خود» مربوط است. بدیهی است که خود در ادبیات اقتصادی اعم از یک شخص خاص "نیروی کار" است. از آنجایی که هرگاه در این ادبیات سخن از تابع مطلوبیت به میان می‌آید متعلق تابع مطلوبیت خانوار است نه شخص، بنا براین، این سؤال می‌تواند به این صورت تأویل شود که گستره خانوار تا چه حد است و چه چیزی بر بعد این گستره تأثیر می‌گذارد؟

سؤال دوم مرتبط با این مقاله در مورد گستره معنایی خود است. این سؤال را به دو صورت می‌توان پاسخ گفت: الف) خود را مفهومی متواپی و همه یا هیچ بدانیم به گونه‌ای که صرفاً دو نقطه روی طیف معنایی قابل تعریف باشد، صفر و یک. بنابراین صرف وجود و تحقق خود، دلالت بر تحقق مفهوم آن به صورت کامل دارد و نمی‌توان خودهای متعددی در نظر گرفت در نتیجه عقلانیت هم که به صورت بیشینه‌سازی منافع خود تعریف می‌شود مفهومی متواپی و یکنواخت دارد و قابل درجه‌بندی نیست.

ب) خود را مفهومی مشکک و فازی بدانیم و معتقد شویم که «خود» برآیندی از بردارهای تأثیرگذار است که در تکوین آن مؤثر است در این صورت مفهوم خود در فاصله بین صفر و یک، بی‌نهایت حالت را در خود جای می‌دهد. در نتیجه عقلانیت نیز به تبع طیفی انگاری «خود»، در تناظر و درجه‌ای از «خود» مفهوم مشکک و فازی خواهد پذیرفت و درجه‌بندی خواهد شد.

در این مقاله، نظریه طیفی انگاری خود، به عنوان اصل مسلم و موضوعه، مبنای تحقیق قرار می‌گیرد و احساس می‌شود که این تلقی با آیاتی که در زمینه خلقت انسان در قرآن مجید نازل گردیده است هم خوانی و سازگاری بیشتری دارد. براساس آیات ۷۰ و ۷۱ سوره ص<sup>۲</sup>، آیات ۷ تا ۹ سوره سجده<sup>۳</sup> و آیات ۲۸ و ۲۹ سوره حجر<sup>۴</sup> خداوند انسان را دو بعدی آفرید؛ بعد خاکی و بعد الهی. بنابراین خود برآیندی از این دو بردار است. در یک سر طیف یکی از بردارها صفر است و در سر دیگر طیف بردار

۱. self interest.

۲. قرآن کریم: سوره ص: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ \* فَاِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ».

۳. قرآن کریم: سوره سجده: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ \* ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِي وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ».

۴. قرآن کریم: سوره حجر: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّن حَمَإٍ مَسْنُونٍ \* فَاِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ».

دیگر صفر است. بر این اساس، «خود» از نقطه «خود خاک و محض» تا «خود خداوار محض» کشیده شده است و در غیر این دو نقطه، «خود» تألیفی از دو مؤلفه خاکی و الهی است که در پویایی خود به تدریج بر بعد الهی افزوده و از بعد خاکی کم می‌شود. می‌توان در این طیف، حدهای آستانه‌ای خاصی را در نظر گرفت به طوری که آرایش منافع در هر پاره خط این طیف که محدود به دو حد آستانه‌ای است به گونه خاصی است و به تناسب هر آرایش، عقلانیت خاصی قابل در نظر گرفتن است که هر عقلانیت برای پاره خط بالاتر غیرعقلانی<sup>۱</sup> و برای پاره خط پایین تر غیرقابل تصور خواهد بود. مثلاً اگر توپی را در اختیار کودکی خردسال قرار دهید چون او از درک منافع ناشی از رقابت عاجز است، عقلانیت او ایجاب خواهد کرد که توپ را به سینه بچسباند و با کودک هم‌سن و سال خود بازی نکند. این حاکی از نوعی عقلانیت بچه‌گانه است. اما کودک پس از بلوغ حساسگری و درک منافع ناشی از آن، عقلانیت را در مسابقه و رقابت می‌داند و به دنبال برنده شدن از رقیب است. در این قطعه از طیف، بازیگر از لذت‌ها و منافع حاصله از تن دادن به شکست برای خشنود سازی‌های متعالی‌تر، آن گونه که در هم‌آوردی پوریای ولی به چشم می‌خورد، محروم است. با نیل به بلوغ عاشقانه و درک چنین لذت‌ها و منافع، این عقلانیت رخ می‌نماید و او مطلوبیت خود را در این می‌داند که توپ را در اختیار فرزند خردسال خود بگذارد و به نحوی بازی کند که همیشه بازنده و فرزندش برنده باشد. اگر به همین نحو ادامه دهیم و بلوغ ابراری و بلوغ تقریبی را در نظر بگیریم خواهیم فهمید که قاعده‌ی «حسنات الابرار سیئات المقربین» حاکی از این است که در پاره خط ابراری این طیف، نوعی عقلانیت مطرح است که برای کسانی که در مرتبه‌ی تقرب قرار دارند این عقلانیت غیر عقلانی جلوه می‌کند زیرا با عبور از حد آستانه تقرب، خود وارد مرحله دیگری شده است که عقلانیتی که با آن در تناظر است با عقلانیت وضعیت گذشته کاملاً متفاوت است.

با توجه به دو سؤال طرح شده و مبنایی که در سؤال دوم اتخاذ گردید هدف اصلی این مقاله این است که آیا جهان‌بینی توحیدی و احکام و معارف اسلامی، به‌ویژه مناسک و فلسفه حج، گستره وجودی «خود» و یا به تعبیر دیگر گستره وجودی خانوار را تغییر می‌دهد؟ نقش حج در تغییر مؤلفه‌های خود در نظریه «طیفی انگاری خود» چیست؟ آیا این نقش‌ها و تغییرها در رشد و شکوفایی اقتصادی و توسعه پایدار اثرگذار است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ آیا جامعه را برای رسیدن به توسعه پایدار کمک می‌کند یا خیر؟

هر چند که پاسخ به سؤال دوم می‌تواند از طریق کاربردی و تجربی و براساس روش تحلیل همبستگی از طریق الگوهای رگرسیونی انجام گیرد ولی این مقاله صرفاً به دنبال ایجاد یک بستر فکری

۱. irrational.



است که بتوان بر پایه آن نظریه‌پردازی جدیدی صورت گیرد و مدلسازی‌های دیگری به شیوه متفاوت انجام شود. بنابراین پاسخ به این سؤال‌ها براساس تحلیل اقتصادی و نوع جستار در پیش رو، صرفاً به صورت نظری خواهد بود.

## ۲. تأثیر حج بر گستره خانوار

از نیمه قرن بیستم به بعد در تکوین مدل‌های رشد، دو تلقی مختلف در زمینه گستره خانوار به صورت پیش فرض در نظر گرفته شد. در یک پیش فرض - که اساس مدل رشد افق‌های نامحدود<sup>۱</sup> را تشکیل می‌دهد - خانوارهای محدود ولی دارای عمر بی‌نهایت در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در پیش فرض دیگری - که اساس مدل رشد نسل‌های هم‌پوشان<sup>۲</sup> - را تشکیل می‌دهد - خانوارهای نامحدودی در نظر گرفته می‌شود که عمر محدودی دارند و هر خانوار دارای دو دوره کار و بازنشستگی است و همواره دوره بازنشستگی هر نسل با دوره کار نسل آتی هم‌پوشان خواهد بود. در ادبیات اقتصادی موجود، نشان داده شده است که حتی اگر همه فروض دیگر را یکسان در نظر بگیریم و فروض مدل را کاملاً ساده کنیم و شرایط رقابت کامل در بازار محصول و نهاده‌ها در نظر بگیریم؛ باز هم نتایج این دو الگو صرفاً به دلیل نوع تلقی‌ای که از گستره خانوار خواهیم داشت کاملاً متفاوت خواهد بود.

در مدل افق‌های نامحدود که «رمزی»، «کس» و «کوپمانز»<sup>۳</sup> آن را طرح و بسط داده‌اند، هر خانوار به دنبال بیشینه‌سازی خانوار خود در طی عصرهای مختلف است زیرا هر خانوار هویت منحاز و منحصر به فرد خود را دارد و این هویت در بازه زمانی بی‌نهایت استقرار دارد. بنابراین هر فرد در این الگو، به یک خانوار ازلی - ابدی تعلق دارد که می‌خواهد مطلوبیت طول زندگی خود را در این بازه زمانی صفر تا بی‌نهایت، حداکثر نماید. در نتیجه مطلوبیتی که برای نوادگان این خانوار در طی قرون حاصل می‌شود، مطلوبیت طول زندگی را افزایش می‌دهد. البته باید در نظر داشت که هر چه نرخ ترجیحات ذهنی خانوار ( $\rho$ ) بزرگتر باشد تأثیر برخورداری از نعمات در زمان‌های نزدیک‌تر در افزایش ارزش حال مطلوبیت دوران زندگی بیشتر از حالتی خواهد بود که نسل‌های آتی دقیقاً از همین نعمات برخوردار شوند. با توجه به این فروض و این نوع تلقی از خانوار براساس قضیه اول رفاه<sup>۴</sup> اثبات می‌شود که چون بازار در این مدل کامل است و همه تصمیمات توسط بازار اتخاذ می‌شود، رفاه جامعه نیز حداکثر می‌شود.

۱. infinite – horizon model.

۲. overlap – generations model.

۳. Ramsey, Cass and Koopmans.

۴. first welfare theorem.

فروض حاکم بر الگوی نسل‌های هم‌پوشان، که توسط «دیاموند»<sup>۱</sup> طرح و بسط داده شده است، دقیقاً همان فرض حاکم بر الگوی افق‌های نامحدود است جز این که تعداد خانوارها نامحدود ولی عمر آن‌ها محدود است. این تفاوت بسیار ساده در فرض، نتایج کاملاً متمایزی را به دنبال دارد. در الگوی نسل‌های هم‌پوشان چون فرض می‌شود که نسل پیر در دوران بازنشستگی، پس انداز منفی<sup>۲</sup> (مصرف سرمایه‌های متراکم حاصل از دسترنج دوران جوانی) خود را براساس مکانیزم بازار انجام نمی‌دهند؛ نمی‌توان ادعا نمود که بازار در این مدل کامل است. در نتیجه نمی‌توان به استناد قضیه اول رفاه ادعا کرد که لزوماً رفاه این جامعه حداکثری می‌شود. حتی به راحتی می‌توان اثبات نمود که در این مدل، اگر ذخیره‌ی سرمایه‌ی سرانه‌ی مؤثر<sup>۳</sup> در قاعده‌ی طلایی<sup>۴</sup> قبل از ذخیره‌ی سرمایه‌ی سرانه‌ی مؤثر در مسیر رشد، متوازن<sup>۵</sup> باشد اقتصاد در بهینه‌یابی بین زمانی<sup>۶</sup> خود، ناکارآمدی پویا<sup>۷</sup> را تجربه خواهد کرد.<sup>۸</sup>

می‌دانیم که آموزه‌های اسلامی بر بنیاد خانواده تأکید ویژه دارد. اکنون باید دید که این آموزه‌ها، به‌ویژه حج، امت اسلامی را به سمت کدام دیدگاه سوق می‌دهند. آیا امت اسلامی از خانوارهای متعدد و دارای افق دید محدود تشکیل شده است یا خانوارهای محدود ولی دارای افق دید و افق برنامه‌ریزی نامحدود؟

حج در بیان روایات و قرآن، میعادگاه خانواده بزرگی به وسعت تمامی مردم است؛ کعبه اولین خانه‌ای است که برای مردم نهاده شده است.<sup>۹</sup> و خداوند این خانه را میعادگاه این انسان‌ها قرار داده است<sup>۱۰</sup> و ابراهیم سردمدار یک آیین و کیش فراتر از یهودیت و نصرانیت معرفی شده است<sup>۱۱</sup> که اینک

۱. Diamond.

۲. dis-saving.

۳. the capital stock per unit of effective labor.

۴. golden rule.

۵. balanced growth path.

۶. inter-temporal optimization.

۷. dynamic inefficiency.

۸. علاقه‌مندان می‌توانند به: (۲۰۰۶) David Romer, *Advanced Macroeconomics*, MacGraw-Hill, Irwin. pp: ۸۷-۸۹ مراجعه کنند.

۹. قرآن کریم: سوره آل عمران: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾.

۱۰. قرآن کریم: سوره بقره: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعِهدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.

۱۱. قرآن کریم: سوره آل عمران: ﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾.



برفراز مأذنه تاریخ، همه انسان‌ها را به تجمع برگرد یک خانه فرا می‌خواند<sup>۱</sup> تا هم لباس و یک رنگ و با شعار واحد، معبود و مطلوب واحد، رسم پرستشی که ابراهیم بنیان نهاد تکرار کنند و همچون هاجر برای رسیدن به آب زلال حقیقت، ره راست را هروله کنان پی‌گیرند و راه صفا و مروه را در جستجوی مایه حیات، دیوانه‌وار هفت بار ببیماید و در نهایت چونان ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام خود را به مسلخ عشق برد و چون اسماعیل، برای پیشینه‌سازی مطلوبیت این خانوار ازلی - ابدی گلو به تیغ عشق بسپارد. او با برپایی نماز در جایگاه ابراهیم علیهم‌السلام، و شرکت در نبرد با اهریمنان سه گانه، که هر لحظه بر کار خلق و سوسه می‌کنند و بر گره‌ها می‌دمند، خود را در جایگاه ابراهیم علیهم‌السلام و وارث او تلقی می‌کند که خواسته‌ها و آمالشان مشترک و یکسان است؛ یعنی کسب رضایت خداوند و مبارزه با هر اهریمن زر و زور و تزویری که برای پیشینه‌شدن نفع این جامعه یکپارچه و هدف‌دار که در یک امت واحد تجلی کرده‌اند، منع تراشی می‌کنند. شاید این که می‌بینیم در روایات فضیلت حج با هیچ انفاقی<sup>۲</sup>، یا آزادسازی برده‌ای<sup>۳</sup>، و با هیچ بدیلی دیگری<sup>۴</sup> برابر نیست از این جهت باشد که تا افق پیش‌رو به وسعت بی‌نهایت امتداد نیابد و خانوار ابراهیمی شکل نگیرد، زمینه‌ی فلاح و فوز پدیدار نمی‌گردد. اما اگر با انجام مناسک حج، عقلانیت متمایزی شکل بگیرد، انجام همه فضیلت‌های دیگر به سهولت میسر خواهد بود.

بنابراین، جهان بینی توحیدی و حج به‌عنوان مظهر عالی و برجسته آن، گستره خانوار را به حدی گسترش می‌دهد که ظرفیت گنجانده شدن تمامی انسان‌ها را در خود پدیدار می‌سازد و جامعه جهانی در امتداد تاریخ از دیدگاه حج گزار ابراهیمی یک خانوار محسوب می‌شود که این حج گزار خود را برای پیشینه‌سازی مطلوبیت این خانوار ازلی - ابدی مسئول می‌داند.

نکته قابل تأمل این است که در مدل‌های رشد «دو بخشی برونزا» یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد،

۱. قرآن کریم: سوره حج: «وَإِذْ نَبَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ \* وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَتُوبُكُمْ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»

۲. الکافی: جلد ۴: ص ۲۶۰: حدیث ۳۲: عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يُتَصَدَّقُ بِهِ حَتَّى يَمُتِي.

۳. الکافی: جلد ۴: ص ۲۶۰: حدیث ۳۰: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُثَمِّنٍ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ فَبَجَّاهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ فَقَالَ مَا تَرَى فِي رَجُلٍ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ الْحُجَّ أَفْضَلَ أَمْ يُعْتَقُ رَقَبَةً فَقَالَ لَا بَلْ عَتَقَ رَقَبَةً فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام كَذَبَ وَاللَّهِ وَأَسَمَ لِحِجَّةٍ أَفْضَلَ مِنْ عَتَقَ رَقَبَةً وَرَقَبَةً حَتَّى عَدَّ عَشْرًا ثُمَّ قَالَ وَجُحُّهُ فِي أَيِّ رَقَبَةٍ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَسَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَالْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَحَلْقُ الرَّأْسِ وَرُمِي الْجَارِ لَوْ كَانَ كَمَا قَالَ لَعَطَّلَ النَّاسُ الْحُجَّ وَ لَوْ فَعَلُوا كَانَ يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُ.

۴. الکافی: جلد ۴: ص ۲۶۰: حدیث ۳۱: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يَقُولُ حَجَّةٌ أَفْضَلُ مِنْ عَتَقِ سَبْعِينَ رَقَبَةً فَقُلْتُ مَا يَعْدِلُ الْحُجَّ شَيْءٌ قَالَ مَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ وَ لَدَرَهُمْ وَاحِدٌ فِي الْحُجِّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِي أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ.

انباشت سرمایه می‌باشد که حاصل تراکمی پس‌اندازهای جاری افراد است. چون این پس‌انداز عمدتاً توسط اهل استطاعت انجام می‌شود و جوب حج بر این گروه منجز می‌گردد تا در پس‌اندازهای خود، افق‌های بسیار دور را در نظر بگیرند و هرگز به افق‌های کوتاه بسنده نکنند. اصولاً قضیه مهمی که در رشد، به نام قضیه «ترن پایک»<sup>۱</sup> مطرح است حاکی از این است که هرچه افق پیش رو گسترده‌تر باشد، خانوار، تمایل به پس‌انداز بیشتری خواهد داشت. مثلاً وقتی که راننده‌ای قصد سفر به شهر دوردست را دارد، حاضر است عوارضی اتوبان را پرداخت کند ولی اگر می‌خواهد به حومه شهر سفر کند ممکن است که ترجیح دهد از جاده‌های محلی استفاده کند.

در بخش بعدی اثبات خواهیم نمود که اگر اهل استطاعت جامعه توفیق یابند حج ابراهیمی برگزار کنند و افق دید خود را با ابراهیم علیه السلام تنظیم نمایند و جامعه به سوی یک خانوار ازلی - ابدی، همگرا شود این جامعه به کوثری دست خواهد یافت که برکات آن لحظه لحظه در حال تزايد است و جامعه در مسیر رشد شتابان قرار خواهد گرفت که توسعه پایدار را نیز تأمین خواهد کرد؛ زیرا مطلوبیت طول دوره زندگی در این افق به گونه‌ای طراحی می‌شود که بر خورداری همه نسل‌ها در همه عصرها مورد توجه خواهد بود و در این نگاه هرگز نمی‌توان حالتی را در نظر گرفت که نسلی به هزینه نسل‌های آینده به کامیابی و عشرت پردازد بلکه قضیه «ترن پایک» ایجاب می‌کند که هر نسلی برای رفاه نسل‌های آینده بیش از پیش سرمایه‌گذاری نماید و بدین ترتیب جامعه روز به روز از نعمات بیشتری برخوردار خواهد شد.

در نقطه مقابل، اگر جامعه از حج‌گزاران ابراهیمی تهی بماند و فلسفه‌ی حج به ورطه‌ی فراموشی افکنده شود و خانواده‌ی بزرگی که ابراهیم علیه السلام بنیاد نهاده بود با دسیسه‌های فرعونیان، هامانیان و قارونیان به خانواده‌های خرد و دارای افق دید محدود تقسیم شود<sup>۲</sup>، کثرت طلبی، تکاثر و خودخواهی‌های زیان‌بار، شیرازه‌ی جامعه را از هم می‌پاشد که در این صورت هم آهنگ رشد کاهش می‌یابد، هم رفاه جامعه تضمین نمی‌گردد و هم با توسعه پایدار هم‌ساز نخواهد بود.

اگر بخواهیم مطالب این بخش را تلخیص و نتیجه‌گیری کنیم می‌توان گفت که جهان‌بینی توحیدی به اعطای کوثر منتهی می‌گردد و انسان‌های حج‌گزار که نفع همگان را در نظر دارند، خود همچون دیگران از نفع‌های بالاتری برخوردار خواهند بود. اما آنان که در چنبره سرمایه‌داری، اسیر و الینه شده‌اند؛ تشنه کام از چشمه زلال کوثر، در حلقه دور تکاثر باطل به دام افتاده‌اند؛ به خاطر داشتن افق

۱. turnpike theorem.

۲. قرآن کریم: سوره قصص: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا آهْلَهُا شِيعًا يُسْتَضْعَفُونَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَدَّبْحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَنجِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ».



دید محدود و کور، گستره خانوار را حداکثر در حد همه فرزندان خود دانسته‌اند، هرگز از رفاه یا حرمان نسل‌های آتی طرفی نمی‌بندند و حتی حاضرند با هزینه‌ی نسل‌های آینده به فساد زمین اهتمام ورزند؛ که با این روش نه خود از رفاه بالایی برخوردارند و نه توسعه‌ی پایداری در انتظار آنان خواهد بود.

ممکن است که این سؤال مطرح شود که پس چرا کشورهای مسلمان که مملو از حاجیان از حج برگشته‌اند در مسیر رشد توسعه پایدار از کشورهای سرمایه‌داری عقب مانده‌اند؟ کتاب‌های زیادی متکفل پاسخ تفصیلی به این سؤالند که شاید هنوز هم پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه نداده‌اند ولی پاسخ اجمالی این است که به علت ناکام بودن حاجیان از حج ابراهیمی، تحولی در بنیاد و ساخت جامعه پدیدار نشده است و هژمونی سرمایه‌داری به صورت عریان‌تر و حتی کثیف‌تر، تکاثر را در این جوامع مستولی ساخته است در حالی که نهادهای نظارتی جوامع سرمایه‌داری و دموکراسی حاکم افق دید گسترده‌تری (به طور نسبی) در جوامع سرمایه‌داری ایجاد کرده و آنچه در مناسبات اقتصادی تأثیر گذار است متغیرهای حقیقی است نه متغیرهای ادعایی.

### ۳. نحوه تأثیر حج بر عقلانیت اقتصادی

با توجه به نظریه طیفی انگاری خود، همان‌گونه که گفته شد، می‌توان در طیف گسترده‌ای که بین خود خاک‌وار و خود خداوار گسترانده شده است حدهای آستانه‌ای را در نظر گرفت که هر قطعه از این طیف از مرتبه خاصی از خود در تناظر است و طبیعتاً منافع شخصی از هر قطعه بالاتر تحول می‌یابد و عقلانیت حاکم بر آن قطعه نیز منطق خاص خود را دارد به گونه‌ای که این عقلانیت برای قطعه ما قبل غیر قابل تصور و برای قطعه ما بعد غیر عقلانی است. به عنوان مثال جوامع سنتی که به صورت خودکفا اداره می‌شدند و تابع هدف آن‌ها، این بود که تمامی مایحتاج لازم را خود تولید نمایند و در نتیجه مبادلات و تقسیم کار به سطح حداقل کاهش یافته بود از عقلانیت کودکان بهره‌مند بودند. اما در هژمونی سرمایه که از طریق تقسیم کار، تخصص و رقابت سعی در حداکثرسازی کارایی را دارند از عقلانیت حسابگرانه برخوردارند و دائماً به تحلیل هزینه و فایده به نحو متداول آن اشتغال دارند. در این عقلانیت، صرفاً در زمانی که سطح درآمد افزایش چشمگیری کند کمک‌های خیرخواهانه، انفاق، ایثار صرفاً در حد ایجاد رضایتمندی خاطر می‌تواند مطرح شود. در نتیجه کمک به دیگران و نوع دوستی به مثابه یک کالای لوکس برای این صاحبان درآمد بالا ایجاد مطلوبیت می‌کند و با توجه به قانون مطلوبیت نهایی نزولی مصرف سایر کالاها و خدمات که به حد اشباع نزدیک شده

۱. self sufficient.



است دیگر نمی‌تواند در رضایتمندی آن‌ها تغییر معنایی به وجود آورد. شاید عبور از عقلانیت کودکانه و نیل به عقلانیت حسابگرانه چندان مشکل نباشد یعنی همان‌گونه که کودک با بلوغ جسمی معمولاً به رشد حسابگری می‌رسد و در عرصه رقابت به تدبیر امور خویشتن می‌پردازد؛ جامعه نیز می‌تواند از این حد آستانه‌ای عبور نماید. اما عبور از خود حسابگر و نیل به خود ابراری که عشق به همه، بدون هیچ مرز در دل او زبانه کشد چندان ساده نمی‌نماید. در میان این دو قطعه از طیف، سنگلاخی صعب قرار دارد. براساس برداشت نویسنده، شاید مراد از عقبه در سوره مبارکه بلد، همین حد آستانه‌ای عقلانیت ابراری باشد. بر وفق این برداشت، سوره بلد تصویرگر خانوار ابراهیمی و شهری است که ابراهیم علیه السلام بنیان نهاد و پیامبر صلی الله علیه و آله ساکن و سابق آن است و قرار است که در این تمدن، عقلانیت حسابگرانه - که می‌پندارد مال در اثر انفاق تلف می‌شود<sup>۱</sup> - با عبور پر مشقت از عقبه به عقلانیت متفاوتی تبدیل شود که تابع هدف آن رها کردن انسان‌هایی است که در زنجیر اسارت، لینه شده‌اند یا فراهم‌سازی برگ و نوا برای مسکینان خاک‌نشین و از راه مانده و یتیمان خویشاوند در روزگار قحط و تنگدستی است<sup>۲</sup>. عقبه به سان یک نقطه تعادل ناپایدار<sup>۳</sup> می‌ماند که دام تعادلی سطح پایین<sup>۴</sup> را در مسیر شدن و صیوروت انسان از خود «خاک‌وار» به خود «خداوار» می‌گستراند و همان‌گونه که خصلت تعادل‌های ناپایدار این است که تا زمانی جهش و خیزش جامعه به حدی نباشد که از این حد آستانه‌ای عبور نماید، جامعه از قله این تعادل به سکون دامنه برگشت می‌نماید. از این روست که خداوند می‌فرماید پس چرا شتابان و با شدت به این گردنه صعب درنیامد؟ حج گزار ابراهیمی که اهل آهنگ کردن و عزیمت نمودن است به رغم سرزنش‌های خار مغیلان، قصد عبور از عقبه را دارد. او با خروج از خانه نفس حسابگر و طی حد ترخص از این قطعه پُر کشش، دیگر نه از آن خودخواهی شهر، حسابگری او را به برگشت دعوت می‌کند و نه از دیوارهای این شهر جادو نشانی می‌یابد.<sup>۵</sup> گویا که آهنگ مهاجرت به سوی شهر خدا، شهر پیامبر صلی الله علیه و آله، خانه مردم، چراغ کورسوی عقلانیت حسابگرانه را خاموش و فروغ تابناک خورشید عقلانیت ابراری را نمایان ساخته است. پس از رهیدن از این دام تعادلی و عبور از عقبه، مسیر راهوار راه ابراهیمی از پس یک قله صعب آشکار می‌شود «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

۱. قرآن کریم: سوره بلد: «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا بَدَأُ».

۲. همان: «فَلَا أَفْتَحَمَ الْعَقَبَةَ \* وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ \* فَكُ رَقَبَةٍ \* أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعِيَةٍ \* يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ \* أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ».

۳. unstable equilibrium.

۴. low\_level equilibrium trap.

۵. اشاره است به آیه ۱۰۰ سوره نساء: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».



یَسْرًا» إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا<sup>۱</sup>. آری این خصلت دیگر تعادل ناپایدار است که پس از عبور از آن، انرژی ذخیره شده از مجاهدت‌های قبلی، طی مسیر تا وصول به عقلانیت ابراری را میسر می‌سازد. براساس ریشه‌یابی راغب اصفهانی در مفردات، بر در اشتقاق کبیر با بَرّ (خشکی) هم ریشه است. با توجه به تصور اعراب که با صحرای بزرگ حجاز و الربع الخالی آشنای دیرینه بوده‌اند خشکی هیچ حد و مرزی نداشته است. در نتیجه بر یعنی در نیکی به دیگران نباید مرزبندی خاصی وجود داشته باشد، همگان از هر کیش و آیینی، از هر دودمان و تباری، در خانوار ابراهیمی قرار دارند و ابرار با انفاق مال به رغم تمایل باطنی به آن<sup>۲</sup>، و انفاق از آن‌چه که دوست می‌دارند<sup>۳</sup> شالوده‌ ارتباطات جامعه را استحکام می‌بخشند، عشق را در رگ‌های جامعه به چرخش در می‌آورند و با الحاق همه مردم به جامعه از اتلاف منابع انسانی جلوگیری می‌کنند. جامعه‌ای که از بلوغ ابراری برخوردار باشد جامعه‌ای است که متعم از حکمت است چنین جامعه‌ای هرگز دچار تزلزل نمی‌شود<sup>۴</sup>. در نقطه مقابل، جامعه حسابگر و رباخوار، جامعه‌ای است که در رگ‌هایش شریان نفرت جاری است. تضاد طبقاتی و فاصله‌های جهنمی درآمدها، روح محبت، همدلی و نوع‌دوستی را از جامعه سلب کرده است<sup>۵</sup>. چنین جامعه‌ای هرچند با شکوه و پر حلق، دیر یا زود با کوه یخ افسردگی‌ها و دم سردی‌ها برخورد و متلاشی خواهد شد. اینچنین است که خداوند کارنامه ابرار را درخشان و متعالی می‌داند و چنین جامعه را سرشار از نعمت و طراوت می‌شناسد. آن‌ها از عقلانیتی سیرابند که آمیزه آن تسنیم است؛ شراب سر به مهری از مشک که شایسته رقابت است<sup>۶</sup>.

اما عقلانیت ابراری پایان خط نیست. مقربین - که با عقلانیت «الجار ثم الدار»<sup>۷</sup> مشی می‌کنند و با همه

۱. انشراح: ۵ و ۶

۲. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷).

۳. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲)

۴. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره: ۲۶۹)

۵. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

۶. «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيَّينَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ كِتَابٌ مَرْفُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيْقٍ مَحْتَمٍ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَنِينًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»

۷. اشاره‌ای است به روش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام: وسائل الشیعة، ج ۷، صص ۱۱۲ و ۱۱۳، ۸۸۸۴- و فی العلل عن علی بن محمد بن الحسن القزوينی عن محمد بن عبد الله الحضرمی عن جندل بن والی عن محمد بن عمر المازنی عن عبادة الکلبی عن

نیازی که به متاع دنیا دارند دیگران را بر خود مقدم می‌دارند<sup>۱</sup>، در مرتبه بالاتری از خود قرار دارند به طوری که هم بر اساس سوره مطفین و هم بر اساس سوره انسان، عقلانیت ابراری تنها آمیزه‌ای از چشمه‌ی عقلانیت کافور<sup>۲</sup> و چشمه تسنیم بر خود دارد. بنابراین می‌توان گفت که حدآستانه بلوغ تقرب و بلوغ تدلی، قطعه‌های از خودهای متعالی تر است که از عقلانیت متکامل تری بهره‌مندند. هر چند که همه این عقلانیت‌ها از حوزه تصور و ادراک ما خارج هستند ولی به هر حال، هر کس در این دایره به مقتضای شاکله درونی خود عمل می‌کند<sup>۳</sup>.

بلوغ عقلانیتی که در حج پدیدار می‌شود انقلاب سترگی در سبک زندگی ایجاد می‌کند. حاجی راستین با ورود به خانواده بزرگ ابراهیمی که از بُعد جغرافیایی، تمامی کره زمین را فراگرفته و از بُعد تاریخی تا قیامت امتداد دارد، دیگر مرزی بین خود و دیگران نمی‌شناسد، تا از سر سیری و بی‌اشتهایی هوس کند که لقمه‌ای بر دهان دیگری بگذارد. او همگان را یک خانواده و مطلوبیت خود را سر جمع همه مطلوبیت‌ها می‌داند. در این نگاه و با این بلوغ، می‌توان به صورت ریاضی اثبات نمود که مطلوبیت چنین حج‌گزاری در زمانی می‌تواند بهینه و حداکثر شود که مطلوبیت نهایی تمامی آحاد این خانواده از آخرین واحد مصرفی برابر شود. در مدل‌سازی فقط رابطه حج‌گزار و طبقات فقیر در نظر گرفته می‌شود زیرا به طور طبیعی افراد متمکن فراوانی وجود دارند که هنوز به این بلوغ ابراری نرسیده‌اند. و در خانواده بزرگ ابراهیمی تشریک مساعی نمی‌کنند که این مدل شامل این دسته از افراد نمی‌شود.

فرض می‌گیریم که: ۱- حج‌گزار مستطیع است و استطاعت را حاکی از پس‌انداز مثبت می‌دانیم.  
۲- عقلانیت حاکم بر حج‌گزار، عقلانیت ابراری است یعنی او همگان را عضو خانواده می‌شمرد و در نتیجه تابع مطلوبیت او تابعی از مطلوبیت همگان است. در عین حال، چون افراد متمکن که هنوز به

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَجِيبِ الْحَسَنِ قَالَ رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ عليها السلام قَامَتْ فِي حُرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عُمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تُكْرِئُ الدُّعَاءَ هُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ مَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْسِكِ كَمَا تَدْعُونَ لِبَنِيكَ فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ هَمَجْنِينَ: ۸۸۸۵- وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُقْرِي عَنْ جَعْفَرِ الْمُقْرِي بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُؤَصِّلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي زَيْدِ الْكَحَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا (فَقِيلَ مَا يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكَ تَدْعُونَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْسِكِ) فَقَالَتْ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارِ.

۱. قرآن کریم: سوره حشر: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْرُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَفُّونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَتْ بَيْنَهُمْ حِصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوَقِّ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».
۲. «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا».
۳. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا».



بلوغ ابراری نرسیده‌اند، حتی اگر پس‌انداز مثبت داشته باشند، در این سبک زندگی با او هم‌داستان نیستند و از شمول تابع مطلوبیت وی خارج هستند. بدیهی است که لازم نیست عقلانیت طبقات پایین درآمدی، عقلانیت ابراری باشد، چون آن‌ها دریافت‌کننده کمک هستند نه ارائه‌دهنده کمک.

۳- درآمد خانواده ابراهیمی برابر است با درآمد تمامی حج‌گزاران به انضمام درآمد تمامی افراد غیرمستطیع.

۴- خانوار ابراهیمی را دارای افق نامحدود می‌دانیم.

۵- چون امتداد خانواده ابراهیمی از بعد زمانی تا بی‌نهایت سال بعد است، این مدل به صورت پویا و به صورت پیوسته می‌شود ولی چون در عقلانیت ابراری نرخ ترجیحات زمانی صفر است یعنی در این عقلانیت همان طوری که مرز بین افراد نیست، مرزی نیز بین زمان نیست و در نتیجه ارزش حال مطلوبیت یک فرد که در  $t$  سال بعد زندگی می‌کند برابر با ارزش مطلوبیت وی در همان زمان است یعنی چوناست پس  $e^{-\rho t} u_i(c_i) = u_i(c_i)$  همچنین چون در این عقلانیت بهره‌ای وجود ندارد بنابراین ارزش حال درآمد زمان  $t$  با ارزش درآمد در همان زمان برابر است. بر این اساس در معاملات پویا با توجه به صفر بودن نرخ بهره و نرخ ترجیحات زمانی، نیاز به تنزیل کردن وجود ندارد.

$$\begin{aligned} \text{Max: } PV(U_{EH}) &= \int_0^{\infty} F\{u_1[c_1(t)], u_2[c_2(t)], \dots, u_n[c_n(t)], dt\} \\ \text{S.t.: } PV(M_{EH}) &= \int_0^{\infty} [M_1(t) + M_2(t) + \dots + M_n(t)] dt = \int_0^{\infty} [c_1(t) + c_2(t) + \dots + c_n(t)] dt \\ L &= PV(U_{EH}) + \lambda \left( M_{EH} - \int_0^{\infty} [c_1(t) + c_2(t) + \dots + c_n(t)] dt \right) \end{aligned}$$

$$\left. \begin{aligned} \frac{\partial L}{\partial c_1(t)} = 0 &\Rightarrow \frac{\partial F}{\partial u_1} \cdot \frac{\partial u_1}{\partial c_1(t)} = \lambda \\ \frac{\partial L}{\partial c_2(t)} = 0 &\Rightarrow \frac{\partial F}{\partial u_2} \cdot \frac{\partial u_2}{\partial c_2(t)} = \lambda \\ \frac{\partial L}{\partial c_n} = 0 &\Rightarrow \frac{\partial F}{\partial u_n} \cdot \frac{\partial u_n}{\partial c_n(t)} = \lambda \end{aligned} \right\} \Rightarrow \frac{\partial F}{\partial u_1} \cdot \frac{\partial u_1}{\partial c_1(t)} = \frac{\partial F}{\partial u_2} \cdot \frac{\partial u_2}{\partial c_2(t)} = \dots = \frac{\partial F}{\partial u_n} \cdot \frac{\partial u_n}{\partial c_n(t)}$$

به طوری که  $PV(U_{EH})$  ارزش حال مطلوبیت خانوار ابراهیمی،  $C_i(t)$  مصرف خانوار  $i$  ام، در زمان  $t$ ،  $PV(M_{EH})$  ارزش حال درآمد خانوار ابراهیمی و  $M_i(t)$  درآمد خانوار  $i$  ام در زمان  $t$  است و  $i$  شامل همه حج‌گزاران با عقلانیت ابراری و خانوارهایی که از سطح استطاعت پایین‌ترند می‌شود.

بر اساس این مدل مطلوبیت نهایی خانوار ابراهیمی از مطلوبیت نهایی ای که خانوار  $i$  ام در اثر مصرف

کسب می کند باید با مطلوبیت نهایی حج گزار از مصرف برابر باشد. اگر فرض بگیریم که سلیقه مصرفی (هندسه مطلوبیت) همه خانوارها با هم یکسان است؛ آن گاه این مدل حاکی از این است که براساس عقلانیت ابراری، تنها با مواسات با همه خانوارهای پایین دستی، در طول تاریخ و در عرض جغرافیا مطلوبیت حج گزار ابراهیمی حداکثر می شود.

#### ۴. پویای اقتصاد در اثر تحول در عقلانیت

در این بخش می خواهیم نشان دهیم که اگر حج گزاران مستطیع که قاعدتاً از تمکن مالی خوبی برخوردارند به انضمام مستضعفان آن جامعه، خانوار بزرگ ابراهیمی را تشکیل دهند و این خانوار به عنوان یک واحد منسجم اجتماعی بخواهد مطلوبیت کل دوره‌ی زندگی خود را بهینه سازد، چه تاثیری بر رشد، رفاه و توسعه پایدار می گذارد. البته فرض می گیریم که جامعه یک جامعه مذهبی یکپارچه است و تمامی افراد مستطیع، از حج گزاران واقعی محسوب می شوند. با چنین فرضی می توان پذیرفت که کل جامعه چه غنی و چه فقیر یک خانوار محسوب می شوند که همه به تلاش و فعالیت مشغول هستند و به مثابه یک واحد اجتماعی در افق بی نهایت، یک درآمد واحد دارند که بخشی از آن مصرف و بخش دیگر پس انداز می شود.

ما در اینجا برای تأثیر تحول عقلانیتی که در اثر حج پدید می آید بر پویای اقتصاد در زمینه توسعه پایدار ناگزیر هستیم که از برخی از مدل‌های رشد استفاده نماییم، تا اثر این تحول را بتوانیم نشان دهیم. مدلی که در این زمینه در نظر گرفته می شود، مدل رشد درونزای «فراگیری با انجام کار»<sup>۱</sup> با نرخ درونزای پس انداز است که بایستی برای درونزایی پس انداز از مدل رشد افق نامحدود نیز استفاده کنیم. بنابراین، ابتدا به صورت بسیار خلاصه، مدل رشد افق نامحدود با فرض برونزایی نرخ رشد دانش ارائه می گردد. سپس باز هم به طور خلاصه مدل رشد فراگیری با انجام کار، با درونزای تلقی کردن دانش، طرح می شود و نشان داده خواهد شد که اگر جامعه به عقلانیت ابراری برسد چگونه به سمت رفاه بیشتر و رشد و توسعه پایدار حرکت خواهد کرد. بدون تردید در این مقاله صرفاً به نتایج این مدل‌ها اشاره خواهد شد و نمی توان این مدل‌ها را با جزئیات کامل بسط داد. این مدل‌ها به صورتی که در کتاب اقتصاد کلان پیشرفته «دیوید رومر»<sup>۲</sup> آمده است طراحی شده اند.

#### ۴-۱. مدل رشد افق نامحدود

این مدل دو بخشی است؛ بنگاه و خانواده. در بعد بنگاه، رقابت کامل در نظر گرفته شده است و

۱ . learning by doing.

۲ . Romer. op cit. pp: ۴۸۶۶ and ۱۲۲-۱۲۵.



فرض شده است که بازار عوامل، بازار کاملاً رقابتی، تولید با بازدهی ثابت به مقیاس و در قالب مدل «کاپ - داگلاس» صورت می‌گیرد. هیچ پیامد جانبی (اعم از مثبت یا منفی) وجود ندارد؛ ناطمینانی در جامعه وجود ندارد، نرخ استهلاک صفر است، جمعیت با نرخ رشد برونزای  $n$  رشد می‌کند و دانش نیز با نرخ برونزای  $g$  رشد می‌کند، دو عامل تولید وجود دارد، سرمایه و نیروی کار مؤثر یعنی حاصل ضرب نیروی کار در دانش.

در بعد خانوار نیز در نظر گرفته شده است تعداد معدودی خانوار داریم (که در این مقاله این تعداد به یک خانوار ابراهیمی تقلیل یافته است) که عمر نامحدود دارد، خانوار می‌خواهد با حداکثر کردن تابع مطلوبیت دوره زندگی، مصرف بین زمانی را بهینه نماید به گونه‌ای که ارزش حال مصرف دوره زندگی از ارزش حال درآمد دوره زندگی بیشتر نباشد.

در این مدل مطلوبیت لحظه‌ای<sup>۱</sup> هر فرد تابعی از مصرف وی در آن لحظه از زمان است و به صورت  $u = (c(t)) = \frac{c(t)^{1-\theta}}{1-\theta}$  است که کشش جانشینی مصرف بین دوره‌ای است، بنابراین با توجه به این، تعداد خانوارها یک است، ارزش حال تابع مطلوبیت دوره زندگی و ارزش حال قید بودجه وی به صورت زیر نوشته می‌شود.

(۱)

$$\begin{aligned} \text{Max: } U &= \int_0^{\infty} e^{-\rho t} u(c(t)) \cdot L(t) dt = \int_0^{\infty} e^{-\rho t} \frac{c(t)^{1-\theta}}{1-\theta} \cdot L(t) dt \\ \text{S.t.: } \int_0^{\infty} e^{-\int_0^t r(t) dt} c(t) \cdot L(t) dt &\leq K(0) + \int_0^{\infty} e^{-\int_0^t r(t) dt} W(t) L(t) dt \end{aligned} \quad (1)$$

که  $L(t)$  کل جمعیت و نیروی کار است (چون در اینجا تعداد خانوار یک در نظر گرفته شده است) حاصل ضرب  $(u(c(t)) \cdot L(t))$  یعنی مطلوبیت لحظه‌ای کل خانوار ابراهیمی و همین‌طور سایر حاصل ضرب‌ها.

$\rho$  نرخ تنزیل ذهنی یا نرخ ترجیح بین زمانی است، بنابراین با انتگرال‌گیری ارزش حال مطلوبیت‌های لحظه‌ای این خانوار با نرخ تنزیل  $\rho$  می‌توان مطلوبیت دوره‌ی زندگی را نوشت.

$r(t)$  بازدهی داخلی سرمایه است که  $\int_0^t r(t) dt$  - فاکتور تنزیل مصرف یا درآمد هر زمان است.

به راحتی می‌توان با توجه به بهینه‌یابی پویای دستگاه معادلات (۱) استخراج نمود که

$$(۲) \frac{\dot{c}(t)}{c(t)} = \frac{r(t) - \rho - \theta g}{\theta} = \frac{F'(k) - \rho - \theta g}{\theta}$$

۱. instantaneous utility.

که  $c(t)$  مصرف سرانه نیروی کار مؤثر و  $\dot{c}(t)$  تغییر زمانی آن است در نتیجه سمت چپ معادله رشد مصرف سرانه نیروی کار مؤثر را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر می‌توان نشان داد که با توجه به تابع تولید «کاپ - داگلاس»:

$$(۳) \dot{k}(t) = F(k(t)) - c(t) - (n + g)k(t)$$

که  $\dot{k}(t)$  تغییرات زمانی انباشت سرمایه سرانه مؤثر است و  $F(k(t))$  تابع تولید به صورت فشرده است که با توجه به ویژگی ثابت به مقیاس تولید، صرفاً به صورت تابعی از سرمایه سرانه مؤثر نشان داده شده است.

اگر در تابع هدف دستگاه معادلات (۱) به جای  $C(t)$  که مصرف سرانه نیروی کار است  $c(t)$  که مصرف سرانه نیروی کار مؤثر است قرار دهیم به معادله (۴) دست خواهیم یافت.

$$(۴) U = -B \int_0^{\infty} e^{-\beta t} \frac{c(t)^{1-\theta}}{1-\theta} dt$$

به طوری که

$$B = A(0)^{1-\theta} L(0)$$

$$(۵) \beta = \rho - n - (1 - \theta)g > 0$$

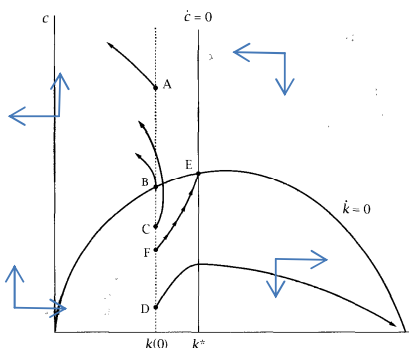
حتماً  $\beta$  باید از صفر بزرگتر باشد تا شرط همگرایی مطلوبیت دوره زندگی برقرار شود.

اگر بخواهیم پویایی اقتصاد را در این مدل نشان دهیم می‌توانیم نمودار فازی زیر را با توجه به معادلات ۳ و ۴ ترسیم نماییم. خط  $C = 0$  قیدی است که نمی‌گذارد مصرف سرانه مؤثر در طی زمان تغییر نماید. براساس معادله (۳) این قید به صورت خط عمودی خواهد بود به طوری که در نقطه تلاقی با محور  $k$  باید  $F'(k^*) = \rho + \theta g$  باشد به راحتی می‌توان نشان داد که قبل از  $k^*$  مصرف سرانه مؤثر تغییرات مثبتی از خود بروز خواهد داد یعنی  $c(t) > 0$  و بعد از آن  $c(t) < 0$  است در نتیجه در نمودار فازی در سمت چپ خط عمودی با بردارهای رو به بالا و در سمت راست با بردارهای روبه پایین مواجه خواهیم بود.

با توجه به معادله (۴) نشان داده می‌شود که قید  $\dot{k}(t) = 0$  در فضای  $k(t)$  و  $c(t)$  به صورت یک سهمی که از مبدا مختصات آغاز می‌شود در خواهد آمد که زیر این منحنی  $k(t) > 0$  و بالای آن  $k(t) < 0$  است. بنابراین، در زیر منحنی بردارها به سمت راست و در بالای منحنی بردارها به سمت چپ خواهد بود همان‌گونه که در نمودار (۱) نشان داده شده است نقطه  $E$  جایی خواهد بود که هم  $\dot{k}(t)$  و هم  $\dot{c}(t)$  با صفر برابر خواهند بود. اگر جامعه در این نقطه قرار بگیرد می‌تواند به صورت پایدار از مصرف  $C$  برخوردار شود اما اگر بردارهای حاکم نتواند جامعه را به این نقطه هدایت کنند

این جامعه ممکن است در اثر مصرف زدگی بیش از حد، به پس انداز منفی دچار شود و با فزونی یافتن مصرف، روز به روز از میزان  $k$  کاسته شود و وقتی که  $k(t) = 0$  شد، چرخ تولید از کار می افتد. بنابراین در اثر توقف تولید و فقدان سرمایه، چیزی برای مصرف کردن وجود نخواهد داشت و جامعه منقرض می شود. در طرف مقابل، جامعه ممکن است بیش از حد حرص انباشت سرمایه داشته باشد، در نتیجه جامعه به  $\bar{k}$  می رسد و با وجود انباشت سرمایه فراوان و تولید زیاد در اثر حرص مفرط جامعه از گرسنگی خواهد مرد. از این رو این مدل به خوبی نشان می دهد که رسیدن به تعادل، تنها از طریق یک مسیر که به مسیر «زینی» معروف است امکان پذیر خواهد بود که با یک ذره افراط و یا تفریط، جامعه در معرض اضمحلال ناشی از مصرف زدگی و یا حرص انباشت، قرار خواهد گرفت.

نمودار ۱: نمودار فازی رفتار  $k$  و  $c$

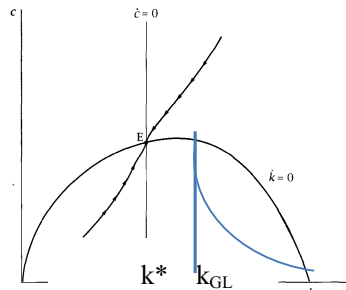


در نمودار (۲) به خوبی نشان داده می شود که به شرط  $\dot{k}(t) = 0$  در نقطه  $k_{GR}$  (سرمایه سرانه مؤثر قاعده طلایی) مصرف به حداکثر می رسد اما چون این نقطه روی قید  $c(t)$  قرار ندارد بلکه در سمت راست آن خط است، ابتدا با یک بردار رو به پایین، مواجه است (چون روی قید  $\dot{k}(t) = 0$  هیچ برداری که به سمت راست یا چپ باشد وجود ندارد) وقتی که مصرف جامعه کمی کم شد، جامعه در چنبره دو کشش (یکی به راست و دیگری به پایین) قرار می گیرد و در نتیجه حرص بر جامعه مستولی می شود مصرف جامعه روز به روز کمتر و انباشت سرمایه سرانه مؤثر، روز به روز فزونی می یابد تا جایی که جامعه در عین برخورداری از گرسنگی، منقرض خواهد شد، بنابراین درست است که مصرف در نقطه  $k_{GR}$  هم شرط  $\dot{k}(t) = 0$  را تأمین می کند و هم در ابتدا مصرف در بالاترین حد خود قرار دارد اما چون مصرف در مسیر تعادلی رشد قرار ندارد این نقطه نمی تواند مطلوبیت دوره زندگی را حداکثر نماید. اما اگر جامعه در نقطه  $E(k^*, c^*)$  قرار داشته باشد میزان  $c^*$  برای همیشه حفظ خواهد شد؛ هر چند ممکن است برای مدتی این سطح مصرفی برای هر نیروی کار مؤثر کمتر از



مصرف سرانه مؤثر قاعده طلایی باشد. در نتیجه، این سطح مصرفی به علت پایداری در مسیر رشد، مطلوبیت دوره زندگی را بهینه می‌نماید و تنها همین موقعیت خاص است که از این ویژگی برخوردار است.

نمودار ۲: نمودار فازی و رفتار مصرف در  $k_{GL}$



در اینجا به چند سؤال اساسی مواجه می‌شویم.

۱- آیا  $k^*$  می‌تواند روی  $k_{GR}$  قرار بگیرد؟

۲- آیا  $k^*$  می‌تواند بیشتر از  $k_{GR}$  باشد؟

۳- در صورت منفی بودن پاسخ سؤال، آیا می‌توان  $k$  را به سمت  $k_{GR}$  سوق داد؟

در پاسخ به سؤال اول، می‌توان با استفاده از معادله (۳)  $k_{GR}$  را بدست آورد. در  $k_{GR}$ ، سرمایه سرانه‌ی نیروی کار موثر باید به شرط  $\dot{k}(t) = 0$  مصرف به حداکثر سطح خود برسد، بنابراین برای استخراج این نقطه از معادله (۳) به شرط برقراری این قید، نسبت به مصرف، مشتق می‌گیریم.

$$(۶) \left. \frac{\partial \dot{k}(t)}{\partial c(t)} \right|_{\dot{k}(t)=0} = F'(k_{GR}) = n + g$$

در حالی که براساس معادله (۲)

$$(۷) \dot{c} = 0 \Rightarrow F'(k_*) = \rho + \theta g$$

بنابراین  $k_*$  موقعیت متفاوتی از  $k_{GR}$  دارد.

در پاسخ به سؤال (۲) و در عین حال تکمیل پاسخ به سؤال ۲ از قید همگرایی (معادله ۵) استفاده می‌کنیم. براساس این قید

$$\rho + \theta g > n + g \quad \text{یا} \quad \beta = \rho - n - (1 - \theta)g > 0 \Rightarrow (\rho + \theta g) - (n + g) > 0$$

با توجه به معادلات ۶ و ۷ خواهیم داشت:

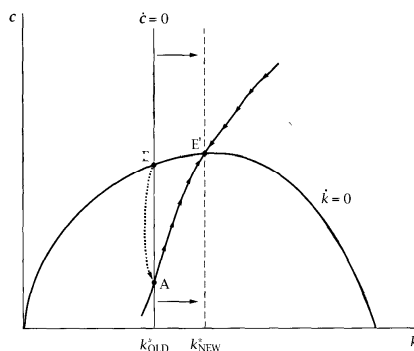
$$(۸) F'(k_*) > F'(k_{GR})$$

با توجه به خواص تابع تولید «کاپ - داگلاس» که  $F'(k_t) > 0$  و  $F''(k_t) < 0$  است؛ صرفاً

در صورتی که  $k_* < k_{GR}$  باشد رابطه ۸ حاکم خواهد بود و قید همگرایی برقرار خواهد بود. بنابراین براساس این مدل نمی‌تواند  $k_*$  بیشتر از  $k_{GR}$  باشد و در تکمیل پاسخ سوال اول نیز باید اضافه نمود که امکان انطباق  $k_*$  بر  $k_{GR}$  نیز وجود ندارد زیرا در صورتی که  $n + g = \rho + \theta g$  باشد  $\beta = 0$  است و همگرایی حاصل نخواهد شد.

در پاسخ سوال سوم باید گفت اگر بتوان نامعادله  $\rho + \theta g > n + g$  را به سمت تساوی سوق دهیم آن‌گاه  $k_*$  نیز به سمت  $k_{GR}$  حرکت خواهد کرد. یکی از راه‌های ممکن این است که  $\rho$  را کاهش دهیم، زیرا در این صورت  $F''(k^*) = \rho + \theta g$  است کاهش خواهد یافت و با توجه به این که  $F''(k(t)) < 0$  است،  $k_*$  به سمت راست شیفت خواهد کرد و در نمودار هم نقطه E به  $E''$  خواهد رسید که سطح مصرف دوره زندگی را افزایش می‌دهد. ما در قسمت ۳ و ۴ این پدیده را مورد تحلیل بیشتر قرار می‌دهیم تا نشان دهیم که چگونه عقلانیت ابراری رفاه را بالا می‌برد. در اینجا فقط به همین نکته اکتفا خواهیم کرد که اگر  $\rho$  کاهش یابد یعنی دیگر مصرف حال نسبت به مصرف آینده ترجیحی نخواهد داشت. در نتیجه گویا نرخ پس‌انداز تابعی معکوس از  $\rho$  خواهد بود با حرکت بر روی مسیر زینی جدید به نقطه  $E''$  می‌رسند که بالاتر از قبل و به مصرف قاعده طلاایی نزدیک‌تر است.

نمودار ۳: تاثیر کاهش  $\rho$  بر  $k^*$



۲-۴. مدل رشد درونزای فراگیری با انجام کار

یکی از مدل‌های رشد درونزا، مدل رشد  $R \& D$  است در این مدل رشد، فرض می‌شود که در اقتصاد دو کالا تولید می‌شود یکی  $y$  و دیگری  $R \& D$  بنابراین بخشی از نیروی کار ( $a_L$ ) در بخش  $R \& D$  و بقیه ( $1 - a_L$ ) در تولید  $y$  مشغول هستند همین‌طور بخشی از سرمایه ( $a_K$ ) به

تولید  $R \& D$  اختصاص می‌یابد و بخش دیگر  $(1 - a_K)$  به تولید  $y$  اختصاص می‌یابد. تفاوت مدل رشد درونزای  $R \& D$  با مدل فراگیری با انجام کار این است که در مدل دوم بخش خاصی به نام  $R \& D$  برای تولید دانش وجود ندارد بلکه کل نیروی کار و سرمایه برای تولید  $y$  بکار گرفته می‌شود و دانش به صورت یک محصول فرعی<sup>۱</sup> تولید می‌شود. بنابراین در این الگو تمامی فروض الگوی قبل برقرار است به جز این که در این الگو دانش نیز تابعی از انباشت سرمایه کل است. تابع تولید  $y$  هر بنگاه و تولید دانش به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$(۹) y_i(t) = K_i(t)^\alpha [A(t)L_i(t)]^{1-\alpha}$$

$$(۱۰) A(t) = \beta K(t)^\phi$$

اگر برای سادگی  $\phi = 1$  در نظر گرفته شود، با جای‌گذاری معادله (۱۰) در (۹) می‌توان  $MP_{K_i}$  و  $MP_{L_i}$  را بدست آورد. از آنجا که در شرایط رقابتی دستمزد نیروی کار و بازدهی سرمایه در همه بنگاه‌ها برابر است می‌توان نتیجه بدست آمده راجع به یک بنگاه را به همه بازار تعمیم داد. از این رو با قرار دادن  $L(t)$  و  $K(t)$  در نتیجه بدست آمده برای هر بنگاه به معادلات زیر می‌رسیم:

$$MP_{K_i} = \alpha \beta^{1-\alpha} K(t)^{1-\alpha} \left[ \frac{L(t)}{K(t)} \right]^{1-\alpha} \Rightarrow$$

$$(۱۱) MP_K = r = \alpha \beta^{1-\alpha} L^{1-\alpha}$$

اگر در نظر بگیریم که:

$$(۱۲) b = \beta^{1-\alpha} L^{1-\alpha}$$

با جای‌گذاری ۱۲ در ۱۱ خواهیم داشت:

$$r = \alpha b$$

چون رشد نیروی کار ثابت و برونزا است می‌توان گفت:

$$r = \alpha b = \bar{r}$$

(۱۳)

به همین ترتیب در مورد دستمزد خواهیم داشت:

$$MP_{L_i} = (1 - \alpha) \beta^{1-\alpha} K^{1-\alpha} \left[ \frac{K_i(\alpha)}{L_i(\alpha)} \right]^\alpha \Rightarrow$$

$$(۱۴) MP_L = W = (1 - \alpha) \beta^{1-\alpha} L(t)^{1-\alpha} \frac{K(t)}{L(t)}$$

اگر از فرمول ۱۲ در ۱۴ استفاده نمائیم و نرخ رشد نیروی کار را صفر در نظر بگیریم ( $n=0$ ) در

۱. joint product.



نتیجه  $L(t) = \bar{L}$  خواهد بود لذا خواهیم داشت:

$$(15) W = (1 - \alpha)b \frac{K(t)}{\bar{L}}$$

با توجه به این که براساس معادله ۲ داشتیم که:

$$(2) \frac{\dot{c}(t)}{c(t)} = \frac{r(t) - \rho - \theta g}{\theta}$$

در این مدل باید به جای  $g$ ،  $g_A(t)$  قرار دهیم چون دانش درونزا در نظر گرفته می شود. حال اگر نرخ رشد مصرف سرانه را از معادله (۲) (که رشد مصرف سرانه موثر بود) بدست آوریم خواهیم داشت:

$$(16) \frac{\dot{C}(t)}{C(t)} = \frac{\dot{c}(t)}{c(t)} + \frac{\dot{A}(t)}{A(t)}$$

اگر  $\frac{\dot{A}(t)}{A(t)} = g_A(t)$  باشد بنابراین با جای گذاری معادله ۲ در ۱۶ داریم:

$$(17) \frac{C^*(t)}{C(t)} = \frac{r(t) - \rho - \theta g_A(t)}{\theta} + g_A(t) = \frac{r(t) - \rho}{\theta}$$

اگر فرمول ۱۳ را در ۱۷ قرار دهیم خواهیم داشت:

$$(18) \frac{\dot{C}(t)}{C(t)} = \frac{\bar{\alpha}b - \rho}{\theta} = \frac{\bar{r} - \rho}{\theta} = \bar{g}$$

براساس معادله ی ۱۸ درمی یابیم که اولاً رشد مصرف سرانه ثابت خواهد بود و ثانیاً رشد مصرف، تابعی مستقیم از  $\alpha$  (کشش جانشین سرمایه در تولید  $y$ ) و تابع معکوس از  $\rho$  نرخ ترجیحات زمانی است. بنابراین هر چه  $\rho$  کوچک تر باشد (نرخ پس انداز بزرگ تر باشد) مصرف سرانه در طول زمان با نرخ بیشتری رشد خواهد کرد.

با تحلیل اقتصادی می توان اثبات نمود که باید رشد تولید سرانه و رشد انباشت سرمایه سرانه نیز  $\bar{g}$  باشد زیرا اگر رشد تولید سرانه بزرگ تر از  $\bar{g}$  باشد در این فرایند، رشد مصرف سرانه باید به اندازه  $\bar{g}$  باشد. این وضعیت حاکی از این است که نرخ پس انداز به صورت تصاعدی افزایش می یابد. اما اگر رشد تولید سرانه کمتر از  $\bar{g}$  باشد و در این فرایند مصرف سرانه به اندازه  $\bar{g}$  رشد کند نرخ پس انداز در هر لحظه کمتر و کمتر خواهد شد تا این که به صفر بگراید.

بنابراین حتماً نرخ رشد اقتصاد هم به میزان  $\bar{g}$  است، در نتیجه نرخ رشد اقتصادی نیز تابع مستقیمی از  $\alpha$  و تابع معکوسی از  $\rho$  خواهد بود یعنی هر چه  $\rho$  کاهش یابد (نرخ پس انداز زیادتر شود) نرخ رشد اقتصاد به صورت هموار در بلند مدت زیادتر خواهد بود.

۲-۴. تاثیر عقلانیت ابراری بر رفاه و رشد

همان‌گونه که در قسمت ۴.۱ و ۴.۲ گفته شد؛ کاهش  $\rho$  می‌تواند رفاه را در بلندمدت افزایش و نرخ رشد اقتصاد را در حالت هموار بلند مدت<sup>۱</sup> تضمین نماید. اینک باید دید که چگونه جهان‌بینی توحیدی و عقلانیت ابراری می‌تواند بر کاهش  $\rho$  اثر بگذارد. در بخش‌های آغازین مقاله گفته شد که جهان‌بینی توحیدی که در حج متبلور و ظهور می‌یابد جامعه جهانی را در عرض جغرافیا و طول تاریخ به یک خانوار بزرگ تبدیل می‌نماید. هر انسان مستطیعی که حج ابراهیمی گزارده باشد، خویشتن را مسئول خوشبختی تمامی انسان‌ها می‌داند و ابرار بودن اقتضا می‌نماید که هیچ تمایزی بین مردم ایجاد نکند و هیچ خطی که حاکی از تفاوت داشته باشد برای جداسازی بخشی از این خانوار نسبت به برخی دیگر ایجاد نکند. بنابراین حج گزار ابراهیمی در بعد تاریخی نیز هیچ‌گونه ترجیحی برای زمان حاضر نسبت به زمان آینده ایجاد نمی‌کند. این عقلانیت و جهان‌بینی، باعث می‌گردد که میزان  $\rho$  به سمت صفر گرایش کند. در نتیجه  $k^*$  در نمودار هم به سمت  $k_{GR}$  حرکت می‌کند.

آری، با کاهش  $\rho$  به صورت کوتاه مدت، مصرف نسل جاری کاهش خواهد یافت اما این تصمیم، شالوده سعادت خانوار ابراهیمی را استحکام می‌بخشد. در اینجا است که سرّ وعده‌های خداوند نسبت به انفاق کنندگان آشکار می‌شود. از آنجا که انفاق کننده با فرهنگ حج آشنا است و تمامی مردم را متعلق به خانوار خود می‌داند، انفاق را تلف مال تلقی نمی‌کند. با کاهش مصرف و افزایش انفاق در حقیقت بذر عشق و محبت در دل افراد جامعه کاشته می‌شود و با تأمین مالی نیازهای اساسی از قبیل آموزش و بهداشت ذخیره سرمایه انسانی جامعه نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه کاهش  $\rho$  باعث افزایش رشد به صورت پایدار می‌شود. در طرف مقابل، جامعه ربا خوار اولاً جامعه‌ای است متشتت و پراکنده؛ ثانیاً نرخ ترجیحات ذهنی بالایی دارد. از این رو خانوار با افق نامحدود در این دیدگاه امکان وقوعی نمی‌یابد. فرض کنیم که با وجود رواج ربا، خانوار با افق نامحدود شکل یابد، باز هم به دلیل نرخ ترجیحات ذهنی بالای خانوارها (بالا بودن  $\rho$ ) هم  $k^*$  به سمت مبدأ مختصات حرکت می‌کند و هم سطح مصرف در افق بلند مدت کاهش می‌یابد و این از عجایب روزگار است که ربا، برخلاف خواست گیرندگان آن، رشد نمی‌کند اما انفاق، ایثار، فداکاری همواره برکات را جلب خواهد نمود.

چون عقلانیت ابراری مطلوبیت کل اعضای خانوار را برای همه نسل‌ها در همه عصرها بدون هیچ ترجیح و تمایزی بهینه می‌کند ( $\rho$  صفر و یا بسیار ناچیز است) بنابراین امکان ندارد که فرآیند توسعه به هزینه نسل‌های آتی شکل بگیرد بلکه برعکس، حج گزار ابراهیمی، رسم فداکاری را در مکتب ابراهیم آموخته است و آن‌ها حاضرند که از منافع حال، برای رفاه آیندگان گذشت کنند. بنابراین در

۱ . steady state.

عقلانیت ابراری هیچ گونه تضاد و مغایرتی بین رشد اقتصادی و توسعه دیده نمی‌شود و می‌توان با کاهش  $\rho$ ، هم رشد را سرعت بخشید و هم ارکان توسعه پایدار را تحکیم نمود.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله براساس نظریه طیفی انگاری خود، معتقد است که فرد و جامعه می‌توانند به تناسب بلوغ در رده‌های مختلف طیف قرار بگیرند. در هر قطعه از این طیف، نوع خاصی از خود ظهور می‌کند که با منافع خاص و عقلانیت خاص خود در تناظر است. یکی از این قطعات را می‌توان خود ابراری نامید. به اعتقاد نویسنده برای رسیدن به خود ابراری، سرعت و اهتمام خاصی نیاز است که به تعبیر قرآن بایستی اقتحام عقبه صورت پذیرد. اگر جامعه رنگ و بوی خود ابراری را به خود بگیرد، براساس غالب مدل‌های رشد - که دو مدل از این‌ها مورد بحث قرار گرفت - نشان داده می‌شود که چنین نگرش و عقلانیتی می‌توند به بهبود رفاه، سرعت رشد اقتصادی و توسعه پایدار کمک کند.

رمز و راز این معما در این است که عقلانیت ابراری با حذف خط‌کشی‌های مجازی و اعتباری به ساخت یک خانوار با افق نامحدود کمک می‌کند، در نتیجه بهینه‌سازی رفتار این خانوار عظیم با نرخ ترجیحات صفر یا در حد بسیار ناچیز، نه تنها با غارت منابع که به نسل‌های آینده هم تعلق دارد، هم‌داستان نیست، بلکه با ورود به عرصه عقلانیت ابراری  $\rho$  کاهش و مصرف نسل حاضر به نفع نسل‌های آینده کاهش خواهد یافت. در عوض خانوارهای موجود در طول زمان از رفاه بالاتر توسعه پایدار و رشد اقتصادی برخوردار خواهد شد.

حج و خاطرات ابراهیم علیه السلام این زمینه را برای حج گزار فراهم می‌کند که با شکستن تمامی حصارهای بیگانگی و با ایجاد برابری و برادری در بین مردم، خود را از تبار ابراهیم علیه السلام بدانیم و فقط یک خانوار به وسعت تاریخ و جغرافیا بسازیم. با اخذ و فراگیری چنین درسی از مکتب اسلام می‌توان به عقلانیت ابراری نایل آمد و از برکات آن برخوردار شد.

### ◀ منابع

۱. قرآن مجید.
  ۲. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث، قم.
  ۳. راغب اصفهانی، الحسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق ۱۹۹۲ م)، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات دار القلم، دمشق.
  ۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران
۱. Romer, D. (۲۰۰۶). Advanced Macroeconomics. Irwin, Hill, MacGraw.

## بکارگیری بودجه‌ریزی عملیاتی در سازمان حج و زیارت به منظور تثبیت وکاهش هزینه‌های اداری عملیاتی

علی یوسفی نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

کاهش هزینه‌های عملیاتی و به حداقل رساندن هزینه‌های صرف شده برای تولید محصول یا خدمات از دغدغه‌های اصلی و همیشگی مدیران و مسئولین سازمان‌ها و موسسات، اعم از دولتی و یا خصوصی می‌باشد. سازمان حج و زیارت به‌عنوان متولی امور مربوط به متقاضی‌یان سفر به شهرها و مراکز زیارتی، به‌ویژه شهرهای مقدس مکه و مدینه هر ساله با انبوه متقاضیانی مواجه است که حاضرند با تامین هزینه‌های سفر، به زیارت اماکن مقدسه نائل شوند. هزینه‌های حمل و نقل؛ نگهداری، پذیرایی، اسکان و غیره از جمله هزینه‌هایی است که در مدت سفر بر عهده سازمان حج و زیارت می‌باشد. بدیهی است اتخاذ هرگونه سازوکاری که بتواند باعث کاهش هزینه‌های مورد نظر شود می‌تواند باعث افزایش سطح خدمات مورد ارائه سازمان و افزایش رضایت‌مندی مشتریان شود. بودجه‌ریزی عملیاتی یکی از روش‌های بودجه‌برنامه‌ای است که می‌تواند از طریق مشخص کردن هر فعالیت، پول مشخص را برای کار مشخص، اختصاص دهد. یعنی ابتدا میزان هرگونه عملیاتی با اتخاذ روش‌های دقیق اندازه‌گیری شده و سپس هزینه‌های تمام شده آن برآورد و نهایتاً هزینه واحد هر فعالیت استخراج و آن‌گاه از مجموع ماموریت‌های محوله و عملیات صورت گرفته، به اعتبارات مورد نیاز دستگاه اجرایی دست یافت. از آنجایی که تعداد زائرین در هر سفر مشخص است به همین سبب تعیین واحد حجم کار به راحتی قابل انجام

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) و انجمن علمی اقتصاد اسلامی.



بوده و امکان استخراج هزینه تمام شده وجود دارد. نکته مهم در خصوص روش بودجه‌ریزی این است که این روش به دنبال شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده هزینه‌ها بوده و سپس با استفاده از تکنیک‌های موجود، نظیر تحلیل هزینه فایده و سایر روش‌های موجود به ارزیابی اقتصادی در خصوص درستی یا نادرستی هزینه‌های صورت گرفته، اقدام و سپس هزینه‌های اضافی حذف می‌گردد.

کلید واژه: بودجه، بودجه عملیاتی، سازمان حج و زیارت، هزینه تشریف، حداقل کردن هزینه.

#### مقدمه

از ورود مفهوم بودجه به نظام مالی و مدیریتی کشور دهها سال می‌گذرد. با شکل‌گیری نظام بودجه‌ریزی در سازمان اداری کشور و استقرار آن در طول سالیان متمادی، انتظام مالی متناسب با آن نیز شکل گرفته است. در حالی که در کشورهای توسعه یافته فرآیند بودجه‌ریزی همراه با تحولات اقتصادی دچار تغییرات گسترده‌ای شده است، متأسفانه این مسئله در کشور ما با تأخیر چند ده ساله مواجه است. به همین سبب برخی کارشناسان ناکارآمدی‌های نظام اداری و مدیریتی را معلول این تأخیر و آثار و عواقب ناخوشایند آن می‌دانند.

در حالی که فرآیند طراحی، تدوین، تصویب و سپس اجرای بودجه، مراحل پیچیده و دشواری را طی می‌نماید، اما از عملکرد آن تقریباً کمتر کارشناسی اظهار رضایت می‌کند. علت چیست؟ ضعف این نظام وارداتی کهن سال از کجا نشأت می‌گیرد؟ شاید یکی از دلایل آن در ذات شکل‌گیری مفهوم بودجه نهفته باشد. در حالی که نظام‌های سیاسی استبدادی گذشته، خود را ملزم به پاسخگویی به مردم نمی‌دانستند، افکار آزادی خواهانه‌ای شکل گرفت که مخالفت این روند بود. به علت مخالفت سرسختانه حاکمان مستبد، نهضت‌ها و انقلاب‌هایی به وقوع پیوست تا این که «حساب دخل و خرج کشور» به نظم در آمد. تأکید شدید محاسبان و ناظران مالی به جلوگیری از انحراف در مصارف و هزینه‌ها، بودجه‌نویسی اولیه‌ای را شکل داد که تا سال‌های متمادی مورد استفاده نظام‌های سیاسی تازه استقلال یافته و رها شده از بند استعمار و استبداد، بوده است.

این تأکید زیاد بر هزینه‌ها و مصارف با تغییر رویکرد به سوی «اهداف» و نتایج باعث گردید تا مفهوم «برنامه» خود را به مفهوم بودجه، تحمیل نماید. به همین سبب نگاه کارشناسان بودجه‌ای به تغییر در فرآیند بودجه‌ریزی معطوف گشت. در اواسط قرن بیستم و برای اولین بار در ایالات متحده آمریکا توسط گروهی که مأمور حل معضلات ناشی از بودجه‌ریزی سنتی بودند، پیشنهاد «بودجه



برنامه‌ای<sup>۱</sup> ارائه گردید. بدنبال آن و در سال ۱۹۵۰، با تکمیل پیشنهاد اولیه شیوه جدیدی در فرآیند بودجه‌ریزی طراحی گردید که به‌عنوان بودجه عملیاتی<sup>۲</sup> نامگذاری گردید.

این شیوه بودجه‌ریزی در عین حالی که مشکلات مربوط به بودجه‌ریزی قبلی را نداشت با نگاه خروجی محور، توجه خود را به پیامدها و نتایج هر فعالیتی، متمرکز می‌نمود. ضمن این که با شفاف‌سازی اعداد و ارقام برنامه‌ها و فعالیت‌ها، کیفیت اطلاعات و ارقام بودجه‌ای را متحول نموده و در نتیجه امکان پاسخگویی به مراجع مختلف از قبیل افکار عمومی، ناظرین بودجه‌ای و مقامات مافوق فراهم گشت. ضمن این که با تحول در نظام حسابداری و با استخراج هزینه تمام شده هر فعالیتی، امکان افزایش کارآیی و کاهش هزینه‌های اضافی بوجود آمد.

در نظام بودجه‌ریزی ایران، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۰ موضوع تحول در نظام بودجه‌ریزی دستگاه‌های دولتی مورد توجه سازمان بودجه‌ریزی کشور قرار گرفت و در تبصره ۲۳ قانون بودجه سال بعد به دستگاه‌های اجرایی برای عملیاتی نمودن بودجه‌ریزی سالیانه، توصیه‌هایی به‌عمل آمد. ضمن این که جزء ۲ بند ب تبصره ۴ قانون بودجه سال‌های ۸۳ و ۸۴ و ضوابط اجرایی بودجه سال‌های ۸۶، ۸۷ و ۸۸ و در بخشنامه بودجه سال ۸۹ نیز این مهم مورد تأکید مجدد قرار گرفت. در حالی که مواد ۱۳۸ و ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه کشور نیز موضوع عملیاتی نمودن نظام بودجه‌ریزی کشور را مورد توجه مسئولین دستگاه‌های اجرایی قرار داد.

سازمان حج و زیارت به‌عنوان یک سازمان دولتی نیز تابع ضوابط و مقررات مورد نظر سازمان بودجه‌ریزی کشور می‌باشد. مضافاً به این که ویژگی خاص این سازمان مأموریت محوری بوده و لاجرم برای انجام مأموریت اصلی خود که همانا برنامه‌ریزی و اجرای مسافرت‌های زیارتی متقاضیان سفر به اماکن مقدسه و زیارتی است، با بکارگیری تمامی ظرفیت‌های موجود اعم از نرم افزاری و همچنین سخت افزاری، با افزایش راندمان ضمن کسب رضایت مشتریان که همانا از بهترین بندگان خدا هستند، باید به سمت کاهش هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای خود حرکت نماید.

استفاده از شیوه بودجه‌ریزی عملیاتی می‌تواند این دو خواسته مهم را محقق سازد؛ یکی اثر بخشی منابع تخصیص داده شده برای تحقق اهداف سازمان و دیگری بهبود عملکرد سازمان در راستای تصحیح اشتباهات احتمالی در فرآیند به انجام رساندن مأموریت‌های محوله. این مقاله تلاش می‌نماید با معرفی این سازوکار مهم، امکان پذیری و چگونگی محقق ساختن آن را در حد توان نویسنده به مسئولین سازمان حج و زیارت، نشان دهد.

۱. Programming Budget.

۲. performance Budget .



واژگان کلیدی: بودجه، بودجه‌ریزی عملیاتی، هزینه تمام شده، هزینه واحد، سازمان حج و زیارت.

### ۱. بودجه و بودجه‌ریزی

واژه بودجه ابتدا با عنوان «بوژت»<sup>۱</sup> در زبان و ادبیات فرانسوی‌ها به معنی کیف یا کیسه چرمی کوچک مورد استفاده قرار گرفت و آن‌گاه به زبان و فرهنگ سایر ملل از جمله انگلستان با تغییر در تلفظ یعنی «بوجت»<sup>۲</sup> و سپس تحت عنوان «باجت»<sup>۳</sup>، منتقل شد، اما در تعامل بعدی این واژه مجدداً در فرانسه برای انجام امور مالی اما با تلفظ «بودجه» بکار گرفته شد. (Edwards, P. ۱۳)

طی چند قرن که از تولید این واژه در ادبیات اقتصادی دنیا می‌گذرد، تعاریف مختلفی توسط کارشناسان و اندیشمندان این حوزه مطرح گشته است که به تناسب نوع نگاه آنان نسبت به واژه، تعاریف صورت گرفته نیز متفاوت بوده است. اما آنچه که در تمام تعاریف به عمل آمده مشترک می‌باشد این است، که بودجه به معنای پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌های دولت‌ها و بنگاه‌ها در آینده است که به صورت یک سند مکتوب در می‌آید.

اما بودجه‌ریزی چیست؟ در جواب باید گفت که بودجه‌ریزی هر گونه تلاشی است تا فرآیند بودجه‌نویسی به صورتی هدفمند به نتیجه مورد دلخواه بودجه‌نویسان درآید. بنابراین بودجه‌ریزی قالب بودجه است و هر طور که قالب طراحی شود، بودجه نیز همان گونه شکل می‌گیرد، نظیر این که بگوییم بودجه سنتی و یا بودجه برنامه‌ای.

از نظر اقتصادی نیز هر گونه تلاشی برای بدست آوردن یک ترکیب مطلوب از نیازهای نامحدود دستگاه‌های اداری با امکانات محدود خزانه دولت، می‌تواند با مفهوم بودجه و البته بودجه‌ریزی برابری کند.

از نظر سابقه شکل‌گیری این واژه و به کارگیری آن توسط دولت‌ها باید اشاره نمود از زمانی که دولت‌های دموکراتیک با تلاش ملت‌ها شکل گرفتند، فن بودجه‌نویسی نیز شکل گرفت تا از این طریق نمایندگان مردم با نظارت بر عملکرد دولت‌ها مشخص سازند که چه اقداماتی و چگونه توسط آنان به عمل آید تا رفاه و پیشرفت جامعه حاصل شود.

بدیهی است که کشورهای اروپایی پیش‌قدم و پیشروتر از بقیه جوامع در این امر بودند و کشورهای در حال توسعه نیز از زمانی که برای رسیدن به پیشرفت و توسعه سخت به تکاپو افتادند، با رهایی از بند

۱. Bougette.

۲. Bougete.

۳. Budget.

قدرت‌های استعماری و نظام‌های استبدادی حاکم، فنون مختلفی از جمله فن بودجه‌نویسی را برای رهایی از فقر و عقب‌ماندگی مورد توجه قرار دادند.

در ایران نیز تاریخ شروع بودجه‌نویسی به زمان بعد از انقلاب مشروطه بر می‌گردد یعنی زمانی که مرحوم «صنیع الدوله» وزیر مالیه وقت (۱۲۸۹ شمسی)، در یک تلاش نافرجام اولین سند بودجه پیشنهادی خود را تدوین اما قبل از این که آن را از تصویب مجلس بگذرانند، مورد سوء قصد قرار گرفته و کشته شد. اما این حرکت وی فتح بابی شد تا وزراء بعد از وی، حساب دخل و خرج دولت را مدون و از تصویب مجلس بگذرانند.

## ۲. انواع بودجه‌ریزی

همان‌گونه که اشاره شد، فن بودجه‌نویسی یا همان بودجه‌ریزی در طول حیات خود دچار تحولات عمیقی شد. ابتدا که تمرکز بر روی هزینه‌ها و چگونگی خرج کردن آن اهمیت بسیاری داشت، شیوه‌ای از بودجه‌ریزی را شکل داد که بعدها به نام روش متداول<sup>۱</sup> یا سنتی معروف شد. ویژگی عمده این نوع تفکر بودجه‌ای توجه صرف به منابع و ورودی به دستگاه بوده است. به همین سبب حسابداری از دریافت‌ها و پرداخت‌ها به شدت مراقبت می‌نمود تا اعتبارات تخصیصی در خارج از چارچوب تعیین شده، مصرف نشوند.

عمده‌ترین نوع بودجه سنتی، «بودجه‌ریزی افزایشی»<sup>۲</sup> می‌باشد. در این روش ابتدا بودجه سال قبل به‌عنوان مبنای بودجه برای سال جاری در نظر گرفته می‌شود و آن‌گاه افزایش سالیانه با توجه به افزایش قیمت‌ها، تغییر احتمالی در حجم عملیات سازمان و یا احیاناً واگذاری مأموریت جدید از طرف مقامات مسئول، اعمال می‌شود.<sup>۳</sup> شکل دیگر بودجه، بودجه برنامه‌ای است که به علت عدم پاسخگویی بودجه سنتی در اواسط قرن بیستم مطرح گردید.

همچنان که تفکر بودجه سنتی، زائیده نیازهای زمان خویش بود، تفکر مربوط به بودجه برنامه‌ای نیز بازتابی از نیازهای جدیدی بود که دیگر بودجه متداول یا سنتی نمی‌توانست پاسخگوی آن باشد. زیرا که وقوع بحران‌ها و بروز مشکلات اقتصادی - اجتماعی در اوایل قرن بیستم، نظام‌های سیاسی را بر آن داشت با کم رنگ نمودن ایده‌های کلاسیکی، نقش دولت‌ها را در امور اقتصادی و اجتماعی پررنگ‌تر نموده و در اداره اقتصاد ملی دخالت بیشتری نمایند. (یوسفی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

۱. Traditional Budgeting system .

۲. Increasing Budgeting.

۳. این روش هم اکنون در اکثر دستگاه‌های دولتی کشورمان از جمله سازمان حج و زیارت مورد استفاده قرار می‌گیرد.



همراه با این ضرورت، لزوم مدیریت بهتر و مؤثرتر به منظور دستیابی به اهداف رشد و توسعه همه جانبه باعث گردید تا نیاز به برنامه‌ریزی و تعیین اولویت‌ها در بودجه‌های سالیانه به شدت احساس شود. برای تأمین این نیاز در شیوه بودجه‌ریزی تغییراتی حاصل گردید که در مبادی امر در چگونگی طبقه‌بندی بودجه‌ای متمرکز گردید تا از این طریق کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی جامعه بتوانند تشخیص دهند که آیا شیوه بودجه‌ریزی موجود به سمت اهداف مورد نظر که توسط برنامه‌های بلند مدت و میان مدت، طراحی و تدوین شده، حرکت می‌کند یا خیر؟

در این نوع از تفکر بودجه‌ای از توجه بیش از حد به منابع، آنچنان‌که در شیوه تفکر بودجه متداول حاکم بود، صرف نظر شده و به‌جای آن به هدف‌های مورد نظر توجه و برای دستیابی به این منظور، بودجه را علاوه بر طبقه‌بندی هزینه‌ای، طبقه‌بندی برنامه‌ای نیز نمودند.

نکته مهم در این بحث آن است که تفکر بودجه برنامه‌ای هیچگاه نتوانست عملیاتی شود زیرا که صرفاً یک نوع تفکر بود که بعدها با اتخاذ روش‌هایی نظیر بودجه‌ریزی عملیاتی، پیاده‌سازی گردید. این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بودجه برنامه‌ای چیزی جز یک اسم بی‌مسمی نبوده و این سیستم بودجه‌بندی تنها عنوان «برنامه‌ای» را یدک می‌کشد و به هیچ وجه دارای چنان ساختاری نیست. (ویلداوسکی، ۱۳۷۱: ۲۸۳)

### ۳. بودجه‌ریزی عملیاتی<sup>۱</sup>

بودجه‌ریزی عملیاتی بلافاصله پس از طرح بودجه برنامه‌ای به‌عنوان یک ضرورت و روش اجرایی و کاربردی این نوع تفکر بودجه‌ای مطرح گردید.

این شیوه از بودجه‌ریزی، علاوه بر این که عملیات دولت را به تفکیک وظایف، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و طرح‌ها نشان می‌دهد، هزینه‌های عملیات سازمان را نیز با اتخاذ روش‌های دقیق، طبق ابزارهای موجود، اندازه‌گیری و هزینه آنها را برآورد می‌نماید.

در این روش از بودجه‌ریزی می‌توان از حجم عملیات به حجم اعتبارات دست یافت و این دو مانند دو کفه ترازو باید هم وزن و یک اندازه می‌باشند. در این صورت می‌توان پول مشخص بابت کار مشخص را در اختیار دستگاه اجرایی مشخص قرار داد و سپس از آن دستگاه، وظیفه مشخصی انتظار داشت. (یوسفی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

مهم‌ترین مسئله در بودجه‌ریزی عملیاتی این است که ما به دنبال شناسایی عوامل تشکیل دهنده هزینه می‌باشیم. ضمن این که اصلی‌ترین وظیفه برای دستگاه‌های اجرایی در این نوع بودجه‌ریزی، تعیین واحد

۱. این نوع از بودجه‌ریزی در سال ۱۹۵۰ در ایالات متحده آمریکا مطرح و سپس برای نخستین بار در همین کشور به مرحله اجرا گذاشته شد.

حجم کار می‌باشد و اگر واحد حجم کار به درستی تعیین نگردد، امکان استخراج هزینه تمام شده وجود ندارد. برای مثال واحد حجم کار یک مدرسه، کلاس درس، یک درمانگاه اورژانس؛ آمبولانس و برای سازمانی نظیر حج و زیارت، یک کاروان استاندارد می‌باشد.

نکته قابل تأمل این است که در حالی که در بودجه‌ریزی سنتی، ممکن است پولی خرج شود و هزینه‌ای صورت گیرد، اما به همان اندازه کالا و یا خدمتی تولید نشده باشد، در بودجه برنامه‌ای هزینه‌ها به جزیی‌ترین شکل و به صورت شاخه‌ای در آمده و به طور شفاف به کمک سیاستگذاران شتافته و آنان را نسبت به بودجه پیشنهادی مطمئن می‌سازد. بدیهی است هر چقدر قیمت تمام شده واحد حجم کار با توجه به کیفیت محصول کمتر باشد، مدیریت اجراء مؤثرتر خواهد بود. بودجه‌ریزی عملیاتی عواملی نظیر «صرفه جویی» و «اثربخشی» را به ابعاد سنتی بودجه‌ریزی اضافه می‌کند. تعاریف: از بودجه‌ریزی عملیاتی تعاریف مختلفی توسط افراد و مراکز تخصصی صورت گرفته که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

- بودجه‌ریزی عملیاتی یا بودجه بر حسب عملیات، عبارتست از بودجه‌ای که براساس وظایف و پروژه‌هایی که خریداری می‌شود. به عبارت دیگر در این تعریف به جای توجه به وسایل اجرایی فعالیت‌ها و مخارج، کارهایی که باید انجام شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. (مک گیل، ۱۳۸۴)

- بودجه‌ریزی عملیاتی، روش یا مکانیزی است که به دنبال تقویت ارتباط بین صنایع تدارک دیده شده برای بخش دولتی از یک سو و محصولات این بخش از سوی دیگر، با استفاده از اطلاعات عملیات رسمی است. (یاسینی به نقل از: Robinson & Brumbly, ۲۰۰۵)

- بودجه‌ریزی عملیاتی روشی است که تخصیص منابع را به نتایج قابل سنجش مرتبط می‌سازد. (یاسینی به نقل از: OECD, ۲۰۰۳ b.P.۷)

- کمیسیون «هور»<sup>۱</sup> نیز بودجه‌ریزی عملیاتی را این گونه تعریف نموده است؛ بودجه‌ریزی عملیاتی عبارتست از: روش‌ها و سازوکارهایی که ارتباط بین اعتبارات تخصیص یافته به دستگاه اجرایی را با خروجی‌ها و پیامدهای آنها از طریق بکارگیری اطلاعات عملکردی در تخصیص منابع تقویت می‌سازد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۵)

- تعریف صندوق بین‌المللی پول (IMF) از بودجه‌ریزی عملیاتی، عبارتست از: روش‌ها و سازوکارهایی که ارتباط بین اعتبارات تخصیص یافته به دستگاه‌های اجرایی را با خروجی‌ها و پیامدهای آنها از طریق بکارگیری اطلاعات عملکردی در تخصیص منابع، تقویت می‌سازد. (ابراهیمی

۱. منظور کمیسیونی است که در آمریکا و به منظور بررسی مشکلات بودجه‌ریزی در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت و در نهایت به ارائه بودجه برنامه‌ای و سپس در سال ۱۹۵۰ بودجه عملیاتی، منجر شد.



و دیگران، ۱۳۸۵)

- آن‌چه، تعاریف به عمل آمده مشخص می‌سازد، بودجه‌ریزی عملیاتی می‌تواند برنامه سالانه را به همراه بودجه سالانه، رابطه میان میزان وجوه تخصیص یافته به هر برنامه و نتایج بدست آمده از آن را نشان دهد. (پناهی و قاسمی، ۱۳۸۶)

#### ۴. اهداف ناشی از اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی

بدیهی است که برای هرگونه پدیده جدیدی که مطرح می‌گردد ابتدا برای آن اهدافی نیز مطرح می‌شود از جمله در خصوص بودجه‌ریزی عملیاتی که اهداف زیر مورد وفاق اکثر کارشناسان این رشته می‌باشد.

مهمترین هدف در این نوع از بودجه‌ریزی، کمک به اتخاذ تصمیمات عقلایی درباره تخصیص و تعهد منابع سازمان براساس پیامدهای قابل شمارش است که نتایج پیش بینی شده دستگاه را در طول زمان منعکس می‌کند. با توجه به این موضوع، بودجه‌ریزی عملیاتی دو هدف عمده یعنی تدوین بودجه اثربخش و بهبود عملکرد سازمان را دنبال می‌کند. اثربخشی بودجه به معنای بکارگیری منابع در کارآمدترین وجه آن می‌باشد. طبیعی است که نسبت داده‌ها به ستانده‌های سازمان یا همان نسبت اعتبارات به هزینه‌ها، موضوع اثربخشی می‌باشد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین اهداف بودجه‌ریزی عملیاتی، چگونگی استفاده از منابع موجود است، به گونه‌ای که با کمترین هزینه بیشترین کارایی حاصل شود. در این صورت می‌توان بهبود عملکرد سازمان را به نحو شایسته‌ای انتظار داشت. علاوه بر هدف فوق، اهداف دیگری نیز می‌توان برای آن برشمرد که برخی از آنها عبارتند از: تمرکز فرآیند تصمیم‌گیری روی مهم‌ترین مسائل و چالش‌هایی که سازمان با آن روبروست، ایجاد ارتباط بین بودجه و نتایج عملکرد برنامه، امکان نظارت مؤثر در اجرای عملیات، تقویت حس مسئولیت‌پذیری مدیران و...

#### ۵. مزایای ناشی از اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی

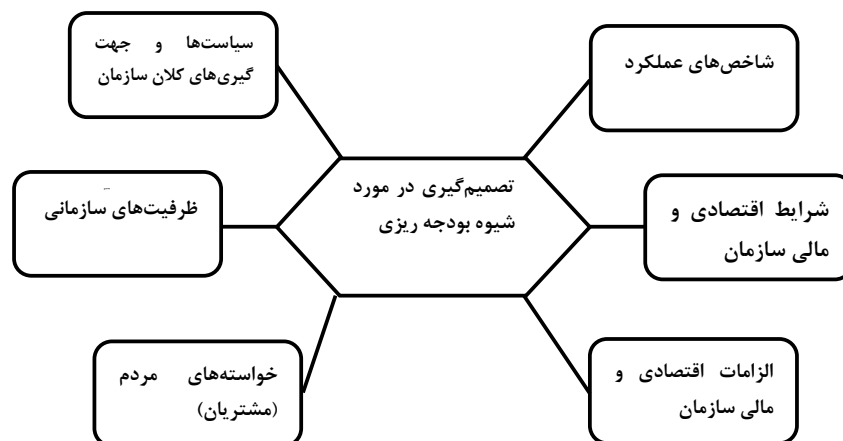
مهم‌ترین مزیت بودجه‌ریزی عملیاتی اعمال صرفه‌جویی در عملیات سازمان می‌باشد زیرا که با افزایش کارایی به فرآیند مدیریت کمک می‌نماید تا منابع موجود را در بهترین شرایط، مورد استفاده قرار دهد. در واقع با اصلاح و بهبود تصمیم‌گیری در مورد مؤثرترین راه برای استفاده از منابع محدود سازمان به بهبود عملکرد از طریق پیوند زدن میزان اعتبارات موجود با نتایج حاصل می‌پردازد.

سایر مزایایی که برای بودجه‌ریزی عملیاتی وجود دارد عبارتند از:

افزایش پاسخ‌گویی مدیران، شفاف‌سازی فعالیت‌های سازمان، عدم امکان سوء استفاده‌های مالی،

تمرکز بر روی خروجی و نتایج، به جای توجه صرف بر ورودی‌ها و منابع، پرهیز از موازی کاری، مدیریت هزینه و اصلاح الگوی مصرف، اولویت‌بندی برنامه‌ها و در نتیجه به انجام رساندن مأموریت‌های مهم‌تر و در کاهش تأخیر در دستیابی به اهداف سازمان، بهبود در روش‌های تخصیص بهینه منابع، آسان‌تر شدن کنترل‌های مدیریتی در داخل سازمان، مشخص شدن روابط بین هزینه‌های صورت گرفته با نتایج حاصله، گزارش نتایج براساس شاخص‌های عملکرد و نهایتاً امکان رعایت عدالت در تخصیص اعتبارات.

#### نمودار عوامل موثر بر انتخاب شیوه بودجه‌ریزی عملیاتی



(برگرفته از: طاهری به نقل از Morgan)

اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی در یک سازمان مستلزم اقدامات پیچیده در ابعاد فنی است. علاوه بر این که سیستم حسابداری و نظام مدیریت باید هماهنگ با فرآیند بودجه‌ریزی عملیاتی دچار تحول شوند. در این رابطه باید به موارد زیر توجه شود. (مهدوی، ۱۳۸۶)

اگر قرار باشد که بودجه‌ریزی عملیاتی در عمل به موفقیت دست یابد، نباید آن را صرفاً به صورت یک پیوست به بودجه «اقدام مخارج» اضافه نمود. این کار مستلزم تغییراتی بنیادی در سیستم‌های اطلاعات مدیریت، سیستم‌های حسابداری و به طور کلی در شیوه مدیریت دستگاه‌های دولتی است.

اطلاعات و شاخص‌های معتبر عملکرد برای حمایت از بودجه‌ریزی عملیاتی دارای اهمیت زیادی است. برای این که داده‌های عملیاتی در تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع بهتر مورد استفاده قرار



گیرند، تصمیم گیرندگان باید به مناسب بودن و دقت اطلاعات مرتبط با نتایج و شاخص‌هایی که ارائه کرده‌اند، اطمینان داشته باشند. (Mercer, ۲۰۰۲)

## ۶. عناصر کلیدی و مراحل اجرا

فرآیند بودجه‌ریزی عملیاتی از بیان رسالت شروع و در ادامه آرمان راهبردی، هدف راهبردی، آرمان راهبردی عملیاتی، آرمان عملیاتی سالیانه، هدف عملیاتی سالیانه، شاخص عملکرد، شاخص برنامه، فعالیت، وظیفه و نهایتاً بودجه، ختم می‌گردد (پناهی و قاسمی، ۱۳۸۷)

ضمن اینکه در بودجه‌ریزی عملیاتی عناصری وجود دارند که بدون توجه به آنها امکان عملیاتی کردن بودجه‌ریزی، وجود ندارد. این عناصر به ترتیب عبارتند از: اهداف قابل سنجش، راهبردها، برنامه‌های عملیاتی، معیارهای سنجش عملکرد، اولویت‌بندی و تخصیص منابع، جمع‌آوری و پایش نتایج و ارزشیابی، بازنگری، ارزیابی و گزارش نتایج (طاهری و ارسلان، ۱۳۸۵)

همچنین مراحل اجرایی بودجه‌ریزی عملیاتی به شرح زیر می‌باشد. (یوسف نژاد، ۱۳۸۶)

۱. مرحله کسب توافق و حمایت اشخاص تأثیرگذار و تعیین کننده برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از مقاومت برخی افراد دخیل؛
۲. تهیه و تنظیم برنامه و زمان‌بندی اجرای بودجه عملکرد؛
۳. فراهم سازی شرایط جهت برگزاری کلاس‌های آموزشی و یا کارگاه‌های آموزشی برای تفهیم مفاهیم پایه‌ای؛
۴. بازنگری و توسعه برنامه‌های راهبردی دستگاه‌های اجرایی جهت پیوند دادن آن با برنامه‌های کوتاه مدت؛
۵. طراحی و توسعه بودجه و تخصیص منابع؛
۶. توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و حسابداری پشتیبان؛
۷. پاداش عملکرد و گزارش نمودن پیامدها و نتایج حاصل از آن؛
۸. اقدام بر روی نتایج و پیامدهای حاصل از عملکرد، زیرا که سنجش عملکرد به تنهایی کافی نیست و باید اقدامی مناسب صورت داد.

## ۷. مؤلفه‌های تأثیرگذاری در بودجه‌ریزی عملیاتی

برای آنکه بتوان بودجه‌ریزی عملیاتی را در سازمان به مرحله اجراء در آورد بایستی با اتخاذ فرآیندی صحیح به عملیاتی نمودن مؤلفه‌های مؤثر و مورد نیاز در این مسیر اقدام نمود. این مؤلفه‌ها عبارتند از:



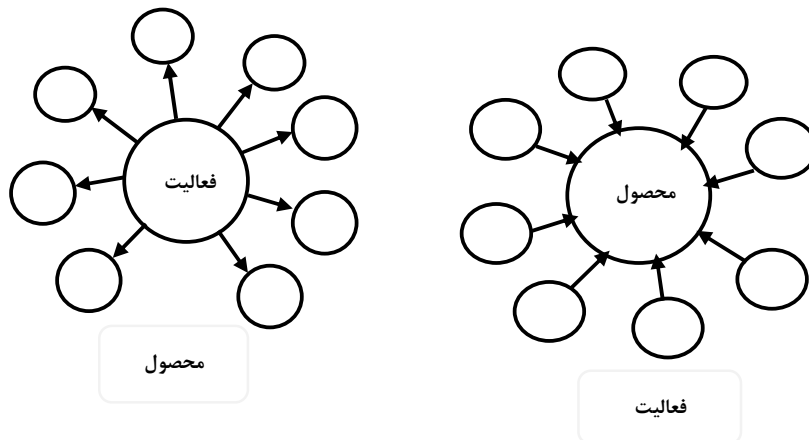
## الف) برنامه

از آنجایی که بودجه‌ریزی مبتنی بر برنامه‌ریزی است و یا بعبارتی بودجه، خرد شده برنامه‌های میان مدت، یا پنج ساله می‌باشد، به همین سبب برای اولویت‌بندی هر فعالیتی، ابتدا باید هدف‌گذاری صورت بگیرد و آن‌گاه با در نظر گرفتن فعالیت‌های مهم‌تر و ضروری‌تر برای رسیدن به هدف یا اهداف در نظر گرفته شده، آن را انتخاب نمود.

## ب) فعالیت

قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، فعالیت را این چنین تعریف می‌نماید: «منظور از فعالیت یک سلسله عملیات و خدمات مشخصی است که برای تحقق بخشیدن به هدف‌های سالیانه برنامه طی یک سال، اجراء می‌شوند و منابع مورد نیاز آن از محل اعتبارات مربوط به هزینه، تأمین می‌گردد.»

با این تعریف این گونه استنباط می‌شود که هرگونه تلاش یک سازمان برای محقق شدن محصول (اعم از تولیدی و خدماتی) در راستای تحقق برنامه، فعالیت محسوب می‌گردد. لازم به ذکر است که در یک سازمان ممکن است چندین فعالیت صورت بگیرد تا یک محصول به دست آید و یا این که در سازمانی دیگر یک فعالیت منجر به تولید چندین محصول گردد.



نقل از: فرزیب، ۱۳۸۶: ۲۵۹

با توجه به تقسیم‌بندی فوق به نظر می‌رسد که فعالیت سازمان حج و زیارت از نوع اول می‌باشد. به این صورت که فعالیت‌های مختلفی نظیر: ثبت نام، تشکیل کاروان، حمل و نقل، اسکان، تغذیه و... به منظور محقق شدن یک محصول بوده و آن به انجام رساندن اعمال توسط زائر (اعم از اماکن مقدسه و متبرکه) می‌باشد.

### ج) هزینه و نظام هزینه‌یابی

تولید محصول مستلزم انجام فعالیت‌های مختلفی است. انجام فعالیت نیز مستلزم پرداخت مابازاء به عوامل تولید نظیر کار و سرمایه و سایر اجزاء تشکیل دهنده آن می‌باشد. هرگونه پرداختی به عوامل تولید، هزینه محسوب می‌گردد. این هزینه می‌تواند در قالب‌های مختلفی طبقه‌بندی شود. از جمله هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیرمستقیم، هزینه‌های مستقیم آن دسته از هزینه‌هایی هستند که به طور مستقیم به حجم تولید مرتبط می‌باشند. اما هزینه‌های غیرمستقیم هزینه‌هایی هستند که به طور مستقیم با حجم محصول مرتبط نبوده بلکه در فرآیند تولید قرار گرفته و فعالیت‌های مختلفی را شامل می‌شود، مانند هزینه رفاه کارکنان.

هزینه‌ها در قالب دیگری نیز می‌توانند مورد طبقه‌بندی قرار گیرند، از جمله تقسیم‌بندی هزینه‌های محصول یک سازمان به هزینه‌های ثابت و هزینه‌های متغیر.

هزینه‌های ثابت آن دسته از هزینه‌هایی می‌باشند که ارتباط مستقیمی با میزان محصول نهایی نداشته و افزایش یا کاهش محصول هیچ تأثیری بر روی آنها ندارد. مانند هزینه‌های مربوط به اجاره ساختمان، خرید ماشین آلات و تجهیز خط تولید و برای سازمان‌های خدماتی نظیر حج و زیارت، هزینه‌های اداری.

اما هزینه‌های متغیر هزینه‌هایی هستند که به طور مستقیم به میزان محصول تولید شده ارتباط دارند و هر چقدر تولید کاهش یابد، این دسته از هزینه‌ها نیز کاهش یا افزایش می‌یابند. نظیر هزینه مربوط به خرید مواد اولیه، و در سازمان‌های خدماتی نظیر حج و زیارت هزینه‌های مربوط به حمل و نقل و یا اسکان و یا تغذیه زائرین.

هزینه کل و هزینه واحد (unit cost) نیز از دیگر مفاهیم هزینه‌ای می‌باشند که در بودجه‌ریزی عملیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. هزینه کل (Total cost) از مجموع هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از تولید کالا و خدمت، بدست می‌آید. ضمن این که هزینه هر واحد محصول نیز با تقسیم هزینه‌های کل بر تعداد محصول تولیدی، مشخص می‌شود.

دستگاه‌های اجرایی در چهارچوب قرارداد یا موافقت نامه با دولت، خدماتی را ارائه یا کالایی را تولید می‌کنند. در هزینه‌یابی محصولات، موضوع موافقت نامه دستگاه اجرایی باید هزینه هر یک از محصولات تولیدی مورد توافق را تعیین نماید. ضمن این که برای تمامی محصولات مزبور اطلاعات زیر باید ارائه گردد:

◀ عنوان هر یک از فعالیت‌هایی که منجر به تولید کالا یا خدمات می‌گردد؛

◀ شرح عملیات هر یک از فعالیت‌ها؛

- ◀ اهداف کمی فعالیت‌ها و شاخص قابل اندازه‌گیری کمیت و کیفیت کالا یا خدمات؛
- ◀ هزینه تمام شده هر قلم از کالا یا خدمت.

#### د) شاخص‌سازی

شاخص‌سازی در بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد برای مشخص کردن صحت عملکرد سازمان در ارتباط با اهداف از پیش تعیین شده، بسیار حائز اهمیت است. در واقع به هنگام ارزیابی فعالیت‌های صورت گرفته، استفاده از شاخص‌ها، لازم و ضروری هستند. مثلاً در رابطه با میزان هزینه‌های صورت گرفته جهت دستیابی به اهداف، ساختن شاخص کمک می‌نماید تا تصمیم گیرندگان مشخص نمایند که آیا هزینه‌های به عمل آمده توانسته نتایج مورد نظر را محقق سازد؟ در هر صورت آیا امکان کاهش هزینه‌ها وجود دارد یا خیر؟ و یا این که آیا حرکت سازمان در مسیر دستیابی به اهداف مورد نظر می‌باشد؟

شاخص‌ها در انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌گردند. که عبارتند از: (اوربا و دیگران، ۱۳۸۷)

۱. شاخص‌های نتایج: این نوع از شاخص‌ها میزان تحقق اهداف برنامه یا این که تأثیر اقدام‌های سازمان بر روی گروه‌های هدف را نشان می‌دهند. در واقع این شاخص نمایانگر ثمرات واقعی برنامه‌ها هستند.
۲. شاخص‌های ورودی: این شاخص‌ها میزان منابعی را نشان می‌دهند که برای برنامه مورد نظر، خروجی‌ها یا نتایج را ایجاد می‌کند. برخی از آنها عبارتند از: تعداد کارمندان تمام وقت، تعداد ساعات کار انجام شده، کل هزینه‌های عملیاتی، هزینه تجهیزات مورد استفاده.
۳. شاخص‌های خروجی: این نوع از شاخص‌ها نمایانگر تعداد محصولات، خدمات تأمین شده یا مقدار کار انجام شده هستند. برخی از این نوع شاخص عبارتند از: تعداد مجوزهای صادر شده، تعداد افرادی که آموزش دیده‌اند، تعداد پرونده‌هایی که بررسی شده‌اند، تعداد مجرمانی که توسط پلیس دستگیر شده‌اند.
۴. شاخص‌های اثربخشی: این نوع از شاخص‌ها میزان کاری را نشان می‌دهند که با استفاده از میزان منابع به کار رفته، به انجام رسیده است. این شاخص‌ها اغلب به صورت درصد اطلاعات ارائه شده درباره هزینه واحد بیان می‌شوند. این نوع از شاخص‌ها به صورت «هزینه هر بار استفاده» و یا «هزینه هر کیلومتر آسفالت خیابان» و «هزینه آموزش هر دانش آموز» بیان می‌شوند. این نوع از شاخص‌ها که میزان بهره‌وری را اندازه‌گیری می‌کنند، ممکن است به صورت «تعداد واحدهای تولید شده به ازای هر ساعت کار» یا «تعداد مشتریانی که هر کارمند به آنها خدمت ارائه می‌دهد، نشان داده شوند. در این راستا میتوان از «شاخص‌های اثربخشی فرآیند» نیز نام برد که به اثربخشی فرآیندهای سازمان از قبیل



«میانگین تعداد روزهای بررسی یک تقاضانامه» یا «میانگین زمان انتظار مشتریان» یا «تعداد زنگ‌های تلفن تا دریافت پاسخ»، توجه می‌کنند.

۵. شاخص‌های اثر بخشی هزینه‌ها: این نوع از شاخص‌ها، عناصر اثربخشی و نتیجه را با یک شاخص واحد می‌سنجند. در بسیاری از موارد، تدوین چنین شاخص‌هایی دشوار است. ولی در مواردی که این کار به درستی امکان‌پذیر باشد، اطلاعات ارزش‌مندی در اختیار مدیران برنامه و تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. نمونه‌هایی از این نوع شاخص‌ها عبارتند از: هزینه هر دانش‌آموزی که فارغ‌التحصیل می‌شود، هزینه هر درصد کاهش در تصادفات مرگبار بزرگراه‌ها، هزینه آزادی هر زندانی که به تکرار جرم نمی‌پردازد.

۶. شاخص‌های توضیحی: این نوع از شاخص‌ها باعث می‌شوند تا با تأمین اطلاعات مختلف، کاربران به درک درست‌تری از عملکرد سازمان برسند. مانند این که «تعداد مشتریانی که تحت پوشش یک برنامه قرار می‌گیرند».

معیارهایی که برای انتخاب شاخص‌ها بکار گرفته می‌شوند نیز عبارتند از:

◀ شاخص‌ها باید بین اهداف عملیاتی و آرمان‌ها ارتباط برقرار کنند؛

◀ شاخص‌ها باید جامعیت داشته باشند؛

◀ شاخص‌ها باید گروه‌های عمده هزینه‌ای یک سازمان را در برگیرند؛

◀ شاخص‌ها باید دستاوردهای اصلی را نمایان کنند؛

◀ شاخص‌ها باید برای تصمیم‌گیران و مدیران معتبر و برای قانون‌گذاران قابل پیگیری و برای

شهروندان روشن و قابل درک باشد. (پناهی، ۱۳۸۴)

#### ه) سیستم حسابداری

حسابداری با بودجه ارتباط تنگاتنگی دارد، زیرا که بودجه در واقع مجموعه‌ای از اعداد و ارقامی است که در سندی قانونی تدوین شده و لازمست تا علاوه بر حین اجراء در پایان اجرای خود نیز مورد ارزیابی و رسیدگی قرار گیرد. به همین سبب حسابداری مورد عمل در دستگاه‌های دولتی با استناد به دستورالعمل‌های ابلاغی از سوی مقامات برنامه‌ریزی حسابداری، بوجود می‌آید.

به طور کلی و براساس زمان ثبت جریان‌های مالی چهار روش حسابداری قابل پیاده سازی است:

حسابداری نقدی، حسابداری تعهدی، حسابداری موعده پرداخت و حسابداری تأمین اعتبار.

در روش نقدی، جریان‌ها موقعی ثبت می‌شوند که پول نقد دریافت یا پرداخت شود. گرچه جریان‌های نقدی ثبت می‌شوند اما اغلب جریان‌های غیر پولی را به خاطر تمرکز بر مدیریت نقدی به جای تمرکز بر جریان‌های منابع، ثبت نمی‌کنند. اما در روش تعهدی، جریان‌ها زمانی ثبت می‌شوند که

ارزش اقتصادی برای آنها ایجاد، تبدیل و مبادله شده و استهلاک یافته یا مستهلک شوند، صرف نظر از این که پول نقد دریافت یا پرداخت شود یا این که قرار باشد تا در آینده، دریافت یا پرداخت شود. وقایع اقتصادی زمانی است که مالکیت کالا تغییر یافته، خدمات ارائه شده، تعهد مربوط به مالیات ایجاد گشته یا مطالبه مربوط به حق بیمه برای رفاه اجتماعی یا سایر مطالبات غیر مشروط ایجاد شده باشد. (باسینی، ۱۳۸۵)

از جمله مزایای نسبی روش تعهدی نسبت به روش نقدی عبارتست از: توان افشای تعهد، توزیع عادلانه منافع بین نسلی، اطلاعات برای مدیریت نقدینگی و اطلاعات معتبر برای تصمیم‌گیری. (همان) ضمن این که باید توجه داشت که بودجه‌ریزی عملیاتی نیازمند استقرار حسابداری تعهدی است. زیرا که برخی از هزینه‌ها به‌ویژه هزینه‌های سرمایه‌ای در طول یکسال محقق نشده و برخی از هزینه‌ها نیز به‌صورت هزینه فرصت سرمایه و یا به‌صورت سرمایه‌های حبس شده (خواب سرمایه) در آمده‌اند. حسابداری نقدی امکان ثبت این هزینه‌ها را نداشته و در محاسبه قیمت تمام شده یک کالا و یا خدمت، امکان تأثیر آنها وجود ندارد. در واقع برخی از هزینه‌ها به‌صورت پنهان در می‌آیند و حسابداری نقدی امکان ثبت و درج آنها را ندارد. به همین سبب حسابداری تعهدی با ثبت آنها می‌تواند در محاسبه قیمت تمام شده (که از ارکان بودجه‌ریزی عملیاتی است) نقش مالی خود را به خوبی ایفاء نماید.

#### ۸. محاسبه قیمت تمام شده<sup>۱</sup> کالا یا خدمت تولیدی

یکی از اجزای مهم بودجه‌ریزی عملیاتی، استفاده از "حسابداری قیمت تمام شده" برای کالا یا خدمت تولیدی می‌باشد؛ زیرا که با محاسبه قیمت تمام شده کالا و یا خدمت مورد نظر می‌توان هزینه یک واحد از کالا یا خدمت مورد نظر را بدست آورد و سپس با ارزیابی درست در خصوص میزان اعتبار تخصیصی، برای تولید آن اقدام نمود.

البته این نوع حسابداری ابتدا در شرکت‌های تولیدی و بازرگانی به کار گرفته شد تا قیمت تمام شده کالای تولیدی برای عرضه به بازار مشخص شود، سپس با طرح بودجه‌ریزی عملیاتی در مؤسسات دولتی که برای اعمال حاکمیت به ارائه خدمات مشغول بودند، مطرح گردید. در حالی که امکان تعیین قیمت تمام شده در تولید کالا به سهولت امکان پذیر است، اما تعیین قیمت تمام شده خدمت در همه واحدهای دولتی به راحتی امکان‌پذیر نیست.

مراحل محاسبه قیمت تمام شده در یک سازمان اعم از خدماتی و یا تولیدی به شرح زیر می‌باشد:

۱. Cost Accounting.



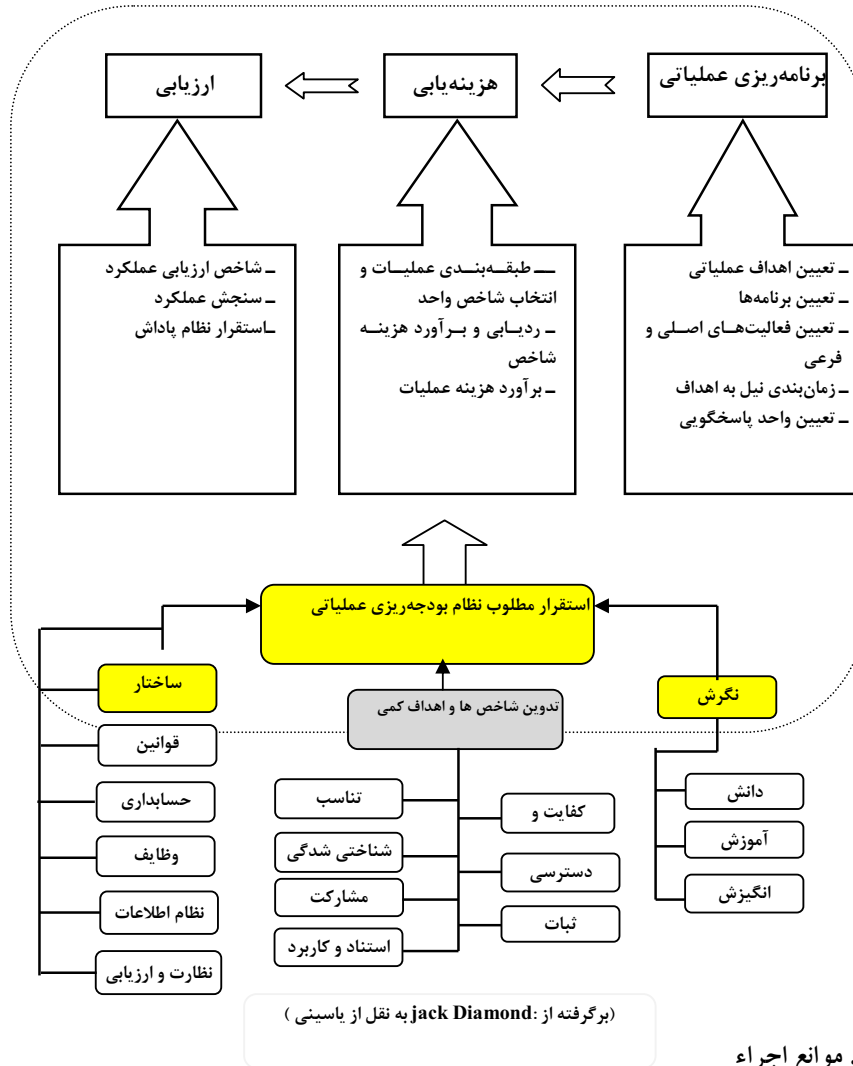
ابتدا برای تعیین واحد مناسب جهت اندازه‌گیری حجم کار، بایستی عملیات سازمان از برنامه تا فعالیت‌های نهایی طبقه‌بندی شوند. مثلاً اگر در سازمان حج و زیارت یک کاروان به‌عنوان «واحد حجم کار» تعیین شود، در این صورت این عملیات تحت برنامه مثلاً زیارت عتبات عالیات می‌تواند شامل عملیات مختلف جابجایی، تغذیه، اسکان، بهداشت و غیره، تفکیک شود.

برای انتخاب واحد حجم کار بایستی به ویژگی‌های عملیات مورد نظر توجه شود یعنی این که قابلیت سنجش را دارا بوده و اقدامات واقعی دستگاه خدمات‌رسان یا تولیدکننده کالا را بیان کند. ضمن این که به مرور از بین نرود و معرف مقدار محصول یا خدمات تولیدی باشد. دقت در این مرحله بسیار مهم است زیرا که با انتخاب درست واحد حجم کار می‌توان کلیه هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم و ثابت و متغیر را در آن مشخص کرد و در این صورت در مرحله بعد دقت محاسبه هزینه هر واحد حجم کار بسیار بالا خواهد رفت.

همان‌گونه که اشاره شد در مرحله بعد تعیین هزینه تمام شده یک واحد، از طریق محاسبه کلیه هزینه‌های صورت گرفته برای یک واحد حجم کار می‌توان قیمت تمام شده کالا یا خدمت ارائه شده را بدست آورد. در مثال قبل واحد حجم کار، یک کاروان زیارتی، تعیین گردید. بدیهی است که هرگونه هزینه‌ای که در خصوص شکل‌گیری، انتقال، استقرار و سپس بازگشت آن صرف شود، می‌تواند مورد محاسبه قرار گرفته و سپس با مشخص کردن تعداد کاروان‌های اعزامی، مقدار هزینه کل را از طریق ضرب نمودن یک واحد در مجموع کاروان‌ها، بدست آورد.<sup>۱</sup>

۱. نکته قابل توجه در خصوص کاروان‌های زیارتی این است که می‌توان با مشخص کردن کلیه هزینه‌های صورت گرفته برای یک نفر زائر، هزینه سرانه آن را هم مورد محاسبه قرار داد. در واقع هزینه واحد (Unitcost) سازمان حج و زیارت، یک زائر می‌شود.

مدل تحقیق



۱۰. موانع اجراء

همانند هر پدیده دیگری که برای نخستین بار مورد توجه قرار می‌گیرد، بودجه‌ریزی عملیاتی نیز در ابتدای ورود به سازمان‌های اجرایی با موانع و مشکلاتی مواجه می‌باشد. اولین و مهم‌ترین مانع، ترس ناشی از جهل مدیران و کارشناسان مجری طرح در داخل سازمان می‌باشد، ضمن این‌که هرگونه تغییر در روند موجود نیز ممکن است موجب بروز مقاومت‌هایی در



داخل سازمان شود. موانع دیگر ناشی از ضعف سیستم‌های حسابداری و اطلاعاتی می‌باشد که موجب می‌شود تا محاسبه هزینه‌های واقعی با مشکل مواجه شود. همچنین برای پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی نیازمند تعریف شاخص‌های مربوط به اندازه‌گیری عملکرد می‌باشد. استخراج شاخص از جمله مشکلاتی است که ممکن است عدم تحقق آن، اجرایی کردن بودجه‌ریزی عملیاتی را با مانع بزرگی مواجه سازد.

### ۱۱. وضعیت موجود بودجه‌ریزی در سازمان حج و زیارت

سازمان حج و زیارت از بدو تأسیس خود در سال ۱۳۵۸ و در اجرای سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص حج و زیارت اماکن متبرکه به برنامه‌ریزی و به دنبال آن بودجه‌ریزی در جهت اعزام متقاضیان به اماکن مقدسه پرداخت. این سازمان به لحاظ ساختاری یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که وظیفه آن اجرای کلیه رهنمودها، منویات و ارشادات رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه حج و زیارت می‌باشد. ضمن این‌که مجری سیاست‌های دولت در حوزه حج و زیارت اماکن مقدسه نیز به شمار می‌رود. به همین سبب این سازمان با هماهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه، به تهیه و تدوین برنامه‌های راهبردی در زمینه برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی‌ها و روش‌های اجرایی می‌پردازد. همچنین در جایگاه دستگاه حاکمیتی به ایفای نقش محوری در خصوص هماهنگی بین دستگاه‌های مختلفی که به مسئله عزیمت زائرین و حجاج سروکار دارند و انجام مذاکرات و مفاهمه با مقامات و سازمان‌های ذیربط اعم از داخلی و خارجی در جهت ایجاد و جلب خدمات رفاهی و تسهیلات لازم برای زائرین و حجاج پرداخته و با انتخاب کارگزارانی متعهد و متدین، جهت مدیریت و اعزام زائران، اقدام می‌نماید.

از آنجا که تأمین هزینه متقاضیان به سفرهای زیارتی جزء وظایف حاکمیتی دولت جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد، به همین سبب بدون هیچ گونه وابستگی به بودجه عمومی و صرفاً از محل دریافت از متقاضیان سفر، تمامی وجوه مورد نیاز تأمین مالی می‌شود. بدیهی است که هرگونه هزینه‌ای اعم از هزینه‌های اداری و پرسنلی<sup>۱</sup> سازمان حج و زیارت و همچنین هزینه‌های عملیاتی این سازمان در جهت ثبت نام، سازماندهی، نقل و انتقال، اسکان، تغذیه و سایر هزینه‌های مترتب بر آن از محل دریافتی از متقاضیان، تأمین می‌گردد.

روش برآورد بودجه سازمان به این صورت است که ابتدا کلیه هزینه‌های مترتب بر هر سفر اعم از

۱. تنها در بخش حقوق و دستمزد کارکنان پیمانی، اعتبارات مورد نیاز از محل بودجه عمومی دولت، تأمین مالی می‌گردد.



هزینه‌های اجرایی، رفاهی و فرهنگی مشخص شده و سپس با سرشکن کردن آن بر روی هر زائر، مجموع دریافتی‌ها بدست می‌آید.

به طور کلی هزینه‌های سازمان به دو بخش اجرایی و فرهنگی قابل تقسیم است، هزینه‌های اجرایی در چهارچوب ضوابط بودجه توسط سازمان به مصرف می‌رسد و هزینه‌های فرهنگی مربوط به حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت (که حدود یک سوم مجموع اعتبارات را تشکیل می‌دهد) اجماً از سرجمع بودجه پیش بینی شده در هر سال تأمین می‌گردد.

همان طور که بودجه بخش اجرایی، صرف امور خدماتی و رفاهی و پشتیبانی نرم و سخت از مرحله پذیرش و سازماندهی و آموزش متقاضیان تا زمان اعزام و حین سفر آنان می‌گردد، در بخش فرهنگی و آموزشی متعلق به فعالیت‌های بعثه مقام معظم رهبری نیز هزینه‌ها ناظر بر آموزش مناسک و ارتقاء سطح فرهنگی و رفتاری زائران می‌باشد که توسط بعثه هزینه شده و در چهارچوب ضوابط بودجه‌ریزی و بخشنامه‌های بودجه که توسط دولت همه ساله به دستگاه‌ها و سازمان‌ها ابلاغ می‌گردد، انجام می‌شود. از آنجائی که قانون‌گذار مرجع تصویب این بودجه را شورای عالی حج دانسته است، لذا بودجه پیشنهادی پس از تأیید ریاست سازمان و همین‌طور نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت، به تصویب شورای مذکور و یا نماینده این شورا یعنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسیده و سپس در جهت اجرا، به سازمان ابلاغ می‌گردد.

ضمن این که بازرسی یا بازرسی قانونی که با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب می‌شوند بر نحوه عملکرد بودجه در طول سال نظارت داشته و گزارش‌های خود را نیز به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و در صورت ضرورت به شورای عالی حج، ارائه می‌نمایند.

## ۱۲. وضع مطلوب و ارائه چند پیشنهاد

روند بودجه‌ریزی فعلی مبتنی بر مدل خطی و سنتی بودجه‌ای می‌باشد که صرفاً با افزایش سالیانه نرخ تورم، بر میزان اعداد و ارقام بودجه‌ای افزوده می‌گردد. در این مدل امکان برنامه‌ریزی بلند مدت و حتی میان مدت وجود نداشته و مدیریت سازمان هیچ‌گونه اطلاعاتی را در خصوص نتایج هزینه کرد اعتبارات و میزان اثربخشی و همچنین کارآیی برنامه‌های اجراء شده، بدست نمی‌آورد.

از آنجایی که سازمان حج و زیارت از سازمان‌های منحصر به فردی است که می‌توان حجم عملیات آن را به خوبی اندازه‌گیری نمود و به همین سبب به خوبی می‌توان حجم اعتبارات تخصیص داده شده به عملیات جابجایی، نگهداری، تغذیه، بهداشت و سایر هزینه‌های احتمالی را مورد محاسبه قرار داد و آن‌گاه با توجه به مشخص بودن تعداد زائرین هر سفر، "هزینه سرانه" یک نفر زائر را محاسبه نمود. با مشخص شدن این موضوع آن‌گاه می‌توان نسبت به هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم نیز تصمیم‌گیری



کرد و هرگونه هزینه سربار را از فرآیند تولید محصول (سفر) حذف نمود. (۱)

سازمان برای استقرار صحیح بودجه‌ریزی عملیاتی ابتدا بایستی با تبیین صحیح موضوع در بین مدیران و کارشناسان، به تغییر محیط پشتیبان اقدام، تا مقاومت‌های محسوس یا نامحسوس به کمترین سطح خود برسد. در ادامه با فراهم سازی آموزش‌های لازم برای پرسنل ذی‌مدخل و همچنین مدیران و کارشناسان مؤثر به طریق مقتضی همانند دوره‌های کوتاه مدت، نشست‌های توجیهی با هدف افزایش آگاهی و کاهش ترس و سوء تفاهم‌های احتمالی، برنامه‌ریزی نماید.

۱) در این تحقیق تصمیم محقق مبتنی بر محاسبه هزینه سرانه یک زائر در هر سفر بوده است، اما به واسطه عدم ارسال داده‌ها توسط مسئولین سازمان حج، عملی نشد.

در مرحله بعد با بازنگری و توسعه برنامه‌های راهبردی سازمان به اولویت‌بندی مجدد اقدام کند تا پیوند بین اهداف برنامه‌های راهبردی و اهداف بودجه‌های سنواتی برقرار شود.

برای اجرای نظام مورد نظر بودجه‌ریزی اقدام‌های اساسی زیر بایستی صورت پذیرد:

۱. برنامه‌های عملیاتی دستگاه‌های اجرایی جهت تحقق اهداف بخش ذیربط بازمینی، اصلاح و نهایی شود؛

۲. در چهارچوب وظایف مصوب دستگاه‌های اجرایی، فعالیت‌های کمیت پذیر ذیل هر یک از برنامه‌های نهایی شده، تعیین گردند؛

۳. هزینه تمام شده هر یک از فعالیت‌ها برای دستیابی به هدف تعیین شده، محاسبه گردد؛

۴. یک نظام نظارتی و گزارش‌گیری مستمر، در تمامی مراحل کار بوجود آید.

### ۱۳. نتایج

نتایجی که از اجرای نظام بودجه‌ریزی عملیاتی برای سازمان متصور است به شرح زیر می‌باشند:

اول: فراهم شدن مدیریت عملکرد در سطح سازمان؛

دوم: شفاف‌سازی بودجه و تقویت پاسخ‌گویی مدیران اجرایی به مدیریت کلان؛

سوم: بهبود در نحوه تخصیص منابع برای دستیابی به اهداف سازمان؛

چهارم: صرفه‌جویی در منابع مالی سازمان؛

پنجم: واقعی شدن قیمت هر یک از فعالیت‌های سازمان؛

ششم: کاهش در حجم و اندازه سازمان از طریق منطقی‌سازی و مناسب‌سازی اندازه سازمان؛

هفتم: ارتقای نظام اطلاعاتی و آماری؛

هشتم: اصلاح فرآیندها و روش‌های جاری انجام کار از طریق بازمینی و حذف فعالیت‌های زائد؛

نهم: ارائه سازوکار لازم برای اصلاح فرآیندها از طریق تعیین فعالیت‌های پرهزینه که فرآیند تولید

کالا یا خدمت را پشتیبانی می‌نمایند؛

دهم: قادرسازی مدیران جهت تدوین راهبردهای کاهش هزینه‌ها از طریق سرشکن کردن هزینه‌ها به شیوه هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت؛

یازدهم: ردیابی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم از طریق تکنیک هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت؛

دوازدهم: افزایش بهره‌وری سازمان؛

سیزدهم: کمک به مدیران در اتخاذ تصمیم‌های درست و واقع بینانه.

#### ۱۴. پیشنهادات

در جهت اجرایی نمودن مدل تحقیق و محقق ساختن روش بودجه‌ریزی عملیاتی در سازمان حج و زیارت، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد؛

۱. تشکیل کمیته‌ای مرکب از مدیران برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی سازمان همراه با برخی افراد کارشناس و خبره خارج از سازمان در جهت طراحی دقیق‌تر و نظارت بر مراحل اجرایی و ارائه نظرات اصلاحی؛

۲. آگاه‌سازی مدیران سازمان در جهت تغییر رویه موجود بودجه‌ریزی و دادن آموزش‌های لازم در جهت افزایش باور و اعتقاد آنها در خصوص بودجه‌ریزی؛

۳. تدوین برنامه‌های راهبردی و به تبع آن برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت و تجدید ساختار سازمان، متناسب با شیوه جدید بودجه‌ریزی؛

۴. توانمندسازی و آموزش کاربردی پرسنل مرتبط با بودجه‌ریزی عملیاتی به منظور کسب مهارت‌های مورد نیاز برای اجرای صحیح این روش؛

۵. طراحی نظام جامع اطلاعات مدیریتی برای برآورد نیازهای مدیریتی، حسابداری، نظارت و گزارش‌دهی مناسب؛

۶. تهیه سیستم‌های سخت افزاری و نرم افزاری مربوط به امور مالی و بودجه‌ریزی عملیاتی و بومی‌سازی نرم افزارهای موجود متناسب با شرایط سازمان حج و زیارت؛

۷. ایجاد سیستم جامع مالی به روش حسابداری تعهدی با اعمال و اجرای استاندارد حسابداری به منظور دستیابی به قیمت تمام شده محصول سازمان یعنی هزینه سرانه یک نفر زائر؛

۸. ایجاد تحول اساسی در نظام نظارت و ارزیابی عملکرد با استفاده از روش‌های مدرن و تأکید بر ارتقای سطح مسئولیت پاسخ‌گویی عملیاتی مدیران؛

۹. واگذاری اختیارات برای استفاده از اطلاعات عملکرد در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای بودجه عملیاتی و به تبع آن افزایش فرهنگ پاسخ‌گویی مدیران و کارکنان؛



۱۰. استانداردسازی، مستندسازی و اصلاح فرآیندهای موجود متناسب با سازمان حج؛
  ۱۱. شناسایی و تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد؛
  ۱۲. تعریف دقیق نتایج و ستاده‌های مورد انتظار سازمان.
- در پایان لازم به توضیح است که اجرای آزمایشی این نوع بودجه‌ریزی در سازمان حج و زیارت جهت اصلاح اشکالات احتمالی از ضروریات اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی می‌باشد.

### ◀ منابع

۱. ابراهیمی، سعید و دیگران. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل استراتژیک استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی در شهرداری اصفهان (با استفاده از روش ماتریس SWOT).
۲. اقتداری، علی محمد و دیگران، (۱۳۵۱). بودجه، موسسه عالی حسابداری، چاپ دوم.
۳. اوریا، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۷). انواع شاخص‌های عملکردی و نقش آن در بودجه‌ریزی عملیاتی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی بودجه‌ریزی عملیاتی.
۴. پناهی، علیرضا، (۱۳۸۴). درباره لایه بودجه سال ۱۳۸۵، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. پناهی، علی و محمد قاسمی (۱۳۸۷). بودجه‌ریزی عملیاتی: الزامات و موانع آن در ایران، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. زند حقیقی، منوچهر. (۱۳۴۶) مالیه عمومی - بودجه و خزانه، دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.
۷. سامان، نشریه داخلی معاونت طرح و برنامه دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۸۹). شماره ۳۸، تابستان ۸۹.
۸. طاهری، الهه و علیرضا ارسلان (۱۳۸۵). آنالیز استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی در جهاد دانشگاهی یزد، با استفاده از روش ماتریس SWOT، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بودجه‌ریزی عملیاتی.
۹. غضنفری، مهدی، (۱۳۸۸)، محاسبه بهای تمام شده خدمات قابل ارائه وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
۱۰. فرزیب، علیرضا، (۱۳۸۶). بودجه‌ریزی عملیاتی، انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، چاپ اول، تهران.
۱۱. قادری، محمدرضا، فرزیب، علیرضا. (۱۳۸۵). بودجه‌ریزی نوین دولتی، چاپ اول، سازمان مدیریتی و برنامه ریزی، تهران.
۱۲. کریمی خرمی، اصغر و دیگران، (۱۳۸۷). تأثیر بودجه بندی عملیاتی بر کارایی سازمان‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی ابرکوه.

۱۳. مک گیل، رونالد، (۱۳۸۴). بودجه‌ریزی عملیاتی، فصلنامه علمی ترویجی مدیریت و توسعه، مترجم محمدحسن آبادی و علیرضا صراف، سال اول، شماره سوم.
  ۱۴. مهدوی، عبدالمحمد، (۱۳۸۶). تدوین بودجه عملیاتی برای دستگاه‌های اجرایی استان کرمان.
  ۱۵. ویلدا، وسکی (۱۳۷۱). برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در کشورهای فقیر، مترجم علی پارسیان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
  ۱۶. یاسینی، محمدعلی (۱۳۸۵). بررسی موانع استقرار مطلوب بودجه‌ریزی عملیاتی در سازمان محیط زیست، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی بودجه‌ریزی عملیاتی.
  ۱۷. یوسفی نژاد، علی، (۱۳۸۱). نظام نوین بودجه‌بندی: خاستگاه و ملزومات، نشریه برنامه و بودجه دفاعی، نشریه اداره بودجه و اعتبارات ستاد مشترک سپاه، سال اول، شماره ۱.
  ۱۸. یوسفی نژاد، علی، (۱۳۸۶). اصول تنظیم و کنترل بودجه دولتی، مرکز تألیف کتاب‌های درسی (معاونت آموزش نیروی انسانی ستاد مشترک سپاه)
  ۱۹. سایت گروه مشاوران پینکو.
۱. R.S. Edwards. Budgeting in public Authorities. (London. George Allen & unwin Ltd ,۱۹۵۹).
  ۲. Mercer. J. 'performance Budgeting for federal Agencies: A framwork' U.S.A ,۲۰۰۲.۲۱)
  ۳. Dimond Jack. 'performance budgeting: managing the perform process' .IMF ,۲۰۰۳.۲۲)



## نقش حج در تحقق توسعه اقتصادی مطلوب اسلام

محمد اسماعیل زاده

### چکیده

اسلام همواره، بر توسعه اقتصادی تأکید کرده است و تاکنون به ابعاد گوناگونی از آن توجه شده است. امری که مغفول مانده این است که تاکنون، تلاش و پژوهشی برای تبیین نقش حج، در تحقق توسعه اقتصادی مطلوب، انجام نگرفته است. هدف مهم از این مقاله، بررسی توسعه اقتصادی و ابعاد آن از اسلام و نقش حج در تحقق آن است. واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، غرب، اسلام، حج، گردشگری، اشتغال، عدالت و رفاه.

### مقدمه

حج، نمایی از وحدت و اخوت جهانی مسلمانان است که در پرتو آن، می‌توان انواع مشکل‌ها و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بررسی و چاره‌جویی کرد و عزت، عظمت و شکوه اسلام و مسلمانان را در سطح جهان، به نمایش گذاشت. از زاویه دیگر، بازنگری تاریخ نورانی انبیا و اولیای الهی، از آدم تا ابراهیم علیه السلام و از خاتم انبیا و تا خاتم اوصیا علیهم السلام است که به انسان‌ها می‌آموزد در راه دین و مکتب، باید از دیار، مال، فرزند و علاقه‌های زندگی برید و همه دعوت‌های گوناگون را نشنیده گرفت و فقط به مبدأ لایزال الهی، پاسخ مثبت داد.

حج، بزرگ‌ترین مصداق بر این امر است. حج را می‌توان رزمایش سیاسی، اجتماعی، بسیجی و توحیدی بر ضد هر نوع شرک و کفر دانست. با داشتن این بار سیاسی، می‌توان هر سال، تحولی بنیادین در اوضاع سیاسی جهان اسلام به وجود آورد. در چند قرن اخیر، پای استعمار، به کشورهای اسلامی باز شده است و آنان کنگره عظیم حج را مانعی بزرگ در سر راه منافع خود احساس کردند. آنان با استفاده از تجربه‌های تحریف‌کنندگان پیشین، در صدد برآمدند که حج را در ظاهر حفظ و از درون

تهی و بی محتوا کنند. بنابراین، آن را در قالب عملی فردی و عبادی و به دور از هرگونه فواید جمعی و اجتماعی مطرح کردند. متأسفانه با همراهی گروهی از علمای وابسته و درباری، این اهداف شوم به ثمر رسید و حج بار دیگر دچار تحریف شد. بنابراین بر همگان واجب و فرض است که روح حج ابراهیمی را همیشه ثابت و استوار نگه دارند.

#### ۱. پیشینه تاریخی مباحث توسعه

مباحث مربوط به توسعه، از جمله مباحثی است که سال‌ها توجه اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. امروزه، یافتن طریقی مناسب برای دستیابی به توسعه همه جانبه در بحث‌های توسعه، از مسائل مطرح و در عین حال، پیچیده است. نگاهی به تحولات اخیر، بیانگر این معناست که با اینکه مفهوم توسعه، پس از جنگ جهانی دوم رایج شد، به زودی جایگاهی خاص میان اندیشمندان و متفکران مباحث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یافت. همواره از آن تاریخ تا کنون یکی از مسائل مهم و سرنوشت‌ساز کشورها و به خصوص ممالک جهان سوم شناخته می‌شود. (برمن: ۱۳۶۶، ص ۱۶). اگرچه در همان زمان نیز توسعه، مانند کوششی برای تقلید از مدل توسعه غربی تلقی شده است. (بثک لوئیس، ص ۷۱) تا جایی که از آن در پاره‌ای از منابع، با نام نوسازی (Modernization) یا غربی شدن نیز یاد می‌شود.

دانشمندان و نظریه‌پردازان توسعه، در کل با هدف حل مشکل‌ها و مسایل کشورهای جهان سوم یا توسعه نیافته به ارائه دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی پرداختند که از عمده‌ترین آنها، می‌توان به نظریه رشد، مارکسیستی، وابستگی، روان‌شناختی توسعه، دیدگاه نوسازی و نظریه‌های ملهم از عوامل سیاسی و فرهنگی و... یاد کرد؛ ولی در عمل می‌بینیم که پاسخ‌ندادن مدل نوسازی توسعه، منجر به بروز چالش‌هایی برای این کشورها شده است. تا جایی که نتیجه مطلوبی از این مدل‌های توسعه، عاید کشورهای جهان سوم نشده و معضل‌ها و مشکل‌هایی را در مقابل، برای این گروه از کشورها به وجود آورده است. چنانکه امروزه، توسعه یافتگی، به منزله سرابی دست‌نیافتنی برای بسیاری از آنهاست. امروزه این مسئله تا آنجا پیش رفته است که شکست نظری و عملی نظریه توسعه از سوی بسیاری از صاحب‌نظران پذیرفته شده است. (همان، ص ۷۸)

در نگاهی کلی می‌توان گفت که این شکست‌های پی در پی، نظریه‌های توسعه‌ای در کشورهای جهان سوم، حاصل الگویی نامناسب است؛ الگویی که در آن، توسعه، به منزله جایگزینی نظام مدرن غربی به جای نظام سنتی تلقی می‌شد. از این حیث، برای آن کشورها از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بهایی گزاف در برداشته است. (همان، ص ۸۱)

در کشور ما نیز، به دلیل انطباق نداشتن وضعیت درونی جامعه با الگوهای توسعه غربی و شناخت



صحیح نداشتن از ویژگی‌ها و شرایط داخلی جامعه، منجر به بروز زیان‌های بسیاری در عرصه‌های گوناگون شده است. اگرچه در کشور ما، برخی از صاحب‌نظران - که بیشتر گرایش‌های غربی دارند - دستیابی به توسعه را مستلزم پیمودن راهی می‌دانند که غرب در جریان توسعه خود پیموده است. در این راه، زمینه‌های لازم برای رسیدن به توسعه را همان عواملی ارائه می‌کنند که در فرایند و پیدایش توسعه، در غرب وجود داشته و آن را شکل داده است؛ ولی بایستی متوجه بود که اصولاً اندیشمندان دلسوزی نیز هستند که در ضرورت پیمودن راه توسعه‌ای که غرب به آن دست یافته تشکیک کرده و مسئولان و صاحب‌نظران جامعه را به اندیشیدن و برنامه‌ریزی برای رسیدن و دستیابی به شیوه و طریقی نو، منطبق با شرایط بومی فرا می‌خوانند. (رفیع پور: ۱۳۷۹، ص ۲۱)

در چنین اوضاعی که نظرها و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد، آگاهی از نظرهای امام خمینی علیه السلام سبب می‌شود تا بیشتر به اهمیت تلاش، برای تحقق الگوی بومی توسعه واقف و نائل شویم. اهمیت آگاهی از نظرهای امام علیه السلام از آنجا ناشی می‌شود که ایشان، با احاطه بی‌نظیر بر مبانی و مقاصد عرفان اسلامی و همچنین داشتن ورزیدگی و تبحر در فلسفه صدرایی، کنار زندگی اصولی و فقهی، از اندیشمندان نادر اسلامی در روزگار معاصر و از وارثان علوم اسلامی محسوب می‌شود. (صدیق اورعی: ۱۳۷۳، ص ۵۳)

بنابراین، بررسی دیدگاه‌های امام علیه السلام، که از آن با نام تفکر اجتماعی امام خمینی علیه السلام می‌توان یاد کرد در زمینه‌هایی گوناگون و از جمله در مباحث توسعه، از ویژگی و اهمیت والایی برخوردار است. با توجه به اینکه در یکی از بزرگترین انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی تاریخ معاصر جهان و در تاریخ اسلام متبلور است.<sup>۱</sup>

## ۲. مفهوم توسعه

با نگاهی به تعاریف پیرامونی توسعه، می‌توان دریافت که تعریف‌های مربوط، متنوع و گوناگون است و مبانی آن، در برگیرنده چارچوب‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انسانی ارائه دهندگان آن است. در واقع، می‌توان گفت که توسعه، مجرای واقعی تحقق آرمان‌ها، امیال و خواسته‌های جوامع بشری است در این میان، بی‌تردید توسعه مطلوب جوامع، در گروی تحقق همزمان توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. توسعه را می‌توان، بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی اجتماع بیان کرد. (اسدی: ۱۳۶۹، ص ۲۵) توسعه را می‌توان فراگردی تعبیر کرد که در چارچوب آن، جامعه از وضعیتی نامطلوب به سوی وضعی مطلوب متحول می‌شود. این فراگرد به

۱. جهانیان، ناصر؛ «تحول مفهوم توسعه و ارتباط با دین»، قیسات، شماره ۷، ص ۱۱ و ۷۸.



نحوی است که تمامی نهادهای جامعه را در بر می‌گیرد و ماهیت آن، بدین ترتیب است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه، به صورت بالفعل در می‌آید. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در فرایند توسعه، استعدادهای سازماندهی جامعه، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بارور شکوفا می‌شود. (قاضیان: ۱۳۷۱، ص ۱۲۱)

توسعه را می‌توان در تعبیر دیگر، سیری برای تحکیم روابط اجتماعی و پروراندن استعدادها، استفاده بهینه از مواهب طبیعی و امکان رشد همه اقدار جامعه بیان کرد که در غایت و به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد و میدان آزمایشی است برای هر جامعه‌ای که خواهان این پدیده است. در قالبی کلی‌تر می‌توان آن را نیل به خود بسی (fulfilment Self) و به دست آوردن مشارکت خلاقانه مردم، در بهره‌برداری کامل از نیروهای مولد ملی و ظرفیتهای انسانی یک جامعه بیان کرد. در کل می‌توان گفت که توسعه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای هدایت در جهت ایجاد اوضاع مطلوب زندگی، براساس نظام ارزشی مطلوب جامعه است. لذا در توسعه با طیفی از تغییرات به هم پیوسته، در جهت تأمین نیازهای رو به گسترش جامعه مواجه هستیم. برخی نیز، توسعه را در مفهوم عام، گذر از سنت به تجدد، بیان کرده‌اند؛ این امر ناظر بر کشورهایی است که هم اکنون، توسعه یافته‌اند. (همان) در این دیدگاه، توسعه واقعیتی مادی و ذهنی است که در ابعاد گوناگون زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثرات مشخصی بر جای می‌گذارد. (منصوری: ۱۳۷۴، صص ۱۵۱ - ۱۵۲)

به طور کلی توسعه، جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. بی‌تردید، تعاریف مرتبط با توسعه، تحت تأثیر نظام فکری و ارزشی حاکم بر ذهنیت افراد نظریه پرداز است که هر کدام بر مبنای چارت فکری خود، تعریفی را پیرامون توسعه بیان می‌دارند. علی‌رغم تعاریف متعدد از توسعه، همه آنها، در این محور مشترک و هم قول هستند که جوامع، جهت رسیدن به مطلوب بودن زندگی اجتماعی، نیاز به ایجاد کردن شرایط و امکانات مناسب در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند. بر این اساس است که توسعه، افزون بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و هم چنین نگرش‌های عمومی مردم است. این امر تا آنجا پیش می‌رود که حتی توسعه، در بسیاری از موارد، عادت‌ها، رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد. (از کیا: ۱۳۶۹، ص ۷۸)

هابرماس، از اندیشمندانی است که بعد فرهنگی توسعه را بسیار پراهمیت توصیف می‌کند. او با بیان عقلانیت فرهنگی در برابر عقلانیت ابزاری، معتقد است که کشورهای غربی، توسعه کامل نیافته‌اند و یا این که فقط در بعد اقتصادی توسعه پیدا کرده‌اند؛ یعنی فقط، توانایی تکنولوژیکی آنان دگرگون شده است. براساس این دیدگاه است که گفته می‌شود: تاکنون در هیچ جامعه‌ای، پیدایی عقلانیت

فرهنگی، به معنای کامل و واقعی اتفاق نیفتاده است. این دیدگاه، بعد معنوی توسعه را تشکیل می‌دهد. (وافگانگ، ص ۵۱)

بنابراین در امر توسعه، تحول فرهنگی امری ضروری است؛ یعنی فرهنگ جامعه، باید متحول شود و این یک قانونی کلی است. از سویی دیگر، شاهد آن هستیم که توسعه، عوامل گوناگونی دارد که باید از سوی نیروهای خاص سیاسی و اجتماعی حمایت شود. همچنین با طرح چارچوبی ایدئولوژیکی و عقیدتی، به توسعه مادی و معنوی جامعه، عینیت بخشیده شود.

### ۳. مبانی توسعه، از دیدگاه غرب

توسعه را می‌توان فرایندی اجتماعی دانست که مبتنی بر عقلانیت عمل است. به طوری که در آن، جامعه از وضعیت غیرعقلانی نامطلوب، به سوی وضعیت عقلانی مطلوب، گذر می‌کند. (جهانیان، ص ۷۸) توسعه، از بدو پیدایش و تبیین تاکنون، مفاهیم متعددی داشته است. تا جایی که تعریف و مفهوم توسعه، از جنگ جهانی دوم تا امروز، کاملاً تغییر کرده است. برداشت‌ها و مفاهیم اولیه از توسعه، مبتنی بر مفاهیم اقتصادی بود و شاخص‌های اقتصادی، مانند میزان تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، مصرف انرژی، مصرف فولاد و... را معرف سطح توسعه یافتگی یا عقب ماندگی معرفی می‌کردند. (همان، ص ۳۸)

این امر، پا برجا بود تا اینکه از دهه هفتاد میلادی به بعد، شاخص‌های اجتماعی از قبیل رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، دموکراسی، عدالت اجتماعی یا توزیع عادلانه ثروت، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ثبات سیاسی و بودجه آموزش و تحقیقات نیز به شاخص‌های توسعه افزوده شد. در این برهه بود که گروهی از اندیشمندان، رفع وابستگی و مسئله ضرورت ایجاد نظم نوین بین‌المللی را عامل اساسی توسعه و نظام سرمایه‌داری سلطه‌گر را مانع تحقق آن دانسته‌اند و از جنبه داخلی، روابط استثماری را محکوم و نظام مالکیت جمعی را پیشنهاد کرده‌اند. از سوی دیگر، پس از شکست مکتب نوسازی، - که نظریه غالب توسعه بود - به دلیل عواملی چون: بروز نابسامانی‌های اجتماعی، آسیب‌های فرهنگی و محیط زیستی، رشد قارچ‌گونه حلیب آبادها و زاغه‌ها، عده‌ای از صاحب نظران، رفع فقر مطلق را هدف بنیادین توسعه تلقی کرده و برای تحقق آن راهبرد، نیازهای اساسی را پیشنهاد کرده‌اند. (وافگانگ: ۱۳۷۷، ص ۲۰)

سال ۱۹۷۴، در اعلامیه توکیو تصریح شد که هر فرآیند رشدی که نیازهای اساسی را ارضا نکند یا - حتی بدتر - ارضای آنها را مختل کند، صرفاً کاریکاتوری از توسعه می‌باشد. (همان، ص ۲۸) تا اینکه در دهه هشتاد میلادی، توسعه، بیشتر معطوف مسائل فرهنگی شد. از جمله مسائلی که در این زمینه تأثیرگذار بود، می‌توان به عواملی چون: بروز بحران‌های اجتماعی، انفجار جمعیت، تضادهای قومی،



پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گسترش فعالیت‌های مذهبی و گرایش‌های دینی در غرب و فروپاشی شوروی سابق، اشاره کرد که متفکران مسائل توسعه را بیشتر، متوجه اهمیت و نقش فرهنگ، در فرایند توسعه و تغییرات اجتماعی کرد. این مسئله تا آنجا پیش رفت که اگر زمانی عنصر اصلی توسعه، رشد اقتصادی بود، امروزه چهار موضوع رشد اقتصادی، عدالت در توزیع، مشارکت سیاسی و ارزش‌های متعالی، عناصر اصلی توسعه انتخاب شده‌اند. بی‌تردید فرایند توسعه، در غرب بدون برنامه‌ریزی خاصی که ناظر به کل جامعه باشد و بدون لحاظ کوشش‌های سنجیده خاصی انجام گرفت. این فرایند همراه با تغییر و تحول در ساختار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که هدف آن، رفاه مادی و افزایش مداوم درآمد سرانه است. این افزایش، موهون به کارگیری روش‌های تولید، مبتنی بر دانش و منشأ عقلانیت عمل اقتصادی و اجتماعی بود. توسعه در غرب که با پیشتازی طبقه متوسط و حرکت‌های اجتماعی سازمان یافته از سوی آنها و نخبگان فکری عصر روشنگری به ثمر رسید، از آنجایی که درک ناقصی از خداوند داشت و بهشت مادی را هدف قرار داده بود، میوه‌های تلخی به بار آورد. از همه مهم‌تر، فقدان محتوای زندگی و ثمره آن بحران بی‌هویتی است که غرب در آن دست و پا می‌زند. فرایند توسعه، در کشورهای در حال توسعه، پس از جنگ جهانی دوم، روندی متفاوت داشت. توسعه در این کشورها، با هدف رسیدن به پیشرفت‌ها، خط مشی صنعتی شدن، با تأکید بر انتقال تکنولوژی و انباشت سرمایه برای رسیدن به هدف فوق آغاز شد. اگرچه در ابتدا روندی سریع داشت که با کوشش‌های برنامه‌ریزی شده از طرف سازمان‌ها، حرکت‌های اجتماعی و به‌ویژه از طرف دولت‌ها همراه بود، ولی از عدالت، انسانیت، ارزش‌های متعالی، مشارکت سیاسی و محیط زیست و از همه مهم‌تر معنویت غفلت کردند. زیرا ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این کشورها، با این تحول سازگاری و هم‌خوانی نداشت و اغلب این کشورها هدف اصلی را رشد اقتصادی دانسته و توسعه اقتصادی را به منزله مهم‌ترین رکن توسعه تلقی می‌کردند. بدین ترتیب، این کشورها دچار بحران فکری همگانی و شایعی در حوزه‌های نظری مرتبط با مسائل توسعه شدند. این امر بیش‌تر ناشی از ناتوانی در ارائه تعریفی مقبول از مفهوم توسعه است. به هر حال، ناکامی بیشتر کشورهای کم‌تر توسعه یافته، در دستیابی به توسعه از سویی و میوه‌های تلخ توسعه غرب، از قبیل افزایش شکاف‌های طبقاتی؛ از خود بیگانگی انسان در اثر بت‌وارگی روابط انسانی؛ قدرت بی‌مهار شرکت‌های بزرگ و احزاب و دستگاه‌های دولتی؛ عقلانیت ابزاری و تسلط افسانه‌ای تکنولوژی بر انسان؛ افزایش هزینه‌های اجتماعی ناشی از خودمحوری و نفع‌طلبی و مهم‌تر از همه، تخلیه نظام محتوایی جوامع غربی از فلسفه زندگی و مرگ، از سوی دیگر، موجب شد که در دو دهه اخیر، مباحث توسعه پایدار، توسعه انسانی و توسعه حکیمانه به نحو گسترده‌ای در ادبیات توسعه طرح و رایج شود. و از همه مهم‌تر، دین

و معنویت نیز در کانون توجه قرار گیرد. اگر در ابتدای دهه شصت میلادی، بیش تر به بعد اقتصادی توسعه توجه می‌شد، امروزه، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و ابطال نظریه افیون بودن دین برای توده‌ها و بعد از چالش جدی دین با سکولاریسم، ابعاد دیگر توسعه نیز پذیرفته می‌شد. (بنک لوئیس، ص ۷۲) به نحوی که امروزه صاحب‌نظران معتقدند که در روند تبیین توسعه موضوع‌ها، بایستی مواردی چون ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و الگوی زندگی کامل و زیست‌محیطی را مد نظر قرار دهد. (گولت، صص ۷۰ - ۷۱)

#### ۴. مبانی توسعه از دیدگاه اسلام

اسلام که دین خاتم و کامل است، جهان‌بینی پویا و متحولی به پیروان خویش عرضه می‌دارد و آنان را از عقایدی برخوردار می‌کند و چشم‌انداز زندگانی فردی و اجتماعی مسلمانان را از رشد و توسعه‌ای بهره‌مند می‌سازد که با جهان‌بینی آنان و عقاید اسلامی منطبق بر فطرت سازگار باشد. انسان، یکی از اساسی‌ترین عوامل تولید، از ظرفیت علمی و الایی برخوردار است که خلیفه و جانشین خداوند بر زمین معرفی شده است. (بقره: ۳۰) اسلام، نه فقط مانع توسعه نبوده، بلکه سرشار از عناصری است که عامل توسعه هستند. در جهان‌بینی توحیدی که اسلام ارائه می‌کند، جهان از مشیت حکیمانه الهی پیروی می‌کند. در این جهان‌بینی، جهان از نظامی متقن علی برخوردار است و فیض مستمر پروردگار و تقدیر او، فقط از مسیر علل و اسباب خاص به جریان می‌افتد. از جمله سنت‌های الهی که قرآن بارها متذکر آن شده، این است که سرنوشت هیچ قومی به دست خداوند تغییر نمی‌کند؛ مگر آنکه مردم آن قوم، به تغییر سرنوشت خود اهتمام ورزند. (رعد: ۱۱)

استاد شهید مرتضی مطهری، در مبنا بودن دین برای توسعه، به بداهت نیاز انسان در رشد و توسعه اجتماعی، به دین و ایدئولوژی استناد جسته است. ایشان معتقد است: «انسان از بدو پیدایش، لاقلاً از دوره‌ای که رشد و توسعه زندگی اجتماعی منجر به یک سلسله اختلافات شده است، نیازمند به ایدئولوژی و به اصطلاح قرآن، شریعت بوده است... آن‌چه بشر امروز و به طریق اولی، بشر فردا را وحدت و جهت می‌بخشد و آرمان مشترک می‌دهد و ملاک خیر و شر، باید و نباید می‌گردد، یک فلسفه زندگی انتخابی آگاهانه، آرمان خیز، مجهز به منطق و به عبارت دیگر، یک ایدئولوژی جامع و کامل است.» (مطهری: ۱۳۷۴، ص ۴۶) توسعه، از دیدگاه اسلام فرایندی اجتماعی و مبتنی بر عقلانیت عمل است. در این فرایند، شعور اندیشه و اراده انسان‌های تعالی‌جو، نقش اساسی دارد. اسلام، در اجتماع، از طریق وضع و اجرای قوانین (جهاد اصغر) و در فرد، از طریق ایجاد احساس مسئولیت جدی (جهاد اکبر-نوسازی معنوی) به بهترین وجه ممکن، در پی نهادینه کردن توسعه و الزامات پیش روی آن است.



### ۵. مبانی توسعه اقتصادی مطلوب از دیدگاه اسلام

وقتی که بحث از توسعه به میان می‌آید، برخی گمان می‌کنند که این امر، در تضاد با مبانی اسلامی است. در حالی که اسلام، نه فقط بر توسعه اقتصادی تأکید و توجه دارد، بلکه با آن مانند امری مواجه می‌شود که در تاریخ انبیا مسبوق به سابقه است. برای مثال، از دیدگاه اسلام، حضرت آدم علیه السلام اولین شخصی بود که با تعلیم خداوند، به کشاورزی و کشت گندم دست زد و هابیل، فرزند صالح او، این کار را توسعه داد. (یعقوبی: ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴) حضرت نبیط نیز از فرزندزادگان حضرت نوح بود. وی کشاورزی را به طور گسترده‌ای توسعه داد و علاوه بر زراعت، به کشت درخت، ساختن نهرها و جاری کردن آنها اهتمام ورزید و صنعت باغداری و آبیاری را پدید آورد. (همان، ج ۱، ص ۴) این، آغاز توسعه دو صنعت آبیاری و باغداری بود که تا امروز ادامه یافته است. از منظر اسلام، مبدأ توسعه نیز، انبیا الهی بوده‌اند. کما اینکه حضرت نوح علیه السلام و سپس حضرت فالغ - از پیامبران پس از هزاره اول - اولین کسانی بودند که توسعه شهری و اجتماعی و تقسیم جمعیت را ابداع و بدان همت کردند. (همان، ص ۱۸) اسلام، حضرت داوود علیه السلام را نخستین فردی می‌داند که با الهام از خداوند، صنعت ریخته‌گری در فلزات را ابداع کرد. و با استفاده از آن، فلزات را از حالت بسیط خارج کرده و از طریق ذوب فلزات و ریخته‌گری، به تجارت فرآورده‌های آن پرداخت. (کلینی: ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۷۴)

آنچه باعث تأسف است، مفقود شدن حلقه‌های واسطه، میان سرچشمه توسعه در تعلیم و عمل کرد پیامبران و مباحث نظری توسعه در عصر حاضر و توسعه یافتگی برخی از جوامع امروزی، در سلسله زنجیر تاریخ توسعه است. مفقود شدن و ندیدن آن حلقه‌های واسطه‌ای، ناشی از غفلت از دیدگاه‌های ناب الهی و اسلامی در این خصوص بوده است. اگرچه در آیات قرآن و احادیث و آموزه‌های دینی، واژه توسعه به صورت مستقیم نیامده است؛ ولی در عوض، آموزه‌های متعالی و مفاهیمی غنی در آنها وجود دارد که تا حدی مفهوم توسعه، به معنی امروزی را در اختیار ما قرار می‌دهند و یا عوامل لازم آن را معرفی می‌کنند؛ برای مثال، اگرچه واژه توسعه، در قرآن کریم به صراحت بیان نشده است، ولی مشتقات آن، به صورت واسع، واسعه، سعه، وسع و موسع به کار رفته که در مفهوم گسترش و توسعه، استفاده شده است. اصطلاح رشد نیز عیناً و به صورت‌های رشد، رشاد، مرشد و راشدون به کار رفته که در آنها عموماً هدایت، نجات، صلاح و کمال مد نظر بوده است؛ برای نمونه در آیه ۲۵۶ سوره بقره، رشد در مقابل غیبی به کار رفته است و رشد را در اینجا به معنی راه درست و غی به معنی راه انحرافی گرفته‌اند. (مکارم شیرازی: ۱۳۵۳، ص ۲۰۴ و ۲۰۵) رشد یافتگان یا راشدون، در تعبیر قرآن اشخاصی دارای ایمان و تقوا هستند، که به راه هدایت و سعادت انسان در جامعه دست یافته‌اند. ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾؛ «چون بندگان

من درباره من از تو پرسند، بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند» و همچنین این صفت، برای کسانی به کار رفته است که مخالف کفر و فسق و عصیان بوده، دوستدار ایمان و تقوا هستند. (بقره آیه ۱۸۶)

البته می‌بایستی توجه داشت که در اقتصاد متعارف، واژه توسعه، گسترده‌تر از واژه رشد می‌باشد؛ در حالی که براساس تعالیم قرآنی، جامعه رشد یافته، متعالی‌تر از جامعه توسعه یافته است. اگرچه به‌نظر می‌رسد که نمی‌توان با واژه‌شناسی و صرفاً بررسی و تحلیل لغوی و مفهومی این دو واژه، به مفاهیم مدنظر در رشد و توسعه ادبیات اقتصادی امروز دست یافت؛ ولی این بررسی، مبین این است که اسلام، در معنا و مفهوم تضادی با رشد و توسعه ندارد. در کل، می‌توان گفت که مجموعه مفاهیم و آموزه‌های متعالی اسلام، در بعد اقتصادی مفهوم بسیط و پایه‌ای از توسعه را در اختیارمان قرار می‌دهد که به دور از نقش فریب‌کارانه و کارکرد استعماری واژه توسعه غربی است. مفهومی که در خود رونق اقتصادی، شکوفایی اقتصادی، خوداتکایی اقتصادی، عدالت اقتصادی و معنویت اقتصادی را نهفته دارد. از نظر اسلام، نه فقط تضاد و تقابلی میان توسعه و علی‌الخصوص توسعه اقتصادی نیست، بلکه اعتقاد به توسعه، امری فطری است؛ چرا که در توسعه، دست یافتن به وضعیتی مطلوب مد نظر است و این امر بیان دیگری از مفهوم تکامل انسان است. اسلام، از سویی بیان می‌کند که انسان، به طور فطری کمال طلب است و این کمال‌خواهی، در همه ابعاد مطرح می‌باشد؛ به همین جهت می‌توان گفت که تحقق توسعه اقتصادی مطلوب اسلام، می‌تواند مقدمه این کمال باشد.

اسلام به صراحت بیان می‌دارد که فرد مسلمان به طور طبیعی به توسعه به معنای وضعیتی معتقد باشد که در آن امکان تکامل انسان وجود دارد. از سوی دیگر، از دیدگاه اسلام، افراد از عنصر اختیار برخوردارند و این، از پیش شرط‌های لازم و ضروری برای تحقق توسعه در جوامع بشری است. بی‌تردید اگر افراد معتقد به جبر باشند و برای خود، انتخاب و اختیاری قائل نباشند، هرگز نمی‌توانند آفرینندگان بنای عظیم توسعه باشند. بنابراین چون اسلام، انسان را کمال‌طلب و مختار می‌داند و اعتقاد به توسعه، از لوازم این دو محسوب می‌شود، در نتیجه، اسلام خود به خود اعتقاد به توسعه و کمال را تأیید می‌کند.

علاوه بر این در اسلام، عناصر دیگری نیز وجود دارند که تقویت و احیای آنها، می‌تواند میان مسلمانان توسعه برانگیز باشد. از جمله به مواردی چون: فرهنگ کار و تولید، حرمت اسراف و تبذیر، پیوستگی مادیت و معنویت، موظف شدن مسلمانان به آباد کردن زمین، فراخوان اسلام به آموختن علوم و فنون و صنایع، اعتقاد به جامعه آرمانی، مذمت فقر مالی، رعایت نظم و برنامه‌ریزی و... اشاره داشت. هر کدام از این موارد، به تنهایی می‌تواند در تحقق بخشی از فرایند توسعه در جامعه دخیل و



سهیم باشند. در برابری کلی می‌گوییم که اسلام، نه تنها مخالفتی با توسعه ندارد، بلکه درون خود، دارای عناصری است که احیای آنها، می‌تواند به صورت مطلوب در زمینه تحقق توسعه در حدی تصور نشدنی مفید و مؤثر باشد. به عبارت دیگر، اسلام به بهترین نحو و در عالی‌ترین شکل خود دارای فرهنگ توسعه است و این مسلمانان هستند که بایستی این فرهنگ را با تاسی از اسلام، به صورت بالفعل در آورند. در آن صورت، به همه جنبه‌های مثبت توسعه اقتصادی غرب نائل شوند و نه فقط از همه جنبه‌های منفی آن به دور باشند، بلکه جامعه‌ای داشته باشند که در همه ابعاد انسانی، الگو و نمونه باشد که البته اقتضای این فرهنگ، همین است.

#### ۶. نقش حج در تحقق توسعه اقتصادی مطلوب از دیدگاه اسلام

شاید به حج در نگاه اول فقط از جنبه بعد عبادی توجه شود؛ ولی با کنکاش در ابعاد و زوایای آن، می‌توان ابعادی اجتماعی و اقتصادی هم پیدا کرد. حج می‌تواند نقش عمده و مهمی در تحقق توسعه اقتصادی داشته باشد. با نظر به اهمیت بحث، در اینجا با عنایت به حج به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی می‌پردازیم که از دیدگاه اسلام در تحقق توسعه اقتصادی نقش داشته باشد.

#### الف) نقش حج در تحقق رشد اقتصادی

رشد، از مفاهیم فرهنگ اسلامی (مطهری: ۱۳۶۸، ص ۱۲۷) و دارای محتوای بسیار وسیع و پر دامنه می‌باشد. (طباطبایی: ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۲۶۴ و ج ۲، ص ۲۶۰)

این موضوع آنچنان در مفاهیم اقتصادی دارای اهمیت و اعتبار است که همان‌طوری که در مقدمه اشاره کردیم، برخی توسعه اقتصادی را معادل رشد اقتصادی و به معنای افزایش تولید تلقی کردند. رشد در مباحث اقتصادی، متوجه پیشرفت و تحول در برخی جنبه‌های اقتصادی است که ابعاد گوناگون مفهوم عام توسعه اقتصادی را تشکیل می‌دهد؛ اما رشد در فرهنگ اسلامی، مفهومی بسیار عام‌تر از توسعه اقتصادی دارد؛ بلکه فرهنگ و سنت است که توجه جدی به آن، جایگاه توسعه اقتصادی در اسلام را نشان می‌دهد.

بررسی آیات، روایات و مطالبی که در فقه، اخلاق و تعالیم اجتماعی اسلام درباره رشد وارد شده است، بیانگر این اصل است که اسلام، منشأ تنوری توسعه در تمام ابعاد از جمله توسعه اقتصادی بوده و هست. قرآن کریم رشد را راه و شیوه‌ای در زندگی اجتماعی معرفی می‌کند.

﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغِيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۴۶)



آن کسانی را که به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، زودا که از آیات خویش رویگردان سازم، چنان که هر آیتی را که ببینند ایمان نیاورند و اگر طریق هدایت ببینند از آن نروند و اگر طریق گمراهی ببینند از آن بروند؛ زیرا اینان آیات را دروغ انگاشتند و از آن غفلت ورزیدند. یا در جای دیگری آمده است:

«يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»؛ «به راه راست هدایت می‌کند. پس ما بدان ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان نمی‌سازیم». (جن: ۲)

در مقابل رشد در قرآن، واژه غی به مفهوم خسران و باختن آمده است که در آیه ۱۴۶ سوره اعراف، به آن اشاره شده است. واژه رشد در اسلام آنچنان ارزش و اهمیتی دارد که در روایات آمده است که سنت پیامبر، رشد بود. (نهج البلاغه، خطبه ۹۴) به طور اساسی پیامبر ﷺ، به سوی رشد هدایت می‌کرد. «هدی الی الرشد؛ همه را به رستگاری هدایت کرد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵) رشد، در نظام اقتصادی اسلام نیز، دارای جایگاه بسیار با اهمیتی است و از شرایط اساسی صحت معاملات اقتصادی و عقود مانند بیع، اجاره، رهن و... به حساب می‌آید. (شهید ثانی، ج ۴ و ۳) رشد در اصطلاح فقها، کیفیت نفسانی است که شخص را از فساد مال و خرج کردن در اموری که شایسته عقلا نیست باز می‌دارد. (حلی: ۱۳۸۸، ص ۱۲۳) آنچنان که محقق حلی در تعریف شخص دارای رشد می‌گوید: «هو آن یکون مصلحا لما له؛ شخص، قدرت اداره درست اموالش را داشته باشد». (همان، ص ۸۱) صاحب جواهر درباره رشد، معتقد است: «انه العقل و اصلاح المال»؛ «رشد، همان عقل و قدرت اداره درست مال است». (نجفی: ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۲۱)

اسلام با طرح موضوع رشد، علاوه بر تبیین اهمیت توسعه در تمام ابعاد، با تأکید بیشتر به دنبال توسعه اقتصادی بوده و هست. بدون تردید اگر تمام زوایای مسئله رشد در خصوص سرمایه‌های اقتصادی بررسی شود، تمام ابعاد موضوع توسعه اقتصادی در فرهنگ اسلام، تا حدودی روشن خواهد شد. از مواردی که می‌توان در تبیین رشد اقتصادی مطلوب از دیدگاه اسلام بیان کرد، آیه شریفه: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۱۹۸) است.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که حج، با دارا بودن بُعد معنوی و عرفانی عمیق و گسترده، ابعاد دیگر آن خصوصاً بعد اقتصادی و مادی آن مورد تردید واقع شده است؛ به طوری که گفته می‌شود: مگر ممکن است، این عبادت بسیار معنوی، همراه با بُعد مادی و اقتصادی باشد. بلکه این مسائل را منافی با روح حج می‌دانسته‌اند و این خاصیت یک سونگری به حج است. این توهم، زمان جاهلیت هم وجود داشت و خیال می‌کردند، معامله، تجارت و کسب و کار در ایام حج، حرام و باعث بطلان آن می‌شود. (طبرسی: ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۹۵)



این آیه، حکم گناه بودن معامله را در ایام حج نادرست دانست و اعلام نمود که در موسم حج، هیچ‌گونه منعی در مورد معامله و امور اقتصادی وجود ندارد. شکی نیست که مراد از فضل در آیه، فضل و بهره مادی است چون در مسائل معنوی، جای هیچ‌گونه تردیدی نبود تا بفرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ...﴾ همچنان که مراد از ابتغاء، پس از اتمام حج نیست؛ چون در معامله و تجارت بعد از اعمال حج، جای بحث و گفت‌وگو نبوده است؛ بلکه آنجا که محل کلام بود، معامله و تجارت در اثناء عمل بود. آیه مبارکه نیز در ردّ مراد این نوع تفکر، با صراحت تمام فرمود: هیچ‌گونه مانع و اشکالی وجود ندارد که مردم از فضل خدا بهره‌مند شوند؛ بلکه با توجه به معنای ابتغاء (ابتغاء: فقد خصّ بالاجتهاد فی الطلب - بغیت الشيء اذا طلبت اکثر ما یجب و ابتغیت كذلك) بنا بر این، می‌توان در راه کسب آن، اجتهاد و کوشش کرد و حتی می‌توان با ملاحظه «من بکم» به آن رنگ عبادت داد تا از مصادیق بارز آیه. ﴿رَجُلًا لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا یَبِیْعُ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ﴾ «مردان الهی کسانی هستند که نه تجارت آنها را از یاد خدا باز می‌دارد نه خرید و فروش». (نور: ۳۷) به شمار آید. پس بایستی مواظب بود که تجارت، در خلال حج ابتغاء من فضل الله باشد. مؤید دیگر بر اطلاق ابتغاء فضلا من ربکم بر امور مادی، نظایر این آیه در قرآن است که ابتغاء فضل الله بر امور مادی اطلاق شده است. از جمله، خداوند در سوره جمعه فرمود: هنگامی که نماز پایان گرفت، شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید. (جمعه: ۱۰؛ آل عمران: ۱۷۴؛ نحل: ۱۴؛ اسراء: ۱۲)

از سوی دیگر، این‌گونه یک سونگری به حج، در زمان ائمه علیهم‌السلام، برای اصحاب ایجاد سؤال کرد که آیا تجارت و بهره‌مندی مادی در ایام حج، ضرری به حج می‌رساند یا نه. چنان‌که شخصی مثل معاویة بن عمار به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: مردی برای تجارت به طرف مکه حرکت می‌کند یا شتری دارد که کرایه می‌دهد. آیا حجش ناقص است یا کامل؟ حضرت پاسخ فرمودند: حجش کامل و تمام است. (کلینی رازی: ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۷۵) واضح است که میان جمعیت‌های گوناگون که از تمام نقاط مسلمان‌نشین گیتی هر ساله در مکه گرد می‌آیند، افرادی که در امور تجاری و اقتصادی تخصص دارند، فراوانند اگر مسلمانان بخواهند، چنان‌که شارع اسلام در نظر داشته، از مزایای حج بهره گیرند، به حکم اخوت اسلامی و به حکم اینکه هر مسلمانی وظیفه دارد به مسلمانان دیگر کمک و مساعدت کنند، (یحی علی المسلمین الاجتهاد فی التواصل و التعاون علی التعاطف و المواساة لاهل الحاجة و تعاطف بعضهم علی بعض حتی تکنونوا کما امرکم الله عزوجل رحماء بینهم.... (کلینی: ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۷۹) لازم است در فرصت‌های مناسب، در این اجتماع بزرگ درباره امور اقتصادی، تجاری و صنعتی، به گفت‌وگو و تبادل نظر پردازند و نیازمندی‌های یکدیگر را برطرف کنند و از متخصصان و کارشناسان یکدیگر استفاده کنند، تا خود کفا شوند و از سلطه بیگانگان رهایی یابند. از طرف دیگر، رفت و آمد

حجاج، از کشوری به کشور دیگر و ایاب و ذهاب و روبه‌راه کردن نیازمندی‌هایشان از قبیل: تهیه مسکن، وسیله سواری، خواربار و دیگر احتیاجات و همچنین کالاهایی که هنگام فراغت از اعمال حج و در وقت آمدن به مکه و برگشتن به وطن خود خرید و فروش می‌کنند، همه و همه موجب رونق اقتصادی و باعث تحرك چرخ و پراقتصاد کشورهای اسلامی می‌شود و از حبس و تراکم ثروت جلوگیری می‌کند.

خداوند متعال برای مقابله با این طرز تفکر، آیات متعددی را نازل کرده است که تعدادی از آنها به شرح ذیل است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ»؛ «گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگار خود (منافع اقتصادی در ایام حج) برخوردار شوید». (بقره: ۱۹۸)

بدین ترتیب است که مغزهای متفکر اقتصادی مسلمانان، پس از مراسم حج یا قبل از آن، دور هم می‌نشینند و با همفکری و همگانی، شالوده محکمی را برای اقتصاد کشورهای اسلامی پی‌ریزی می‌کنند. همچنین این آیه را می‌توان مؤیدی بر نقش حج در رشد اقتصادی دانست؛ چرا که محتوای آیه و تبعات آن، همگی در راستای رشد اقتصادی مطلوب از دیدگاه اسلام قابل بیان و تبیین است. در واقع، خرید و فروشی که به آن تأکید شده، از جمله عوامل اصلی تحقق رشد اجتماعی است.

#### ب) نقش حج در تحقق رفاه اجتماعی

از موارد دیگری که در نظام توسعه اقتصادی اسلامی می‌بایست به آن توجه شود، نظام رفاه و تأمین اجتماعی است. دیدگاه اسلام بر این است که آن‌چه در جهان خلقت وجود دارد، همگی در راستای تأمین رفاه و آرامش انسان‌هاست.

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ \* وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ \* وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعُدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَلْبُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم: ۳۲ - ۳۴)

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان باران نازل کرد و بدان باران برای روزی شما میوه‌ها رویانید و کشتیها را رام شما کرد تا به فرمان او در دریا روان شوند و رودها را مسخر شما ساخت و آفتاب و ماه را که همواره در حرکتند رام شما کرد و شب و روز را مسخر شما گردانید و هر چه از او خواسته‌اید به شما ارزانی داشته است و اگر خواهید که نعمتهایش را بشمارید، نتوانید، که آدمی ستمکار و کافر نعمت است.

مطابق این آیه، خداوند نعمت‌های فراوان و مناسب نیاز انسان‌ها را آفرید و آنها را مسخر انسان کرد تا بتواند زندگی مناسب شأن و کرامت خود به پا دارد. بر این اساس، یکی از اهداف توسعه اقتصادی



در نظام اسلامی، تحقق بخشیدن غایات اسلامی و رساندن جامعه به رفاه مطلوب اسلامی است. همچنین از مسئولیت‌هایی که اسلام، بر عهده تمام مسلمانان به‌ویژه دولت گذاشته، تأمین نیازهای ضروری افراد است که به علل گوناگون یا درآمدی ندارند یا درآمدشان برای تأمین زندگی کافی نیست. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «کسی که خداوند، او را مسئول امور مسلمانان کرده است؛ اما به نیازها و فقر آنها بی‌توجهی می‌کند، خداوند نیز به نیازها و فقر او بی‌توجهی خواهد کرد.» (سنن ابی داوود: ج ۲، ص ۱۲۲)

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، پس از سفارش اصناف چهارگانه کشاورزان، صنعتگران، بازرگانان و کارمندان که نیروهای فعال و مولد جامعه‌اند، متوجه طبقه دیگری مثلاً از یتیمان، مسکینان، ناتوانان و معلولان شده است و می‌فرماید: «سپس خدا را در مورد طبقه پایین مردم در نظر بگیر. آنان که راه چاره‌ای ندارند و درماندگان، نیازمندان، بیماران و زمینگیران هستند. به درستی که در این طبقه، افرادی قانع وجود دارند که نیازشان را به روی خود نمی‌آورند. برای خدا، حقی را که خداوند نگاهیانی آن را برای آنان به تو سپرده، حفظ کن و بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های خالصه را در هر شهر به آنان واگذار.» (سید رضی نهج البلاغه، نامه امام علی به مالک اشتر)

آیه **﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ...﴾** ليشهدوا منافع لهم و يدكروا اسم الله ﴿حج: ۲۷ و ۲۸﴾ بیانگر یکی از مصادیق بارز منافع اقتصادی حج در راستای تحقق رفاه اجتماعی است. آیه دلالت دارد که مردم در ایام حج، از مزایای مادی نیز استفاده ببرند و از نعمت‌های خداوندی بهره گیرند. آنها سودی به دست آورند و برای رونق بخشیدن اقتصاد تلاش کنند. (بقره: ۱۹۸) سودآوری و سودبخشی حج، از ارکان و لوازم تحقق رفاه اجتماعی در جامعه است. از این رو، در یکی از روایت‌ها هم به این مضمون اشاره شده و چنین آمده است:

«خداوند انسان‌ها را آفرید... و آن را به حج دستور داد که اطاعت دین و مصالح دنیای آن‌ها را در بردارد. در موسم حج، مسلمانان از مشرق و مغرب عالم اجتماع می‌کنند تا با یک‌دیگر آشنا گردند و برای این که هر ملتی از تجارت‌ها و فراورده‌های اقتصادی ملت‌های دیگر استفاده کنند و به جهت این که مسافران و حمل و نقل کنندگان در این سفر، با کرایه دادن وسیله‌های نقلیه خود بهره ببرند و به دلیل این که با آثار و اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا شوند. این آثار همچنان زنده بماند و به دست فراموشی سپرده نشود. اگر بنا باشد هر ملتی فقط به آنچه در محیط خودش وجود دارد اتکا داشته باشد و به آن توجه کند، هلاک و شهرها ویران می‌شود و استفاده‌ها و منافع بازرگانی از بین می‌رود و اخبار و آثار پیامبران ناپدید می‌شود.» (حر عاملی: ۱۴۰۲، کتاب حج، باب ۱، حدیث ۱۸)

توجه دیگری که این آیه دارد، جنبه روانی قضیه است که ابتدا برای جذب مردم عادی به سوی

خانه خدا، بر منافع مادی تکیه کرد. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی، از آنجایی که انسان، فطرت حب‌الذات دارد و منافع خودش را دوست دارد، در همان اول فرمود: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾. (المیزان، ذیل آیه)

از جمله آیات دیگر، آیه دوم سوره مبارکه مائده می‌باشد که خداوند متعال، ضمن خطاب به مؤمنان فرمود: احترام آنهایی که به دلیل معاش و معادشان قصدخانه خدا را کرده‌اند نگه دارید. (مائده: ۲)؛ یعنی این زائرین خانه خدا انسان‌های محترمی هستند. نباید حریم آنها حلال شمرده شود.

شاهد قطعی بر این که مراد از منافع، منافع اقتصادی هم هست تمسک امام رضا علیه السلام به این آیه شریفه است که در ضمن بیان علل و فلسفه حج فرمود: منافع و آثار حج، تمام اهل زمین از شرق و غرب و بر و بحر را فرا می‌گیرد. چه آنها که حج به‌جا می‌آورند و چه آنها که به‌جا نمی‌آورند. کسانی چون تجار، کسبه، نیازمندان و حاجتمندان... قرآن برای همین منافع فرمود: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (مجلسی: ج ۹۶، ص ۳۲)

علاوه بر این که لسان این آیه، لسان مدح است و نیز بُعد اقتصادی آن مقدم بر بُعد عبادی ﴿رِضْوَانًا﴾ شده است و از تقابل ﴿فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا﴾ به‌خوبی استفاده می‌شود که مراد از ﴿فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ﴾، منافع اقتصادی می‌باشد. شاهد قرآنی دیگر بر بُعد اقتصادی حج، آیه‌ای از سوره مبارکه قصص است که خداوند متعال ضمن منت گذاشتن بر مشرکان، بر دو نعمت تأکید فرمود: یکی امنیت و دیگری مواهب اقتصادی.

﴿أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُحْيِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ «آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که محصولات هر شهر و دیاری به سوی آن آورده شود، ولی اکثر آنها نمی‌دانند». (قصص: ۵۷)

باید توجه داشت که کلمات ﴿كُلِّ شَيْءٍ﴾، ﴿رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا﴾ و فعل ﴿يُحْيِي﴾ که دلالت بر استمرار دارد، اهمیت مطلب را دوچندان خواهد کرد. به علاوه، این دو نعمت، متعلق به زمانی بود که آنها مشرک بودند چه رسد به این که موحد شوند. اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، بر آنها برکات آسمان و زمین را می‌گشاییم. (اعراف: ۹۶)

شاهد قرآنی دیگر، آیه ۲۸ سوره توبه است:

از آنجایی که، اهل مکه در انتظار سود و تجارت بودند، ترسیدند که نکنند به دلیل این منع، تجارت آنها از رونق بیفتد و وضع اقتصادی آنان خراب شود. از این رو خداوند، در مقام دلداری آنها وعده فرمود که به زودی شما را از فضلش بی‌نیاز می‌کند. همچنان که تاریخ گواهی می‌دهد که بزرگ‌ترین بازار، از جمله بازار معروف عکاظ در موسم حج برپا می‌شود. احتمالاً سوره قریش، ﴿لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ﴾



إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ» را بتوان مؤید دیگر قرآنی بر این گونه بازار دانست. تمامی مواردی که در اینجا بحث شد، از دیدگاه اسلام دارای رابطه مستقیم با رفاه اجتماعی، در راستای تحقق توسعه اقتصادی مطلوب است.

### ج) نقش حج در تحقق عدالت اجتماعی

در تعریف لغوی عدل آمده است: «العدل: الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما عليه». (مصطفی ابراهیم، ج ۲، ص ۵۹۴) عدل یعنی: انصاف و این که به هر فرد چیزی بدهی که به او اختصاص دارد و از او هر آنچه بگیری که باید گرفت.

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید

«العدل وضع كل شيء موضعه»؛ «عدالت آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد».

یا «العدل اعطاء كل ذي حق حقه»؛ «عدالت آن است که حق هر صاحب حقی، داده شود».

مرحوم علامه طباطبائی معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می داند. بنابراین در تعریف آن می گویند: «به هر امری، آنچه سزاوارست بدهی، تا همه امور مساوی شود و هر کدام در جای خود که مستحق آن است قرار گیرد». (طباطبائی، ج ۱۲، ص ۲۷۶) شهید مطهری نیز، عدالت را رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حق به او تعریف می کند. (مطهری: ۱۷۲، صص ۵۹-۶۲)

فلاسفه غربی نیز بسته به دیدگاهی که دارند، برای عدالت تعاریف متفاوت و تا حدی متضاد ارائه کرده اند؛ برای مثال، برتراند راسل، معتقد است که عدالت، عبارت از هر چیزی است، که بیشتر مردم آن را عادل بدانند. (راسل: ۱۳۴۱، ص ۴۳) افلاطون نیز، عدالت را مادر همه فضایل اخلاقی می دانست. (مطهری: ۱۳۷۲، ص ۳۸)

همچنین عدالت در اسلام، همواره از موارد بحث برانگیز و جدی بوده است. تا جایی که یکی از اصول دین، در مکتب تشیع ارائه گردیده. در فلسفه نیز، عدل و عدالت از اساسی ترین مفاهیم در باب عقل عملی است؛ چراکه حکیمان با تقسیم عقل - به اعتبار مدارکش - به دو قسم عقل نظری و عقل عملی، بر این باورند که دامنه عقل عملی، محدود به چند مفهوم کلی، همچون: تحسین عدالت، علم، شجاعت و ناپسند شمردن ظلم است. (مظفر: ۱۳۷۲، ص ۲۲۲)

البته حق مطلب نیز این است؛ زیرا علم و شجاعت نیز، وقتی پسندیده اند که مطابق عدالت باشند؛ و گرنه علم، ویرانگر و شجاعت ظالمانه نیز کم نبوده و نیست. حتی مفهوم شریفی مانند: راستگویی وقتی تحسین برانگیز است که بر طبق عدالت باشد؛ و گرنه صداقتی که به ظلم و تباهی بیانجامد، ظلمی آشکار است که شایسته هیچ ستایش عاقلانه ای نخواهد بود. با این بیان می توان گفت که عدالت، مفهومی در عرض سایر مفاهیم اخلاقی نیست؛ بلکه اساساً، عدالت روشی است که می تواند سنگ

محک تمام ارزش‌های دیگر و سنگ بنای تمامی ابعاد زندگی انسانی باشد. بنابراین در برابری کلی می‌توان گفت که عدالت، فقط مشترکی لفظی در جوامع گوناگون و فرهنگ‌های متفاوت با معنایی جداگانه نیست؛ بلکه واژه‌ای جهان‌شمول و جهان‌گیر است که در هر مکتب و مرامی تعریف جداگانه‌ای دارد. شاید بتوان در بحثی کلی و چارت پیرامونی، عدالت را تبعیض نداشتن و رعایت مساوات، در اعطای حقوق به دارندگان اختصاصات متساوی، به حساب آورد. اگر این تعریف جهان‌شمول نباشد و تعریف واحدی از عدالت پذیرفته نشود، لااقل یکی از لوازم اصلی عدالت مطرح است. نکته‌ای که همراه با عدالت، بحث برانگیز است، واژه قسط است. کلمه قسط، در دیدگاه اسلام نیز، همان معنای کلمه عدل را داراست و تفاوت خاص و چندانی میان این دو وجود ندارد.

در نگاه بعضی از دین‌پژوهان، عدل، رعایت استحقاق قانونی هر فرد، در مقابل نقشی است که در اجتماع دارا می‌باشد. به عبارتی، اعطای حقوق، به اندازه قراردادهای بسته شده است. حال آنکه قسط، اعطا و رعایت حقوق واقعی فرد است که امکان دارد از میزان قرار دادی بیشتر و یا کمتر باشد. (شریعتی: بی تا، صص ۳۳۱-۳۳۲)

اهمیت عدالت در اسلام، تا به آنجاست که هیچ قانونی در نظام اسلام نیست؛ مگر اینکه از عدل سرچشمه گرفته است؛ بنابراین عدالت در اسلام، از اصولی است که تخصیص‌بردار نیست. (سبحانی، صص ۴۱۸-۴۱۹) در محتوایی کلی می‌توان گفت که از دید اسلام، نیاز به عدالت، دو جهت است؛ ۱. اینکه زندگی اجتماعی در بشر تکامل یافته نیست و این عدالت است که هم راه تکامل را هموار می‌کند و هم در نهایت، مقصود این تکامل است.

۲. از این جهت که رفتار بشر، تحت تأثیر خواسته‌های درونی او است و این خواسته‌ها، با رعایت حقوق دیگران تطابق ندارد؛ بلکه بیشتر در خلاف جهت آن است.

بنابراین بر این اساس است که در اسلام، کنترل فردی و اجتماعی را در راستای تحقق عدالت، از اهداف اساسی دین بر شمرده است. عدل به مفهوم اجتماعی‌اش، در قرآن هدف نبوت معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»؛ «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». (حدید: ۲۵)

همچنین، به مفهوم فردی‌اش معاد است: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ «ما ترازوی عدل را در روز قیامت بر پا می‌کنیم». (انبیاء ۴۷)

بنابراین، بر این اساس است که می‌گوییم: اقامه قسط و عدل در میان مردم، طبق بیان قرآن کریم، هدف بعثت انبیا بوده است و این هدف بزرگ، فقط با قدرت و حکومت به دست آمدنی است.



(حکیمی: ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۴۱۳) اصولاً در اسلام، عدالت مبتنی بر ایمان است. چنان که شهید مطهری، درباره رابطه میان ایمان و عدالت معتقد است. «ایمان به خداوند، زیر بنای اندیشه عدالت و حقوق ذاتی مردم است و بهترین ضامن اجرای عدالت ایمان می باشد.» (مطهری: ۱۳۵۴، ص ۱۲۴) اهمیت عدالت در اسلام، تا به آن حد است که بعضی عالمان دینی معتقدند: هیچ امری در اسلام نیست، مگر اینکه هدف آن، تحقق عدالت در حیات اجتماعی بشر است. (سبحانی، ص ۴۰۹) شهید مطهری در باب اهمیت عدالت در اسلام می گوید: «کلام اسلامی، بیش از هر چیزی به مسئله عدل پرداخت. برای فقه اسلامی، قبل از هر چیزی مسئله عدل مطرح شد و در جهان سیاست اسلامی، بیش از هر کلمه‌ای، کلمه عدل به گوش می خورد.» (مطهری: ۱۳۷۲، ص ۳۸)

تحقق عدالت اجتماعی را در حج می توان در ذبح‌هایی دانست که هر کدام از حجاج، طبق دستور شرع به عنوان قربانی یا کفاره ذبح می کنند و در راهی که معین شده است به مصرف می رسانند. ﴿فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾؛ «خودتان از قربانی‌ها بخورید و بینوای بی چیز را از آن بخورانید.» (حج: ۲۸)

دین اسلام، از هر فرصتی حداکثر استفاده را برای تأمین مقصود خود به کار می برد که از بین بردن فاصله طبقاتی و ایجاد اتحاد و همبستگی است. برنامه‌ریزی‌های اجتماعی اسلام، به گونه‌ای است که ثروتمندان را با تهی‌دستان ارتباط می دهد و میان آنان مهربانی برقرار می کند. بنابراین، علاوه بر این که به ثروتمندان دستور می دهد که برای از بین بردن شکاف طبقاتی از اموال خود انفاق کنند، در روز عید قربان بر کسانی که در منی هستند واجب و بر کسانی که در جاهای دیگرند مستحب مؤکد گردانید که قربانی کنند. تا نیازمندان و مستمندان از گوشت آن بهره‌مند شوند. (شهید ثانی، ج ۱، ص ۲۳۸)

چنان که در قرآن مجید، در چند مورد تذکر داده شده: ﴿وَأَطْعُمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ \* وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾.

هر ساله در موسم حج، میلیون‌ها رأس گوسفند، گاو، و شتر ذبح می شود. اگر زمامداران مسلمانان بخواهند، می توانند با برنامه‌ریزی صحیح از این همه ذبیحه به گونه شایسته‌ای به نفع مستضعفان استفاده کنند و نگذارند که هر سال، این ثروت عظیم نابود و زیر خاک‌ها مدفون شود. نظر اسلام این است که مسلمانان مستضعف، از گوشت‌های قربانی استفاده ببرند تا توسعه و گشایش در زندگی ایشان به وجود آید؛ زمان پیغمبر ﷺ و در صدر اسلام، تعداد حجاج زیاد نبود و آنچه از حیوانات به عنوان هدیه و کفاره ذبح می شد، به مصرف می رسید و مردم از آنها بهره‌مند می شدند و چنین نبود که به اسراف و تبذیر منجر شود؛ اما در عصر ما مشاهده می کنیم که مسافرت، به سهولت انجام می شود و جمعیت مسلمانان هم افزایش یافته است. چون چهارپایانی که در مراسم حج ذبح می کنند، فراوان است بدون این که استفاده شود، در مذبح رها می شوند. آن گاه برای این که عفونت فضا را فرا نگیرد و موجب



بیماری نشود، آنها را زیر خاک دفن می‌کنند. واضح است که این کار اسراف و مخالف دستور قرآن و شرع مبین می‌باشد. محمد بن مسلم، در این زمینه از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل کرده است. «سألته عن اخراج لحوم الاضاحي من مني فقال كنا نقول لا يخرج منها شيء لحاجة الناس اليه و اما اليوم فقد كثر الناس فلا بأس باخراجه». از آن حضرت پرسیدم که آیا می‌توانند گوشت‌های قربانی را از منی بیرون ببرند و در جای دیگری به مصرف برسانند؟ فرمود: چون در زمان سابق، مردم به آنها احتیاج داشتند (و مردم مکه و اطراف مکه از آن استفاده می‌کردند) بردن آنها به جای دیگر جایز نبود؛ اما اکنون که جمعیت حجاج فراوان شده است، (و گوشت از میزان مصرف مردم مکه و نواحی آن بیشتر است) اشکالی ندارد که به خارج از مکه و منی حمل شود (و به مصرف مستمندان برسد). (کلینی: ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵۶۱)

بنابراین از این حیث هم می‌توان نتیجه گرفت که فلسفه قربانی در حج، تحقق عدالت اجتماعی است که از ارکان اصلی توسعه اقتصادی مطلوب اسلام است.

#### د) نقش حج در تحقق اشتغال با محوریت گردشگری

##### یک - اهمیت گردشگری

امروزه گردشگری از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجاد اشتغال در دنیا مطرح است؛ به طوری که پس از نفت و معدن دومین صنعت محسوب می‌شود. گردشگری، رو به رشدترین صنعت اشتغال‌زا در دنیا و در حال تبدیل شدن به رکنی اصلی از اقتصاد تجاری جهان است. از این روست که امروزه، جهانگردی گسترده‌ترین صنعت خدماتی دنیاست و جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. (فقیهی: ۱۳۸۲، ص ۱۴۲)

بدون تردید، گردشگری پدیده قرن بیستم است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ بلکه بایستی به آن مانند پدیده‌ای جذاب نگریم. از این روست که رشد روزافزون و شتابنده گردشگری، موجب شده است که بسیاری از صاحب‌نظران، قرن بیستم را قرن گردشگری بنامند.

در دهه ۱۹۹۰، گردشگری به عنوان بخش مهمی از برنامه‌ریزی در سیاست‌گذاری‌های اروپا قرار گرفت. این امر تا آنجا پیش رفت که براساس گزارش کمیسیون اروپا در سال ۱۹۹۲، گردشگری ۵/۵ درصد درآمدهای جامعه اروپا را به خود اختصاص داده است و ۷/۵ میلیون نفر کارگر، تمام وقت و ۱۰ میلیون نفر، به جای شغل دوم، به فعالیت در این بخش اشتغال داشته‌اند. بدون تردید، ویژگی فرا ملیتی بعضی از مشاغل گردشگری، موجب توسعه شبکه سیاست‌گذاری وسیع اروپا شده است. این امر تا آنجا پیش رفت که نگرانی از ابعاد اجتماعی، فقر و اشتغال به‌خصوص در نواحی که سود دهی

ندارند، امیدهایی را برای کاربرد گردشگری مانند ابزاری برای تولید اشتغال و توسعه اقتصادی در سطوح ناحیه‌ای به وجود آورد. بنابراین با توجه به جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران، گردشگری می‌تواند منبع درآمد بسیار خوب و مطمئنی برای کشور باشد و پرداختن مناسب به این صنعت، می‌تواند باعث جایگزینی کامل آن با صادرات نفت شود.

به نظر متولیان امور، در قرن بیست و یکم، انقلابی در گردشگری رخ می‌دهد. انقلابی که امواج آن در اقصی نقاط جهان اثرگذار خواهد بود. (سازمان جهانی جهانگردی: ۱۳۸۰)

آنچه لازم است مدیران جهانگردی بدانند، این است که دبیرکل سازمان پیشین جهانگردی، در سال ۱۹۹۸ نیز، اعلام کرد که جهانگردی، در پایان قرن حاضر، به صنعت شماره یک جهان تبدیل می‌شود. (گی: ۱۳۸۲، ص ۱۶)، (آنتونیو ساویگناک، ص ۹)

در حال حاضر این سخن تا حد فراوانی به اثبات رسیده است. تا جایی که گردشگری در سراسر دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار مورد توجه واقع شده است؛ زیرا شکل دیگر اقتصادی مانند تولید و استخراج منابع طبیعی، به صرفه نیست. از این روست که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه نیز، از گردشگری، به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند.

#### دو- مفهوم گردشگری

در قاموس امروز زبان فارسی، جهانگردی به جای واژه توریسم نشسته است. این واژه، از کلمه تور گرفته شده است که ریشه لاتینی (Tournare) دارد و در اصل به معنای ترجمه کردن، غلتانیدن، عوض کردن جهت و برعکس کردن به کار می‌رود؛ ولی در اصطلاح امروز جهان، توریسم با شرط برگشت به محل اقامت و سکونت، به گردش‌های کوتاه یا بلندمدت گفته می‌شود. سازمان جهانی جهانگردی (W.T.O) در تعریف جهانگردی می‌گوید:

«جهانگرد کسی است که بیش از ۲۴ ساعت، به قصدی غیر از کار، در جایی خارج از موطن خود به سر می‌برد».

بنابراین در تبیین مفهوم جهانگردی یا صنعت گردشگری، می‌توان گفت که به مجموعه‌ای از عناصر و پدیده‌های طبیعی و انسانی و فعالیت‌های مرتبط به آنها و ساختار فضایی آنها، که شرایط جابه‌جایی و گردشگری انسان‌ها را فراهم می‌آورد، صنعت جهانگردی می‌گویند.

#### سه - گردشگری از دیدگاه اسلام

فرهنگ را می‌توان پدیده‌ای اجتماعی با کارکردها و قابلیت‌هایی برای حفظ و بازتولید نظام اجتماعی دانست. از این رو، صاحب نظران معتقدند که در نظام اجتماعی حیات یک فرهنگ نیز، تا

حد فراوانی به کار کرده‌های آن در تأمین نیازهای نظام اجتماعی برمی‌گردد. فرهنگ، برای آنکه به حاشیه رانده نشود و راه توسعه و تکامل پوید، چاره‌ای ندارد جز اینکه به تولید و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی خود بپردازد. از این طریق، به احیا و توسعه الگوهای فرهنگی کمک می‌کند. یکی از راه‌های توسعه و تکامل تعاملات فرهنگی، توسعه جهانگردی است.

با بررسی و مطالعه تاریخ هر کشور، می‌توان دریافت که اشکال گردشگری، در هر دوره تاریخی آن کشور، چشم‌اندازهای متفاوتی از فضاها و فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است؛ هر چند که امروزه، متأسفانه، بنا به دلایل متعدد، نقش جهانگردی در تحول و تکامل فرهنگی کشورهای اسلامی چندان چشم‌گیر نبوده است؛ به این علت که ساخت نظام فرهنگی کشورهای اسلامی، بیشتر تحت تأثیر فرهنگ سوسیالیسم، سرمایه‌داری یا غربی قرار گرفته است و کمتر از فرهنگ پر مایه اسلامی بهره‌مند شده‌اند.

در کل، سیر و سفر و برقراری روابط فرهنگی از طریق جهانگردی، موجب می‌شود که تکامل فرهنگی انسان از بعد مادی و معنوی توسعه یابد. خلاصه، در تمام آیین‌ها و کتب ادیان الهی، از راه‌های مهم توسعه فرهنگی، هدایت و رستگاری انسان‌ها، سیر و سیاحت و پند آموزی از نشانه‌های خداوند است.

در کل، ادیان بزرگ الهی، به‌ویژه اسلام و مسیحیت که از ریشه‌ای واحد سرچشمه می‌گیرند، در طول تاریخ حیات خود، همواره از طریق جهانگردی به یکدیگر کمک کرده‌اند و زمینه‌های مساعد نوآوری و شکوفایی فرهنگی را برای پیشرفت و خود مهیا ساخته‌اند. از مهم‌ترین عوامل این همگرایی‌ها و توسعه فرهنگی را می‌توان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب جهانگردی جست‌وجو کرد.

در قرآن و احادیث اسلامی، بر سیر در جهان هستی، به منظور کسب معرفت، تجربه، خودسازی، تعالی و تکامل انسان، بسیار تأکید شده است. از جمله آثار مثبت جهانگردی که در اسلام به آن توجه و تأکید شده است، می‌توان به تحصیل علم، سلامتی و نشاط جسم و روح، کسب تجربه، آشنایی با فرهنگ ملت‌ها و تبادل اطلاعات، تفکر در نعمت‌های الهی، اصلاح آداب و رسوم، عاقبت بدکاران و... اشاره کرد. از این رو، در آیات متعددی در قرآن مجید به سیر و سفر و تشویق به جهانگردی امر شده است.

در واقع قرآن کریم، جهان را مکتب، کتابی آموزنده و آینه عبرت معرفی می‌کند. بنابراین نه فقط جهانگردی را منع نمی‌کند، بلکه در آیات متعدد به سیر و سفر سفارش می‌کند و می‌فرماید: در روی زمین سفر کنید و به آثار گذشتگان بنگرید. ویرانه‌های باقیمانده از پیشینیان را با چشم بصیرت و عبرت‌اندوز ببینید. در سرگذشت صالحان و ساکنان آبادی‌هایی که اینک ویران، متروک، بی‌صاحب



مانده و یا مسکن دیگران شده است، تفحص کنید تا ناپایداری دنیا بر شما بیشتر ثابت شود، و فریب قدرت، ثروت، مقام و توانایی‌های جسمی، علمی و مالی خود را نخورید و بدانید که هرچه دارید (جز مقام‌های معنوی) در معرض نابودی است. (نمل: ۵۲؛ حج: ۴۶؛ روم: ۹ و مؤمن: ۸۲) در کل می‌توان گفت که در فرهنگ اسلامی سیر و سیاحت و گشت و گذار در جهان، جایگاه ویژه دارد و از سنت‌های ستوده شمرده می‌شود. گشت و گذار در زمین، دیدار از طبیعت و آشنایی با جلوه‌های گوناگون فرهنگی ملت‌ها، منبع شناخت بیشتر انسان‌ها از آفریدگار و آفریده‌هاست امر به سفر کردن، در چندین آیه از قرآن به روشنی بیان و توصیه شده است که می‌بایست با اندیشه باشد و در آن تفکر و تعمق شود؛ یعنی در این کار گرایش فرهنگی بر جنبه‌های دیگر غلبه دارد. آیه‌های آفاقی، از منابع شناخت انسان‌هاست که شناخت آنها، جز با گشتن، دیدن و اندیشیدن میسر نخواهد شد. در سوره‌هایی از جمله سوره عنکبوت: ۲۰ و سوره انعام: ۱۱؛ حجرات: ۱۳؛ روم: ۳۰، برای شناخت جهان و اوضاع و احوال ملل به سیر و سفر سفارش شده است.

منزلت سیاحت و گردش تا به آنجاست که در حدیث شریف نبوی بیان شده است که مسافرت، اندوه در دور می‌کند و موجب شادابی و انبساط خاطر می‌شود. (صدوق: ۱۳۶۳، ص ۱۶۵) امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«انسان در مسافرت، با آداب و رسوم و فرهنگ‌های گوناگونی آشنا می‌شود و می‌تواند با مقایسه آنها با آداب و رسوم خود، بهترین را انتخاب کند. از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمایل‌های دل را از راه‌های مشروع بر آورید. مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافت‌تان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروری نشوید. تفریح و سرگرمی‌های لذت بخش، ما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن، در امور دنیای خویش موفق‌تر خواهیم شد.» (آمدی تمیمی، ص ۲۴۵)

در کیمیای سعادت آمده است که مسافرت، بر علم و دانش، اطلاعات و تجربیات انسان می‌افزاید و معرفت و شناخت بیشتری به او می‌دهد. (غزالی: ۱۳۵۴، ص ۲۴۶) سعدی شیرازی در این باره بیان داشته است:

سفر سوهان مرد است ای خردمند      ندارد مرد عاقل پسای دربند

ظهور اسلام در جهان و تأکیدهای فراوانی که این آیین بر پدیده گردشگری دارد، سبب شده است که در طول تاریخ، شاهد توسعه راه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی، احداث کاروان‌سراها و فضاهای عمومی، برای گردشگران در جهان اسلام باشیم. حاکمان اسلامی، برای حمایت و برخورداری مسافران از امنیت و آرامش کافی، حقوق ویژه‌ای برای جهانگردان در سرزمین‌های اسلامی تدوین می‌کردند که در کلیه سفرنامه‌های جهانگردان، به آن اشاره شده است. (مشیری: ۱۳۸۳، صص ۱۲۰-۱۲۷)

بنابراین، جهانگردی آثار معنوی و اجتماعی بسیاری، در تکامل و تعالی انسان و گسترش فرهنگ قرآنی دارد. جهانگردی در جهان هستی، به‌ویژه میان جوامع اسلامی، عامل خدانشناسی و تهذیب اخلاق می‌شود. هر جهانگردی، با بررسی و سیر در احوال بزرگان علم و اخلاق و چهره‌های پرفروغ جوامع و مشاهده آثار و نشانه‌های به جای مانده از آنها، ایمان و اعتقاد راسخ‌تری پیدا می‌کند. از راه‌های پیشرفت علمی و معنوی جوامع بشری، سیر و سیاحت در احوال جوامع و پدیده‌های طبیعی و انسانی است. جهانگردی، اسباب و زمینه لازم پندآموزی همه جانبه، از آثار الهی و ارزش‌های معنوی جوامع را فراهم می‌آورد. به‌طوری‌که ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام، به اشکال گوناگون و مکرر به سفر، جهانگردی و فضایل آن تأکید کرده‌اند. شاید بتوان راز تأکیدات اسلام در این زمینه را در این عبارت خلاصه کرد که از طریق مسافرت، بهتر و سریع‌تر به تجارب با ارزش دست می‌یابید و امکانات زندگی بهتر و نیکوتر فراهم می‌شود.

#### چهار- نقش گردشگری در توسعه اقتصادی

بدون تردید، از راه‌های هرچه بیشتر توسعه و تکامل، فعالیت‌ها و پرورش شیوه‌های تولیدی دنیای صنعتی، جهانگردی است. به همین دلیل، گردشگری را صنعت می‌دانند. (تولایی: ۱۳۸۶، صص ۱۸-۲۶)

جهانگردی، عامل رشد و گسترش مشاغل کوچک، درآمدزایی، تولید ناخالص ملی، کاهش ناموزونی‌های منطقه‌ای و در نهایت پیدایش تنوع و تحول اقتصادی است. بدون تردید، از مهم‌ترین دلایل توجه دولت‌ها به این صنعت، اثرات اقتصادی آن در توسعه و رشد ملی می‌باشد. این صنعت، ضمن ایجاد رشته فعالیت‌های جدید در جامعه، موجب فعال شدن سایر بخش‌های اقتصادی نیز می‌شود و می‌تواند در برقراری موازنه ارزی نیز، اثرات سازنده‌ای داشته باشد.

از این‌رو، بسیاری از کشورها، این صنعت پویا را منبع اصلی درآمد، اشتغال‌زایی، رشد بخش خصوصی و توسعه ساختار زیربنایی می‌دانند. این صنعت، نقش و اهمیت به‌سزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها به‌ویژه ممالک در حال توسعه دارد؛ به‌طوری‌که گروهی، به گردشگری به‌صورت فعالیتی اقتصادی و در نتیجه یک صنعت می‌نگرند. بررسی عرضه و تقاضا، در زمینه امکانات اقامتی، پذیرایی و خدمات جانبی، برای کسانی است که خارج از منزل، به‌منظور بهره‌گیری از لذت‌های گردشگری به سر می‌برند.

بنابراین کشورها، ناحیه‌ها و جوامع، برای این که از صنعت و گردشگری بهره‌مند شوند و از آن مانند اهرمی، برای توسعه استفاده کنند، بایستی برنامه‌ای را به اجرا درآورند و تغییراتی را در این زمینه ایجاد کنند. از این‌رو، بسیاری از محققان اقتصادی، جهانگردی را بزرگ‌ترین و پر رونق‌ترین فعالیت جهان،



برای حال و آینده معرفی کرده‌اند. بنابراین، انتظار می‌رود که در قرن بیست و یکم، این صنعت از نظر درآمدزایی و توسعه فرهنگی، پیش‌تاز همه فعالیت‌های فرهنگی باشد. به بیانی دیگر، جهانگردی از پایه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی است.

امروزه این امر، تا به آنجا پیش می‌رود که از دیدگاه اقتصادی، ثابت شده است که در بعضی از کشورها، سهم جهانگردی در تولید ناخالص ملی ۷۰٪ از درآمد آن کشور است. براساس اطلاعات سازمان جهانگردی جهانی، بیشترین میزان درآمد حاصل از صنعت جهانگردی را کشورهای اسپانیا و امریکا کسب می‌کنند. به طوری که درآمد ارزی سالانه کشور امریکا، رقمی بیش از ۶۴/۳ میلیارد دلار است. (شیرمحمدی: ۱۳۷۷، ص ۱۴).

این امر تا آنجا گسترده می‌شود که براساس اطلاعات سازمان جهانگردی جهانی، سهم درآمد ارزی کشور امریکا، از کل درآمد ارزی حاصل از جهانگردی، بیش از ۸ درصد درآمد جهانگردی جهان است و مجموع کشورهای امریکای شمالی، حدود ۱۷ درصد از سهم ورود جهانگرد بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهند.

در عین حال، شاهد هستیم که براساس آمار سال ۲۰۰۵م سازمان جهانگردی جهانی (WTO)، کشورهای خاورمیانه و از جمله کشورهای اسلامی، حدود ۵ درصد از گردشگر بین‌المللی را به خود اختصاص دادند. در حالی که اروپا، با بیش از ۶۰ درصد سهم بازار ورود جهانگرد بین‌المللی، بیشترین سهم جهانگرد جهان را به خود اختصاص داده است.

بنابراین بایستی کشورهای اسلامی، برای توسعه اقتصادی و فرهنگی، موانع جهانگردی را از میان بردارند و از مواهب مادی و معنوی گردشگری بیشتر بهره‌مند شوند. شاید بتوان از مهم‌ترین عوامل جذب جهانگرد به کشورهای اروپایی، به مواردی چون توسعه زیرساخت‌های جهانگردی از جمله وسایل حمل و نقل ایمن و راحت، قوانین و مقررات مناسب، آزادی، امنیت و رفاه بیشتر در این کشورها و توسعه خدمات و تولید کالاهای صنعتی مرغوب و متنوع. (محلای: ۱۳۸۰، صص ۴۳)

برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب گردشگری، در تنوع و غنا بخشیدن به اقتصاد محلی و ملی کشورها بسیار تأثیرگذار است. در فرایندی کلی می‌توان بیان کرد که گردشگری، تأثیر فراوانی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور می‌گذارد. گردشگری، اشتغال ایجاد می‌کند، سرمایه‌های اقتصادی را به جریان می‌اندازد و به دنبال افزایش تقاضا برای سفر به داخل کشور، امنیت داخلی را افزایش می‌دهد و به مشروعیت سیاسی در سطح بین‌المللی می‌انجامد. امروزه با این رویکرد، سفر نه اسباب تفریح و سرگرمی که به تدریج، به ابزار شناخت و آگاهی زندگی مردمان، تفاهم با دیگران و فراتر از آن، به شناخت جهان پیرامون، حقایق آن و غنای بینش و نگرش آدمیان به مفاهیم زندگی‌شان تبدیل

شده است.

ایران امروز، بیش از هر زمان دیگری، با دشواری اشتغال دست به گریبان است. بهای روزافزون نفت، اقتصاد کشور را بیش از پیش، متکی به خود کرده است و سیاست‌گذاران، بیش از هر زمان دیگری، به دنبال راه‌حلی خارج از الگوهای پیشین هستند. گردشگری، به مثابه نظامی پیچیده، با ابعاد بزرگ می‌تواند راه بیرون رفتن از این تنگنا باشد. به همین جهت، بایستی آن را از تمامی جنبه‌های ممکن، بررسی و مطالعه کرد. در این تحقیق، بررسی سیاست‌های دولت، حول چهار محور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی انجام گرفته است.

#### پنج - نقش رابطه متقابل، میان گردشگری و حج

بدون تردید حج، ماسوای بعد دینی و معنوی آن از مهم‌ترین پدیده‌های گردشگری در جهان اسلام محسوب می‌شود. حج با دارا بودن جاذبه‌های تاریخی منحصر به فرد خود، پذیرای هزاران زائر است که از اقصی نقاط جهان، برای انجام فرایض دینی به آن روی می‌کنند. حج، از دو جهت با صنعت توریسم در ارتباط است.

۱. محیط آن مانند اماکن معنوی و دینی، محل مراجعه زائران فراوانی است؛

۲. تولیدات آنها اعم از مواد خوراکی و صنایع دستی، به زائران عرضه می‌شود و از این طریق، به اقتصاد معیشتی آنها کمک می‌کند.

از این رو حج، با توجه به جاذبه‌هایی که دارد، از استعداد فراوانی برای جذب گردشگران برخوردار است. استفاده بهینه از آنها و تجربیات موجود در خصوص گردشگری، می‌تواند سبب کاهش بیکاری و در نتیجه کاهش فقر در جهان اسلام شود و زمینه بهبود این شاخص‌ها را در منطقه ایجاد کند.

حج، از لحاظ پتانسیل کلی جهانگردی، دارای این ظرفیت است که اقتصاد محدود خود را به اقتصادی متنوع، با بهره‌گیری از اشتغالات موجود در بخش گردشگری و صنایع وابسته به آن تبدیل کند. با توجه به این که تعداد چشمگیری عناصر مهم جذب گردشگر، مانند آثار معنوی و باستانی، آداب و سنن اجتماعی و...، زمینه‌های مناسبی برای توسعه فعالیت‌های گردشگری در مقوله حج موجود می‌باشد. اگر به حج ما سوای بعد دینی آن، راهبردی برای ایجاد تحول اقتصادی در جهان اسلام نگریسته شود و بر زمینه‌های مستعد و قابل پیشرفت آن به سمت تولید و توسعه اشتغال، به قدر کافی تحقیق و مطالعه شود، در صورت بهره‌برداری مقتضی از آن، با صنعت نفت جهان اسلام برابری خواهد کرد. از این رو، صنعت گردشگری بر مبنای حج، زمینه رشد فوق‌العاده‌ای در جهان اسلام دارد.



### شش - نقش گردشگری مرتبط با حج، در راستای تحقق اشتغال مفید و سازنده

بیکاری، از اصلی‌ترین علل فقر و نبود درآمد در جهان اسلام است. بنابراین، ایجاد شغل و درآمد در این زمینه، امری ضروری است. همان‌طوری که اشاره کردیم، صنعت توریسم، - بزرگترین صنعت در جهان امروزی است - فرصت‌های شغلی بسیار مهیج و رقابتی عرضه می‌کند. صاحب‌نظران متعددی درباره گردشگری، نظریه‌هایی را مطرح کرده‌اند که در اینجا، به برخی از آنها اشاره می‌شود، لی (Lea) در مورد تأثیرات اقتصادی گردشگری، معتقد است که گردشگری، باعث افزایش درآمد ملی و تولید ناخالص ملی می‌شود. همچنین وی، گردشگری را منبع درآمدی برای دولت می‌داند و اعتقاد دارد که این صنعت، به بهبود خدمات اجتماعی منجر می‌شود. (لی: ۱۳۷۸، صص ۵۴ - ۵۵) لاندبرگ، (Lundberg)، در این زمینه بیان می‌دارد که مطابق نظر سازمان جهانی گردشگری، وابسته به سازمان ملل گردشگری، بزرگ‌ترین صنعت فعال در جهان است. تولید ناخالص گردشگری و مسافرت در سال ۱۹۹۳، تقریباً معادل ۳/۲ تریلیون دلار، یعنی حدود ۶ درصد محصول ناخالص ملی (GNP) در جهان برآورد شده است، این رشد، تقریباً دو برابر GNP در سطح جهان دارد. در سرتاسر جهان، ۱۲۷ میلیون نفر مشغول فعالیت در این صنعت هستند. گردشگری، از صنایع بزرگ شغل آفرین است. در ازای هر میلیون دلار، درآمد تولیدشده در این صنعت، بیست هزار شغل جدید ایجاد می‌شود. (کوپر و همکاران: ۱۳۸۰، ص ۳)

کوپر (Kuper)، در خصوص ارتباط جهانگردی و اشتغال معتقد است که جهانگردی، از آنجایی که در بر دارنده تنوع وسیعی از بخش‌های صنعتی است، تخمین تعداد کارکنان مربوط به این بخش، بسیار مشکل ساز است. وی صریحاً بیان می‌دارد که ماهیت اشتغال در صنعت جهانگردی، همراه با گسترش متنوعی از پیوستگی میان بخش‌های جهانگردی و دیگر بخش‌های اقتصادی نیز مشکل حقیقی مربوط به ارزش و اهمیت جهانگردی را دوچندان کرده است. او در ادامه می‌گوید: احتمالاً فعالیت جهانگردی بین‌المللی، محتوای غنی‌تری نسبت به فعالیت جهانگردی داخلی دارد. (همان، صص ۱۹۹ - ۲۰۰)

بول (Bol) معتقد است اگر جهانگردی داخلی، در مناطق متعدد پراکنده شده باشد، موجب توزیع مجدد درآمد و اشتغال خواهد شد. وی، بیان می‌دارد که میزان تراکم یا تمرکز جهانگردی داخلی، در مناطق محاسبه می‌شود و تمرکز شدید آن در چند منطقه خاص، مازاد تقاضا در این مناطق و افزایش قیمت‌ها را پدید می‌آورد و از مقصدها، عملاً ممکن است درآمد واقعی را کاهش دهد. اگر در آغاز مقصدها، دچار اشتغال ناقص و نسبتاً کم درآمد باشند، جهانگردی اشتغال ایجاد خواهد کرد و بسته به ساختار بازار کار، می‌تواند بر درآمدها بیفزاید. این به معنای آن است که مخارج دولت. می‌تواند کاهش یابد؛ زیرا پرداخت ایام بیکاری کمتر شده است.



درآمد مالیاتی می‌تواند از محل درآمدهای جدید افزایش یابد؛ البته میزان این افزایش، به نرخ‌های مالیاتی و هزینه فرصت مخارج جهانگردان بستگی دارد. شاید این گونه میل نهایی به پس‌انداز، اندکی کاهش یابد؛ زیرا مخارج جهانگردان، درآمد را به افراد کم درآمد منتقل می‌کند که به فرض، ثابت بودن سایر شرایط، میل به مصرف بیشتری دارند. (بول، صص ۲۰۳ - ۲۰۴)

برگ در زمینه نقش گردشگری در اشتغال می‌نویسد: اگر منطقه بررسی شده، جهت توسعه گردشگری، دارای میزان بیکاری فراوانی باشد، مزایای گردشگری آشکارتر خواهد شد؛ چراکه درآمد حاصل از گردشگری، هر چند ممکن است از درآمد به دست آمده از سایر منابع کمتر باشد، اما بهترین گزینه ممکن در شرایط موجود خواهد بود. از دیدگاه او، افزایش درآمدهای مالیاتی، بیکاری را کاهش داده و بر کیفیت زندگی شهروندان خواهد افزود. تحت چنین شرایطی، هزینه فرصت گردشگری ممکن است اندک و یا حتی صفر باشد. (کوپر و همکاران: ۱۳۸۰، ص ۸۶)

همچنین برگ معتقد است که هواداران گردشگری، منافع اقتصادی حاصل از آن را در بیان ساده، این گونه مطرح می‌کنند: در یکی از مطالعات انجام شده اخیر، در مورد آثار اقتصادی گردشگری در مکزیک، نشان داده شده که در ازای ۸۰۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری در گردشگری، ۴۱ شغل ایجاد می‌شود؛ یعنی دو شغل بیش از همان میزان سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و ۲۶ شغل بیش از سرمایه‌گذاری در تولید محصولات فلزی. در بریتانیا هم برآورد شده است که در ازای هر ۱۰۰ شغلی که مستقیماً به واسطه گردشگری ایجاد می‌شود، سه الی چهار شغل، به‌طور غیرمستقیم ایجاد می‌گردد. (همان، ۲۶۲ - ۲۶۳)

گی (Gee) در مورد اثرات جهانگردی در اشتغال معتقد است که اهمیت صنعت جهانگردی، از نظر ایجاد درآمد و شغل، مورد توجه کسانی قرار نمی‌گیرد که با نیروی کار این رشته آشنا نیستند. با وجود این، منابع انسانی، از مسئله‌هایی است که بایستی دست‌اندرکاران صنعت جهانگردی، به آن توجه کنند. وی بیان می‌دارد که طبق آمار و پیش‌بینی‌های سازمان جهانی جهانگردی در سال ۲۰۰۵، مشاغل که به وسیله این صنعت ایجاد می‌شود، به میزان ۵۹ درصد، رشد می‌یابد. شورای جهانگردی و مسافرت، برآورد کرده است که از هر نه نفر کارگر و کارمند در سراسر دنیا، یک نفر در صنعت جهانگردی به کار مشغول است. تعداد این افراد در سراسر دنیا، به ۲۱۲ میلیون نفر می‌رسد. از دیدگاه او این صنعت، بزرگ‌ترین سازمان یا نهادی است که نیروی انسانی به کار می‌گیرد. از این رو، در بسیاری از این کشورها، این صنعت به صورت بزرگترین کارفرما درآمده است. این صنعت، علاوه بر ایجاد میلیون‌ها شغل در سراسر دنیا، در سال ۱۹۹۴، بیش از ۱/۷ میلیون دلار دستمزد و حقوق پرداخت کرده است؛ یعنی مبلغی برابر با ۱۰/۳ درصد کل دستمزدها و حقوق کارکنان در سراسر دنیا. نباید به اشتباه چنین اندیشید که صنعت مزبور، دستمزدهای اندکی می‌پردازد و افرادی را استخدام می‌کند که از مهارت پایینی برخوردارند؛ زیرا چنین اندیشه‌ای موجب می‌شود تا اثراتی نادیده گرفته شود که این صنعت، در



سراسر دنیا بر حقوق و دستمزدها می‌گذارد. در واقع، بسیاری از بخش‌های این صنعت، به افراد مدیر، متخصص، آزموده و تحصیل کرده نیاز دارد و میزان دستمزد براساس میزان تخصص و مهارت و دانش فرد تعیین می‌شود. در بسیاری از موارد، صنعت جهانگردی در پرداخت دستمزد با سایر صنایعی به رقابت برمی‌خیزد که از فناوری پیشرفته استفاده می‌کنند. (گی: ۱۳۸۲، صص ۲۶۴-۲۶۵).

نگاهی به آمار و ارقام، نشان می‌دهد که در دهه گذشته، در ایالت‌های متحده، نرخ رشد اشتغال این صنعت، در مقایسه با سایر صنایع دوبرابر بوده است و انتظار می‌رود که این روند در ایالات متحده و سراسر جهان ادامه یابد. از گردشگری منبعی اشتغال‌زا نام می‌برد و در این مورد معتقد است که اثر مخارج گردشگری بر اشتغال‌زایی نیز، به‌طور گسترده در متون اقتصادی بحث می‌شود؛ اما فقط به پاسخگویی برخی از پرسش‌های اساسی محدود شده است. به‌طور کلی، سه نوع اشتغال‌شناسایی شده است که عبارتند از:

۱. اشتغال مستقیم، حاصل از هزینه‌های انجام شده برای تسهیلات گردشگری، نظیر هتل‌ها؛
۲. اشتغال غیرمستقیم در بخش بازرگانی، متأثر از گردشگری به شیوه‌ای ثانویه نظیر حمل و نقل محلی، صنایع دستی و بانک‌ها؛
۳. اشتغال تشویقی که ناشی از خرج کردن پولی است که ساکنان محلی، از درآمدهای توریستی خود به‌دست می‌آورند. (لی، جان: ۱۳۷۸، صص ۶۴-۶۷)

از این رو، می‌توان گفت که صنعت گردشگری مرتبط با حج، به ما فرصت‌های فراوانی را برای تحقق اشتغال خواهد داد؛ چراکه در کلیت امر جاذبه‌های گردشگری که در این زمینه وجود دارد، با سرمایه‌گذاری و تخصیص تسهیلات مناسب، قادریم مشکل اشتغال و فقر را در جهان اسلام رفع کنیم و سایر شاخص‌های توسعه پایدار ملی را بالا ببریم. حمایت از نوآوری‌های تکنولوژیکی و حمایت از توسعه منابع انسانی، همراه با افزایش بهره‌وری و کارآفرینی نیروی انسانی، از اهداف عمده ایجاد و توسعه نقش صنعت گردشگری مرتبط با حج، در راستای تحقق اشتغال مفید و سازنده است.

بدون تردید، توسعه اشتغال‌های گردشگری، برای ایجاد شغل و حرفه، نقش صنعت گردشگری مرتبط با حج، در راستای تحقق اشتغال مفید و سازنده، تفکری نو بوده است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جهان اسلام، به ارزش آن در اشتغال‌زایی پی برده‌اند؛ اما نداشتن اقدامات زیرساختی لازم، تاکنون از توسعه و راهبری شدن آن جلوگیری کرده است. برای توسعه اقتصادی در جهان اسلام، نقش صنعت گردشگری مرتبط با حج، در راستای تحقق اشتغال مفید و سازنده، به‌منزله راهبردی‌ترین شیوه، مناسب‌ترین گزینه خواهد بود. شاید به نظر برسد که مشاغل این صنعت، چندان تخصصی و پر درآمد نیستند؛ اما منافع بسیاری نشان داده که این صنعت، نصیب مناطق ویژه گردشگری در دنیا شده که مزایای بسیاری برای شاغلان این بخش داشته است. زائران برای اقامت، خرید کالاها

محلی و خدمات پول پرداخت می‌کنند تا صنایع دستی مرتبط به اقصی نقاط جهان اسلام را به دست خواهند آورد. از این ثبات، شغلی و درآمدی به وجود خواهد آمد که به سرعت گردش پول کمک می‌کند. این درآمدها، در فعالیت‌های محلی جریان یافته است و منجر به کسب درآمد در سطحی کلی‌تر می‌شود. این امر، انگیزه به سرمایه‌گذاری در این صنعت را بیشتر می‌کند و در پیشبرد این طرح‌ها اثر بخش است، همکاری نزدیک جوامع روستایی و مسئولین است.

نقش صنعت گردشگری مرتبط با حج، در راستای تحقق اشتغال مفید و سازنده، در واقع راهکاری جهت حل معضل بیکاری در جهان اسلام و تسهیل روند توسعه در کشورهای اسلامی است. احترام و اعتماد به توانایی‌های افراد بومی، در اجرای طرح‌های گردشگری و جذب سرمایه و درآمد در این مناطق، موجب می‌شود که جمعیت فعال، در جهان اسلام و نه فقط عربستان سعودی قادر باشند بهره‌مقنضی از این اقتصاد را برده و پایه‌های پایداری این فعالیت را تقویت کنند.

باید توجه داشت که توسعه پایدار گردشگری، از طریق بیشتر شدن بازدهی در اجتماعی محلی و از طریق کاهش اثرات محیطی و فرهنگی و نیز، از طریق افزایش کیفیت تجارب گردشگران حاصل می‌شود. موارد دیگری که تأثیر دارد، شامل ارتقاء فرهنگ اجتماعی و محیطی؛ بیشتر شدن امنیت و سلامتی توسعه پایدار اقتصادی؛ اشتغال‌زایی؛ سرمایه‌گذاری؛ ارزش افزوده و بیشتر شدن فرهنگ در بازارهای هدف است.

جهت پایداری اشتغال، در بخش گردشگری مرتبط با حج موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تنوع بخشی به فعالیت‌های جانبی بخش گردشگری؛ همانند تأسیس صنایع کوچک مقیاس؛
۲. برقراری ارتباط میان توسعه محلی تولیدات جهان اسلام با زائران در ایام حج؛
۳. فراهم آوردن زمینه‌های لازم، جهت آموزش نیروهای متخصص برای بهره‌گیری بهینه از منافع صنعت گردشگری مرتبط با حج در راستای تحقق اشتغال مفید و سازنده؛
۴. بهره‌مندی از رسانه‌های ملی و مطبوعات، با هدف تنوع بخشی به برنامه‌های تبلیغاتی برای معرفی این مقوله؛
۵. حمایت‌های مناسب مالی، از طریق ایجاد صندوق‌های مالی اعتباری، با مشارکت کشورهای اسلامی در جهت تقویت قدرت رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط.

### جمع بندی

همان‌طوری که اشاره شد، توسعه را می‌توان در برگیرنده چارچوب‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انسانی دانست. در واقع می‌توان گفت که توسعه، مجرای واقعی تحقق آرمان‌ها، امیال و خواست‌های جوامع بشری است. با فرایند توسعه، استعداد‌های سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا

می‌شود؛ چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. توسعه را می‌توان در تعبیر دیگر سیری برای تحکیم روابط اجتماعی و پروراندن استعدادها، استفاده بهینه از مواهب طبیعی و امکان رشد همه اقدار جامعه بیان کرد. در این میان، بی‌تردید توسعه مطلوب جوامع، در گرو تحقق همزمان توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. توسعه را می‌توان بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع بیان کرد. توسعه در طول دوران متمدنی تاکنون، مفاهیم متعددی را داشته است تا جایی که تعریف و مفهوم توسعه، از جنگ جهانی دوم تا امروز، کاملاً تغییر کرده است. توسعه اقتصادی مطلوب اسلام، دارای ابعاد و زوایای است که رسیدن به آن از راه‌های مختص به خود است. یکی از این راه‌ها، فریضه الهی حج است که اگرچه فریضه‌ای عبادی است ولی در بطن خود، دارای ابعاد و ویژگی‌های منحصر به فرد است. یکی از آنها گام برداشتن در راستای تحقق توسعه اقتصادی مطلوب اسلام است. در واقع اگر بخواهیم کلیت اعمال و مناسک حج را در قالب توسعه اقتصادی خلاصه و بیان کنیم، در مواردی چون تحقق عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی مطلوب، رفاه اجتماعی و سرانجام نقش مؤثر و مفیدی که در راستای اشتغال مفید و سازنده با محوریت گردشگری دارد، می‌توان خلاصه کرد.

#### ◀ منابع

۱. کنترل فرهنگ نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا، ادوارد برمن، ترجمه حمید الباسی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶ ه.ش.
۲. دگرگونی در مفاهیم و هدف‌های توسعه، لوئیس بئک، ترجمه: حسین قاضیان، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۱ و ۲.
۳. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ ه.ش.
۴. تغییر اجتماعی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، غلامرضا صدیق اورعی، تهران، پدیده، ۱۳۷۳ ه.ش.
۵. توسعه بر جاده تکنولوژی می‌تازد، علی اسدی، ماهنامه تدبیر شماره ۲ مرداد، ۱۳۶۹ ه.ش.
۶. درباره تعریف توسعه، حسین قاضیان، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، ش. ۴ - ۳، مسلسل ۶۴ - ۶۳، ۱۳۷۱ ه.ش.
۷. فرهنگ استقلال و توسعه، جواد منصوری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴ ه.ش.
۸. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران، مصطفی ازکیا، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ ه.ش.
۹. تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین، ناصر جهانیان، قیسات، شماره ۷.
۱۰. نگاهی نو به مفاهیم توسعه، زاکس وافگانگ، ترجمه: دکتر فریده فرهی، تهران نشر مرکز، ۱۳۷۷ ه.ش.

۱۱. توسعه آفریننده و مخرب ارزش‌ها، دنیس گولت، برنامه و توسعه، شماره ۱۰.
۱۲. مقدمه‌ای بر جهان بینی توحیدی، مرتضی مطهری، وحی و نبوت، چاپ چهارم، قم، صدرا، ۱۳۷۴.
۱۳. تاریخ یعقوبی، احمد ابن واضح یعقوبی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۴. الکافی، ابی جعفر محمدبن یعقوب کلینی، به تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۵. تفسیر نمونه تهران دارالکتب الاسلامیه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳ ه.ش.
۱۶. اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ه.ش.
۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۸. شرح لمعه، شهید ثانی، بیروت، دار العلم الاسلامی.
۱۹. الالفین، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن حلی، نجف، منشورات المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۸ ه.ش.
۲۰. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، تهران، دار المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش.
۲۱. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ابی علی الفضل بن حسن طبرسی، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ه.ق.
۲۲. الفروع من الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، تحقیق و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ه.ش.
۲۳. سلیمان بن اشعث، ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، دار احیاء السنة النبویه.
۲۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حر عاملی، چاپ پنجم، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۲ ه.ق.
۲۵. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه احیاء التراث عربی، ۱۴۰۲ ه.ق.
۲۶. اخلاق و سیاست در جامعه، برتراند راسل، ترجمه محمود حیدریان، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۱ ه.ش.
۲۷. عدل الهی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۸. اصول الفقه، محمدرضا مظفر، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۹. جامعه شناسی ادیان، علی شریعتی، بی‌جا، بی‌تا.
۳۰. معالم الحکومه الاسلامیه، جعفر سبحانی، قم مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع).
۳۱. الحیات، محمدرضا حکیمی، طهران، دائرة الطباعة و النشر، الطبعة الثالثة، ۱۳۵۴ ه.ش.
۳۲. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، چاپ دوم، قم، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۴ ه.ش.
۳۳. زمینه‌های فرهنگی توسعه جهانگردی، ابو الحسن فقیهی و دیگران (مهدی کاظمی)، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جهانگردی در جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۳۴. جهانگردی و چشم‌اندازی جامع، وای چاک گی، ترجمه: علی پارساییان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲ ه.ش.

۳۵. من لایحضره الفقیه، صدوق، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۶. غررال حکم و دررال کلم، ابوالفتح عبدالواحد بن محمد آمدی تمیمی، قم، پیام علمدار.
۳۷. کیمیای سعادت، ابو حامد محمد غزالی، تصحیح حسین خدیوچم، ۱۳۵۴ ه.ش.
۳۸. درآمدی بر منابع و مآخذ جغرافیایی ایران، سید رحیم مشیری و بیژن رحمانی، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ه.ش.
۳۹. مروری بر صنعت گردشگری، سیمین تولایی، تهران، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۴۰. جهانگردی صنعت بدون دود، علیرضا شیرمحمدی، مجله جهانگرد، شماره ۹، ۱۳۷۷ ه.ش.
۴۱. درآمدی بر جهانگردی، صلاح‌الدین محلاتی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰ ه.ش.
۴۲. گردشگری و توسعه در جهان سوم، جان لی، عبدالرضا افتخاری و دیگران، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۸ ه.ش.
۴۳. اصول و مبانی جهانگردی، کوپر و همکاران، ترجمه اکبر غمخوار، تهران، فراماد، ۱۳۸۰ ه.ش.
۴۴. جهانگردی و چشم‌اندازی جامع، وای چاک گی، ترجمه علی پارساییان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲ ه.ش.